

# ریشه های تاریخی ایمان مسیحی

جلد اول

عهد قدیم



[WWW.IRANCATHOLIC.COM](http://WWW.IRANCATHOLIC.COM)

[WWW.IRANCATHOLIC.COM](http://WWW.IRANCATHOLIC.COM)



# خلق نسان



## شرح تصویر صفحه قبل

شمایل روی جلد و صفحه روبرو که از روی مجسمه ای قدیمی در کلیسای بزرگ «شارتر» فرانسه ترسیم شده، مسیح، کلمه خدا را در حال آفریدن آدم نشان می دهد. شاید این تصویر ما را به تعجب وادارد! پس برای اینکه بهتر بتوانیم به مفهوم آن پی ببریم باید در عمق راز مسیح، آدم نوین و کلمه خدا فرو رویم.

در نتیجه مطالعه متون ذیل می توانیم به این حقیقت پی ببریم که کتاب مقدس از همان آغاز کتاب پیدایش با ما از مسیح سخن می گوید.

«اما الان ای خداوند، تو پدر ما هستی  
ما گل هستیم و تو صانع ما هستی  
و جمیع ما مصنوع دستهای تو می باشیم» (اشعیا ۶۴:۸).

«خداوند خدا، آدم را از خاک زمین بسرشت  
و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد» (پیدایش ۲:۷).

«همچنین نیز مکتوب است که  
انسان اول، یعنی آدم، نفس زنده گشت  
اما آدم آخر روح حیات بخش شد» (اول قرتیان ۱۵:۴۵)

«پس خدا آدم را به صورت خود آفرید  
او را به صورت خدا آفرید» (پیدایش ۱:۲۷).

«او (عیسی) صورت خدای نادیده است.  
نخست زاده تمامی آفریدگان.

زیرا که در او همه چیز آفریده شد  
آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است (...)  
همه بوسیله او و برای او آفریده شد

و او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد» (کولسیان ۱:۱۵-۱۷).

«در ابتداء کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود.

همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز بواسطه او آفریده شد

و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت» (یوحنا ۱:۱-۳)

# ریشه‌های تاریخی ایمان مسیحی

## جلد اول

### دنیای عهد عتیق

#### فهرست

۲	..... توضیحات مقدماتی
۸	..... پیشگفتار
۱۳	..... بخش اول : در باب اوضاع تاریخی و جغرافیائی نقشه‌ها و جدولهای تاریخی (رجوع کنید به فهرست ص ۳ و ۴)
۱۱۵	..... بخش دوم : در باب تدوین عهد عتیق
۱۶۰	..... بخش سوم : در باب مفاهیم کتاب مقدسی
۱۶۷	..... بخش چهارم : اسامی خاص عهد عتیق
۲۲۱	..... ضمیمه



## توضیح

- \* ضبط اسامی خاص در این بررسی بر اساس ترجمه عهد عتیق و جدید سال ۱۹۰۴ انجام شده است.
- در برخی موارد بخصوص در مورد تاریخ ایران باستان و ملل مشرق زمین که با تاریخ ایران در ارتباط بوده اند، این اصل رعایت نشده و ضبط معمول در کتب فارسی معتبر ملاک عمل قرار گرفته است. با این وجود برای توجه بیشتر خوانندگان، در فهرست اسامی خاص سعی شده در برابر این اسامی ضبط ترجمه کتاب مقدس فارسی نیز ذکر شود.
- در مورد اسامی خاص مربوط به کتابهای برحق کتاخر، از ترجمه عربی اسامی یونانی استفاده شده است.
- اسامی خاص بررسی شده در این کتاب تنها به اسامی مربوط به مباحث این کتاب می پردازد و طبیعتاً همه اسامی خاص مندرج در عهد عتیق نیامده است.
- \* در این کتاب چندین عبارت یا کلمه به شرح زیر به صورت مخفف استفاده شده است: ر. ک = رجوع کنید؛ ق. م = قبل از میلاد؛ م. = میلادی؛ ص = صفحه.
- \* برخی مباحث و موضوعات که هم مربوط به عهد عتیق و هم عهد جدید می باشد در جلد دوم آمده است مثل پول، گاهشماری، اوزان و اندازه ها.
- \* شماره نویسی آیات و ارجاعات کتاب مقدس در این اثر بر اساس شماره گذاری بین المللی است که گاهی اندکی با ترجمه کتاب مقدس فارسی تفاوت دارد. در این حالت با رجوع به چند آیه بالاتر یا پایین تر، آیه مورد نظر پیدا خواهد شد.
- \* در کتاب حاضر طرز نوشتن ارجاعات کتاب مقدس متأسفانه یک دست نیست و به دو صورت نوشته شده است. به طور مثال خروج ۱۵-۲/۱ یا خروج ۲:۱۵-۱ که در ارجاع اولی از چپ به راست و در دومی از راست به چپ خوانده می شود.
- \* کلمه سفر که در مورد کتب پنجگانه تورات استفاده شده، کلمه ای است عبری و به معنی کتاب.
- \* فهرست هر بخش در ابتدای همان بخش و فهرست نقشه ها، جدولها و نمودارها جداگانه در صفحه ۵ نوشته شده است.
- \* صفحه اول هر بخش با کاغذ رنگی مشخص شده تا بتوانید بخش ها را سریعتر و آسانتر پیدا کنید.
- \* در پایان هر بخش چند صفحه سفید برای نوشتن یادداشتها و مطالب مورد نظر خوانندگان در نظر گرفته شده است.
- \* لطفاً در نقشه ص ۱۳ کوه ایبال به کوه عیبال اصلاح شود.

\* جلد دوم این کتاب با عنوان «ریشه های تاریخی ایمان مسیحی / جلد دوم: عهد جدید» در آینده چاپ خواهد شد که در ادامه کتاب حاضر از صفحه ۲۵۱ به بعد شماره گذاری شده است

## فهرست نقشه ها و نمودارهای تاریخی

صفحه	نقشه ها
۱۷	تاریخی بس محدود در مکان
۱۹	گذرگاه بحرانی فلسطین
۲۱	خاور نزدیک
۲۳	هلال خصیب
۲۵	مراکز پیدایی تمدنها (بین سالهای ۵۰۰۰-۲۰۰۰ ق.م)
۲۷	شهرها، معابد، قلعه ها
۳۱	سیر مهاجرت ابراهیم (مقارن ۱۸۵۰ ق.م)
۳۳	سفرهای ابراهیم در کنعان (حدود سال ۱۸۵۰ ق.م)
۳۷	توسعه سرحدات کشور مصر (۱۵۰۰ سال قبل از میلاد)
۳۷	محل سکونت عبرانیان در مصر (۱۷۰۰ و ۱۲۵۰ ق.م)
۳۹	آزمایش در بیابان (۱۲۵۰ و ۱۲۳۰ ق.م)
۴۱	مسیر قوم اسرائیل از مصر تا قادش
۴۴	مسیر قوم اسرائیل از قادش تا اریحا
۴۹	ساکنین کنعان
۵۱	نقشه فلسطین (جغرافیای طبیعی)
۵۳	برش های طبیعی سرزمین فلسطین
۵۵	نقشه فلسطین (جغرافیای طبیعی)
۵۷	پیروزی عبرانیان بر قبایل کنعان (سال ۱۲۲۰-۱۲۰۰ ق.م)
۵۹	توزیع سرزمین موعود بین قبایل دوازده گانه بنی اسرائیل
۶۲	شهرهای فلسطین در عهد قدیم
۶۴	قلعه صهیون در عهد داود
۶۴	چشمه جیحون، قلعه اورشلیم و تونل زیرزمینی فی مابینشان
۶۶	سرزمین اسرائیل در عهد سلیمان (مقارن ۹۵۰ ق.م)
۶۸	انشقاق مذهبی و سیاسی بین قبایل (حدود سال ۹۰۰ ق.م ۶۶)
۷۲	پیروزیهای آشوریان در قرون نهم و هشتم (ق.م)
۷۴	مهاجرات و اضمحلال قلمرو شمالی
۷۶	اورشلیم بعد از سلیمان
۷۶	کوششهای حزقیا پادشاه در استحکام قلعه اورشلیم
۷۸	حملات مختلف به خاورمیانه از سال ۶۵۰ الی ۶۰۵ ق.م)
۸۰	امپراطوری بابل
۸۲	معابد سرزمین کنعان
۸۴	امپراطوری پارس در حدود سال ۵۰۰ (ق.م)
۸۶	یهودیه و ایالتهای اطراف آن در زمان امپراطوری پارس
۸۸	امپراطوری اسکندر مقدونی در سال ۳۳۰ (ق.م)
۹۱	تقسیمات امپراطوری اسکندر در زمان وفاتش ۳۲۳ (ق.م)
۹۳	فتوحات سلسله عصمونیان ۱۲۶ - ۷۶ ق.م
۹۶	قلمرو الکساندر ژانه (از ۱۰۳ تا ۷۶ ق.م)
۹۹	امپراطوری روم و استانهای آن به هنگام تولد عیسی



## فهرست نقشه ها و نمودارهای تاریخی

صفحه	نمودارها
۱۴	وقایع مهم در زمان عهد عتیق
۱۶	طرح کلی تاریخچه تمدنهای اولیه در خاورمیانه
۳۰	شخصیتهای کتاب مقدس در سیر تکاملی زمان (قسمت اول)
۳۵	الفباهای قدیمی
۳۶	شخصیتهای کتاب مقدس در سیر تکاملی زمان (قسمت دوم)
۴۸	شخصیتهای کتاب مقدس در سیر تکاملی زمان (قسمت سوم)
۷۱	شخصیتهای کتاب مقدس در سیر تکاملی زمان (قسمت چهارم)
۸۳	خداوند نوید منجی داد (تکامل ایمان در زمان تجربه سخت)
۱۰۴	تاریخچه مصر در زمان عبرانیان و خروج
۱۰۵	تاریخ عمومی منطقه خاورمیانه
۱۰۷	از ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح
۱۰۹	از ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد تا تولد مسیح
۱۱۴	سلسله مکابیان و عصمونیان
۱۲۸	عصر انبیا
۱۴۹	در باب نگارش تورات
۱۵۷	در باب نگارش کتاب تثنیه
۱۵۹	نمودار تاریخی نگارش کتب عهد عتیق

## سئوالی که در هر سطر مطرح می شود:

«چگونه بفهمم اگر راهنما نداشته باشیم؟»

کلیسا همواره به یاد ما می آورد که بدون درک عهدعتیق، بسیاری از سخنان عیسی برای ما به صورت معما باقی خواهند ماند و پیام آن را عمیقاً درک نخواهیم کرد.

اما فهم عهدعتیق کار ساده ای نیست! به محض گشودن نخستین کتاب عهدعتیق با سئوالات بسیاری روبرو می شویم که بیم آن می رود ما را به عقب نشینی وادارند یا این تمایل را در ما بوجود آورند که فقط اناجیل را که به نظر ما آشناتر می آیند مطالعه کنیم.

به عنوان مثال به جدول طول عمر اجداد اولیه خود که نامشان در کتاب پیدایش آمده است بپردازیم:

آدم در ۹۳۰ سالگی وفات یافت (۵:۵):

خنوخ در ۹۰۵ سالگی (۱۱:۵):

نوح در ۹۵۰ سالگی (۲۹:۹):

سام در ۶۰۰ سالگی (۱۱:۱۰-۱۱):

تارح در ۲۰۵ سالگی (۳۲:۱۱):

ابراهیم در ۱۷۵ سالگی (۷:۲۵):

سارا در ۱۲۷ سالگی (۱:۲۳):

اسحاق در ۱۸۰ سالگی (۲۸:۳۵):

یوسف در ۱۱۰ سالگی (۲۲:۵۰)

«آیا می فهمی آنچه را می خوانی؟» و هر کس می تواند به شوخی همان جوابی را به این

سئوال بدهد که خواجه حبشی به فیلیپس داد: «چگونه بفهمم اگر راهنما نداشته باشیم؟»

(ع۱:۳۱).

البته ممکن است ما کم حوصله تر از آن شخص حبشی باشیم و کتاب مقدس خود را با ناراحتی ببندیم و مطالعه خود را به خواندن اناجیل محدود سازیم. حتی ممکن است به این استدلال متوسل شویم که «این اعداد از نظر علمی کاملاً غیر ممکن هستند زیرا امکانات بهداشتی در آن زمان بسیار پائین تر از امکانات امروز بوده و می دانیم که هر اندازه کشوری از نظر سطح تمدن بالاتر باشد متوسط عمر در آن افزایش می یابد، در نتیجه طول عمرهای ذکر شده در بالا بدون پایه و اساس هستند! پس...»

شاید بعضی ها خیلی صریح و کمی با سردرگمی پاسخ دهند: «برای خدا غیر ممکن وجود ندارد! این کتاب کلام

خداست. پس این ارقام حقیقت محض هستند.»

چگونه می توان زبان کتاب پیدایش را درک کرد؟ آیا می توان مفهومی را که نویسنده این جملات تعجب آور در

نظر داشته دریافت؟

اگر با دقت بیشتری به این ارقام بنگریم خواهیم دید که عمر پدران قوم بنی اسرائیل به تدریج کاهش یافته است.

آیا این خود یک نشانه نیست؟ اگر تا حدودی با کتاب مقدس آشنایی داشته باشیم می دانیم که حیات برکت خداست و

طول عمر برکت اوست و نشانی از محبت وی به عادلان. «ترس خداوند عمر را طویل می سازد اما سالهای شربان



کوتاه خواهد شد» (امت ۱۰: ۲۷). از سوی دیگر کتاب پیدایش بیانگر عمق یافتن هر چه بیشتر گناه و گسترش آن است (پید ۵: ۶). آیا مسئله کاهش طول عمر انسان در ارتباط با گناه که به تدریج عمیق تر شده و باعث موت در آدم و نسل او گشته نیست؟ (پید ۳: ۱۹).

علی‌رغم این توضیحات، این ارقام شاید باز هم به نظر ما مبالغه‌آمیز برسند. اما متخصصین به ما یادآوری می‌کنند که در مقایسه با متون معاصر آن دوران در بین النهرین که پادشاهان بزرگ و نیاکان ملی در سن سه هزار سالگی از دنیا می‌رفتند، این اعداد کاهش قابل توجهی داشته‌اند. پس نویسنده کتاب پیدایش از سنتی قدیمی پیروی نموده که با نسبت دادن عمری دراز به یک شخصیت براهمیت وی تاکید می‌کرده اما این ارقام را کاهش داده و آنها را به صورتی که کمتر خارق‌العاده به نظر برسند ذکر نموده است و همانطور که گفته شد، تاکید می‌نماید که گناه بیماری حقیقتاً کشنده‌ای است که انسان را حتی امروزه نیز تهدید می‌کند... و این پیام علمی یا پزشکی نیست بلکه پیامی روحانی است... (ر. ک ترجمه بین المللی کتاب مقدس (TOB)، پید ۵: ۵، توضیح).

### اما اگر کسی توضیح ندهد چگونه بفهمیم؟

کتاب حاضر تا حدودی در نظر دارد همان راهنمایی باشد که هر یک از ما به آن نیازمندیم تا بوسیله آن در حکمت کلام خدا وارد شویم. کتابهای بسیار دیگری نیز مورد نیاز هستند که کتاب مقدس را از نقطه نظرهای دیگری خواه الهیاتی، خواه روحانی و خواه پرستشی تکمیل می‌نماید. کتاب حاضر پیشنهاد می‌کند که از در تاریخ و جغرافیا وارد شویم زیرا خدا ابتدا از خلال تجربه‌ای بشری که به تدریج مفهوم روحانی آن را برای ما می‌گشاید با ما سخن می‌گوید. خدا قومی را برگزید و از خلال تجربیات آن قوم طی قرون متمادی می‌خواهد معنی تجربیات بشر و راههای خدا برای نجات انسان و بخشیدن حیات به وی را به ما بفهماند. اگر ما اطلاعاتی از تاریخ قوم برگزیده، جغرافیای آن منطقه، شرایط سیاسی اقوام مجاور، روش نگارش کتاب در آن زمان و روشهای همکاری نویسندگان مختلف برای نوشتن کتب عهدعتیق نداشته باشیم، چگونه خواهیم توانست این کتابها را که معتقدیم کلام خدا هستند درک کنیم؟ پس برای مانوس شدن با کلام خدا باید وقت بگذاریم و پشتکار و تلاشی مداوم داشته باشیم.

برای این کار نمی‌توان پاداشی تعیین کرد: مفهوم زندگیمان برای ما روشن می‌شود و برایمان دری به سوی حیات واقعی در خدا گشوده می‌شود.

پس در تجربه بشری یک قوم فرو رویم تا مفهوم آن را همان گونه که خدا آشکار نموده دریابیم.

### دامی مهلك؟

مراقب باشید! یک الهیدان یا یک متخصص کتاب مقدس ممکن است ایماندار نباشد! پس این کتاب که به عنوان ابزار کار پیشنهاد شده دامی مهلك خواهد بود اگر تصور کنیم با تلنبار کردن اطلاعات در مورد تاریخ قوم برگزیده یا در مورد زندگی خود عیسی مسیح می‌توانیم به حکمت صحف مقدس راه یابیم و خدا را بشناسیم.

«اگر نبوت داشته باشم

و جمیع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم...

و محبت نداشته باشم هیچ هستم» (۱-قرن ۱۳: ۲).

خدا کلام خویش را به یک قوم سپرد:

پس باید آن را از کلیسا دریافت کنیم،

در سکوت بدان گوش فرادهیم،  
در دعا بر آن تعمق کنیم  
و در تلاشی روزمره برای بازگشت و توبه آن را به کار بریم.

پس این کلام حقیقتاً می تواند ما را به درک عمیق رازی برساند که عیسی پیش از ترک شاگردانش به آنها سپرده بود: «به ایشان گفت همین است سخنانی که وقتی با شما بودم گفتم ضروری است که آنچه در تورات موسی و صحف انبیا و زبور درباره من مکتوب است به انجام رسد» (لو ۲۴:۴۵). کلیسا در ادامه راه رسولان می تواند ما را به این درک شیرین کلام خدا، چنانکه ماموریت آن را نیز یافته هدایت کند. همچنین ما باید کلام خدا را در کلیسا بشنویم و نه به تنهایی و در خلوت خود.

پس بایستی روح القدس موعود را بپذیریم و بر متون مقدس تعمق کنیم و در حالی که تمام تلاش خود را برای درک معنای اولیه آن به کمک کتاب حاضر به کار می بریم

«روح راستی شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد» (یو ۱۶:۱۳) ■



## پیشگفتار

در این جهان نوین متحول که بحران های عمیقی سراسر وجود آن را به لرزه درآورده است و از دیگر سوی کوشش وسیعی در راه بازشناسائی ارزش انسان و تاریخ بشری در گرفته است به همراه خوانندگان، ما را عقیده بر این است که ایمانی را که از گذشتگان به ما رسیده است باید حفظ کنیم و یکایک در تکاپو و تلاش آن باشیم که برای دیدار عیسی مسیح که از مرگ برخاسته و در بین ما می زید آماده شویم. تعمق درباره ی عیسی مسیح به معنای تجدید قوای هر کلیسا در جهت اتحاد آدمیان است که خواست خداوند می باشد و این امر برای مسیحیانی که در خدمات بشری قرار گرفته اند، احتراز ناپذیر است.

بدین منظور برای شنیدن کلام خداوند بر ما واجب است که به شناخت کتاب مقدس غنا و گسترش بیشتری بخشیم. با نوری که از روح القدس بر این کوشش می تابد در ایند کلام به بنیان ایمان مشترک مسیحیان راه خواهیم یافت. این نوری است که راه ما را روشن گردانده و سرچشمه ای است که موجب تجدید و تکرار سپاس ما است و آتشی است که حس شفقت ما را شعله ور سازد و دانه ای است که در قلب ما جوانه ی امید یک زندگانی نوین را بر حسب سخنان پطرس رسول برخواهد شکفت:

کلام انبیاء را نیز محکم تر داریم  
که نیکویی کنید اگر در آن اهتمام کنید  
مثل چراغی درخشنده در مکان تاریک  
تا روز بشکافد و ستاره ی صبح در دل های شما طلوع کند.  
(۲ پط ۱: ۱۹)

لذا هدف این کتاب این نیست که سعی در تلخیص کتاب مقدس بدین منظور نموده باشد که خواننده را از مطالعه ی آن معاف دارد، بلکه برعکس انتظار ما بر آن است که کتاب مقدس با صبر و تأنی و دقت بیشتر مطالعه شود و درباره ی کلام خدا از سفر پیدایش تا مکاشفه ی یوحنا ی رسول تعمل و بررسی بع عمل آید. از این جاست که نخستین پرسش مطرح می گردد:

آیا کتاب مقدس نیازی به توضیح دارد؟ کسی که کتاب مقدس را به دقت مورد مطالعه قرار داده باشد و به زیر و بم آن کاملاً آشنا باشد پاسخ این پرسش را نیک می داند. در برابر متن کتاب مقدس خواننده از همان آغاز به یک سلسله مشکلات برخورد می کند که عبارتند از: نام اشخاص و مکان های به ظاهر گم نام و هم چنین به اشارات دائمی به قومی کهن و باستانی که تاریخ آن برایش تا اندازه ای مجهول است و رسوم و عادات آن قوم در انطباق با زندگانی نوینی که درگیران است. به نظرش شگفت آور می آید. در این حالت این خطر وجود دارد خواننده ای که در لا به لای صفحات کتاب مقدس در پی یافتن راه حقیقت و روشنایی و معرفتی بوده است نا امید و خسته کتاب را فرو بندد و از مطالعه ی آن انصراف جوید.

این اشکال بیشتر در خواندن کتاب عهد عتیق به خواننده دست می دهد که وقایع آن مربوط به زمانی بس دور و دراز است و از این جاست که مسیحیان بیشتر ترجیح داده اند که به خواندن کتاب عهد جدید قناعت کنند. آیا این راه حل درستی است و از این طریق امکان غنا و تقویت ایمان وجود دارد؟ آیا ممکن است که ما به راز عیسی مسیح پی بریم و آن را در خود تقویت نمائیم؟ بدون تردید پاسخ این سوال منفی است و در این مورد باید به تجربه ی کسی که فقط به خواندن انجیل قناعت می نماید، توجه نمود. در اناجیلو عیسا به عنوان مسیح، پسر داود، ناجی ای که برای تحقق گفته های پیامبران و عقد پیمان جدید آمده، معرفی گردیده است. چگونه می توان مفاهیم و معانی دقیق این

عبارات را بدون امعان نظر به کتب عهد عتیق دائر بر تحقق این امر و وعده های خداوند به پیامبران عهد عتیق وجود دارد که درک معنای کامل آن جز با عنایت دقیق به متون عهد عتیق میسر نتواند بود.

مجموعه ی کتاب مقدس یک کل ناگسستنی است و معنای کامل آن بر خواننده وقتی روشن تواند بود که از آغاز تا انجام آن را خوانده و در اسرار و استعاره ها و اشارات آن غور و تعمق بسزا نموده باشد. از زمان ابراهیم تا عصر پولس رسول وحی خداوندی به بهای تجربیات، رنج ها و امیدها و جست و جوها و وفاداری یک قوم، اندک اندک در ضمیر بشریت در حال نضج و شکوفایی بوده است. خداوند برای بیان رموز خویش از زبان آدمی، این آفریده ی خویش استفاده برده و بدینسان است که رموز خداوند روز به روز معانی ژرف تری یافته است.

با استشعار بر این تجربیات، این کلمات و این انگاره ها خواننده از آن چنان غنائی سرشار تواند شد که احدی را که به قسمت های مجزا از این متون توجه داشته است. هرگز یا رأی دسترسی بدان تواند بود. در این جاست که توضیحاتی دیگر بر توضیحات پیشین باید افزوده شود: ما نیاز به راهنمایی داریم که ما را به درک معنای دقیق کلام عیسای مسیح در سراسر کتاب مقدس توانا سازد. عیسا خود این نقش راهنما را در مورد شاگردان خود در قریه ی عموآس برعهده گرفت و برای آن که دیدگان ایشان را به راز شخصیت خود از رهگذر عهد عتیق آشکار کند:

*ای بی فهمان و سست دلان از ایمان آوردن به آن چه انبیاء گفته اند آیا نمی بایست که مسیح این زحمات را ببند تا به جلال برسد؟ پس از موسا و سایر انبیاء شروع کرده اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود (لو ۲۷: ۲۴-۲۵).*

مسیحیان نیاز بدان دارند که کتاب مقدس را چون پیامی که خاص این عصر است درک کنند و آن را مژده و نویدی بدانند که سرچشمه ی یک زندگانی نوین و مایه ی یگانگی بیش از پیش با عیسای مسیح است.

کتاب مقدس یک کتاب فلسفی یا لغت نامه حقایق مذهبی نیست و پیامبران نیز معلمان الاهیات نمی باشند. بلکه کلام خداست که ما را فرا می خواند تا زندگانی خود را دگرگون ساخته و سرپای وجودمان را لبریز از محبت گردانیم و هر روز بیش از روز دیگر در زندگانی خداوند و رمز تثلیث اقدس مشارکت نمائیم.

*چون است که مرا خداوندا، خداوندا می گوئید و آن چه می گویم به عمل نمی آورید. هر که نزد من آید و سخنان مرا شنود و آن را به جا آورد شما را نشان می دهم که به چه کسی مشابعت دارد، مثل شخصی است که خانه ای می ساخت و زمین را کنده گود نمود و بنیادش را بر سنگ نهاد. پس چون سیلاب آمده سیل بر آن خانه زور آورد نتوانست آن را جنبش دهد زیرا که بر سنگ بنا شده بود. لیکن هر که شنید و عمل نیاورد مانند شخصی است که خانه ای بر روی زمین بی بنیاد بنا کرد که چون سیل بر آن صدمه زد، فوراً افتاد و خرابی آن خانه عظیم بود (لو ۶: ۴۶-۴۹).*

با خواندن کتاب مقدس از روح القدس تمنا می نمائیم تا نور وی سراسر زندگانی ما را منور گرداند. خواندن انجیل مقدس ما را به سوی کلیسا رهبری می نماید چه روح القدس بر فراز آن مستقر است و معرفت عیسای مسیح در کلیسا به ودیعت نهاده شده است و در کلیسا و به خصوص با شرکت در مراسم دعا، کلام خداوند را می شنویم که ما را روشنائی می بخشد و ما در زندگانی نوینی که ما را به سوی وحدانیت رهبری می کند، تجدید حیات می یابیم.

در این مختصر، خواست ما بیان معانی گوناگون کتاب مقدس و تعیین هدف و حدود آن نیست و درصدد پاسخ گوئی به تمام پرسش هایی که یک مسیحی با خواندن کتاب مقدس خواهد داشت، نمی باشیم. هم چنین قصد ما تشریح معانی گوناگون متن مقدس نبوده و به ویژه نخواسته ایم که خود را جایگزین ارتباط شخصی و اجتناب ناپذیر آدمی با کلام خداوند نمائیم.

هدف ما فراخواندن برادرانمان به یک مطالعه و قرائت جدید کتاب مقدس است و تنها سعی ما در این بوده است که این کوشش را از بهر ایشان برای درک عمیق تر آن تسهیل نمائیم. مفاهیمی از مطالب تاریخی و جغرافیایی آورده ایم

و نشان داده ایم که متون گوناگون و کتب متعدد کتاب مقدس چگونه به تدریج و به مرور دهور نوشته شده است و چگونه نخستین استشعار و درک ابراهیم و موسا از کلام خداوند معنای ژرف تری یافته و چگونه بر غنای آن در روزگاران بس دراز افزوده گردیده تا بر معرفت آدمی به عیسی مسیح و کلیسای وی که در تحت حمایت روح القدس است، انجامیده است.

امیدواریم که مسیحیان به مدد این مختصر مراحل تاریخی امت خداوند را بهتر درک کرده و معنای واقعی و حقیقی این ممارست و تجربت طولانی را که خداوند بدان وسیله اراده فرموده است تا رمز خویش را آشکار ساخته و پرده از سراسر وجود ماجرای زندگانی و تاریخی بشر به کناری کشد، درک نمائیم.

کلام مسیح در شما به دولت مندی، به کمال حکمت ساکن بشود و یک دیگر را تعلیم و نصیحت کنید، به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دل های خود، خدا را بسرائید (کول ۳: ۱۶).

آرزو و نیایش گروه کانون یوحنا رسول نیز چنین است. ■

## مقدمه ای بر جلد اول

در پیش گفتار دیدیم که برای درک واقعی انجیل ناگزیر از درک کتب عهد عتیق هستیم و بر این گفتار دلایلی هر چند کوتاه لیکن اساسی آوردیم. با خواندن این کتاب که از بهر شما فراهم آمده است و با تعمق در مطالب آن و بر حسب مورد رجوع به متون مربوط در کتب عهد عتیق یا کتب عهد جدید به عمق ارتباط این امر بیشتر آگاهی خواهد یافت. شاید آن چه را بتوان در این مقدمه بر آن اضافه نمود این مطلب باشد که خداوند، خود به این امر قناعت ننموده است که آدمی را در چند پیام کوتاه یا کتاب مختصر و دورانی قلیل بر وجود خویشتن آگاهی دهد، بلکه برای نمایاندن چهره ی خویش با صبر و تأنی راه بس دور و درازی را در پیش گرفته و تفصیل مطلب را اندک اندک و جرعه به جرعه در حلقوم تشنه ی بشر چکانده است. از طرف دیگر اگر مسیحیان بخواهند فقط به متون کتاب عهد جدید قناعت ورزند و از مطالعه ی متون کتب عهد عتیق خود را بی نیاز دانند این بدان ماند که خداوند نیز برای نمایاندن چهره ی خود در عیسای مسیح کافی بود که فقط توجه بشر را در چارچوب انجیل به خود جلب نماید و حال آن که در واقع می بینیم که مشیت ربانیش جز این بوده و ما را است که در برابر اراده ی توانای آفریدگار خود سر اطاعت فرود آوریم و کلامش را همان طور که گفتیم از آغاز بشر بشنویم و با تأنی و صبر تا آخرین کلامش به سر آوریم.

ظهور عیسای مسیح تحقق نوشته های عهد عتیق بوده است. سرگذشت وی از آغاز تا به انجام همان است که در کتب عهد عتیق در تحت استعارات و انگاره های گوناگون برشمرده شده است، منتهی برای درک آن نباید چنین اندیشید که خواندن مجموعه ای معضل چون کتب عهد عتیق مشحون از اسماء خاص و امکانه و وقایع تاریخی دوردست به چه کار امروز می آید. چه با تعمق در این وقایع گذشته دوردست است که به فیض روح القدس متوجه خواهیم شد که در واقع تاریخ امروز خود را مرور می نمائیم، چه همان روحی که با انبیاء بنی اسرائیل سخن گفته است، همان روح، امروز در کلیسا سخن می گوید تا ما را به شاهراه ازادگی به یاری عیسای مسیح رهنمون گردد. بیان تاریخی موضوع هرچند به گذشته ای بس دور و دراز تعلق دارد اما معانی آن، همان معانی و مفهوم زندگانی امروز ما است. در تأکید این مطلب کافی است به سخن عیسای مسیح در انجیل توجه نمائیم:

گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم (مت ۵: ۱۷).

شاید در نخستین برخورد با محتویات عهد عتیق و هم چنین عهد جدید این تصور پیش آید که بسیاری از شهرها، دژها، رودها، کوه ها و وادی ها و امکانه جغرافیائی که در این دو مجموعه آمده است یا مربوط به گذشته ای است که نابود شده و از بین رفته است یا سراسر پنداری است.

به مدد علم علم فقط کافی است گفته شود که حتا طول و عرض جغرافیایی این امکانه و شهرها امروز بر آدمی روشن است و تمام آن چه نوشته شده است واقعیت محض داشته و بسیاری از اسناد کهن از مصر گرفته تا فلسطین و بین النهرین و ایران باستان دال بر وقوع آن بوده است. وقایع تاریخی مذکور در کتب عهدین عتیق و جدید را چه بسا در تواریخ عمومی ملل خاورمیانه و ایران باستان و روم باستان باز می یابیم. در این راه مدیون علم باستان شناسی و کاوش هایی هستیم که به خصوص در دو قرن اخیر به عمل آمده است که تمامی دال بر وقوع پدیده های مذکور می باشد. کوتاه سخن آن که در این نخستین جلد قصد آن است که مسیحیان برای تقویت ایمان و دانش خود در معرفت بر راز عیسای مسیح، عهد عتیق را بخوانند.

\* در بخش نخست مراحل تاریخی قوم برگزیده و مللی که هم جوار با این قوم بوده اند، آمده است. در این مورد

نقشه های جغرافیائی به تفهیق موضوع کمک موثری نموده و جداول مقایسه ای تاریخی، خواننده را در وقوف مطالب و تعمق در بطن رخدادها یاری خواهد نمود.

\* در بخش دوم خواننده با آشنایی به کتب مختلف عهد عتیق به طرز نگارش و کتابت آن ها پی خواهد برد. این آشنایی برای خوانندگان اجتناب ناپذیر است، چه از این راه است که پی به افکار و اندیشه ها و دید نگارندگان متون مقدس خواهند برد.

\* بخش سوم شامل راهنمایی اصطلاحاتی است که در عهد عتیق آمده است تا خواننده با مراجعه به آن بتواند بر غنای اطلاعات مکتسب خود و آگاهی عمیق تر به معانی آن پی برد.

مکمل جلد اول، جلد دوم است که به همین نحو در باب کتب عهد جدید سخن می گوید. فقط امتیاز آن این است که دارای فهرست اعلام تفصیلی در باب اسماء خاص می باشد که در هر دو جلد آمده است.

لازم به توضیح است که این اسماء خاص در متن کتاب در گیومه گذاشته شده است تا توجه بدان و رجوع به بهش فهارس تسهیل گردد. املاء این اسماء با املاء ترجمه ی کتب عهد عتیق و جدید که به سال ۱۹۰۴ به همت «انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل» به چاپ رسیده است، تطابق داده شده، مگر برخی از استثنائات جزئی در مورد تاریخ ایران باستان و ملل هم جوار آن که از املاء رایج کتب تاریخی فارسی پیروی گردیده است. ■



## بخش اول

# در باب اوضاع تاریخی

# و جغرافیایی

- فصل اول : ناحیتی کوچک از بهر تجربه ای بزرگ و روحانی
- فصل دوم : خداوند حضرت ابراهیم پدر مومنان را رهبر است
- فصل سوم : خداوند قومش را آزاد می سازد و با وی عهد می بندد
- فصل چهارم : خداوند ارضی عطا می فرماید
- قسمت اول : فتح سرزمین موعود
- قسمت دوم : شکوه و جلال نخستین پادشاهان
- فصل پنجم : خداوند قومش را مطهر می سازد
- فصل ششم : خداوند نوید ناجی داد
- قسمت اول : تحت سلطه پارس
- قسمت دوم : تحت سلطه یونان
- قسمت سوم : تحت نفوذ رومیان

## وقایع مهم در زمان عهد عتیق

در ابتدا، دانستن وقایع زیر کافی است:

از زمان ما قبل تاریخ	فلسطین نسبتاً پر جمعیت
مقارن ۹۰۰۰	: آغاز شکل گرفتن دهکده‌ها (مانند اریحا).
مقارن ۳۵۰۰	: پیدایش قبایلی که بعضی از افراد خود را از فلز می ساختند.
بین ۲۸۰۰-۲۹۰۰	: رو آوردن قبایل به سواحل دریا. سیل مهاجمین شمالی تداوم را دارد.
بین ۲۰۰۰-۲۳۰۰	: پیدایش آموریان که از طرف دریای مدیترانه به طرف شرق در حرکت بودند. هم چنین رخنه کردن کوچ نشینانی که از جانب عربستان و صحرای سینا می آمدند.
مقارن ۲۰۰۰	: آغاز مهاجرت کوچ نشینان سامی نژاد از دره ی فرات به طرف دره ی اردن، صحرای سینا و شمال عربستان. برخی از قبایل که به اسم کنعانیان معروف شدند، در کناره های دریا رحل اقامت گزیدند.
بین ۱۷۰۰-۱۸۰۰	: موج جدید قبایل سامی نژاد در مسیر حرکت اولیه و قبایل غیر سامی مانند قبایل هندوژرمن، که هیکسوس ها را به همراه آوردند.
مقارن ۱۶۸۰	: رو آوردن هیکسوس ها به مصر که قبایل سامی نژاد چوپان بودند. هیکسوس ها به مدت صد سال در مصر حکومت کردند.
۱۵۸۰	: اخراج هیکسوس ها از مصر. هیکسوس ها پس از ترک مصر با قبایل دریایی (که از یونان آمده بودند) در کناره ی دریا مستقر می شوند.
بین ۱۲۳۰-۱۲۵۰	: خروج گروه سامی به همراهی موسا.
مقارن ۱۱۸۵	: رو آوردن فلسطینیان از جانب یونان، کرت و قبرس. آن ها پس از آن که از طرف مصر دفع شدند در کناره ی دریا مستقر گشتند. نام فلسطین از نام این قبیله گرفته شده است.
۱۰۴۰	: سموئیل داور و پیامبر.
۱۰۰۰	: داود شاه.
۹۳۳-۹۳۱	: سلیمان بنای اولین معبد.
	: مرگ سلیمان، انشقاق: تقسیم کشور به دو قلمرو.
۷۲۱	: تسخیر سامره پایتخت قلمرو شمالی توسط سرجون شاه آشور.
۶۲۲	: احیای دین به وسیله ی کتاب تثنیه.
۵۹۷-۵۹۸	: اولین تصرف اورشلیم توسط نبوکد نصر شاه بابل و نخستین تبعید.

دومین تصرف اورشلیم و دومین تبعید.	۵۸۷ (ژوئیه-اوت)
تبعید در بابل.	۵۳۸-۵۸۷
صدور اجازه ی بازگشت به فلسطین از طرف کورش شاه پارس و بابل.	۵۳۸
تجدید بنای معبد.	۵۱۵-۵۲۰
فتوحات اسکندر مقدونی.	۳۲۳-۳۳۳
قیام مکابیان. معبد پس از تصرف، مجدداً تطهیر شد.	۱۶۰-۱۷۵
استقلال تحت رهبری کاهنان بزرگ	۶۳-۱۴۲
پمپه سردار رومی، اورشلیم را متصرف می شود.	۶۳
هیرودیس، پادشاه بزرگ .	۴-۳۷

## فصل اول

### ناحیتی کوچک از بهر تجربه ای بزرگ و روحانی

خداوند دل خود را با شما نبست و شما را برنگزید از این سبب که از سایر قومها کثیرتر بودید، زیرا که شما از همه قومها قلیتر بودید. لیکن از این جهت که خداوند شما را دوست می داشت و می خواست قسم خود را که برای پدران شما خورده به جا آورد. پس خداوند شما را با دست قوی بیرون آورد و از خانه بندگی از دست فرعون، پادشاه مصر فدیة داد.

( تثیبه ۷ : ۷-۸ )

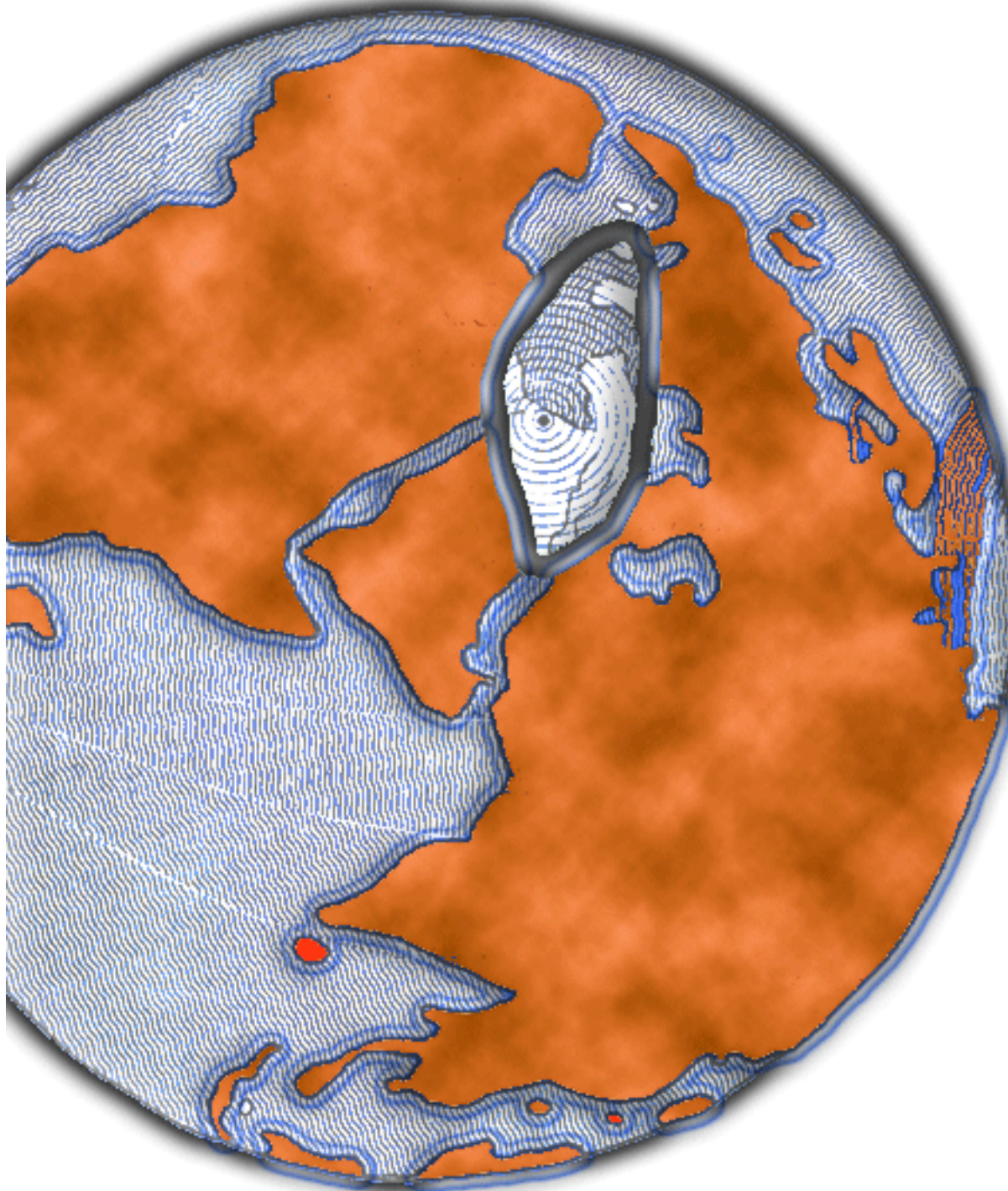
### طرح کلی تاریخچه تمدن های اولیه در خاورمیانه

	۷۰۰۰	
	پیدایش کشاورزی	
	۴۰۰۰	
مصر	کشف آهن	بین النهرین
هیروگلیف ( خط تصویری )	پیدایش خط	خط میخی
	۳۲۰۰	
	۲۶۰۰	سومریان
دوران باستان	۲۴۰۰	آکدی ها
	۲۳۵۰	سومریان نوین
دوران انحطاط	۲۱۰۰	
	۲۰۰۰	سامی ها
دوران میانه	۱۷۸۵	

::: خدا می خواهد جمیع مردم نجات یابند :::

( ۱ تیمو ۳: ۲ )

## تاریخی پسی محدوده هر مکان



کشور های مختلفی که در کتاب مقدس ذکر شده اند نسبت به کل دنیای ما بسیار کوچک هستند و تاریخ قوم برگزیده را به نمایش می گذارند. در صورتیکه پیام خداوند و تجربه این قوم برای همگان می باشد. ■

[WWW.IRANCATHOLIC.COM](http://WWW.IRANCATHOLIC.COM)



اگر فرض شود که زمین در روز اول فروردین ماه یک سال تخیلی به وجود آمده و مسیح در نیمه شب اسفند ماه همان سال متولد گشته است و هر قرن را یک ثانیه در نظر بگیریم، نموداری همانند نمودار این صفحه به دست می آید. ( بدیهی است که اعداد آن بسیار تقریبی بوده و از محاسبات دقیق دانشمندان بدور می باشد ).

\* \* \*  
\* \*

### دلیل این محدودیت چیست؟

خداوند ما را دوست دارد و اراده کرد راز خویش را به جمیع مردم آشکار سازد لیکن این امر بدون دخالت فعال انسانها صورت نگیرد. از این رو برخی انسانها و بعضی گروهها را برگزید تا توسط آنها همه را از نجات خویش بهره مند سازد. زیرا او ما را دوست دارد، با ما صبور است و همراه ما گام برمی دارد.

خداوند خود را در جریان تاریخ یک قوم، ابتدا قوم اسرائیل و سپس کلیسا، آشکار می سازد و امروز نیز از طریق گروهی ناچیز است که همه انسانها را به نجات فرا می خواند. پس برای درک طریقی که خداوند جهت شناساندن خویش به بشر برگزید، لازم است تاریخ این قوم را شناخته راهی را که خداوند برای دعوت ما به نجات انتخاب نمود، دنبال کرد.

اما قبل از اینکه به شرح اتفاقات تاریخی بپردازیم لازم است موقعیت جغرافیائی و طبیعی سرزمین هائی را که این تاریخ در آن به وقوع می پیوندد، بررسی و مطالعه نمود.

\* \* \*  
\* \*  
\*

ساعت ۱۳ دوران چهارم ۴ میلیون سال  
ساعت ۲۳:۵۰ دقیقه انسان هموساپین ۶۰۰۰۰ سال  
ساعت ۲۳:۵۵ دقیقه انسان کرومانیون ۳۰۰۰۰ سال  
ساعت ۲۳:۵۹ دقیقه و ۴۲ ثانیه حضرت ابراهیم  
ساعت ۲۴ عیسی مسیح

۲۰ ثانیه پس از نیمه شب دوران زندگی ما



دوران اول پانصد میلیون سال  
دوران دوم صد و نود میلیون سال  
زمان اوج خزندگان که جثه آنها به ۱۵۰ متر می رسد.  
دوران سوم شصت و پنج میلیون سال

فروردین

اردیبهشت

خرداد

تیر

مرداد

پیدایش زندگی تک سلولی یک میلیارد و چهارصد میلیون سال

شهریور

مهر

آبان

آذر

دی

بهمن

۹

اسفند ۱۳

۲۳

۲۹



## گذرگاه بحرانی فلسطین

فلسطین، در سراسر تاریخ، نقطه‌ی حساس کشمکش‌ها و نزاع‌های منطقه نفوذ قدرت‌های بیگانه بوده است. از ۵۰۰۰ سال پیش نیز این ناحیه، صحنه‌ی انقلاب‌های عظیم و تضادهای بیشمار و گذرگاه اجباری امپراطوری‌های بزرگ در حال توسعه بوده و غالباً میدان نبرد آن‌ها بوده است. به پیکان‌هایی که در نقشه نمایش داده شده است توجه کنید.

- ۱- پیکان - از سال ۲۷۰۰ (ق.م) مصر از راه‌های زمینی و دریائی شروع به تسخیر کنعان می‌کند.
- ۲- پیکان - در سال ۱۶۰۰ (ق.م) حتی‌ها (ساکنان آناتولی) به سوریه و بین‌النهرین حمله کردند و در تصرف این کشورها با مصر رقابت داشتند و سرانجام مصر در سال ۱۲۸۵ (ق.م) در قادش پیروز شد.
- ۳- پیکان - در سال ۱۵۸۰ (ق.م) بعد از این که قوم هیکسوس، توسط مصریان رانده شدند بار دیگر مصریان تا رود فرات پیش روی کردند و نه تنها این سرزمین‌ها را متصرف شدند، بلکه قدرت میتانی را نیز از بین بردند (۱۴۵۰ ق.م).
- ۴- پیکان - در حدود سال ۱۲۰۰ (ق.م) مردم دریانورد (از جمله فلسطینیان) از شمال به ساحل مصر حمله بردند، اما موفق نشدند و مصریان آنان را وادار به عقب‌نشینی به کنعان کردند.
- ۵- پیکان - آشور در قرن نهم (ق.م) به طرف مغرب پیروی کرد و در سال ۷۲۱ (ق.م) بر سامره پیروز شد ولیکن در سال ۶۶۰ (ق.م) توسط مصر مغلوب گردید.
- ۶- پیکان - بابل دولت آشور را از میان برداشت و سپس در سال ۵۹۸ (ق.م) اورشلیم را به قلمرو بابل ضمیمه نمود.
- ۷- پیکان - از سال ۵۵۹ (ق.م) کورش هخامنشی، شاه پارس، بر تمام این کشورها تسلط یافت و تا مصر علیا پیش روی کرد.
- ۸- پیکان - اسکندر مقدونی از سال ۳۳۳ (ق.م) زمام قلم رو پارس را به دست گرفت و باز فلسطین میدان جنگ بین سلوکیان سوریه و بطلمیوسیان اسکندریه شد.
- ۹- پیکان - در سال ۶۳ (ق.م) روم بر امپراتوری سلوکیان و اورشلیم پیروز شد.

در نتیجه بعد از بررسی موضوع فوق، می‌توان دریافت که کتاب مقدس شامل مسائل پیچیده‌ی سیاسی است، چنان که آشکار نیست که قوم برگزیده‌ی خداوند به کجا می‌توانست پناهنده گردد. به مصر یا به آشور و یا به بابل، با توجه به این که این قدرت‌ها ناچار به عبور از فلسطین بودند.

علل این امر چه بود؟ آیا نباید وضع جغرافیایی این نقاط را بررسی نمود تا بتوان منشأ اصلی این برخوردها و رفتار ساکنان این مناطق را دریافت؟





## اوضاع طبیعی خاورمیانه

موقع طبیعی مناطقی را که در نقشه به نظر می رسد اجمالاً بررسی کنیم:

**دریاها:** دریاها به رنگ آبی در چهار گوشه ی نقشه مشاهده می شود.

**جلگه های آبرفتی:** در نقشه ی مقابل، بین این چهار دریا، دو قسمت با ارتفاع کم به رنگ لیموئی مشاهده می شود که نشانه ی رسوبات است. در سمت شرقی نقشه، جلگه ی آبرفتی وسیعی دیده می شود که به وسیله ی دو رود فرات و دجله به وجود آمده (که از ترکیه ی کنونی سرچشمه می گیرند) و به نام بین النهرین معروف شده است. این دو رود در بستر خود گاهی در مرداب ها فرو می ریزند و سرانجام به هم پیوسته و شط العرب را تشکیل می دهند که به خلیج فارس می ریزد، خلیج فارس سابقاً پیش روی بیشتری در خاک داشته و با گذشت زمان به تدریج از رسوخ آن کاسته شده و جنوب بین النهرین را به وجود آورده است.

در سمت غربی نقشه، رسوبات رود نیل مشاهده می گردد که از نقاط دوردست آفریقا سرچشمه گرفته و به صورت یک حاشیه ی باریک و حاصل خیز در دل صحرا دارد و به شکل دلتای وسیعی در می آید.

**کوه ها:** در مشرق، رشته کوه های بین النهرین را در بر گرفته و به صورت حصار مرتفعی در می آید. رشته جبال زاگرس تا توروس (ایران و ارمنستان و ترکیه) کشیده شده که فلات های آن تا ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارند و در برخی قسمت ها این ارتفاع به بالاتر از ۳۰۰۰ متر هم می رسد (در نقشه به رنگ قهوه ای مشخص گردیده است). در سمت غرب، زمینی به شکل سپر دیده می شود که دریای احمر در داخل آن جای دارد. جبال سینا نیز در این منطقه ما بین دو خلیج قرار گرفته است.

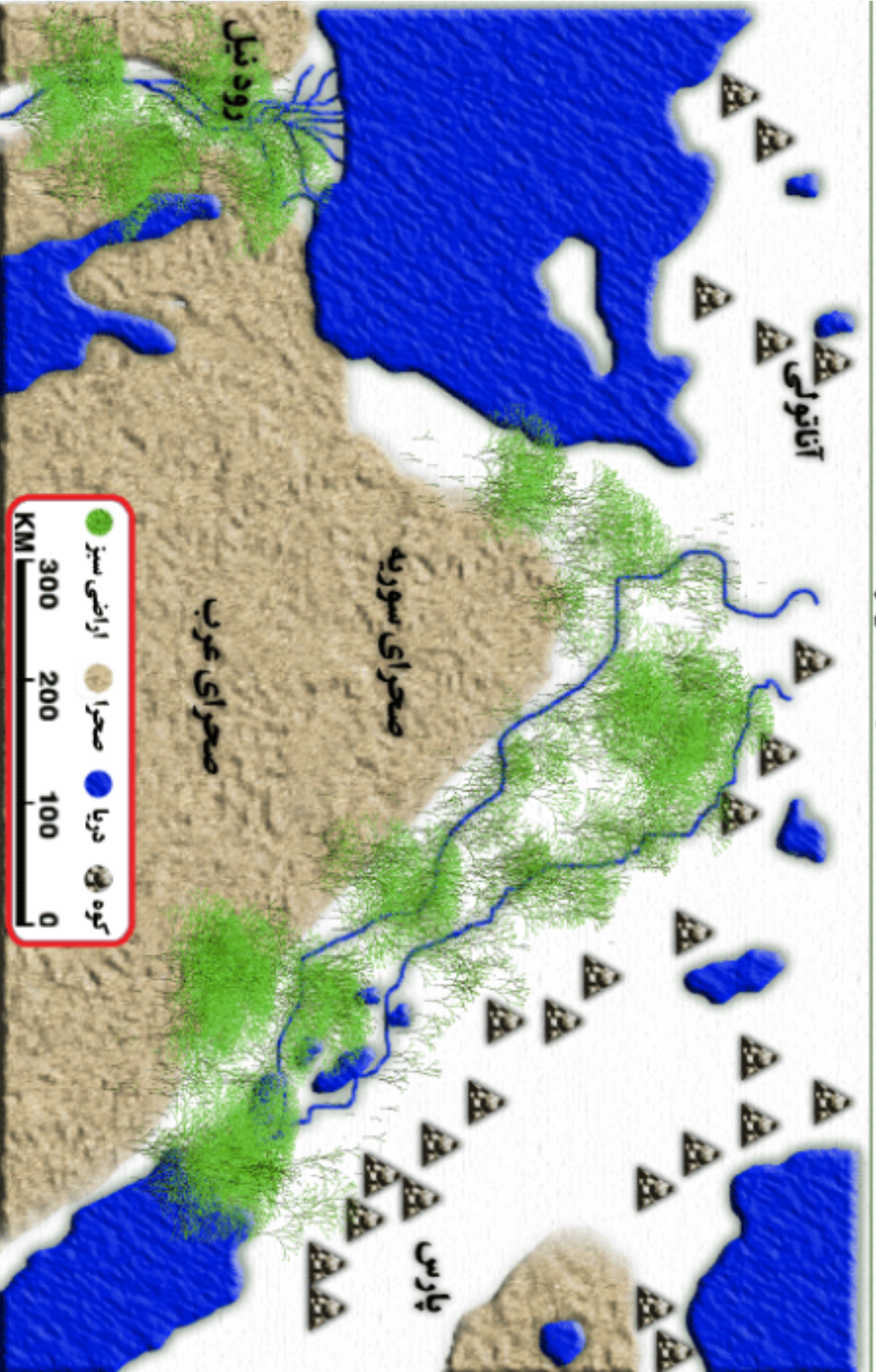
**صحرا:** در مرکز نقشه، صحرای وسیع سوریه و عربستان به رنگ زرد مشاهده می شود و دارای ارتفاع نسبتاً زیادی است که وسعت آن تا جنوب شبه جزیره ی عربستان امتداد دارد.

**گذرگاه ساحلی:** در طول ساحلی مدیترانه به زمین هم واری می رسیم که گاهی به صورت گذرگاهی تنگ در می آید. سلسله جبال لبنان در یک سوی آن مشرف به دریا است. بین دو رشته کوه لبنان و ماورای لبنان که موازی هم هستند دره ای وجود دارد که امتداد آن به جلگه ی آبرفتی رود ارنه در شمال و از طرف جنوب به دره ی عرب، که رود اردن نیز از همین دره عبور می کند، می رسد.

با دید مختصری که از برجستگی های طبیعی زمین به دست آوردیم، می توانیم درک کنیم که به چه صورت اقوام سلف توانستند در این ناحیه مستقر شده و چه نوع ارتباطی با یک دیگر داشته باشند. به عنوان مثال می توان به نقش مهم و اهمیت دو جلگه ی آبرفتی موازی هم یعنی مصر و بین النهرین و هم چنین گذرگاه قهری که بین آن ها ایجاد شده (فلسطین) پی برد.



# هلالی خمینی



## هلال خضیب<sup>۱</sup>

### آب و هوای خاورمیانه

همان طور که در نقشه می بینید سرزمین پهناوری که به وسیله ی چهار دریا محاصره شده مواجه با کمبود آب است. ایران با وجود این که آب و هوای مناطق آن متنوع است دارای آب و هوای خشک است. کویر نسبتاً وسیعی در مرکز آن وجود دارد که باعث خشکی فلات مرکزی ایران می گردد. منطقه ی آناتولی نیز مانند ایران است. با وجود گرمای شدید تابستان و هوای خشک در زمستان درجه ی حرارت شدیداً پائین می آید، این تغییرات فاحش کلاً بستگی به وضع کوهستانی منطقه دارد.

اگر به طرف مغرب پیش رویم و از رشته کوه های زاگرس بگذریم به زمین های هموار بین النهرین می رسیم که آب و هوای استوایی دارد. منطقه ای که از ریزش باران محروم است ولی به سبب داشتن رودهای زیاد، از آب و هوای مرطوب برخوردار می باشد. اگر رودخانه های این منطقه به مرداب ها نریزد و یا در دل شن های روان مدفون نشود، باعث طغیان می شود به طوری که آب همه ی زمین های اطراف را می پوشاند و کشاورزان باید با ایجاد نهر مخصوص محصولات خود را که عبارت از خرما و غلات و غیره است آبیاری کنند.

چنین وضعی را در مصر هم می توان مشاهده کرد که طغیان رود نیل همیشه در تاریخ مصر نقش اساسی داشته و دارد.

بعد از بین النهرین اگر به طرف مغرب توجه کنید، به ناحیه ی منقوطس می رسیم (در نقشه) که علامت کویر است و در کشورهای روسیه و عربستان، مصر و صحرای سینا قرار گرفته و عبور از آن ها حتا با استفاده از شتر امکان پذیر نیست.

شتر که حیوانی بردبار است و به سهولت می تواند از شن ها بگذرد، از سنگلاخ سوریه به سختی عبور می کند.

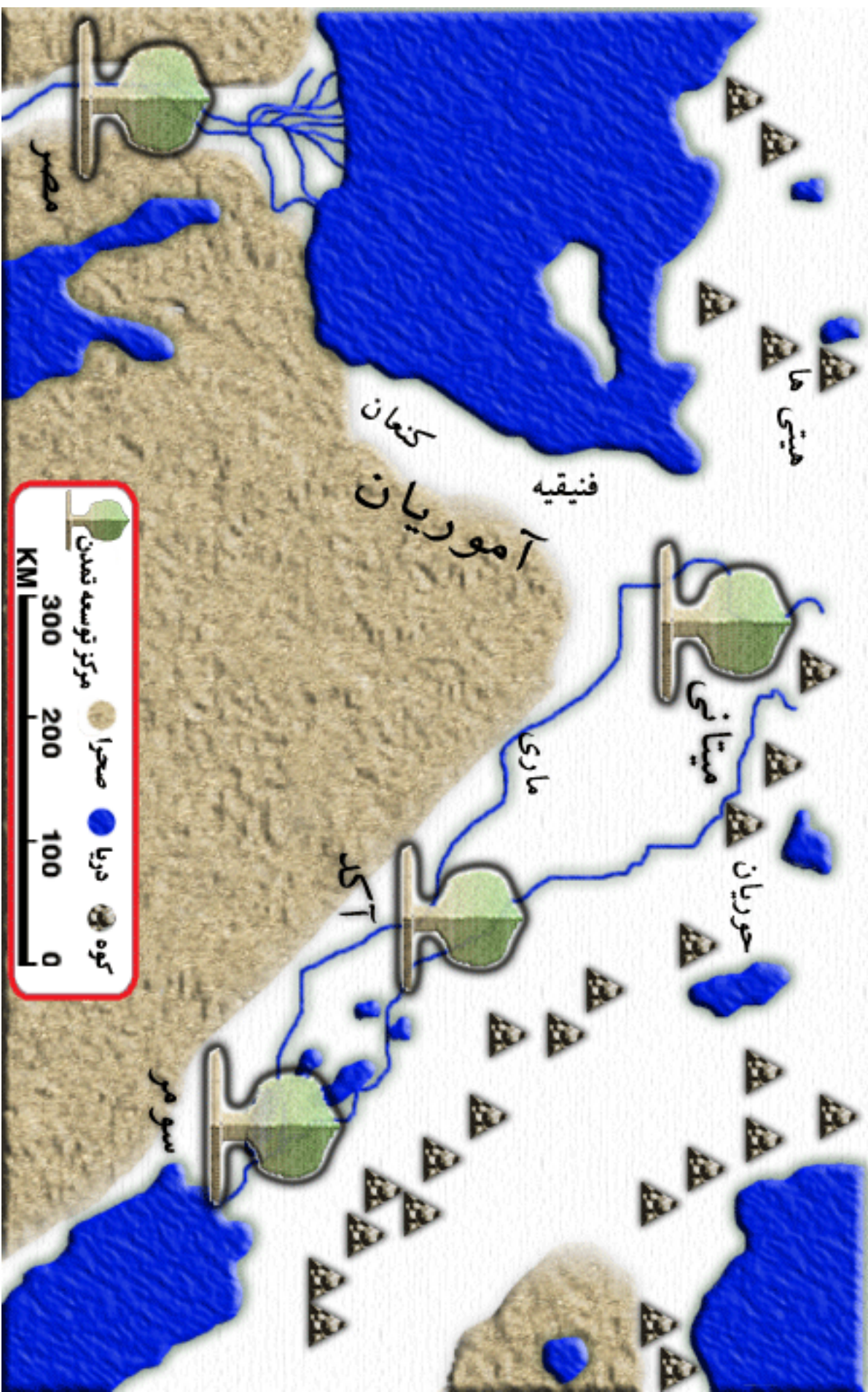
### باغی میان شن ها

با شرایطی که مشاهده کردیم، می توان پی برد که چگونه مردم این منطقه محل سکونت خود را انتخاب کردند. اگر از خلیج فارس دو خط فرضی را در نقشه مجسم کنیم که هر دو به مصر ختم شوند، یکی از خلیج فارس به طور منحنی از کنار رشته کوه های زاگرس عبور کرده تا شمال بین النهرین ادامه می یابد و از کنار دریا گذشته و به مصر می رسد و دیگری به طور مستقیم از خلیج فارس تا مصر ادامه می یابد، نتیجتاً منطقه به صورت یک هلال در می آید. این دو خط، مرز محدوده ای است که در خارج آن موانع صعب العبور طبیعی بسیار وجود دارد. بنابراین در این منطقه ی بایر از جهان، تنها این هلال راه عبور داشته و مکان زندگی است که ما آن را به عنوان هلال خضیب می شناسیم.

۱- کلمه ی خضیب از لغت خصب می آید که به معنای باروری و نعمت و حاصل خیزی و فراوانی می باشد. پس خضیب یعنی حاصل خیز. در اغلب کتاب های جغرافیا به عوض کلمه ی خصیب از لغت خضیب که به معنای سبز رنگ می باشد، استفاده شده است.



مرکز پیشه‌ارویی تمدن‌های دریا وسیع سالکهای 30000-50000 ق.م.ا



## از مصر تا بین النهرین : مراکز پیدایش تمدن ها

سرگذشت خاورمیانه در حقیقت سرگذشت هلال خضیب است. اگر قدری به اطراف این نیم دایره توجه کنیم، خواهیم دید که گروه های مختلف مردم در زمان های خیلی قدیم در آن جا سکونت داشته اند که گاه با یک دیگر هم گام بودند و گاه اختلافات آن ها اسباب بروز مناقشات و جنگ هایی را فراهم می کرده است. این اقوام رفته رفته با بسیاری از پدیده های طبیعی آشنا گردیده و طرق کشاورزی و آبیاری را فرا گرفتند و هم چنین از فلزات بهره برداری کرده نتیجتاً چادر نشینی را تبدیل به زندگی شهری نمودند و نظم اجتماعی و معاملات و زندگی سیاسی را به وجود آورده و سرانجام خط او را اختراع کردند.

از عصر حجر آثاری باقی مانده که حاکی از معماری برجسته ی آن زمان است و نمونه های بارز آن در ایران، آناتولی و به خصوص در بین النهرین، سوریه و فلسطین به جای مانده است.

بین النهرین، مهد واقعی تمدن آن زمان به شمار می رود. در بدو تاریخ در قسمت جنوب بین النهرین، «سومری ها» و در قسمت شمال، «سامی های ماری» و «اکد» با «حوریان» مخلوط شده بودند. زمانی که امپراتوری های بزرگ قدرت پیدا کردند به مغرب زمین تمایل زیادی نشان دادند.

مصر که مشکل اصلی سیاسی اش بستگی به اتحاد سرزمین طویل و باریک خود دارد سعی می کرد که به طرف شمال نفوذ کند و بر قلمرو خود بیافزاید.

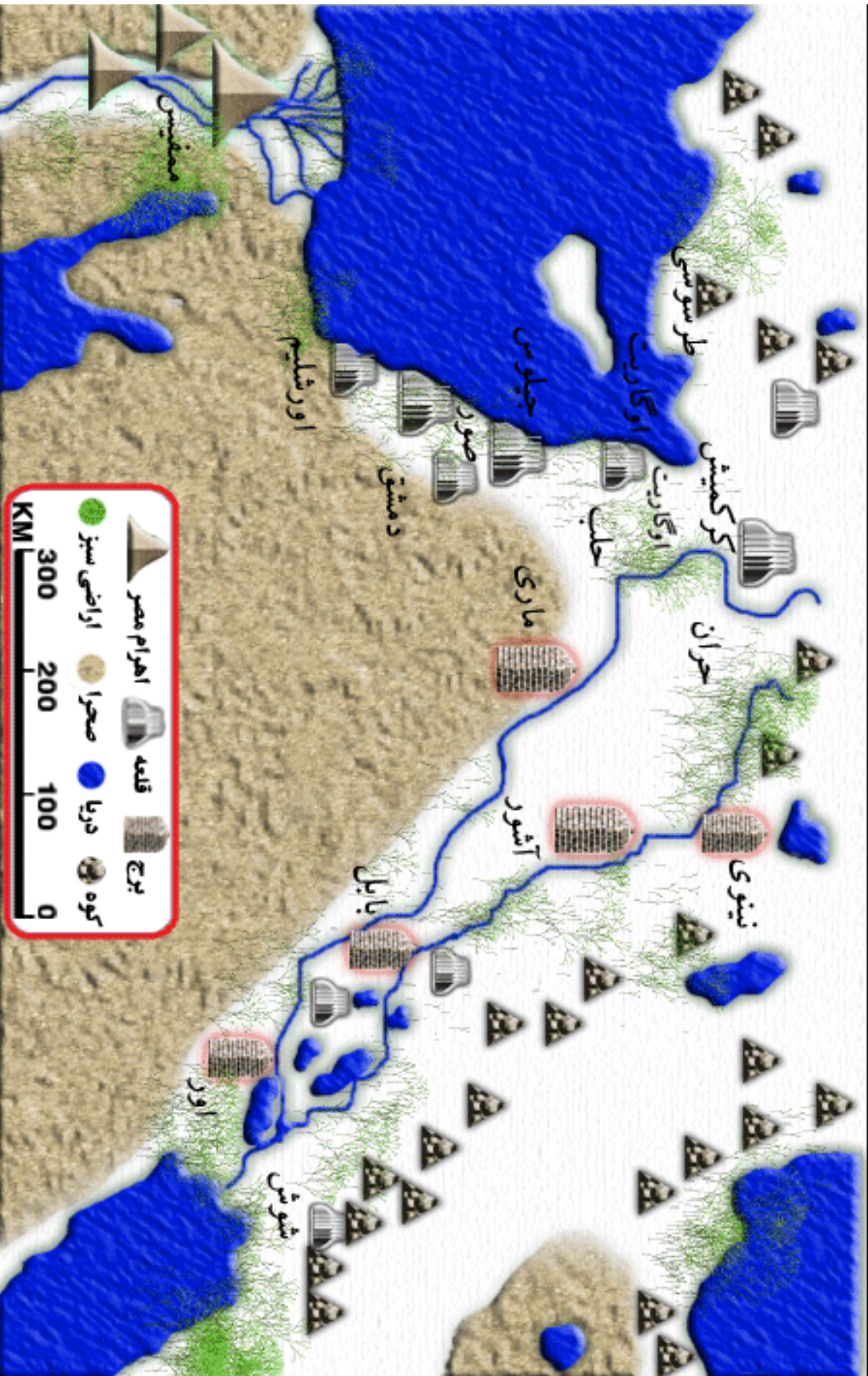
«حتی ها» را نیز باید در زمان کوتاهی در این صحنه تصور کرد. «حتی ها» از نژاد «هندواروپایی» ساکن آسیای صغیر بودند. اینان گاهی با مصر متحد می شدند و زمانی علیه آن قیام می کردند.

بین این سه مبداء تمدن (بین النهرین، مصر و حتی) ساحل فلسطین و سوریه، نقش گذرگاه همیشگی و پرقابتی را بر عهده داشت که مردم ساکن آن (فینیقی ها، کنعانیان و فلسطینیان) تحت تأثیر ویژگی ها، جنگ ها و اتفاقات مهم کشورهای نامبرده قرار می گرفتند.

در این جا می توان، از حرکت طایفه ی «سامی» (آموریان) نام برد که چادر نشین بودند و در کنار «صحرای سوریه» سکونت داشتند. این قوم به طور مداوم به سوی شهرهای متمدن هلال خضیب حمله می کردند. در حقیقت ترکیب قدرت های فوق تاریخ «خاورمیانه» را تشکیل داده است.



## شهرها ، معاينه ، قلعه ها





## شهرها، معابد و قلعه ها

ساکنان هلال خصیب به بنیاد شهرها، معابد و قلعه ها پرداختند، همان طور که در نقشه مشاهده می شود: در حاشیه ی صحرا به گروه های «سامی» دوره گرد با گله های گوسفند و بز و الاغ هایی که لوازم زندگی آنان را حمل می کردند و در حال کوچ کردن بودند، بر می خوریم. در این زمان شتر نیبیز مورد استفاده ی آنان قرار می گرفت. این گروه ناچارت بودند که مرتب از جایی به جای دیگر نقل مکان کنند و دنبال زمین های حاصل خیز از منطقه ای به منطقه ی دیگر بروند. ضمناً آن ها مسلح بودند. به همین جهت مردمان ده نشین کشاورز همیشه در ترس و هراس از این قبیل گروه ها به سر می برند.

در اصراف نخلستان های هلال خصیب تمدن های چشم گیری را مشاهده می کنیم. قبل از همه «بین النهرین» که شهر «اور» در جنوب آن، «بابل» در مرکز، «آشور» و «نینوا» در شمال و شهر «ماری» در کنار رود «فرات» قرار دارد. شهرهای مزبور بزرگترین شهرهای متمدن آن روز بوده اند. باستان شناسان با حفاری های خود، آثار شکوه مندی را که نشانه ی قدرت فنی و هنری مردم آن عصر بوده است در دسترس جامعه ی متمدن امروز قرار داده اند. باستان شناسان تاریخ بنیاد، نکامل و زوال متقابل آن ها و اشغال سرزمین ایشان را توسط سلسله های پی در پی بازیافته اند. هم چنین است در «مصر» مثلاً شهر «ممفیس» پایتخت سلسله ی قدیمی.

در این دوران به نخستین بناهای بزرگ مذهبی مانند معابد، زیگورات (برج) «اهرام» و دیگر آثار نفیس بر می خوریم.

طبیعی است که این کشورهای متمدن در اولین وهله متوجه دفاع از کشور و تمدن خود بوده و به همین علت دژهای زیادی بنا کرده اند. به خصوص در «بین النهرین» و سایر نقاط حساس گذرگاه که شامل «کرکمیش» در شمال و امتداد گذرگاه فلسطین و به خصوص در جاده هایی که اهمیت سوق الجیشی داشته است. مردم فلسطین از قدیم شاهد جنگ های زیادی بودند و به همین جهت شم نظامی خوبی داشتند و از ابتدا آمادگی و استعداد جنگ جویی و به کار بردن فنون جنگی را در میدان های کارزار دارا بوده اند.

در شمال بین النهرین و سوریه، رفته رفته آبادی های کوچکی به وجود می آمد که البته از نظر نظامی و فرهنگی نمی توانست با شهرهای متمدن آن زمان برابری کند ولیکن از نظر موقعیت جغرافیایی در وضع ویژه ای قرار گرفته و گذرگاه و محل برخورد بوده است مانند «حران» و «حلب» و «دمشق» که دمشق از نظر اقتصادی و داد و ستد در آینده ی نزدیک از موقع ممتاز تجاری برخوردار گردید، چنان که بعدها میزبان طایفه ی چادر نشین «آرامیان» گردید. در سواحل مدیترانه و دریای سرخ، رفت و آمد دریائی توأم با آرامشی که کاملاً به نفع دولت مصر بود، رواج داشت ولی کمی بعد «فنیقیان» که در امر خرید و فروش مهارت خاصی داشتند به قدرت دریائی بیشتری دست یافتند و جریان را به نفع خود تغییر دادند.

## پیدایش خط

از عصر حجر انسان بر روی دیوارها و وسائل زندگی، علائمی برای خود رسم می کرد. هنگامی که انسان های اولیه، شهرنشین شدند و نیاز به قوانین اجتماعی و تجاری پیدا کردند دیگر استفاده از چوب های ساده برای شمردن و نقاشی وسایل زندگی برای رفع احتیاجاتشان کافی نبود. بنابراین به یادداشت های کتبی و گویا نیاز داشتند. جای تأسف است که اطلاع دقیقی از نحوه ی اختراع خط در دست نیست، ولی در حدود ۲ هزار سال ق.م در سرزمین بین النهرین و مصر از آن استفاده می شده است.

در بین النهرین، سومریان بر روی لوحه های خاک رس، علائمی با دشنه می کنند که به صورت سه گوش بوده و به همین دلیل به خط میخی معروف شده است.

در کنار ردو نیل، پاپیرس (گیاهی از انواع نی که مصریان در قدیم از ساقه ی این گیاه نوارهای باریک جدا کرده و آن ها را به هم می چسبانند و از آن به عنوان کاغذ برای نوشتن استفاده می کردند) فراوان بود و مصریان پی بردند که می توان بر روی آن با مرکب نوشت. علائمی که آنان انتخاب کرده بودند بی شباهت به خط تصویری نبود که به هیروگلیف معروف است.

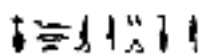
سرانجام در شهر اوگاریت در حدود ۱۵۰۰ ق.م توانستند الفبا را به صورت ۳۰ علامت مختصر در بیاورند و این علائم همان خط میخی بود که انقلاب بزرگی در به وجود آمدن خط پدید آورد. در این میان فنیقی رها که رفت و آمد زیادی با ممالک دیگر داشتند با ساده کردن این خط آن را به کار بردند.

\* \* \*

به عنوان نمونه کلمه ی اورشلیم در خط میخی که از چپ به راست نوشته می شود در نوشتجات پادشاه سنخاریب (قرن ۷ ق.م) به این شکل بوده است:



و هم چنین کلمه ی نفرتی تی (Nefertiti) در خط هیروگلیفی که آن هم از چپ به راست نوشته می شد، به شکل زیر می باشد. نفرتی تی نام ملکه ی مصر به معنی زن زیبا می باشد و او زن آختاتون، فرعون مصر بوده که در قرن ۱۴ ق.م می زیسته است:



برای اطلاعات بیشتر در این مورد رجوع کنید به صفحه ی ۳۵.

## فصل دوم

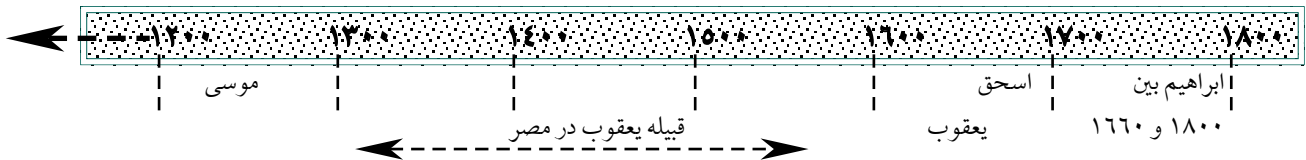
### حداوند حضرت ابراهیم پدر مومنان را رهبر است

پدر من ابراهیم آرامی آواره بود ، و با عددی قلیل به مصر فرو برده شد ، در آنجا غربت پذیرفت و در آنجا امتی عظیم و بزرگ و کثیر شد.

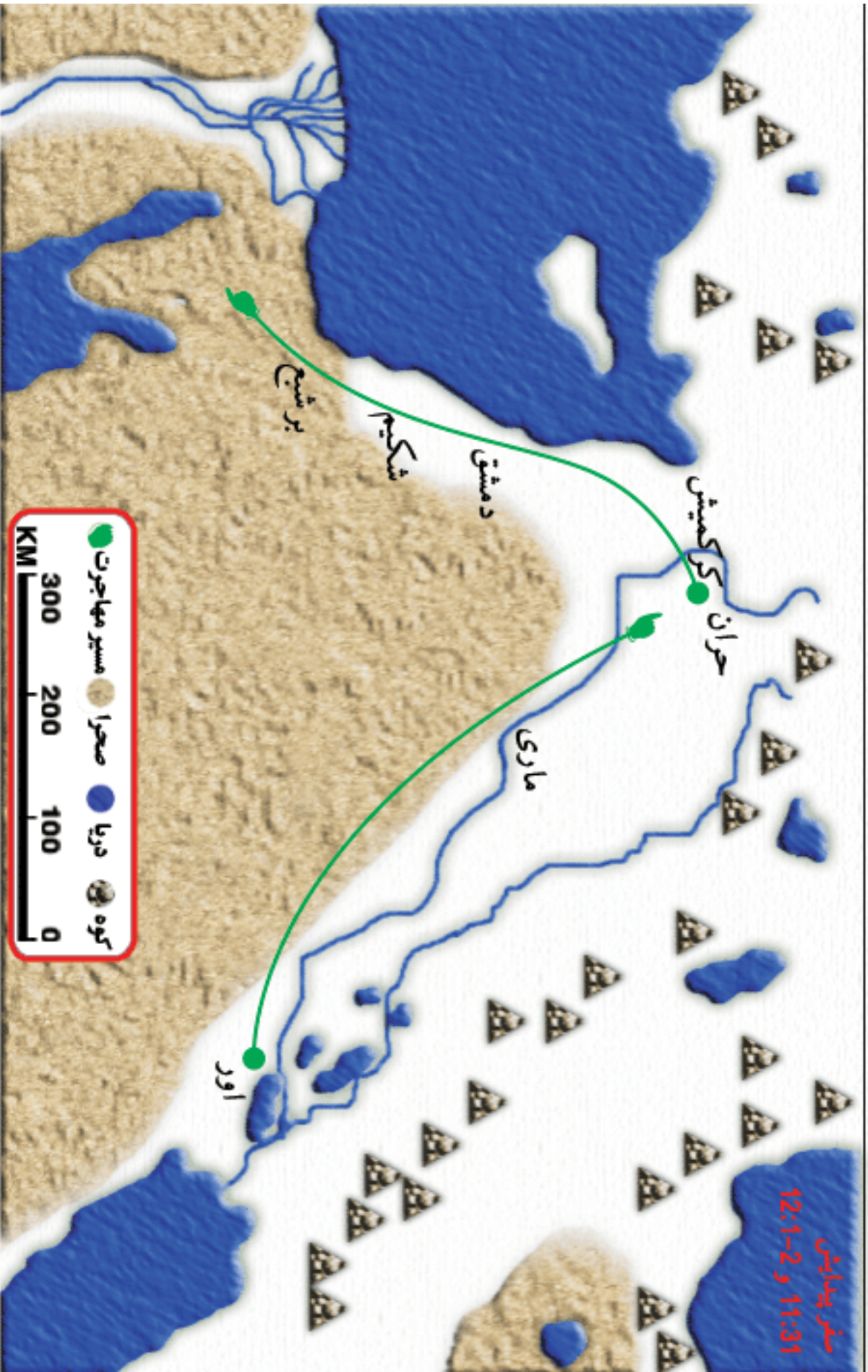
( تنبیه ۵ : ۲۶ )

#### شخصیت های کتاب مقدس در سیر تکاملی زمان :

قسمت اول



# مسیر مهاجرت ابراهیم (مقارن 1850 ق.م)



## سرگذشت ملت های قبل از ظهور حضرت ابراهیم

حضرت ابراهیم زمانی در صفحه ی تورات پدیدار گشت که ملل ناحیه ی هلال خصیب زیربنای تاریخ خود را پی ریزی کرده و تحولات عظیمی در آن ها به وجود آورده بود. از زمان تأسیس تمدن کهنسال مصریان و سومریان تا زمان حضرت ابراهیم چندین قرن گذشته بود. از بدو پیدایش انسان بر روی زمین تا زمان ظهور حضرت ابراهیم احتمالاً حدود یک میلیون سال می گذشت. آن چه مسلم است در این دوران بس طولانی حوادث و اتفاقات و تغییر و تحولات بی شماری رخ داده بود.

در تورات شاهد وقایع بسیاری هستیم که یکی از آن ها واقعه ی برج بابل است که نشان دهنده ی پایه گذاری تاریخ و احداث شهرها و معابد بوده و حاکی از مشکلات داد و ستد و اختلاف زبانی می باشد. به وجود آمدن چنین تمدنی باعث آن شد که کوچ نشینان کویرها و صحراها رو به سوی شهرها و سرزمین های متمدن آورده و به سوی آن ها جذب گردند.

فی المثل در حدود سال های ۲۳۰۰ (ق.م)، اقوام سامی که قومی صحراگرد بودند و سلسله ی اکد را پایه گذاری کردند و بر سومریان تسلط یافتند. سومریان بعد از شکست هم چنان فرهنگ و تمدن خود را حفظ کرده و برای مدت کوتاهی دوباره استقلال خود را به دست آوردند، ولی سرانجام به طور دائم زیر سلطه ی آموریان (یکی از قبایل سامی) درآمدند. آموریان اولین سلسله ای هستند که سلسله ی بابلی ها را پی ریزی کردند و در قرن حمورابی به قدرت و شوکت رسیدند ولیکن بابل نیز به سهم خود مغلوب اقوامی شد که از کوه های شمال سرازیر شده بودند (حدود ۱۶۵۰ ق.م).

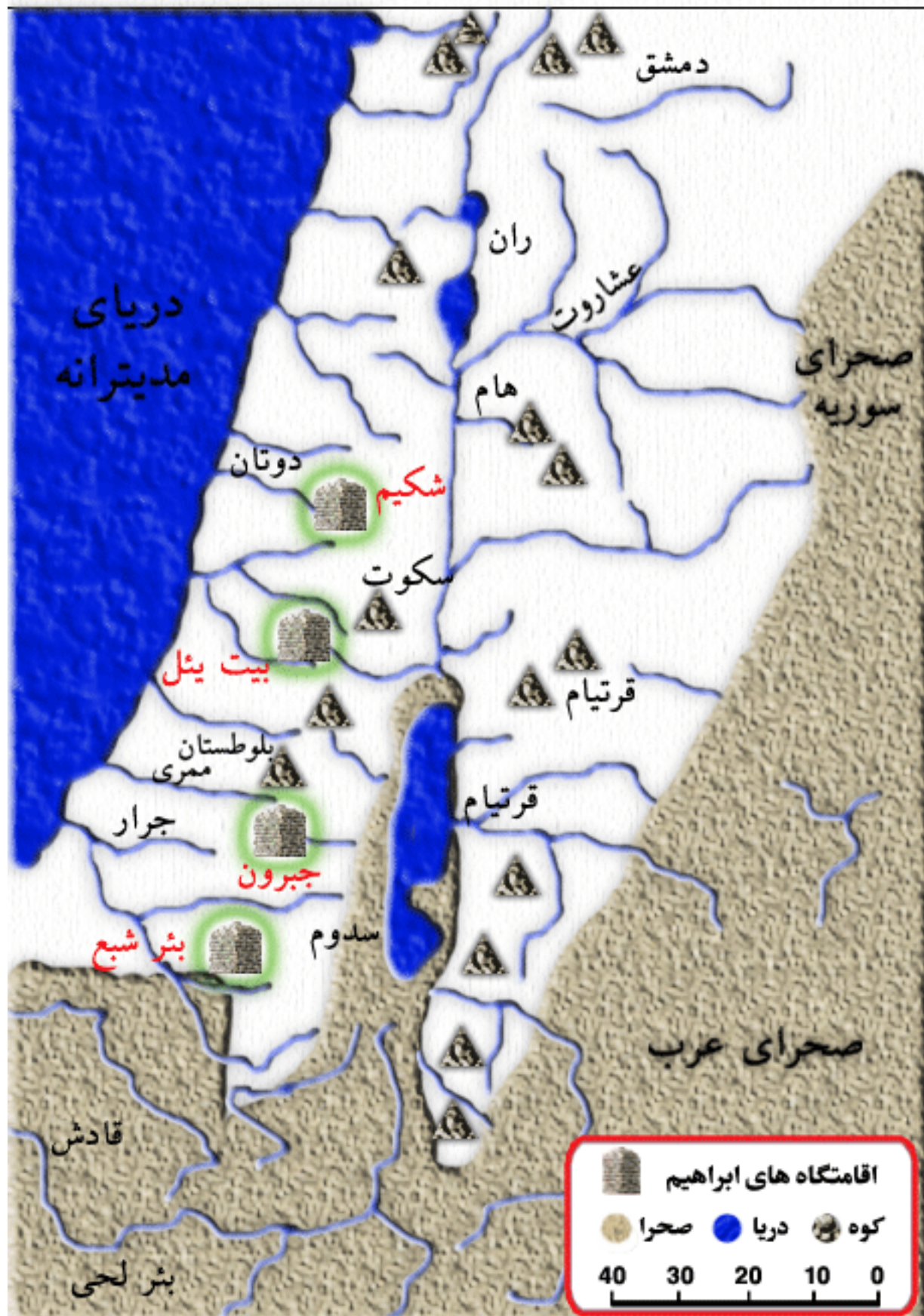
سفر بزرگ ابراهیم، پدر مومنان، در دوران مهاجرت های بزرگ، زمانی آغاز شد که سامی ها در جلگه های سوریه و کناره های هلال خصیب و ایالات آن ناحیه به رفت و آمد مشغول بودند.

### یادآوری:

برای درک بهتر متونی از کتاب مقدس که به این دوران مربوط می باشد به بخش دوم همین کتاب صفحات ۱۴۲ الی ۱۴۸ و کتاب پیدایش چه می گوید؟ صفحه ی ۴۲ الی ۶۴ رجوع کنید. که در کتابخانه سایت می توانید آن را بیابید...



# شهرهای ابراهیم در کنعان (حدود سال 1850 ق.م)



## سفرهای حضرت ابراهیم در کنعان

اینک یکی از قبایل شبانان سرگشته را که دارای گله های کوچکی بود، به شما معرفی می کنیم. با در نظر گرفتن متن سفر پیدایش (باب های ۱۲ الی ۵۰) به مسیر و سرگذشت مهاجرت آن ها می توان پی برد (نقشه ی صفحه ی ۳۱). ایل تارح، پدر ابراهیم که قصد داشت از بت پرستی قوم خود رهائی پیدا کند، رفته رفته به طرف جنوب کنعان روانه گردید (نقشه ی صفحه ی ۳۳). طبق نوشته های عهد عتیق از شکیم و بیت ئیل و حبرون و بئر شبع و جرار و نگب گذشت و حتا جهت یافتن آذوقه به طرف مصر هم حرکت کرده است.

تورات سرنوشت پیشوایان مذهبی و نیاکان آن ها را نقل می کند و محل هائی را که در آن جا زندگی کرده اند، ذکر می نماید (لشگر کشی ابراهیم تا شهر دان، سرگذشت یعقوب در پنوئیل و شهر سکوت). حال به این مسأله پی می بریم که قوم برگزیده ی خداوند از نظر خویشاوندی و شرکت در وقایع مختلف زندگی از یک نژاد یعنی از نژاد سامی بودند که در کنعان و اطراف آن زندگی می کردند (ادومیان، عمونیان و موآبیان).

البته تعدادی از آداب و رسومی که در نزد پیشوایان مذهبی ظاهر شده است، حاکی از وجود ابراهیم در میان آن هاست و هم چنین طرز زندگی او در بین النهرین در سال ۱۵۰۰ (ق.م)، منعکس می نماید (بعضی از قوانین و اصول سومریان و بابلیان امروز شناخته شده است).

از این به بعد تاریخ قوم برگزیده ی خداوند وارد مرحله ی مهمی می شود:

تولد اسحق، پسر ابراهیم که امید بزرگی را در دل ها زنده کرد.

قربانی اسحق در راه خدا که نشانه ی قربانی شدن عیسیای مسیح بود.

دعوت خداوند از یعقوب و برگزیدن او به عنوان مبداء دوازده طایفه ی بنی اسرائیل (دوازده طایفه ی بنی اسرائیل خود را به دوازده پسر یعقوب نسبت می دادند).

و همین طور سرگذشت شگفت آوریمی از پسران یعقوب به نام یوسف در مصر.

به موجب این احادیث قوم برگزیده که بعد از اسارت مصریان رها می یافت به دعوت مرد بی نام و نشان آرامی یعنی

حضرت ابراهیم پاسخ مثبت داد.

پدر من یک آرامی آواره بود که با قومی کوچک به مصر فرود آمد و در غربت امتی عظیم و کثیر پیدا کرد (تث

۵:۲۶).

ارجاع به :

برگ های زرین کتاب مقدس ۱۱ الی ۲۱ ( قابل دانلود از طریق همین سایت )



الفباهاي قديمي

SINAI 1600 - 1500 B.C.	א	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ל	מ	נ	ס	פ	צ	ק	ר	ש	ת	מיתקי 1500 - 1600
UGARIT 1400 - 1300 B.C.	𐎀	𐎁	𐎂	𐎃	𐎄	𐎅	𐎆	𐎇	𐎈	𐎉	𐎊	𐎋	𐎌	𐎍	𐎎	𐎏	𐎐	𐎑	𐎒	𐎓	لوزيتي 1400 - 1500	
BYBLOS 1300 - 1000 B.C.	כ	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ל	מ	נ	ס	פ	צ	ק	ר	ש	ת	سپارسي 1300 - 1400	
HIERATIC 700 B.C.	Ⲁ	ⲁ	Ⲃ	ⲃ	Ⲅ	ⲅ	Ⲇ	ⲇ	Ⲉ	ⲉ	Ⲋ	ⲋ	Ⲍ	ⲍ	Ⲏ	ⲏ	Ⲑ	ⲑ	Ⲓ	ⲓ	هيرايتي 650...	
MOAB 1000 - 900 B.C.	א	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ל	מ	נ	ס	פ	צ	ק	ר	ש	ת	موابي 900...-1000
ARAMIC 900 B.C. 272 A.D.	ܐ	܂	܃	܄	܅	܆	܇	܈	܉	܊	܋	܌	܍	܎	܏	ܐ	ܑ	ܒ	ܓ	ܔ	آرامي 900...-1000	
HEBREW 1000 - 500 B.C.	א	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ל	מ	נ	ס	פ	צ	ק	ר	ש	עبري 1000...-1500	
PETRA 400 B.C. 100 A.D.	Ⲁ	ⲁ	Ⲃ	ⲃ	Ⲅ	ⲅ	Ⲇ	ⲇ	Ⲉ	ⲉ	Ⲋ	ⲋ	Ⲍ	ⲍ	Ⲏ	ⲏ	Ⲑ	ⲑ	Ⲓ	ⲓ	نبطي 100...-1500	
S. ARABIAN 300 B.C. 700 A.D.	Ⲁ	ⲁ	Ⲃ	ⲃ	Ⲅ	ⲅ	Ⲇ	ⲇ	Ⲉ	ⲉ	Ⲋ	ⲋ	Ⲍ	ⲍ	Ⲏ	ⲏ	Ⲑ	ⲑ	Ⲓ	ⲓ	عربي جنوب 100...-1500	
PALMYRENEAN 44 B.C. 272 A.D.	Ⲁ	ⲁ	Ⲃ	ⲃ	Ⲅ	ⲅ	Ⲇ	ⲇ	Ⲉ	ⲉ	Ⲋ	ⲋ	Ⲍ	ⲍ	Ⲏ	ⲏ	Ⲑ	ⲑ	Ⲓ	ⲓ	نظري 100...-1500	
SYRIAC 200 A.D.	ܐ	܂	܃	܄	܅	܆	܇	܈	܉	܊	܋	܌	܍	܎	܏	ܐ	ܑ	ܒ	ܓ	ܔ	سورياني 100...	
SYRIAC 200 A.D.	Ⲁ	ⲁ	Ⲃ	ⲃ	Ⲅ	ⲅ	Ⲇ	ⲇ	Ⲉ	ⲉ	Ⲋ	ⲋ	Ⲍ	ⲍ	Ⲏ	ⲏ	Ⲑ	ⲑ	Ⲓ	ⲓ	سورياني 100...	
MANDEAN 600 A.D.	Ⲁ	ⲁ	Ⲃ	ⲃ	Ⲅ	ⲅ	Ⲇ	ⲇ	Ⲉ	ⲉ	Ⲋ	ⲋ	Ⲍ	ⲍ	Ⲏ	ⲏ	Ⲑ	ⲑ	Ⲓ	ⲓ	ماندي 100...	
LATIN 900 A.D.	A	B	G	D	H	H	W	Z	H	K	T	Z	Y	K	L	M	N	S	C	G	H	لاتيني 100...
ARAB 200 A.D.	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ظ	ا	ي	ك	ل	م	ن	س	ع	غ	ف	ق	عربي 100...

## فصل سوم

### خداوند قومش را آزاد می سازد و با وی عهد می بندد

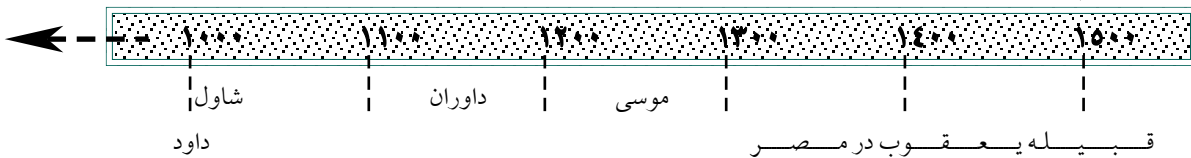
از ایام پیشین که قبل از تو بوده است، از روزی که خدا آدم را بر زمین آفرید و از یک کناره آسمان تا به کناره دیگر پیرس که مثل این امر عظیم واقع شده یا مثل این شنیده شده است؟ آیا قومی هرگز آواز خدا را که از میان آتش متکلم شود، شنیده باشند و زنده بمانند چنانکه تو شنیدی؟

و آیا خدا عزیمت کرد که برود و قومی برای خود از میان قوم دیگر بگیرد با تجربه ها و آیات و معجزات و جنگ و دست قوی و بازوی دراز شده و ترس های عظیم موافق هر آنچه یهوه خدای شما برای شما در مصر در نظر شما به عمل آورد.

( تنبیه ۴ : ۳۲ - ۳۴ )

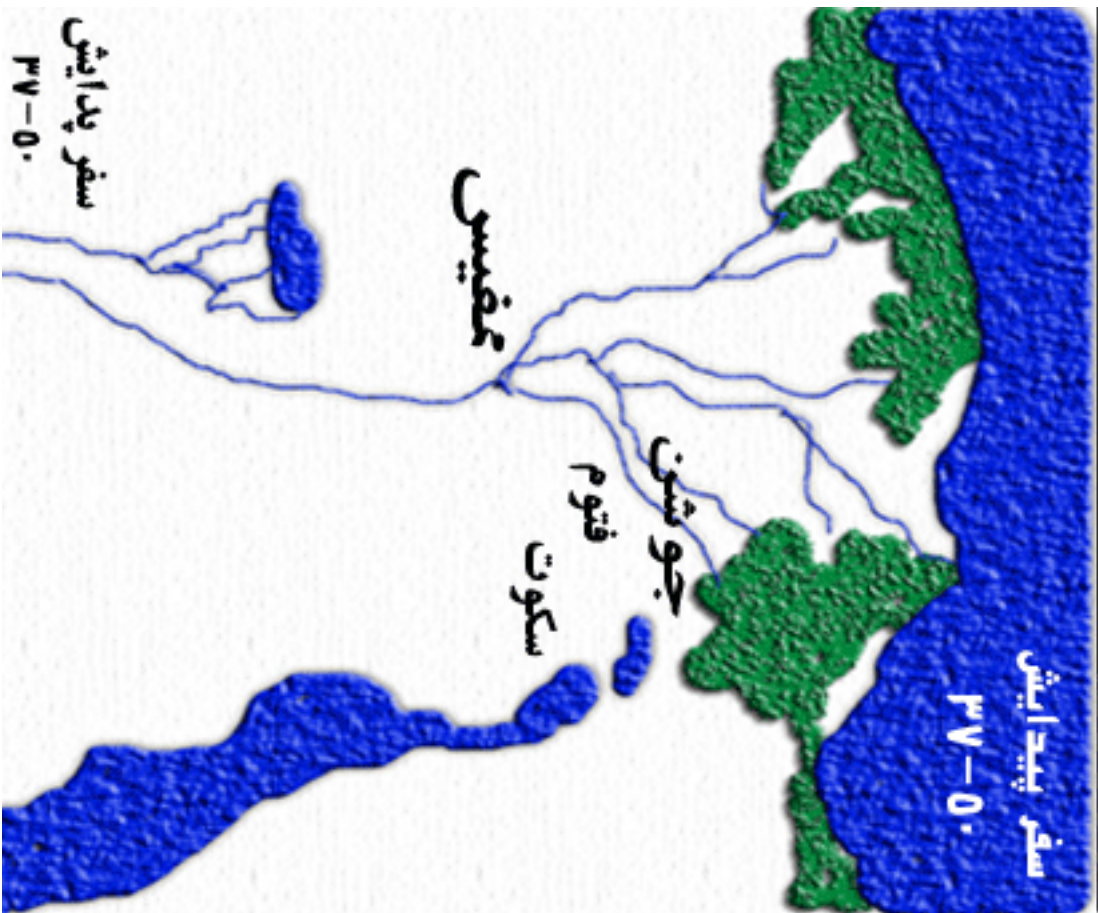
### شخصیت های کتاب مقدس در سیر تکاملی زمان :

قسمت دوم





محل سکونت ویرانیاق در مصر  
( 1700-1250 ق.م )



تعمیرات سرحدات کهنه و مصر  
1500 سال ق.م



### خداوند بر مصائب قومش نظر می افکند

«مصر» پس از سقوط سلسله «هیکسوس ها» (۱۵۰۰ ق.م) و تغییر سلطنت حدودش تا رود «فرات» توسعه یافته و وحدت کامل خود را باز یافت. در این زمان معابد و قصرها و دژه های عظیم مانند معابد «کارناک» و «لوکسور» در «نو» ساختند و یکی از فراعنه به نام «آخناتون» («آمنوفیس چهارم») که پایتختش در «تل العمارنه» بود، اصلاحات مذهبی را که بر اصول یگانگی خدا بود، آغاز نمود. که در برابر قدرت کاهنان محافظه کار پایدار نماند.

در حدود سال (۱۲۵۰ ق.م) «رامسس<sup>۱</sup> دوم» که شخصی مستبد و علاقمند به آبادی بود به سلطنت رسید. و پایتختش را در ناحیه دلتای «نیل» ساخت و «قلعه فیتوم» را نیز در آنجا بنا کرد و مطمئناً در این زمان «عبرانیان» مجبور به بردگی شدند، زیرا تمام طرحهای بزرگ مخصوصاً شبکه آبیاری دره نیل نیاز به کار هزاران برده داشت و آنان مانند دیگر قبایل «سامی» از قحطی فرار کرده، و در منطقه «جوشن» در شرق دلتا ساکن شده بودند و خاطره زمان بردگی برای آنان بیانگر ظلم و بیدادگری بود.

نویسندگان کتاب مقدس کوشش می کردند تا نشان دهند، که هدف «مصریان» از سختگیری در کار محدود یا حتی کم کردن تعداد «اسرائیلیان» در «مصر» بوده، که نمونه ای از آنرا در خروج ۱۴-۱/۸ می یابیم. اما این روش غیر منطقی و عجیب بنظر می رسد. چون هر چه کارگر بیشتر باشد کار سریعتر انجام می شود، و به همین دلیل «رعسمیس» با کاهش آنان موافق نبوده است. ولی در اینجا یا روایتی از قوم روبرو می شویم، که با مرور زمان رشد کرده و عمق یافته و دیگر بیان ساده آن واقعه نمی باشد، بلکه دارای تفسیر و معنی مخصوصی شده است. و این بزرگ نمائی و افراط حاصل تعمق ویژه قوم بوده که ما در اینجا این تعلیم را مشاهده می کنیم. (ر.ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۰-۱۴؛ «گذر» ص ۲۱ «کتاب مقدس و تاریخ»).

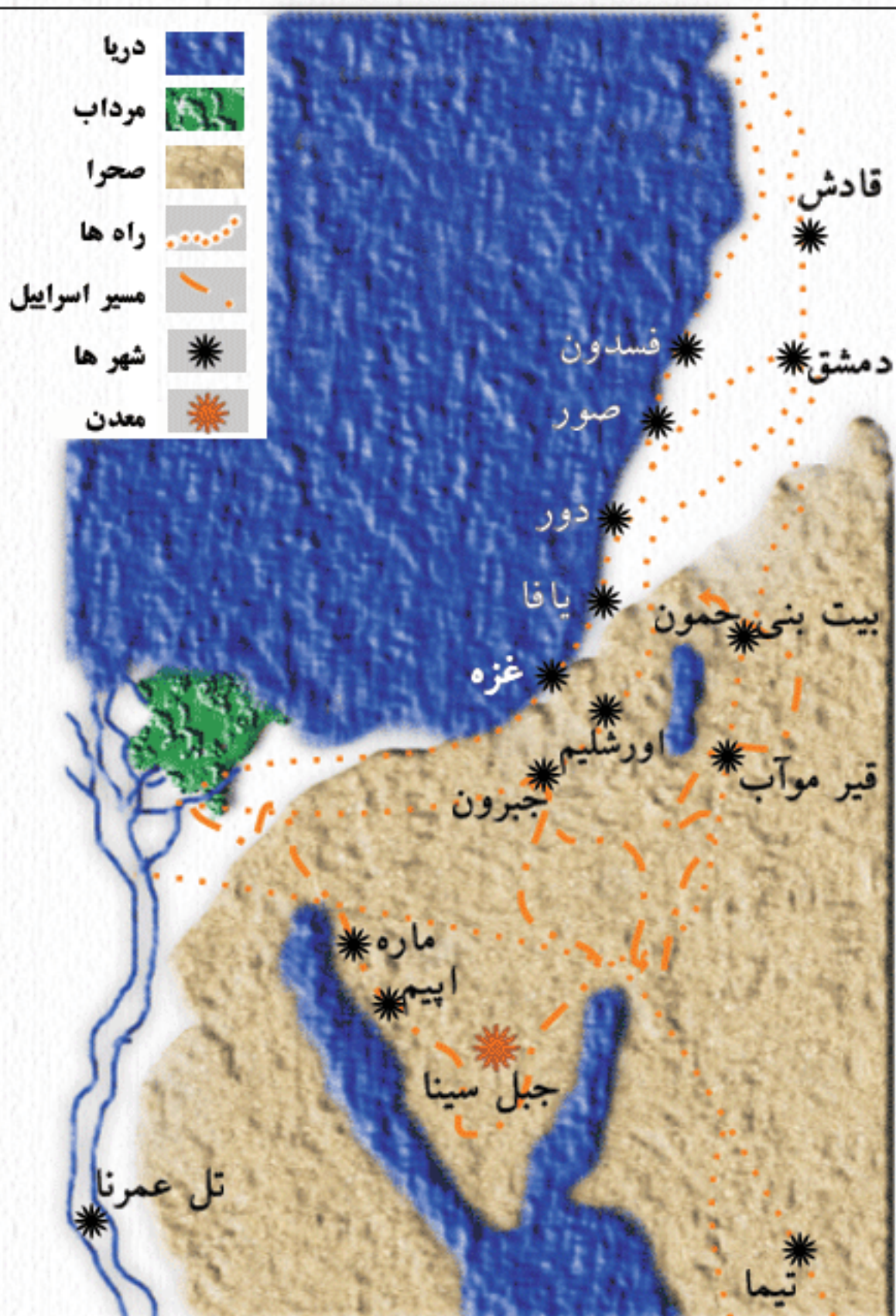
در واقع مورخین به ما اطلاع می دهند که قوم «اسرائیل» در «مصر» همانند دیگر خارجیان مشغول کاره های سخت و اجباری بوده اند. ضمناً بخوبی می دانیم که رفتار «مصریان» نسبت به بردگان طبق آداب و رسومشان زیاد سخت نبوده، بلکه از آنان اطاعت محض می خواستند و برای تنبیه از چوب استفاده می کردند. البته بعدها در امپراطوریهای «آشور» و «روم» این رابطه به خشونت و افراط گراید.

اما «بنی اسرائیل» بعد از آزادی و بازگشت به سرزمین موعود دوران بردگی خود را به یاد می آورده و زندگی در خانه بردگی بنظرش پر رنج و مصیبت یا رو سخت می آمده است. البته باید عنوان کرد که قوم آزاد شده بعضی وقتها در بیابان به یاد فراوانی غذا و چیزه های خوب دوران بردگیش می افتاده، بنابراین اسارت برایش زیاد مشکل نبوده است. در اینجا لازم است توجه خاصی به کلمه «ذلیل ساختن» در خروج ۱۲ و ۱/۱۱ و کلمه مصیبت در خروج ۱۷ و ۳/۷ بنمائیم، که عبری آن «ان اه» "ANAH" از ریشه «ان ی» بمعنی فقر می باشد، که «بدبختی» «فلاکت» «غم و اندوه» «پستی و تحقیر» را نشان می دهد. در اینجاست که اراده خدا برای قومش کم روشن می شود. این رنج و عبرانی، فروتنی قوم برگزیده است که دفاع از خود را به خدا می سپارد و طبق نظر او فقیر می گردد. در نتیجه تاریخ قوم برگزیده با تجربه ای سخت شروع شده که ایمانداران توسط آن فداکاری و از خود گذشتگی را می آموزند، تا برای پذیرفتن اعمال بزرگ خدا آماده شوند. و توسط این روش به مفهوم «خوشابحال مسکینان در روح» مت ۳/۵ برسند. (ر.ک ص ۴۶).

۱-رامسس یا رعسمیس هر دو یکی است. (برگهای زرین شماره ۳۵- مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس ص ۳۶ و گذر ص ۳۷).



# آزمایشی دو پیاپیاق ( 1250 . 1230 ق.م )



## تجربه در بیابان

هیکسوس های سامی نژاد، زمانی طولانی در مصر مستقر بودند و فرعون‌ی که نسبت به یوسف علاقه ی مخصوصی داشت احتمالاً خود نیز از نژاد سامی بوده است.

در سال ۱۵۰۰ (ق.م) مصریان، هیکسوس ها را به طرف شمال رانند. از آن موقع به بعد وضع سامی ها متزلزل گردید و بدبینی نسبت به آن ها در مصر به وجود آمد. آن ها را به بردگی کشانده و از آن ها سوء استفاده بسیار کردند، از ازدیاد نسل جلوگیری کرده و دستور قتل عام همه ی پسران نوزاد را صادر فرمودند به جز موسا که از طریق آب نجات یافت (خرو ۲: ۱۰). لعاهه بر این مصریان جاده های شمال را نیز به طور مخصوصی تحت نظارت داشتند. مثلاً باستان شناسان خرابه های یک شهر نظامی مصری را در تل الفرج کشف کردند که پایگاه نظارت برای ورود به شفلا بود. در صحرای سینا، عده ی بسیاری از کوچ نشینان سامی زندگی می کردند که به نظر نسبتاً عصیان گر و جنگ جو می آمدند. بنابراین راه گذر به سرزمین موعود کار آسانی نبود و با توجه به عوامل ذکر شده می توانیم دریابیم به چه دلیل عبرانیان راه مخصوصی را انتخاب نمودند. آن ها ابتدا به طرف جنوب در طول ترعه ی سوئر به سوی جبل سینا و سپس به طرف بالا از طریق صحرا عازم شدند تا به آبادی قادش رسیدند. به احتمال زیاد در آن جا یک نسل کامل توانست در شرایط خاص موج نشینی و تحت تأثیر آداب و رسوم که ایجاد شده بود قوانین قضایی تورات را به وجود آورد (خرو ۲۰-۲۳).

بعد از قادش، سامیان می بایست در صورتی که گروه ادومیان در شرق اردن مانع عبور آزاد نمی بودند به سرزمین موعود برسند ولی آن ها ناچار شدند راه رسیدن به مقصد را دور بزنند و بر سر راه خود اجباراً با طایفه ی عمونیان دچار اختلاف هایی شدند و نتیجتاً موفق گردیدند که از راه اریحا به کنعان درآیند. این جاده ی اصلی که اکثر قبایل جهت رسیدن به سرزمین کنعان از آن عبور نمودند، از دیدگاه کتاب مقدس مشیت ربانی تلقی می شود و نمایان گر دعوت الاهی هم در اعمال نجات بخش (رجوع شود به نقشه ی صفحه ی ۴۱) و هم در آزمایش بیابان می باشد.

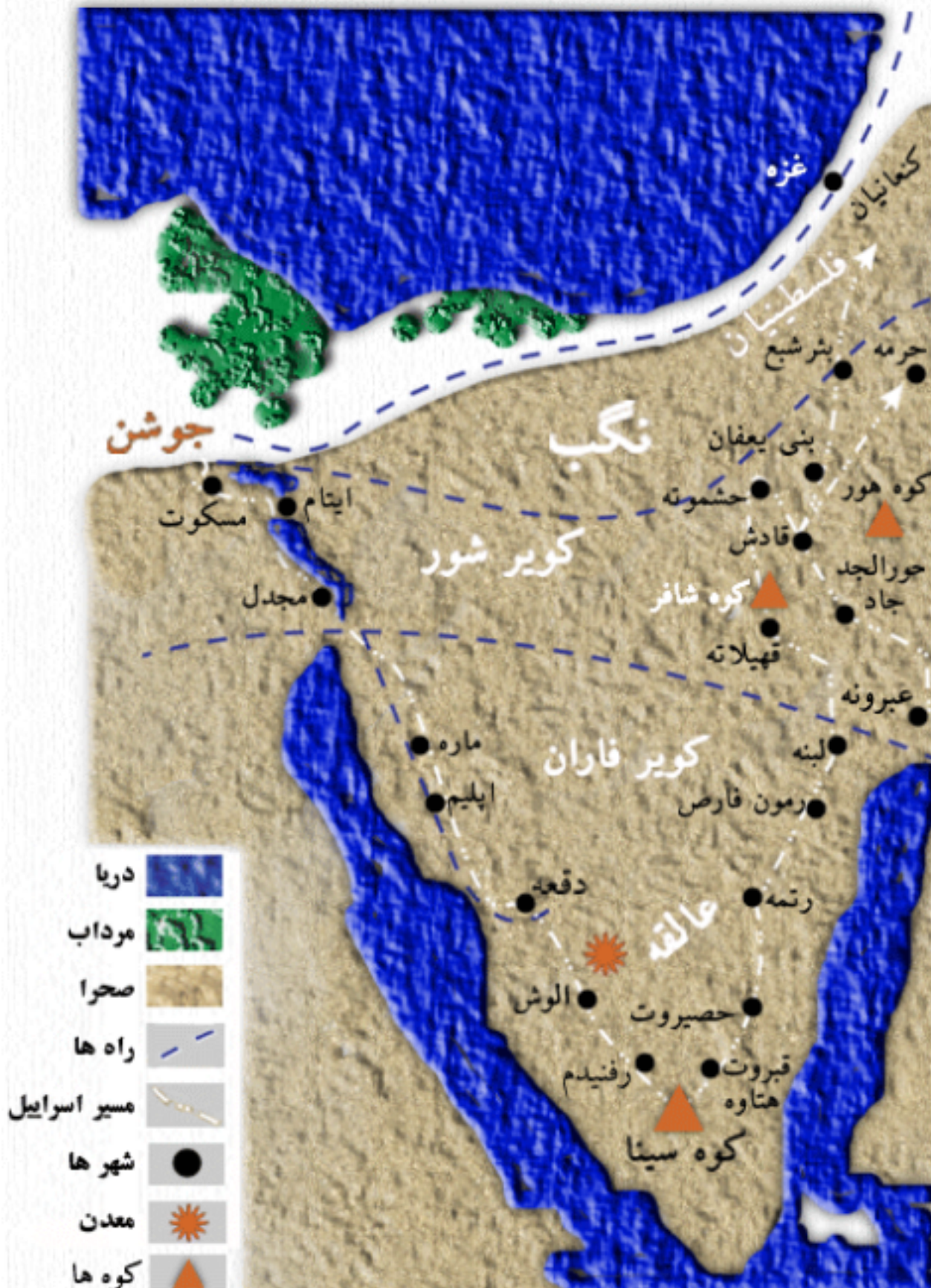
\* \* \*

فراموش نشود که همه ی قبایل سامی که بعدها قوم خداوند را تشکیل دادند، واقعه ی خروج را تجربه ننمودند. در حالی که قبایل سامی در سرزمین فلسطین و نواحی سینا کوچ نشینی می کردند، تنها طایفه ی ماکیر (از قبیله ی یوسف) به مصر رفته بودند. این طایفه همراه موسا به سوی فلسطین بازآمده و در شمال آن سرزمین مستقر گشت، در حالی که قبایل کوچ نشینی که ظلم و ستم اسارت در مصر را تجربه نکرده بودند، در جنوب اسکان گزیدند. این فرق یکی از دلایل اختلاف بین قبایل شمال و جنوب است که بعدها پیش آمد (مراجعه شود به صفحات ۵۸، ۶۰ و ۷۰).

نقشه هایی که خواهد آمد نشان دهنده ی مراحل گذر از بیابان طبق باب ۳۳ کتاب اعدا می باشد.



# مسیر قوم اسرائیل از مصر تا قادی



## قدرت الاهی در حمایت از قوم برگزیده

سفر خروج شرح راه پیمایی طولانی ای است که در پی آن قومی به مفهوم واقعی آزادی و آزادگی پی برد و به اقتضای آن زیستن را آموخت.

به این دلیل است که قوم خداوند در تمام جنگ ها، حوادث ناگوار و اتفاقاتی که برای آن ها رخ می داد، در می یافتند که خداوند، به یاری آن ها شتافته و کارهای عظیمش را می دیدند و شاهد بودند که چگونه دگرگونی های طبیعت را به سود آن ها تغییر می داد.

خروج قوم برگزیده از مصر، نخست با بروز حوادث طبیعی چون شرح گشتن رود نیل و هجوم ملخ ها که بلایای نازل از سوی خداوند بر مصریان تلقی می شد، تحقق یافت.

سپس آن ها از دریای سرخ گذشتند و زمانی که قوم برگزیده ی خداوند آماده ی برگزاری عید فصح بود، مصیبت بسیار بزرگی (که به احتمال قوی بیماری مسری بود) بر مصر فرود آمد، بدون این که به این قوم صدمه ای برساند. ترس از این مرض باعث تسهیل خروج قوم از مصر گردید. بنابراین عید فصح (به معنای گذر) نشانه ی نجات و گذر خداوند تلقی شد. این واقعه در فصل بهار زمانی که ماه در بدر کامل و گوسفندان در حال فارغ شدن و چوپانان بدون اطلاع از وضع راه ها و چراگاه ها حرکت می کردند، رخ داد. آن زمان هنگام برگزاری قربانی مخصوص چادر نشینان بود که مراسم ذبح این قربانی بدون کاهن و بدون مذبح انجام می گرفت. قربانی، گوسفندی از گله بود که بریان شده و با نان فطیر و سبزی های تلخ بیابان خورده می شد و این امر، از آداب و رسوم شبانان بود که در شب صورت می گرفت، هنگامی که گله ها در آرامش به سر می بردند و شبانان وقت آزاد داشتند، شبی که ماه بدر کامل بود و زمین روشن تر از همیشه به نظر می رسید. سپس زمان برگزاری مراسم خون می رسید که برای رهائی از سختی ها و مشکلات آینده برگزار می شد.

وساطت خداوند آن قدر کامل بود که مصریان را در دل دریا انداخت و اسب ها و ارابه ها را در لجن زار فرو برد (خروج ۱۵:۲۱)

هم چنین خداوند قوم خود را به سوی بیابان هدایت کرده و آن ها را به وسیله ی من (تصور می شود که نوعی انجماد مواد طبیعی بوده که امروزه هم بر روی بعضی از بوته ها دیده می شود) تغذیه نمود و ایشان را از دست گروه عمالقه که از ورود آنان به چراگاه ها جلوگیری می کردند نجات داد.

متن گذر از دریای قلزم (خروج باب ۱۴)، ظاهراً دارای برخی اشارات ضد و نقض می باشد (ر.ک. خرو ۱۴:۲۱، ۲۲، ۲۹).

\* \* \*

متن دوم ممکن است عجیب به نظر آید، منظور مولف از نوشتن ان چیست؟ این متن مربوط به سنت کهنانت می باشد که در زمان تبعید به رشته ی تحریر درآمده است (رجوع کنید به بخش دوم: گفتاری در باب تدوین کتاب مقدس). در این گفتار خداوند به صورت قادر متعال و فاتح بر قدرت های بدی که به وسیله ی آب های طغیانی نمایانده می شود، معرفی می گردد. خدا کیهان را به وسیله ی جدا کردن آب ها آفرید (پید ۱: ۶-۱۰) و هم چنین قوم خود را با جدا کردن آب های دریای احمر می آفریند. از این رو اسرائیل امید خود را به خداوند بسته است، خدایی که می تواند آن ها را با تجدید و تائید نمودن وعده های خلقت، از تبعید آزاد سازد (اش ۵۱: ۹-۱۱، مقایسه شود با مت ۸: ۲۳-۲۷).



# مسیر قوم اسرائیل از قادش تا اریحا





## موسا در جبل سینا

از روایات چنین بر می آید که تمام حقوق مذهبی و مدنی قوم برگزیده و تنظیم آئین مذهبی آن ها به سفر خروج و شخص موسا مربوط می شود. در حقیقت مقدار زیادی از این قوانین مدت ها بعد از موسا نوشته شد، اما با وجود این به نظر مورخان چنین می آید موسا در واقعه ی خروج از مصر و در طی گذر، نقش موثری داشته است و حتا قدیمی ترین روایات نیز این موضوع را تأیید می کند (صفحه ی ۱۴۲ الی ۱۴۵).

موسا، فقط یک معجزه گر، یک داود، یک کاهن یا یک پیامبر نبوده است، بلکه برتر از تمام این خصائص و فضایل به شمار می آید. موسا با این که در محیط ثروتمند و مجلل دربار مصر بزرگ شده بود، طرف داری از قوم خود را به عهده گرفت و به خاطر آن ها خود را به خطر انداخت و مجبور به فرار گشت و زندگی یک چوپان صحراگرد را پیشه ی خود ساخت. در صحرا در کوه حوریب دعوت خداوند بر او الهام شد، خداوند خود را بر او آشکار ساخت و موسا قوم خود را از آن آگاه نمود. مردی با احساسات تند و پر از اشتیاق که مأموریت رهایی قومی را به نام خداوند پدرانش، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب به عهده گرفت، مجبور گردید که تمام استعداد رهبری و توانایی خود را به کار بندد تا بر لختی و یأس این گروه زجر کشیده غلبه کند. رساله های کتاب عهد عتیق که بعد از موسا نوشته شده، همگی لقب پرمعنی به او داده و او را بنده ی یهوه خطاب کرده است. موسا اولین کسی است که این عنوان را داشته و لقب مظهر وجود مسیح نیز می باشد.

این رسالت موسا کاملاً در قانون سینا که نقطه ی مرکزی واقعه ی خروج را تشکیل می دهد آشکار است. موسا به عنوان اولین بنده ی یهوه که یکی از مظاهر مسیح می باشد شناخته شده است.

احکام ده گانه ی این قانون، قبل از هر چیز توجه خداوند را به قوم خود نشان می دهد و آن پیمانی است که مظهر واقعی آن مراسم خون است (خرو ۲۴). خداوند با دادن فرمان های خود به قوم برگزیده (خرو ۲۰)، حمایت از آنان را در برابر کنعانیان عهده دار شد. در جبل سینا قوم برگزیده توسط موسا آگاه گردید که یهوه خدای یکتا است و باید بت پرستی کنار گذاشته شود تا از این راه اصول و مبانی زندگی اجتماعی حفظ گردد. بنابراین عهد جبل سینا، نشان دهنده ی استحکام ریشه های مذهبی اجدادشان بوده است.

در زمان موسا تشکیلات اصلی دین، پی ریزی شد، یعنی بارگاه پیمان (نشانه ی حضور خداوند)، قربانی ها، مراسم عید فصح (گذر) و سبت (روز شنبه) به وجود آمد.

اصل این عهد همان است که خداوند را به یگانگی قبول و او را پرستش کنیم.

## اهمیت «موسی»

### در انتظار «موسی» جدید:

«یهوه خدایت، نبی ای را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو قایم خواهد گردانید او را بشنوید.» «و خداوند به من گفت آنچه گفتند نیکو گفتند.» «نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو قایم خواهیم کرد و کلام خود را به دهانش خواهیم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت.» (تث ۱۸ و ۱۷ و ۱۵/۱۸)

برای «یهودیان» مخصوصاً بعد از تبعید و اسارتشان در «بابل»، «موسی» اهمیت به سزائی یافت. هر چند «ابراهیم» پدر مومنین است، «موسی» بنیانگذار قوم برگزیده و نجات دهنده شان از اسارت و قانونگذار قوم می باشد.

در زمان «عیسی» «یهودیان» او را نویسنده پنج کتاب تورات (مت ۲۲/۲۴، مر ۷/۱۰ و ۱۰/۳) و واسطه پراهمیتی ما بین خدا و انسان، که توسط او خدا شریعتش را به قوم می دهد (یو ۲۱-۱۹/۷ و روم ۹/۱۵ و ۱۰/۵ و غلا ۳/۱۹) و ربی کامل و مطلق (مت ۸/۴ و ۲/۲۳ و ۲۳/۷) و بالاخره او را بعنوان آن نبی کامل که در انتظار بازگشتش بوده، می شناختند. و بخاطر بالا بردن مقام او در این خطر گرفتار شده بودند. زیرا نمی توانستند به اهمیت اعمال و کلام «عیسی» پی ببرند (یو ۵/۴۵ و ۳۳-۳۰/۶ و ۲۹ و ۲۸/۷ و ۲-قرن ۱۵/۳) (ر.ک «گذر» ص ۴۶)

### «موسی» از دیدگاه «مسیحیان»

به ایمان «موسی» چون متولد شد والدینش ... (ر.ک به عبر ۲۹-۲۳/۱۱) .

از دیدگاه «مسیحیان» «موسی» پیغمبر بزرگی است که نشان دهنده و اعلام کننده «عیسی» (موسی نوین) به عنوان سر قوم، نجات دهنده و قانونگذار و خاتم الانبیاء می باشد (مت ۳/۱۷ و یو ۴، ۱۷/۱ و اع ۳۵/۷ و ۳۸/۱۳ و ۲۲/۲۶ و عبر ۳/۲) و در نماز عید بزرگ کلیسا می بینیم که مسیحیان چگونه گذر یعنی آزادی از «مصر»، عبور از «دریای سرخ» و ملاقات با خدا در «کوه سینا» و عبور از «صحرای سینا» و ورود به سرزمین موعود را نشانه ای از گذر عیسی (که در مرگ و رستاخیزش بوقوع پیوست) دانسته، و در آن تعمق می نمایند (ر.ک «گذر» ص ۲۰۸).

### «مسیح»، «موسی» نوین

قبل از اینکه موضوع تاریخی را دنبال کنیم برای ما «مسیحیان» مفید خواهد بود که اشاره ای به معنی تجربه «عبرانیان» در آن زمان بنمائیم. و به عمق مفهوم بردگی و ناامیدی قوم که قدرت نجات خود را ندارند، پی ببریم: از وراء تمام حوادث مشابه اقوام دیگر در طول تاریخ که گاهی سلطه گر و زمانی برده بوده اند. این تجربه «عبرانیان» یادآور بردگی انسان در چنگال شیطان می باشد، که از «آغاز آدمکش» بوده است. همانطور که «عیسی» می گوید «هر که گناه می کند غلام گناه است.» (یو ۸/۳۴) خداوند می خواهد که ما از بردگی عمیق درونی نجات یافته، تا آزادی محبت کردن را به ما عطا نماید.

«موسی» با قوت خداوند قوم «اسرائیل» را از «دریای سرخ» عبور داده و از بردگی «مصر» رهائی بخشیده و «عیسی» نیز با مرگ و رستاخیزش بشریت را از ناامیدی و بردگی گناه نجات داده، و از این طریق ما را به مشارکت خود با پدرش دعوت می نماید (ر.ک «گذر» ص ۶۲ و ۲۰۷)

«اگر پسر شما را آزاد کند در حقیقت آزاد خواهید بود» (یو ۸/۳۶)  
 جشن گذر حقیقی یعنی: گذر با «عیسی» از مرگ به زندگانی، که با تعمید در آب و توسط روح تولد تازه می بخشد «ما  
 می دانیم که از موت گذشته داخل حیات گشته ایم.»  
 از اینکه برادران را محبت می نمائیم (...)  
 از این امر محبت را دانسته ایم که او جان خود در راه ما نهاد  
 و ما باید جان خود را در راه برادران بنهیم» (۱-یو ۱۶-۳/۱۴)، (بنسی ۵-۱-۴۵).

ر.ک: «کتاب گذر»

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۳۶

«برگهای زرین» فصل سوم

## فصل چهارم

### خداوند ارضی عطا می فرماید

از ایام پیشین که قبل از تو بوده است ، از روزی که خدا آدم رازیرا که یهوه هدایت تو را به زمین نیکو در می آورد.

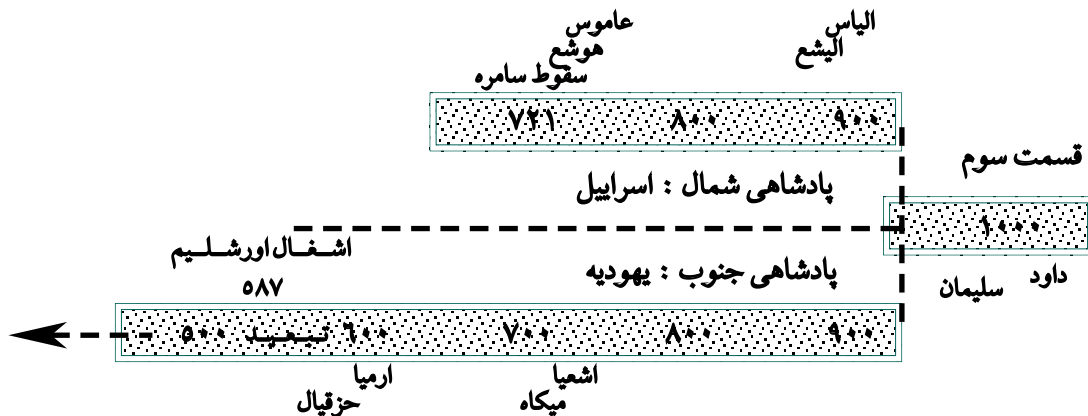
زمین پر از نه‌رهای آب و از چشمه‌ها و دریاچه‌ها که از دره‌ها و کوه‌ها جاری می‌شود. زمینی که پر از گندم و جو و مو و انجیر و انار باشد. زمینی که پر از زیتون زیت و عسل است. زمینی که در آن نان را به تنگی نخواهی خورد و در آن محتاج به هیچ چیز نخواهی شد. زمینی که سنگ‌هایش آهن است و از کوه‌هایش مس خواهی کند و خورده سیر خواهی شد و یهوه خدای خود را به جهت زمین نیکو که به تو داده است متبارک خواهی خواند. پس با حذر باش مبادا یهوه خدای خود را فراموش کنی و اوامر و احکام و فرایض او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم نگاه نداری.

مبادا در دل خود بگویی که قوت من و توانایی دست من این توانگری را از برایم پیدا کرده است.

بلکه یهوه خدای خود را به یاد آور، زیرا اوست که به تو قوت می‌دهد تا توانگری پیدا نمائی تا عهد خود را که برای پدرانت قسم خورده بود استوار بدارد چنان که امروز شده است.

(تث ۸: ۷-۱۱، ۱۷-۱۸).

### شخصیت‌های کتاب مقدس در سیر تکاملی زمان :





# ساکتبی گنغان



## قسمت اول: فتح سرزمین موعود

### ساکنان کنعان

حال با توجه به فصول قبلی موقع کنعان و ساکنان آن را بررسی می کنیم. مردم این سرزمین از نژادهای مختلفی بودند و در این مکان سکونت داشتند. بر طبق کتاب های یوشع و داوران در این جا می توانیم تقریباً ۵۰ فرمانروایی کوچک را نام ببریم که جزء ایالات خود مختار بودند. اسناد تاریخی (نامه های تل العمارنه مربوط به قرن چهاردهم ق.م) تأیید می کنند که سامیان کوچ نشین های بیرو از جمله عبرانیان به مرکز فلسطین نفوذ کرده و همواره به ممالک بی شمار کنعانی که ارتباطی با یک دیگر نداشتند دست درازی می کردند.

بنابراین ما باید اجتماعات گوناگونی را در نظر بگیریم که از نژادهای مختلف تشکیل شده و در کنعان مستقر گردیده بودند. نگارندگان کتاب مقدس برای تشجیع مردمان آن روزگار زحمات و پیروزی عبرانیان را در اشغال سرزمین کنعان شرح و بسط داده و به طور کامل اسامی گروه های مختلف ساکنان کنعان را که با عبرانیان در جنگ و ستیز بودند، به رشته ی تحریر درآورده اند.

کنعانیان تجار ساحلی بودند و تقریباً تحت نفوذ مصریان قرار داشتند و از جریان مسالمت آمیز به نفع تجارت خود استفاده می کردند. در نتیجه حفاری این منطقه تعداد زیادی اشیاء فلزی، جواهرات و کوزه های نفیسی که از نقاط دوردست به آن جا آورده شده بود کشف گردید.

فرزبان، روستانشینان و احتمالاً ساکنان دهکده های بزرگ کوهستانی بودند که نسبت به کنعانیان از نظر مالی محدودیت های بیشتری داشتند.

عمونیان، قبایل ساکن دره ارنه بوده که احتمالاً به نزدیکی های فلسطین رسیده بودند (بر طبق بعضی از اسناد آشوری).

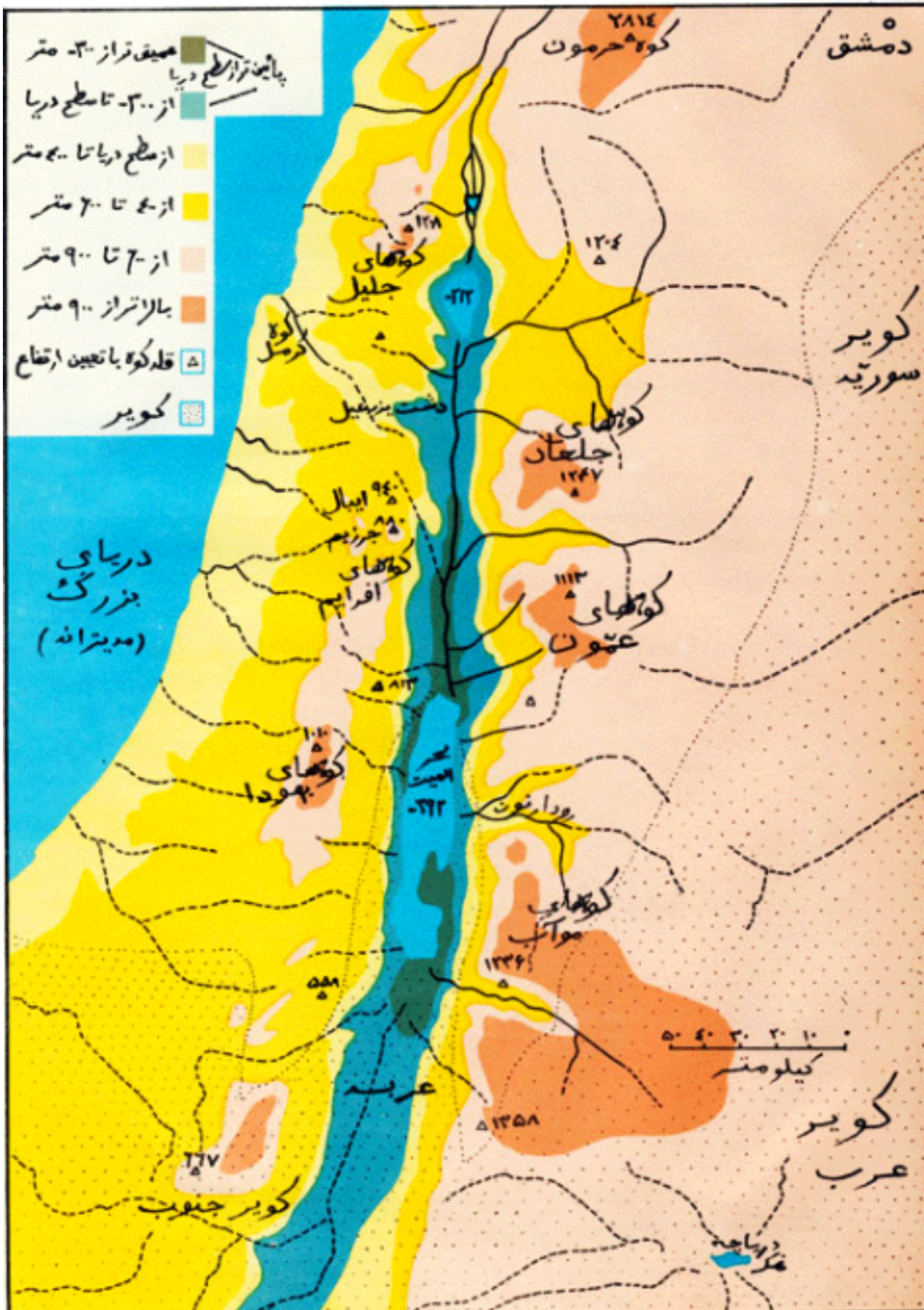
حتی ها، هرگز به فلسطین نیامدند.

بیوسیان، احتمالاً ساکنان اورشلیم بودند.

لیکن تاریخ تمدن حویان و جرجاشیان برای دانشمندان و مورخان مجهول است. فلسطینیان، ادومیان و موآبیان، ساکنان مناطق اطراف اسرائیل بودند. در کتاب داوران به جنگ هایی که قوم برگزیده ی خداوند علیه این قبایل برای استقرار در آن محل انجام داده اند، اشاره شده است.



# نقشه جغرافیای طبیعی سرزمین فلسطین



## تصویری گویا از سرزمین موعود

تاریخ ملل از چندین جهت با جغرافیا ارتباط مستقیم دارد و در مطالعه ی قبلی متوجه شدیم که این موضوع در مورد تمام خاورمیانه قابل توجه است. خداوند واقعیت طبیعی را که از دست بشر خارج است در اجرای نیات و اندیشه های خود به کار می گیرد. پس برای درک تاریخ قوم خداوند لازم است ببینیم این قوم در کدام سرزمین مستقر خواهد شد و کجاست که باید تجربیات معنوی را که در آینده تجربیات کلیسا خواهد شد، به دست آورد.

قبل از هر چیز به انتهای هلال خصیب اشاره می کنیم. حال اگر خود را همراه موسا در بالای قله ی نبو فرض کنیم، خواهیم دید که بحر المیت، اریحا و دره ی اردن زیر پای ما قرار دارد و در آن سوی بحر المیت، کوه های یهودیه در فاصله ی ۵۰ کیلومتری اورشلیم قرار گرفته است که از بالای آن نور این شهر چون ستاره ای درخشان در آسمان شناور به نظر می رسد.

این سرزمین از نظر آب و هوا و وضع جغرافیایی بسیار متنوع است. رشته های موه باران را به طرف خود می کشاند. بنابراین در کوه ها باران فراوان است، لیکن در ساخل باران کمتری می بارد و اگر حفره ی مرکزی را در نظر بگیریم بارندگی در آن از ساحل نیز کمتر می باشد. در این مکان باران فقط مابین ماه های آبان و اسفند می بارد و میزان بارندگی از سالی به سالی ممکن است دو برابر افزایش و یا به نصف تقلیل یابد.

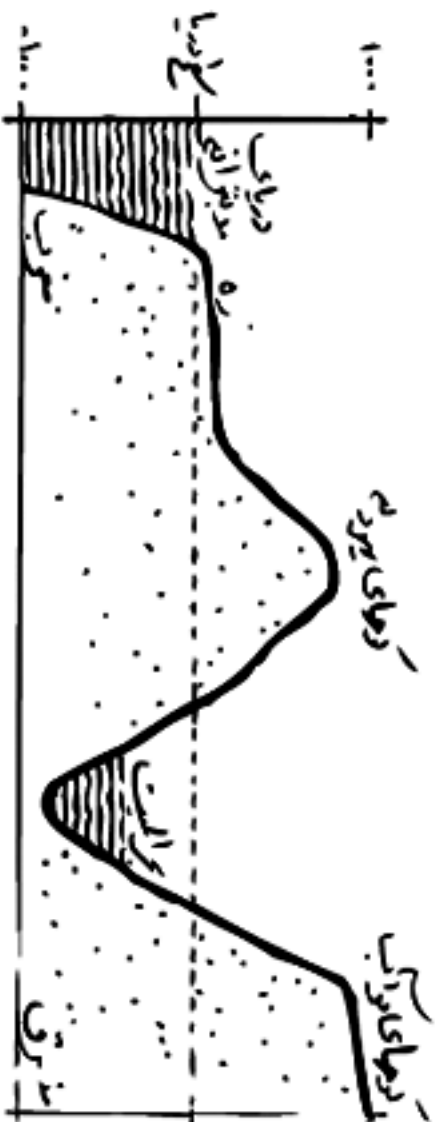
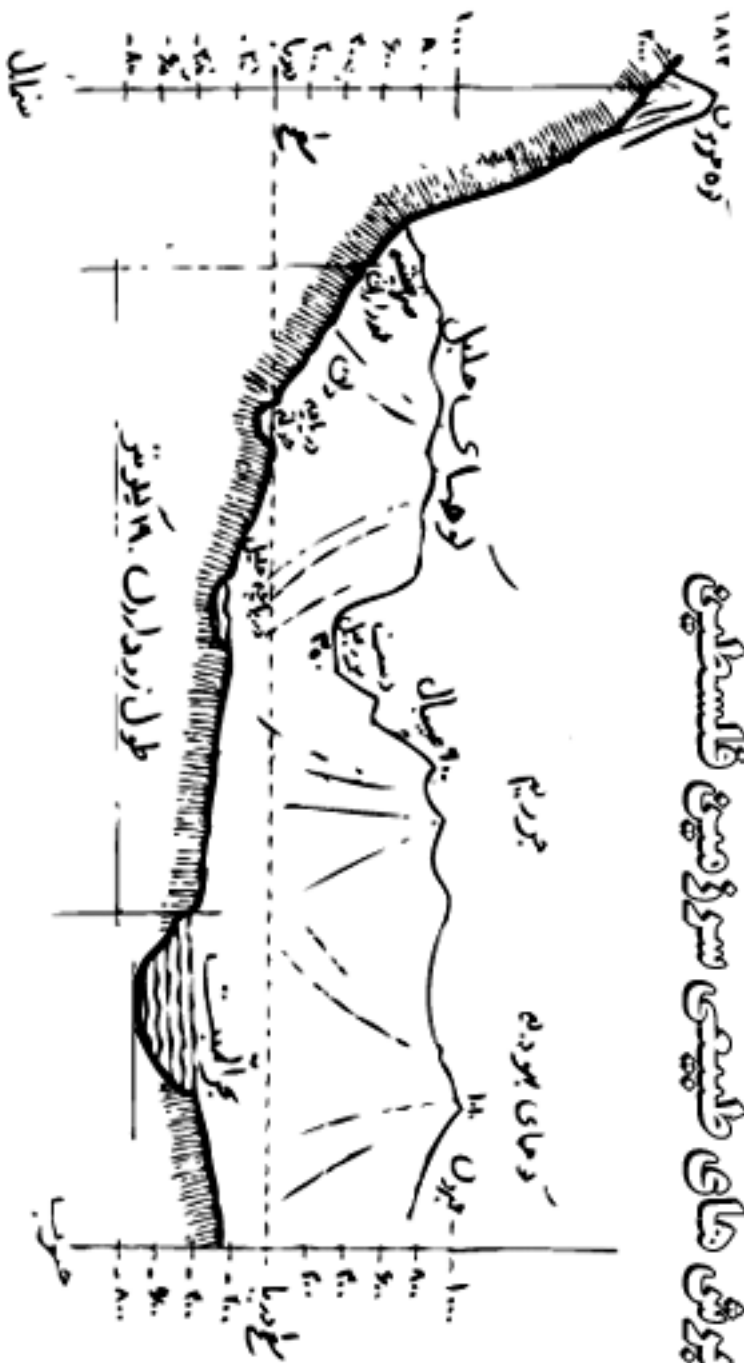
در زمان های قدیم، در این سرزمین درخت انجیر، زیتون، مو نخل و خرما به عمل می آمده است. در گذشته مثل اکثر سرزمین های اطراف مدیترانه کوهستان بود که کم و بیش مواد غذایی مردم را تأمین می نمود. برخلاف امروز که بیشتر محصول از دشت ها به دست می آید.

سر انجام نگاهی به حاشیه ی طبیعی و طویلی که دره ی اردن را تشکیل می دهد و فلسطین را از ماورای اردن جدا می سازد، می افکنیم و در فصول بعدی درباره ی مشخصات مناطق مختلفی که سرزمین کتاب مقدس را تشکیل می دهد، بحث خواهیم کرد.

فلسطین به احتمال قوی دارای مناطق سرسبز و مشجر بود، اما بعد از جنگ های متعدد و نابودی پیایی نباتات و هم چنین از بین رفتن سیستم آبیاری که از زمان هجوم رومیان و دیگر حملات صورت گرفته بود، چهره ی آن سرزمین به کلی دگرگون گشت.



# پوشش های طبیعی سرزمینی فلسطینی



## مناطق طبیعی مختلف ارض موعود

در مناطق مختلف فلسطین مشخص ترین مرز طبیعی، نهر اردن است. برش شماره ی ۱ مسیر رودخانه ی اردن را نشان می دهد. در قسمت فوقانی نقشه، سمت چپ، رود اردن از دامنه ی کوه حرمون سرچشمه می گیرد و سپس از منابع دیگر انشعاباتی به آن اضافه می شود. آن گاه از دریاچه جلیل که حاوی آب نسبتاً شوری است عبور می کند. از آن جا تا بحرالمیت از زمین بسیار پستی می گذرد که پائین تر از سطح دریا قرار دارد و زمین های آن شوره زار می باشد. در این جا رود اردن دره ی عمیق پریچ و خمی به وجود آورده که از بوته های خاردار پوشیده شده است و هر سال در اثر طغیان رودخانه پر از آب می شود. سپس به بحرالمیت که از نقاط پست کره ی زمین می باشد، فرو می ریزد. بنابراین رود اردن یک مرز واقعی به شمار می رود. آب بحرالمیت به قدری شور است که در آن نشانه ای از حیات وجود ندارد (دارای غلظتی برابر ۲۵ در هزار است).

بین دریای مدیترانه و صحرا، سرزمین فلسطین قرا گرفته است. پوشش طبیعی آن کامل نمی باشد. از شمال و جنوب در معرض تهدید است و از این جا به نقشی که از لحاظ گذرگاه دارد می توان پی برد. در برش شماره ی ۲ به وضوح دیده می شود که فلسطین از چهار منطقه موازی هم تشکیل شده است. اکرن هر منطقه را از شمال به جنوب بررسی می کنیم:

- جلگه ی مدیترانه، شامل جلگه های جلیل، یزرعیل، شارون و فلسطی (شفلا) می باشد.
- منطقه ی کوهستانی که به رشته کوه های لبنان، جلیل و یهودیه پیوند می یابد.
- منطقه ی پست مرکزی شامل ناحیه ی بقاع، دره اردن، بحرالمیت و عربیه می باشد.
- منطقه ی دیگر مرزی و کوهستانی مشرف بر ماورای لبنان، حرمون، جلعاد، عمون و موآب است.

\* \* \*

در خاتمه توجه داشته باشیم که چقدر قبایل شمالی در موقعیت پرخطری قرار داشتند زیرا هیچ مانعی طبیعی آن ها را از هیچ احتمالی از جانب قلمرو دمشق یا اقوام بین النهرین محفوظ نمی داشت. در مقابل، منطقه کوهستانی اورشلیم و حومه آن سنگری طبیعی تشکیل می داد که قبایل جنوب را از حملات احتمالی مهاجمین در امان می داشت.





## سرزمین شیر و عسل

ابتدا مناطق مختلف سرزمین موعود را بررسی می کنیم:

**ماورای اردن :** این منطقه به صورت زمین مرتفع شیب داری، در شرق رود اردن قرار دارد که با شیب ملایمی به طرف صحرای سوریه کشیده شده است. ناحیه ی مذکور به علت عبور چهار رودخانه، دارای وحدت طبیعی است: منطقه ی باشان در شمال رود یرموک (که اغلب وابسته به دمشق بوده است)، منطقه ی جلعاد مابین رود یرموک و رود آرنون (که قوم بنی اسرائیل و عمونیان همیشه بر سر آن نزاع داشته اند)، منطقه ی موآب بین رود آرنون و رود زارد و منطقه ی ادوم که در جنوب بحر المیت قرار دارد.

**کوهستان یهودیه :** این کوهستان از لحاظ مرزهای طبیعی مشخص تر از سایر مناطق است. در شرق آن شیب کویری، در جنوب کویر نگب، در غرب، دامنه ی کوهی است که آن را از دشت جدا می سازد و بالاخره در شمال آن دره ی عمیقی وجود دارد.

رشته کوه های مرکزی در قیاس با سایر نقاط برای سکونت مناسب تر است. در این مکان به کوه های کم ارتفاعی که بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ متر ارتفاع دارد بر می خوریم و هم چنین در این جا جلگه ها و دشت های کوچکی به ارتفاع بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ متر به چشم می خورد که دارای زمین های حاصل خیز و آب های فراوان می باشد. جاده ای که از شمال به جنوب در این منطقه کشیده شده است مناطق را به یک دیگر مربوط می سازد. بنابر آن چه گفته شد به روشنی آشکار است که جرا در تاریخ، یهودیه با وجود این که همیشه گذرگاه قهری بین شمال و جنوب فلسطین به شمار می رفته، خصائص خود را حفظ کرده است.

**دشت شفلا :** این دشت در غرب رشته کوه های یهودیه قرار گرفته و سرزمین مستعدی برای کشت غلات به شمار می رود. سواحل این منطقه دارای بریدگی های بندری است و در اینجاست که فلسطینیان مستقرند.

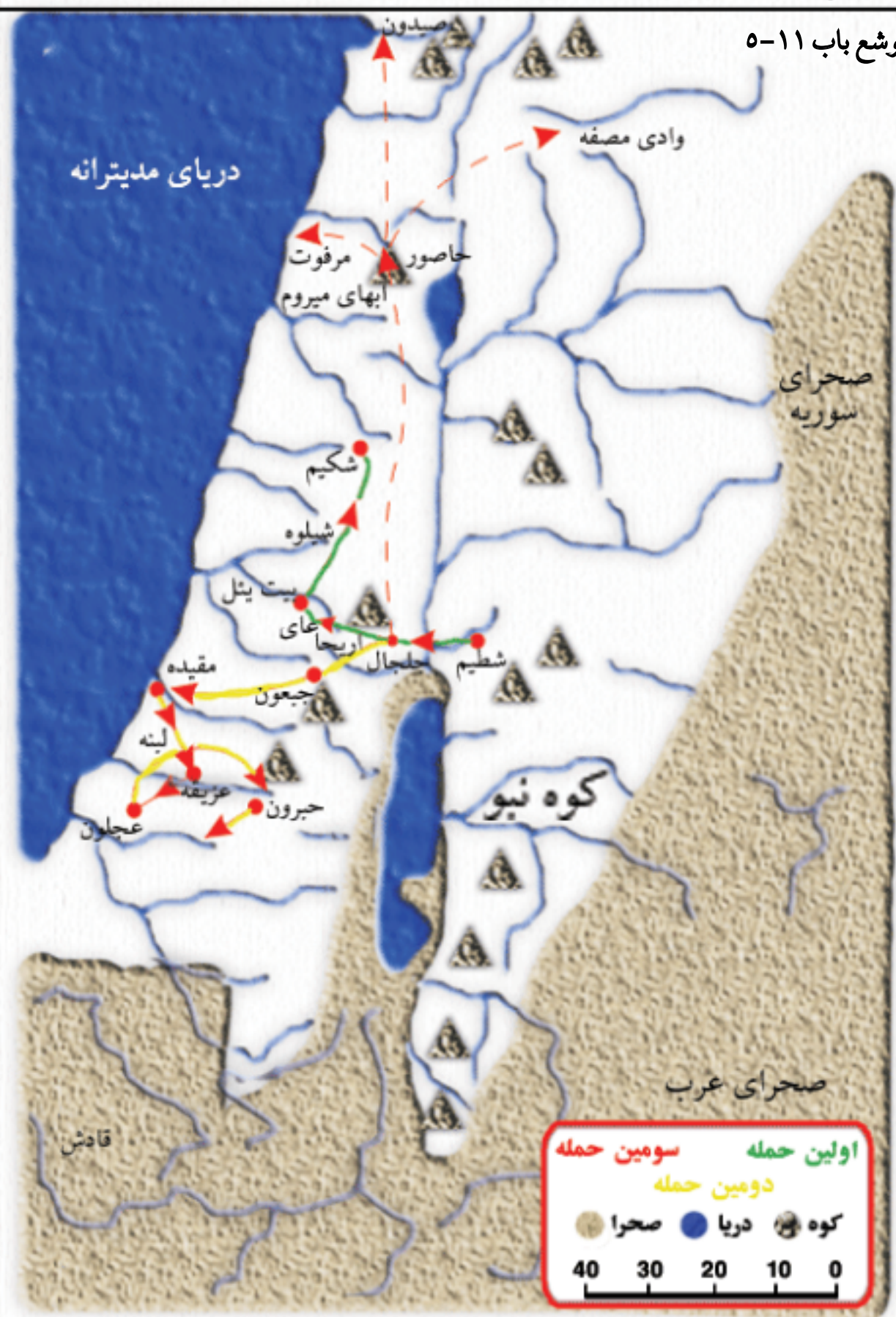
**سامره :** این سرزمین دارای یک منطقه ی ساحلی هموار است که در بعضی از مناطق بسیار باریک بوده و از نظر کشاورزی مناسب نمی باشد. هم چنین شامل رشته کوه های متقاطع و متفاوت بوده که دارای چند قله و جلگه های هموار و چند دره ی حاصل خیز وسیع است. در اطراف شکیم که خود یک تقاطع طبیعی می باشد، کوه های عیبال و جرزیم قرار گرفته که نقش مهمی را در برگزاری مراسم تجدید عهد ایفا می کند.

**جلیل :** تنها مرز طبیعی این سرزمین رود اردن است، در نتیجه این منطقه ی حاصل خیز در طول تاریخ مرتباً مورد تهاجم قرار می گرفته است. در این جا می توان یک جلگه ی ساحلی و حاصل خیزی را مشاهده کرد و هم چنین دشت مرکزی که دارای راه های متعددی است و از آن می توان به هر طرفی رو کرد و سرانجام دشت یزرعیل و کوه کرمل که مبداء جاده ی مجدو به سوی جنوب می باشد.



# پیروزی صیرافیان بر قبایل کنعان ۱۲۲۰-۱۲۰۰ ق.م

یوشع باب ۱۱-۵



## ثمرات یک پیروزی

شرح پیروزی اسرائیلیان در اشغال کنعان در صحیفه ی یوشع، جانشین موسا آمده است. از مطالعه ی کتیبه ها و

بررسی باستان شناسان، مورخان را عقیده بر این است:

برخی از گروه ها قبل از قوم بنی اسرائیل در فلسطین مستقر شده بودند. به عنوان مثال: ساکنان شکیم و شیلوه به راحتی توانستند به عهد مقدس و بنابراین به اتحاد با قوم برگزیده بپیوندند. قوم جاد هم به نوبه ی خود قبلاً در کنعان مستقر شده بود.

محل اولیه ی ورود گروه های مذکور به این سرزمین از ناحیه ی جنوبی یعنی گذرگاه برخی از قبایل بنی اسرائیل که یک نسل قبل از یوشع از شهر قادش می آمدند نیز بوده است (۱۲۵۰ ق.م).

ورود اصلی قبایل از طریق عبور از رودخانه ی ارن به طرف اریحا انجام گرفت. جاده ی شکیم برای عبور بسیار آسان بود، چون می توانستند در آن جا مستقر شوند و زمینی را که از کنار جاده شروع می شد، تصاحب کنند. به همین دلیل است که شکیم در کتاب های یوشع و داوران نقش مهمی را ایفا می کند و در آن جا است که تمام قبایل، عهد جبل سینا را با تشریفات خاصی تجدید می کنند.

نحوه ی استقرار به صورت مختلف و مستقل انجام می شد و بستگی به قبایل و مناطق و حالت عبور آن ها داشت که آن هم یا به صورت تهاجم تدریجی بود و یا این که با قرارداد و تفاهم با ساکنان قبلی منطقه. آن چه مسلم است اشغال بسیاری از سرزمین ها از راه جنگ انجام می گرفت، مانند نواحی حرما و حبرون و دبیر در جنوب و حشبون در ماورای اردن و اریحا و جبعون در مرکز و یابین و حاصور در شمال.

یوشع در حدود سال ۱۲۲۵ (ق.م) نقش مهمی را در استقرار مرکز کنعان از زمان عبور از اردن تا زمان اجتماع قبایل در شکیم ایفا کرده است.

ورود تدریجی دیگر، از طرف شمال در حدود ۱۲۰۰ (ق.م) صورت گرفت.

در اواخر هزاره ی دوم قبل از میلاد، حکومت مصر ضعیف شده و امپراتوری حتی ها کاملاً از بین می رود و قبایل جدید در کنعان در زمین هائی که آزاد بودند به حرکت در می آیند. قوم بنی اسرائیل فقط یکی از آن قبایل بود و به همین جهت است که نتوانست سرزمین هایی مثل ادوم و موآب و فلات فلسطی را به دست آورد. در کتاب داوران مبارزه ی این قوم علیه حکومت های مذکور بعد از استقرار اولیه شرح داده شده است. با وجود این که این قوم پیشرفت شایانی داشت باز اراضی کم وسعتی در دست کنعانیان باقی مانده بود مه نتوانسته بود بر آن ها دست یابند (مانند اورشلیم که زیر سلطه ی یبوسیان بود) و همین موضوع برای یهودیان تهدید آمیز و ناخوشایند بود چنان که این وضع تا زمان داود نیز ادامه داشت.



توزیع سرزمین موعود بین فبایل و اژده گانه پنی اسرائیل



## استقرار قبایل «اسرائیل» در «فلسطین»

در «کتاب یوشع» تصرف سرزمین «کنعان» به صورت یک سری رویدادهای پیروزمندای که یهوه با همکاری دوازده قبیله «اسرائیل» (قبایلی که به گرد صندوق عهد جمع شده اند) حاصل نموده، گزارش شده است. روایات «کتاب یوشع» مجموعه سنتهای گوناگون شفاهی است که طی قرون متوالی شکل گرفته و بالاخره در ۷ ق.م همزمان با «سفر تثنیه» به نگارش درآمده. و هدفش تشریح و تعمق در معنی رویدادهاست، و اثبات اینکه «یهوه» سرزمین موعود را به طور رایگان به قوم برگزیده عطا نموده است. (مز ۵۵، ۷۸/۵۴ و ۴۵-۴۴/۱۰۵) در واقع طبق «کتاب داوران» و تحقیقات و کشفیات باستانشناسی اخیر روشن شده که این اتفاقات پیچیده و غامض و نتایج هر یک از پیروزیها بر حسب مناطق «فلسطین» و قبایل مربوطه متغیر بوده است.

طبق یکی از فرضیه ها که متخصصین ارائه داده اند ترتیب احتمالی تصرف «کنعان» به شرح زیر بوده، که بتدریج ما بین سالهای (۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م) با سه حمله متوالی و با همکاری سامیهای چادرنشین (که قبل از خروج در خارج از مصر سرگردان بوده و تجربه بردگی را نداشتند) بدست آمده است.

### گروه اول و اولین ورود

این گروه که از قبایل «یهودا» همراه با «کالیت» و «شمعون» و «لاوی» که فرزندان «یعقوب» از همسرش «لیه» می باشند متشکل بوده. آنان از طریق «قادش» و «جنوب» به سرزمین «کنعان» وارد شدند، و تجربه ۴۰ سال سرگردانی تحت سرپرستی خدا را نچشیده بودند (داور ۲۰-۱/۱ و اعد ۲۲/۱۳ و ۳-۲۱/۱).

### گروه دوم و دومین ورود

این گروه شامل قبایل «بنیامین» و «یوسف» با پسرانش «افرایم» و «منسی»، که فرزندان «یعقوب» و «راحیل» بوده می باشند. آنان از سمت شرق و شهر «اریحا» به «کنعان» وارد شدند. که شرح آنان در «یوشع» بابهای (۹-۲) ذکر شده است. این روایات مجموعه سنتهای گردآوری شده در عبادتگاه «جلجال» می باشند. تنها این گروه سرگردانی در بیابان را تجربه کرده، آنان پس از ساکن شدن قبایل «روبین» و «جاد» از «اردن» عبور کردند (اعد ۳۲ یوشع ۲۹-۱۳/۸).

### گروه سوم و آخرین ورود

این گروه متشکل از قبایل «زبلون» فرزند «لیه» و «اشیر» فرزند «زلفه» و «نقتالی» فرزند «بلهه» بودند. آنان به تدریج از طرف شمال وارد سرزمین «کنعان» شدند (یوشع بابهای ۲۴ و ۱۱) آنان نیز تجربه گذر از «مصر» و «عید فصح» را تجربه نکردند. ولی «یوشع» آنان را به ایمان به «یهوه» دعوت نمود.

باید از چنین برداشتی از کتابهای «خروج» و «یوشع» (خروج ۱۳/۳؛ ر.ک خروج ۱۲/۳۸ و اعد ۱۸-۱۱/۱۰) یعنی تصرف پیروزمندانه ای که با همکاری ۱۲ قبیله (که بطور منظم به دور «صندوق عهد» گرد آمده اند) حاصل شده، اجتناب نمود. این اتفاقات واقعیتهای انسانی و در نتیجه پیچیده می باشند. اما می توان در لابلای این حوادث

### پسران یعقوب به ترتیب تولد

مادر	روبین (۱)	راحیل
	شمعون (۲)	و
	لاوی (۳)	کنیزش
لیه	یهودا (۴)	
	بساکار (۹)	
	زبولون (۱۰)	
	جاد (۷)	زلفه
	اشیر (۸)	
	یوسف (۱۱)	راحیل
	بنیامین (۱۲)	و
	دان (۵)	کنیزش
	نقتالی (۶)	بلهه
افرایم		
منسی		



حضور فعال و پیروزمندانه یهوه، که خودش را برای قومش آشکار می سازد را دید. تصرف سرزمین موعود توسط قوم برگزیده حقیقی تاریخی و مسلم است.

اما در وراء این پیروزیها حضور بخشنده خدا را کشف می کنیم که امروزه بما می آموزد و یادآوری می کند که او توبه و ایمان را بما عطا می کند تا بتوانیم در هدایت او زندگی کنیم و بما اجازه می دهد تا با همکاری روح القدس و به مرور زمان به قامت پُری «مسیح» برسیم.

ر.ک: ص ۵۰ درباره فرضیه های دیگر برای «فتح کنعان» «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۳۷  
 «آغاز پادشاهی» فصل اول و دوم «برگهای زرین» فصل چهارم «ضمیمه»، استقرار قبایل و روابط آنها



## راهها و مراکز مهم

«کنعان» مهمترین گذرگاه طبیعی همه جاده های اصلی و مهم بازرگانی نواحی «هلال خصیب» بود. این جاده ها در حقیقت وسیله ارتباط بین شمال و جنوب بودند و شرایط جغرافیائی این سرزمین بوضوح این ارتباط را نشان می دهد. در دو سوی شرق و غرب بعثت سیلابی بودن بستر رودخانه ها سیر و سیاحت بسیار مشکل بوده است: «دره اردن» در گودی قرار دارد و هوایش در تابستان خفکان آور می باشد و زمین آن به علت پیچ و خم های رود ناهموار است. و در زمستان به علت اینکه سیلابهای متعددی در اطرافش جاری بوده ناامن می باشد.

در شمال «فلسطین» شهر «مجدو» بزرگترین مرکز تقاطع مابین راههای شهره های «غزه» و «قادش» و «دمشق» و «عکو» و «صور» می باشد. علاوه بر این «مجدو» دارای قلعه مستحکم و نیرومندی است و در همین جا بود که نبرد و پیروزی بزرگ فرعون «توتمس سوم» بسال ۱۴۶۸ (ق.م) علیه متفقین «میتانی» بوقوع پیوست. این پیروزی زمامداری تمام سرزمین «فلسطین» را بدست «فرعون» سپرد.

«حاصور» نیز از قلعه های مهم بشمار می رفت که نسبت به «مجدو» در ناحیه شمالی تری قرار گرفته بود. «تغلت فلصر سوم» آنرا همزمان با تصرف «مجدو» در سال ۷۳۳ (ق.م) به اشغال در آورد.

«اورشلیم» از نظر سوق الجیشی و ارتباط مابین قبایل شمال و جنوب در درجه اول اهمیت قرار داشت و به همین دلیل است که «داود» با دور اندیشی و آگاهی این شهر را بعنوان پایتخت خود انتخاب کرد.

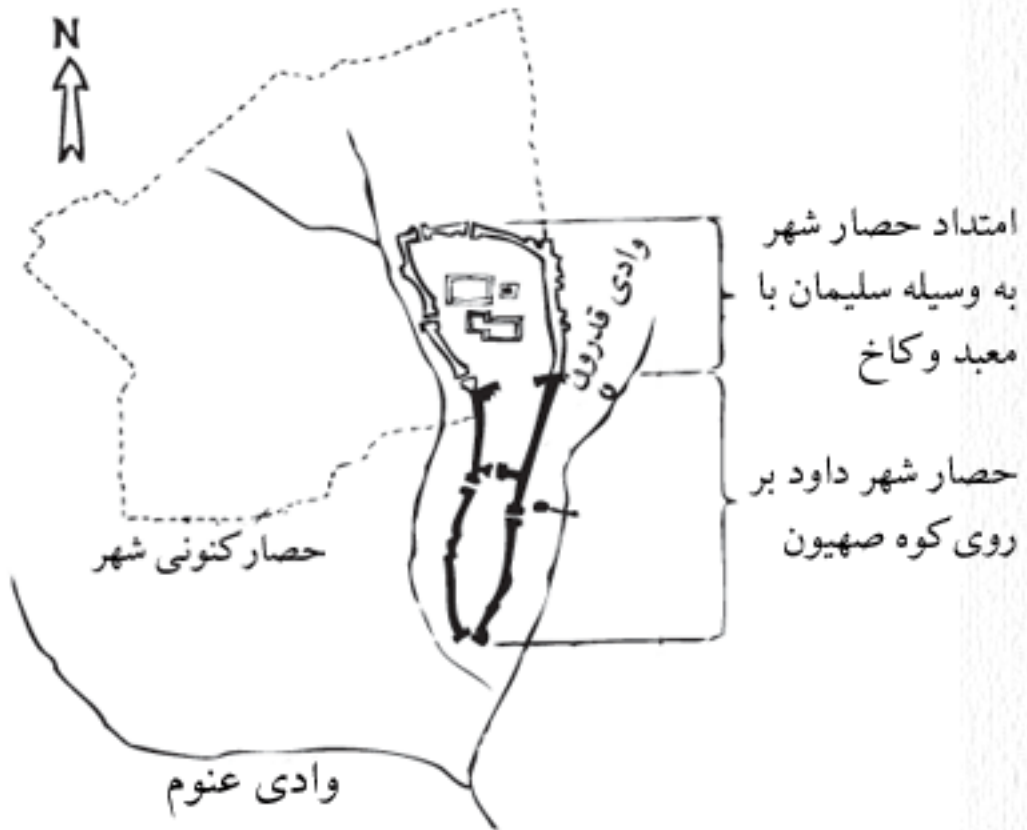
شهره های «لاخیش» و «جازر» مانند شهر «اورشلیم» دارای موقع مرکزی نبوده و از نظر بازرگانی و تجارتي سود زیادی عایدشان نمی گردید ولی در صورت حمله دشمن و لشگرکشی بیشتر در امان بودند. بهرحال شهر «لاخیش» از نظر دفاع شهر «اورشلیم» موقعیت بسیار مهمی داشت و به همین دلیل بود که «سناخریب» پادشاه «آشور» شخصاً محاصره این شهر را در سال ۷۰۱ (ق.م) پیش از حمله به «اورشلیم» بعهده گرفت و «نبوکدنصر» هم مجبور شد این شهر را در سال ۵۸۸ (ق.م) پیش از تسخیر اورشلیم بدست آورد.

«شکیم» نیز یکی از راههای گذر بین کرانه دریا و «دمشق» از طریق دره «یبوق» بود که مانند شهرهای «شیلوه» و «بیت ئیل» در جاده شهر «اورشلیم»، و شهر «بئر شبع» در جاده شهر «نگب» و شهر «دان» در جاده «قادش» به «دمشق» همگی دارای عبادتگاههای مهمی بوده اند.

بعضی از شهره ها علاوه بر موقعیت سوق الجیشی دارای اهمیت مذهبی نیز بودند. و در آنها معابدی وجود داشت که مربوط به بت پرستان و متعلق به دورانهای ما قبل «ابراهیم» و ما قبل فتح «کنعان» بودند. این معابد بعد از فتح سرزمین باقی مانده و محل زیارتگاه و گرد هم آئی قبایل مختلف اسرائیل گردیدند. نقلان در آنجا روایات قدیمی اسرائیل و تجربیاتش را نقل می کردند. بر اثر همین زیارتها بود که نوشتجات اولیه کتاب مقدس جمع آوری شدند.



## قلعه صهیون در عهد داود



چشمه جیحون، قلعه اورشالیم  
و تونل زیرزمینی فی ما پیشانی



## قسمت دوم: شکوه و جلال نخستین پادشاهان

### «اورشلیم» پایتخت «داود»

قلعه «صهیون» مشرف بر جاده کاروانرو بین «بئر شبع» و «بیت ئیل» قرار داشت، و مهمترین جاده اصلی از نظر ارتباط بین قبایل شمال و جنوب بشمار می رفت. این دژ که در صخره ای بنا شده کاملاً قابل دفاع بوده و مرکز شهر «اورشلیم» که بین دره های «قدرون» و «هنوم» گسترش یافته، می باشد.

وقتی که داود از طرف قبایل جنوب «یهودیه» بعنوان پادشاه انتخاب شد کم کم حکومت خود را بر قبایل شمالی هم گسترش داد و پس از اینکه بعنوان پادشاه سراسر «اسرائیل» در «حبرون» مسح شد تا مدتی در این شهر ساکن گردید تا اینکه توانست «اورشلیم» را که در ناحیه مرکزی «یهودیه» قرار داشت و بخاطر موقعیت استثنائی اش بخوبی قابل دفاع بوده را از طریق مکر و حيله به تصرف در آورد. و علاوه بر آن داود با ذکاوت به وضع سیاسی این شهر که هرگز زیر نفوذ «عبرانیان» شمال و جنوب قرار نداشته پی برده و آنرا بعنوان پایتخت اعلام نمود. و همین تصمیم باعث استواری حکومتش گردید. (ر.ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۱۸)

بنای اولیه «اورشلیم» توسط «کنعانیان» (حدود آن در نقشه بوسیله خطوط سیاه مشخص شده است) بر روی تپه کوچک «عوفل» ساخته شده بود. در دامنه این تپه چشمه ای «جیحون» از میان تخته سنگها فوران می زد. این چشمه توسط قنات زیرزمینی به مرکز شهر متصل می شد. این قنات به این دلیل احداث شده بود که در صورت محاصره شهر توسط دشمن، مردم بی آب نمانند (از دید باستان شناسان نظیر این قنات در شهرهای دیگر هم وجود داشته و یکی از روشهای رایج آن زمان بود). و لشکر داود از طریق همین قنات موفق شدند که به شهر رخنه کنند (ر.ک نقشه ص قبل) (ر.ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۰۰).

«داود» بر فراز تپه «عوفل» قصر خود را ساخته و مصالح آنرا از شهر «صور» تهیه نمود و در همانجا نیز محلی را برای نگهداری «صندوق عهد» و گذراندن قربانی تعیین کرد و بدین ترتیب تحکیم حکومتش را بر اساس اتحاد مذهبی تعیین نمود (ر.ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۲۲).

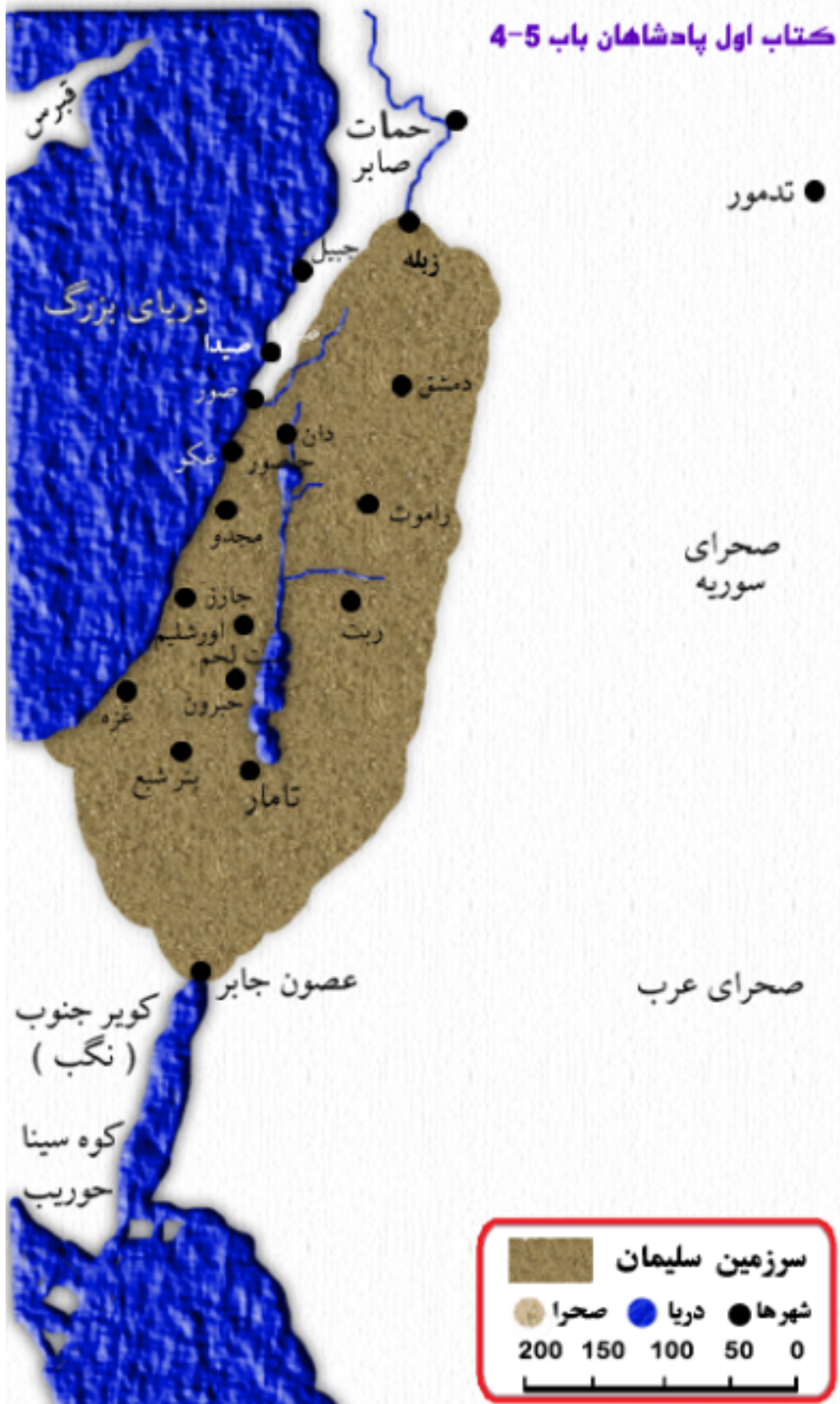
ر.ک: «برگهای زرین» ص ۶۷ و ۶۸

«چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۵۸ تا ۶۰

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۳۹

# سرزمین اسرائیل در عهد سلیمان مقارن 950 ق.م

کتاب اول پادشاهان باب 4-5





## «سلیمان» پادشاه درخشان

در کتاب «دوم سموئیل» (۲۰-۱۰) و کتاب «اول پادشاهان» (۲-۱) می توانیم وقایع تاریخی «اسرائیل» را از دیدگاه یکی از نزدیکان دربار «اورشلیم» بنگریم و دریابیم که جانشین «داود» چگونه انتخاب شد. حکومت داود در اواخر خود دچار تزلزل گردید. اما با ظهور «سلیمان» که پسر و جانشین او بود (پادشاهی که «مسیح» هم به بزرگی و شکوهش معترف است). مرحله جدیدی آغاز گردید. چرا؟ (ر.ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۳۴).

در حقیقت «سلیمان» در لشکرکشی و کشورگشایی قابل مقایسه با «داود» نبود، و در ضمن پس از مرگ وی امپراطوری عظیمش منقسم شد و ضعیف گردید (ر.ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۳۰).

با وجود این «سلیمان» حراست از متصرفات «داود» را بعهدہ گرفت. و البته نگهداری این متصرفات کار آسانی نبود، زیرا ممالک مجاور همواره آماده حمله و اشغال آنها بودند. «سلیمان» سپاه خود را با سلاح جدید جنگی، یعنی بهترین ارا به های جنگی «مصری» و بهترین اسبهای «قلیقیا» مجهز نمود. او لشگرهایش را در شهر «اورشلیم» و در قلعه های جنگی متمرکز کرد تا از جاده های مرتبط به شهرهای «حاصور» و «مجدد» و «جازر» و «تامار» و غیره محافظت بعمل آورند (ر.ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۳۸).

هدف اصلی «داود» متحد کردن کشورش بود و لیکن «سلیمان» قصد داشت اتحاد را بوسیله بکارگیری عوامل دست نشانده و فرستادن آنها به شهرهای شمالی استحکام بخشد. او کشور را به دوازده استان تقسیم کرد که بجز ناحیه «یهودیه» همگی از قوانین کلی پیروی و اطاعت می کردند. پس از آن «سلیمان» برای اتحاد مذهبی اقدام بساختن معبدی بزرگ و باشکوه در مجاورت قصر خود کرد. که نمونه جلال و عظمت بی نظیری بود. (ر.ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۳۸).

او اقتصاد کشور را توسعه داده، و با ایجاد یک خط حمل و نقل دریایی در دریای سرخ، محصولات معادن و ریخته گریهای «عصیون جابر» را با کالاهای گرانبهای «عربی» مبادله می کرد. و همچنین با بازرگانان شهر «صور» و کشور ملکه «صبا» نیز به داد و ستد پرداخت (ر.ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۳۹).

متأسفانه علاقه زیاد «سلیمان» به زنها و بنای ساختمانهای مجلل هزینه زیادی را در بر گرفت، و او مجبور به گرفتن وامهای سنگینی شد. و حتی برای پرداخت دیون خود به «حیرام» پادشاه «صور» اجباراً چند شهر را به او واگذار نمود و علاوه بر این برای تأمین هزینه های گزاف خود مالیاتهای سنگینی را بر مردم وضع کرده و آنان را به بیگاری کشید. این وضع اسف بار نتیجه ای بجز تفرقه و جدائی در بر نداشت (ر.ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۳۶).

ر.ک: «برگهای زرین» ص ۷۲-۸۰

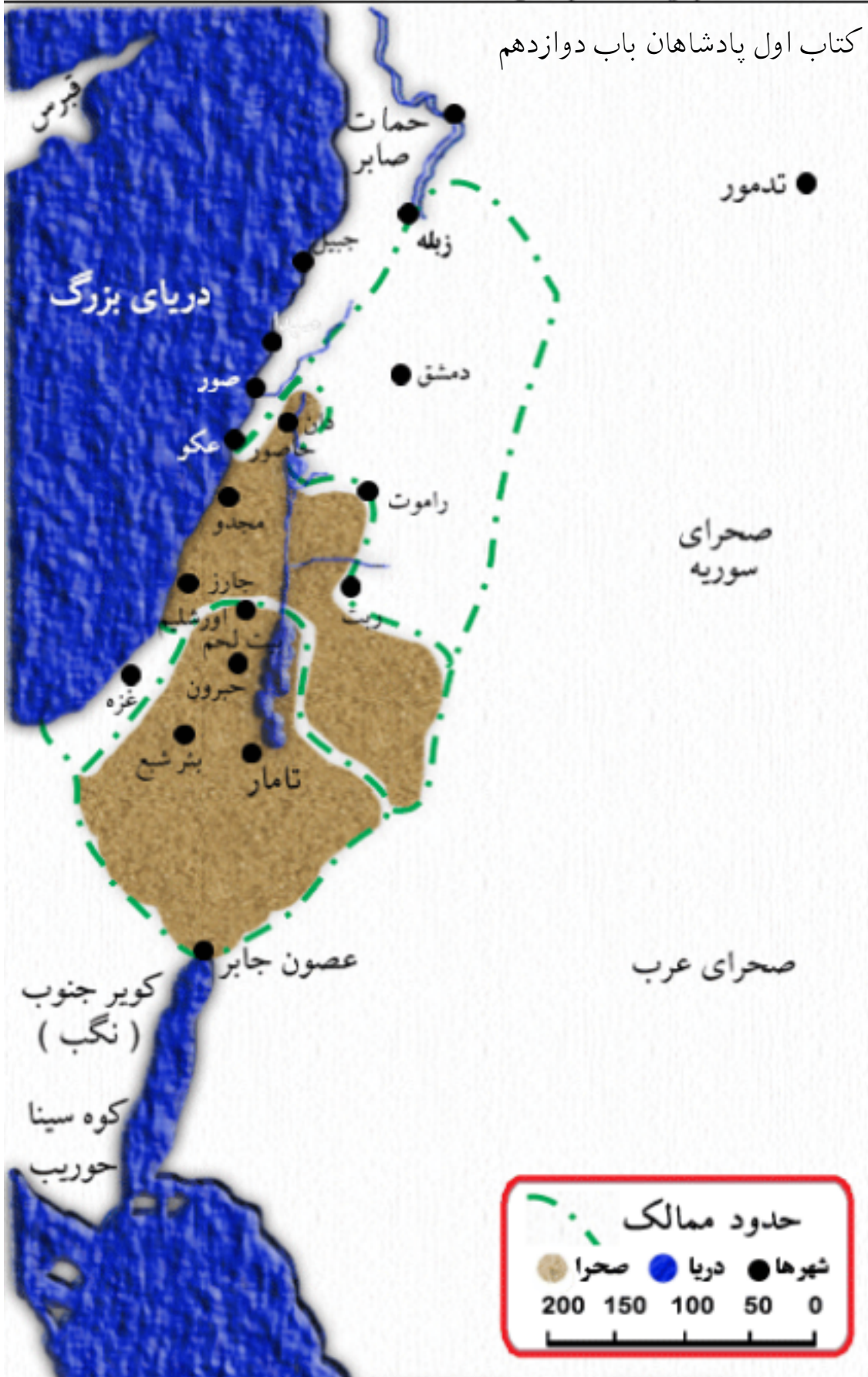
«آغاز پادشاهی» ص ۱۳۰-۱۴۴

«چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۶۰

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۴۰

اشتیاق مذهبی و سیاسی پیچ ثپاگل شمال ( اسرائیل ) و  
ثپاگل جنوب ( پیودا ) حدود سال 900 ق.م

کتاب اول پادشاهان باب دوازدهم



## تجزیه سیاسی و انشقاق مذهبی

ریشه اختلاف و عدم همزیستی ما بین قبایل شمالی («اسرائیل») و جنوبی («یهودیه») به دورانهای قبل باز می‌گردد. «شاؤل» در مدت فرمانروائی خود تلاش زیادی نمود تا بتواند بین قبایل اتحاد بوجود آورد. بعد از او برای مدت ۷ سال پسرش ایشبوشت در شمال و «داود» در جنوب حکومت می‌کردند (کتاب «دوم سموئیل»). «داود» به سبب برخورداری از شم سیاسی توانست مملکت را متحد ساخته و بخوبی اداره کند و لیکن در اواخر فرمانروائی اش با هرج و مرج روبرو گردید (کتاب اول پادشاهان). «سلیمان» در حکومت همانند پدرش سیاستمدار نبود. صرف هزینه های هنگفت و وخامت شدید مالی او و سنگینی مالیاتها و علاقه مفراطی که نسبت به قبیله خود «یهودا» نشان می‌داد باعث بوجود آمدن بی‌نظمی و هرج و مرج در حکومتش گردید. چون «رحبعام» پسر «سلیمان» از روی نادانی درخواست شمالیها را در مورد کاستن میزان مالیات رد کرد، ما بین قبایل شمالی و جنوبی تفرقه سیاسی و سپس انشقاق مذهبی ایجاد شد (اول پادشاهان ۱۲). شمالیهای تجزیه طلب «یربعام» را بعنوان فرمانروا انتخاب نمودند و او برای اینکه این جدائی تدام پذیرد در مقابل معبد «اورشلیم» دو عبادتگاه در شهره های «دان» و «بیت ئیل» بنا نمود. عکس العملی که قبایل شمال بر علیه نفوذ طبقه روحانیون اورشلیم، ظاهر کردند، عملی اجتناب ناپذیر بود. اما آنان بخاطر این جدائی، و بعلت نزدیکی با اقوام بت پرست کنعان، در خطر رد یگانه پرستی افتادند. و بهمین دلیل است که انبیاء شمال همواره علیه بی وفائی قبایل اسرائیل نسبت به «یهوه» اعتراض می‌کردند.

از این زمان به بعد تاریخ قوم برگزیده خداوند شامل دو کشور که دارای مرز ثابتی هستند می‌گردد («اول پادشاهان» ۱۲ و کتاب «دوم پادشاهان»). هر چند رفت و آمد بین این دو قوم بطور آزادانه ای صورت می‌گرفت و لیکن با وجود معاشرت نتوانستند رابطه مسالمت آمیز دائمی با یکدیگر داشته باشند. و بر اثر رقابتی که مابینشان بود مجبور می‌شدند تا به ممالک پر قدرت همسایه پناهنده شده و با آنان هم پیمان شوند که متأسفانه این قراردادها هیچوقت به نفعشان تمام نگردید. بعنوان مثال می‌توان به پیمان با «مصر» و «آشور» اشاره کرد. (اول پادشاهان ۱۵).

آنچه مسلم است، این تفرقه سیاسی، قدرت و اقتدار و برتری قوم خداوند را تضعیف کرد. و علاوه بر این انشقاق مذهبی که طبق دید انبیاء بعلت گناه قوم و توبیخ الهی نصیب شان گردید مقدمه عهد نجات بود، تا اینکه دوباره در زمان معین طبق اراده خدا وحدت حقیقی بوجود آمده و نجات دهنده ای بر «اسرائیل» و «یهودیه» حکومت بنماید.

ر. ک: «برگهای زرین» ص ۸۶

«آغاز پادشاهی» ص ۱۴۵-۱۵۶

«چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۶۱

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۴



## مقایسه بین قلمروهای دو گانه

### حکومت یهودیه (جنوبی)

- ۱- سرزمینی کم وسعت و لم یزرع.
- ۲- دارای خطوط ارتباطی محدود و فاقد بنادر و بیشتر به خود متکی بود.
- ۳- وراثت نظام داود و سلیمان:
- دارای پایتختی با نام و نشان یعنی اورشلیم بود.
- خصلت مقدس سلسله داودی متضمن ثبات آن بود.
- کوهستان یهودیه سرزمینی یک پارچه بود.
- ۴- اورشلیم که در عین حال پایتخت بود شهری مقدس به شمار می رفت و دارای معبدی بود که یهوه در آن حضور داشت.
- ۵- سرزمینی بود که با وجود تأثیر کنعانیان، به خاطر وجود حمایت کاهنان اورشلیم، مذهب یهوه ماهیت اصلی خود را حفظ کرد.
- ۶- این قوم اعتقاد عمیقی به نجات از طرف خداوند در قلب خود می پروراند و چشم انتظار مسیحی از نسل داود بود که می بایست پایه گذار حکومت عدل و صلح باشد.
- ۷- در اینجا تفسیرهای یهویت و کهانت پدیدار گشت. تفسیر کهانت برای برگزاری مراسم آیین مذهبی در معبد اهمیت زیادی قائل بود.

### حکومت اسرائیل (شمالی)

- ۱- سرزمینی وسیع و غنی.
- ۲- دارای روابط بازرگانی با فنیقیان و سوریان و دمشق.
- ۳- اشکال برقراری تعادل داخلی:
- ۵۰ سال به طول انجامید تا سامره به پایتختی انتخاب گردید.
- در انتخاب سلسله شاهی نظر ثابتی نداشتند.
- قبایل شمال دارای هماهنگی نبودند.
- ۴- مملکتی که دارای یک عبادتگاه ملی نبود، بلکه دارای عبادتگاه های بیت ئیل، دان، سامره و شکیم بود.
- ۵- سرزمینی بود میان رقابت های مذهبی، بین مذهب بعل (خدایان کنعانیان و فنیقیان) و مذهب یهوه، این مذهب بر اثر برخورد با مذهب بعل اصالت خود را به مرور از دست داد.
- ۶- این قوم بر اثر تجربیات و برخورد با افکار گوناگون به این حقیقت پی برد که انسان نسبت به خدا بی وفاست و برعکس خداوند همیشه بخشنده و به قوم خود وفادار است.
- ۷- در اینجا پیامبرانی به فعالیت پرداختند، تفسیر الوهیت و خطابت مبین این حقیقت اند.

## فصل پنجم

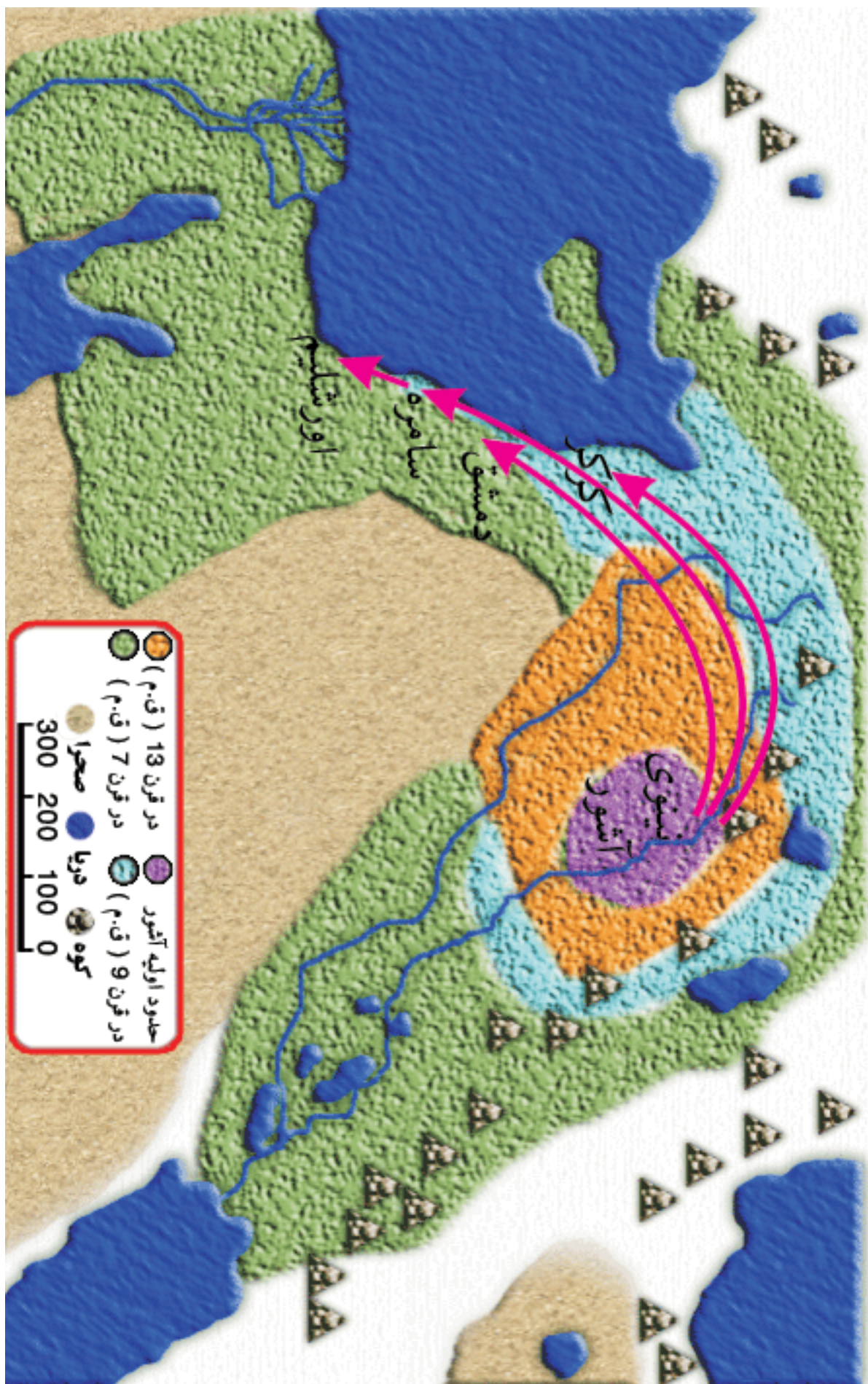
### خداوند قومش را مطهر می کند

خداوند می گوید: وای بر پسران فتنه انگیز که مشورت می کنند، لیکن نه از من و عهد می بندند لیکن نه از روح من تا گناه را بر گناه مزید نمایند. که برای فرود شدن به مصر عزیمت می کنند، اما از دهان من سؤال نمی مایند و به قوت فرعون پناه می گیرند و به سایه مصر، رسوایی شما خواهد بود. زیرا که سروران او در ( صوعن ) هستند و ایلچیان وی به ( حانیس ) رسیده اند. همگی ایشان از قومی که برای ایشان فایده ندارد خجل خواهند شد که نه معاونت و نه منفعتی، بلکه خجالت و رسوایی نیز برای ایشان خواهند بود. ( اش ۳۰ : ۱-۵ ).

### شخصیت های کتاب مقدس در سیر تکاملی زمان :

اشعیا دوم	کتاب ایوب - طویاس عزرا کتاب جامعه	کتاب مقدس به زبان یونانی مکابیان	کتاب حکمت مسیح
۶۰۰	۳۰۰	۲۰۰	۱۰۰
کوروش / دوران پارسیان	اسکندر مقدونی	تعقیب و آزار توسط آنتیوخوس	هجوم رومیان

# پیدرودی حالی آهسوریای هر قهروی نهم و هسسته ق.م





## در همهٔ چهارسوها نوحه گری خواهد بود

کشور کوچک «آشور» از سال ۱۳۵۰ (ق.م) به بعد شروع به پیشروی نموده، و حدودش را تا «بین النهرین» امتداد داد. البته این توسعه به نفع بابلیان نبود. ولی در آن زمان با اضمحلال «میتانی» (به شهر «ماری دست یافته»)، و با سقوط تدریجی «هیتی‌ها» که موانع رسیدن به دریای «مدیترانه» بودند، اشتیاق «آشوریان» برای پیشروی به سمت غرب بیدار شد. (حدود سال ۱۲۰۰ ق.م) اما «سامیهای» ساکن مرزهای «سوریه» مانع این پیشرفت شدند. و بنابراین «آشوریان» نتوانستند در اطراف «رود فرات» به موقعیتی دست بیابند.

اما این اندیشه یعنی تسلط و برتری بر ممالک دیگر در ذهن «آشوریان» باقی ماند تا اینکه در قرن نهم (ق.م) موقعیت مناسب بدست آمد. و پادشاهان «آشور» بر «آرامیانی» که به صورت پراکنده و بدون اتحاد در کنار هم زندگی می کردند، و قادر به جلوگیری از پیشروی آنان نبودند. یورش برده و به ترتیب شهرهای «صور» و «صیدون» و «بیبیلوس» و «ارود» و «رواد» را به تصرف خود درآوردند. در سال ۸۵۳ (ق.م) در شهر «قرقر» مابین شاهزاده های «آرامی» و «فلسطینی» اتحادی بر ضد «شلم نصر سوم» پادشاه «آشور» تشکیل شد. ولی به دشواری مانع پیشرفت او شدند. بعد از مرگ «شلم نصر سوم» اختلافات داخلی و خارجی دست بهم داده و آشور را تضعیف نمود، عامل دیگری که به ضعف دولت «آشور» کمک کرد حملهٔ قبایل «اورارتو» از سمت شمال، و «بابلیان» از سمت جنوب و «مادها» از سمت مشرق بود.

در قرن ۸ (ق.م) «تغلت فلصر» تلاش کرد تا از کشورهای «بیبیلوس»، «دمشق»، «صور» و همچنین پادشاهان «اسرائیل» و «یهودیه» باج بگیرد ۷۳۸ (ق.م). «سرجون دوم» در سال ۷۲۱ (ق.م) موفق شد شهر «سامره» را به تصرف آورده و اهالی آنجا را تبعید کند و بالاخره «سناخریب» بعد از «سرجون دوم» توانست تا پشت دیوارهای «اورشلیم» پیشروی کند.

در قرن هفتم (ق.م) «اسرحدون» پادشاه «آشور» توانست برای اولین بار تا «مصر» پیشروی نماید و شهر «ممفیس» را تصرف کند و همچنین «آشور بانی پال» در سال ۶۶۳ (ق.م) شهر «نو» را به تصرف درآورد. پس از آنکه باستان شناسان قصرهای پادشاهان «آشور»، از جمله «کالج»، «نینوی»، «آشور» و «خرساباد» را حفاری کردند و در آنها گنجینه های گرانبهائی یافتند که بعنوان خراج گرفته شده بود. کنده کاریهای جالب و دیدنی که بر روی دیوارهای این قصرها برجای مانده گویای قدرت و تسلط «آشور» بر ممالک متعدد است. بر خلاف تصور این «بابلیها» بودند که با کمک «مادها» و «سکاها» این امپراطوری پر قدرت را سرنگون ساختند.

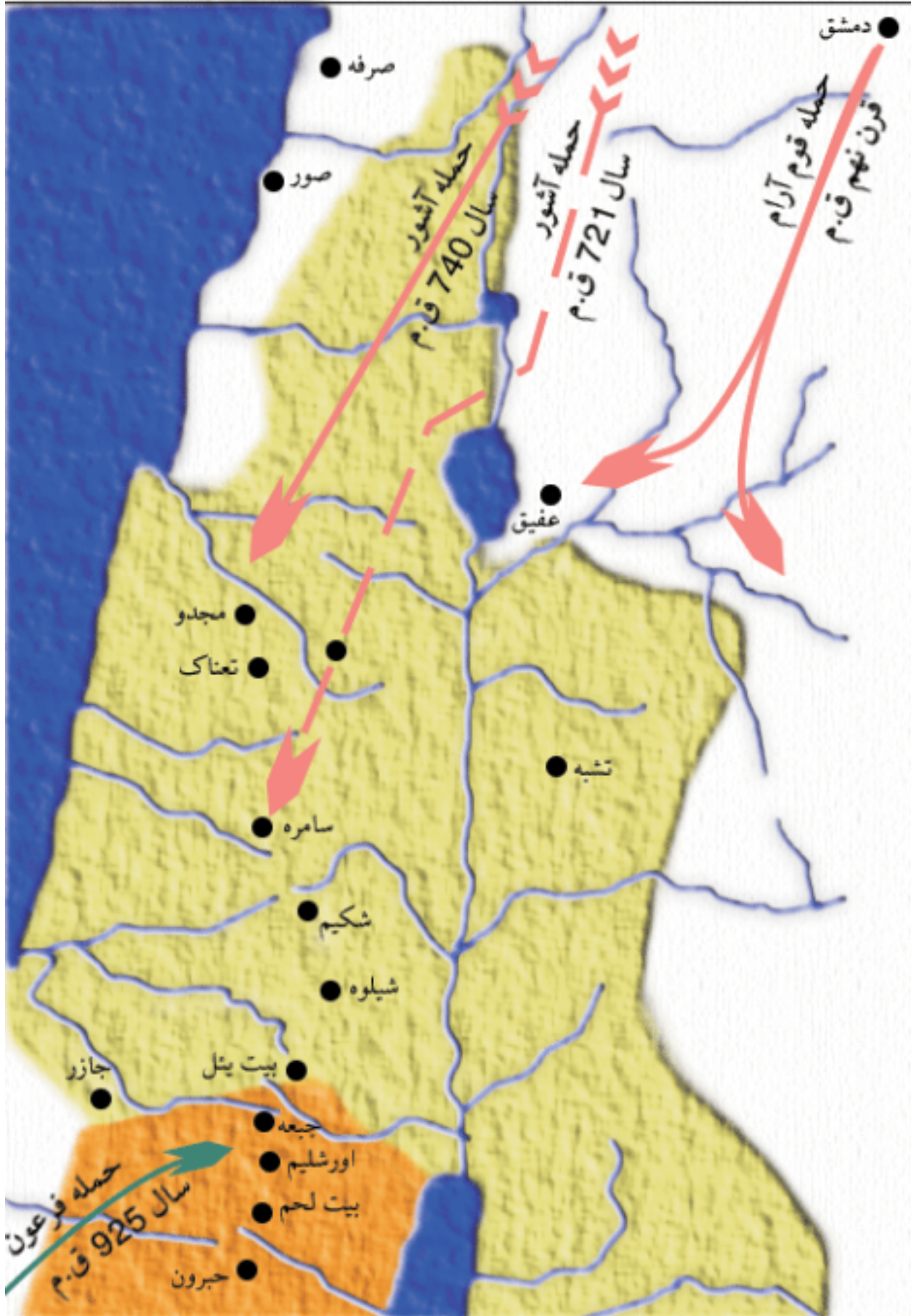
آنچه مسلم است «اسرائیل» و «یهودیه» در طی جنگهای مذکور نقش پیاده های شطرنج را بازی می کردند. در کتابهای «پادشاهان»، «عاموس» و «هوشع» نبی با نقش تاریخی این دو ملت آشنا می شویم (همزمان با این وقایع پیامبرانی چون «اشعیاء» نبی و «میکاه» نبی در «یهودیه» ظهور کردند.

ر.ک: «برگهای زرین» ۹۸-۱۰۶

«پادشاهان و انبیا» ص ۳۲، ۴۷، ۴۹-۸۷، ۸۹-۹۶، ۹۸-۱۲۶-۱۲۷

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۸

# مهاجمات و اضمحلال قلمرو شمالی



### غریبان قوتش را خورده اند (۹-۷/۸)

در قرون نهم و هشتم (ق.م) گذرگاه «فلسطین» دچار بحران بی سابقه ای گردید کتاب مقدس و اطلاعات بدست آمده از باستان شناسی ما را یاری می کنند، تا تاریخ این دوره را باز شناسیم همچنین از حفاری در «نینوا» و «خرسآباد» و «نمرود» نوشتجاتی کشف شد که صحت این وقایع را تأیید می نماید.

با بازنگری بر وقایع حکومت شمالی «اسرائیل» در می یابیم که آن کشور با همسایه خود «دمشق (آرام)» دارای مشکلات بزرگی همانند رقابت نظامی بوده است.

در سال ۸۵۳ (ق.م) «آخاب» توانست موقعیتی بدست آورد، و با «آرامیان» بر علیه «شلم نصر» سوم هم پیمان شده و متحد گردد. پس از آن سلسله «عمری» توسط «بیهو» منقرض گردید و او جنگ بر علیه «دمشق (آرام)» را از سر گرفت و خراج گذار «شلم نصر سوم» گردیده و لیکن بار دیگر «دمشق» بر حکومت «بیهو» مسلط شد.

تاریخ سیاسی قلمرو شمالی «اسرائیل» به طور دائم در حال نوسان بوده، گاهی با «آرامیان» متحد می گردید و زمانی بر علیه آن قیام می کرد. در دوره ای دچار نزاع داخلی می شد و زمانی مورد حمله «آشوریان» قرار می گرفت.

عظمت «آشور» برای قوم «اسرائیل» کمک غیرمستقیمی بود. زیرا که «دمشق» دشمن نیرومند اسرائیل در همسایگی «آشور» قرار داشت. و دائماً با «آشوریان» در جنگ می بود. این جنگها باعث تضعیف حکومت «دمشق» می شد. و در نتیجه «اسرائیل» از این فرصت استفاده می کرده و سرزمینهای از دست رفته را باز پس می گرفت.

در شمال «یربعام دوم» در دوره حکومتش از روش «سلیمان» استفاده نمود. او باعث پیشرفت کشورش گردید، و به اقتصاد آن رونق داده و حکومتش را مستحکم ساخت. و لیکن عقاید مذهبی اهمیت خود را از دست داده و اصول اخلاقی سست شدند. در نتیجه «عاموس» و «هوشع» نبی بر این ضعف تأکید کرده و مجازات سختی را از طرف خداوند برای قوم پیشگوئی نمودند.

برای مدت کوتاهی اقتدار «آشور» کاهش یافته، لیکن دوباره قدرت خود را به دست آورده و احیاء شد. در این دوره «دمشق» با اسرائیل متحد شده بودند که سرانجام «دمشق» در سال ۷۳۲ (ق.م) سقوط کرد. و در نتیجه «آشور» بر شمال «اسرائیل» مسلط شده و مردم آنرا تبعید نمود. آشوریان «هوشع» (نه هوشع نبی) را که مورد اعتمادشان بود، بعنوان حاکم دست نشانده بر «اسرائیل» معین کردند.

در این دوره «مصر» نیز قوی بوده و توانست در مقابل حملات «آشور» مقاومت کند. آخرین امید اسرائیلیان این بود که همانند «آرامیان» با «مصر» متحد شوند. در نتیجه این اتحاد «آشوریان» حکومت شمالی را مورد هجوم قرار داده و پس از سه سال محاصره، شهر «سامره» را تسخیر کرده و اهالی آنرا به «بین النهرین» تبعید کردند. و «مادیان» و «کلدانیان» را بجای آنان ساکن نمودند.

ر. ک: «برگهای زرین» ص ۱۰۷-۱۱۳

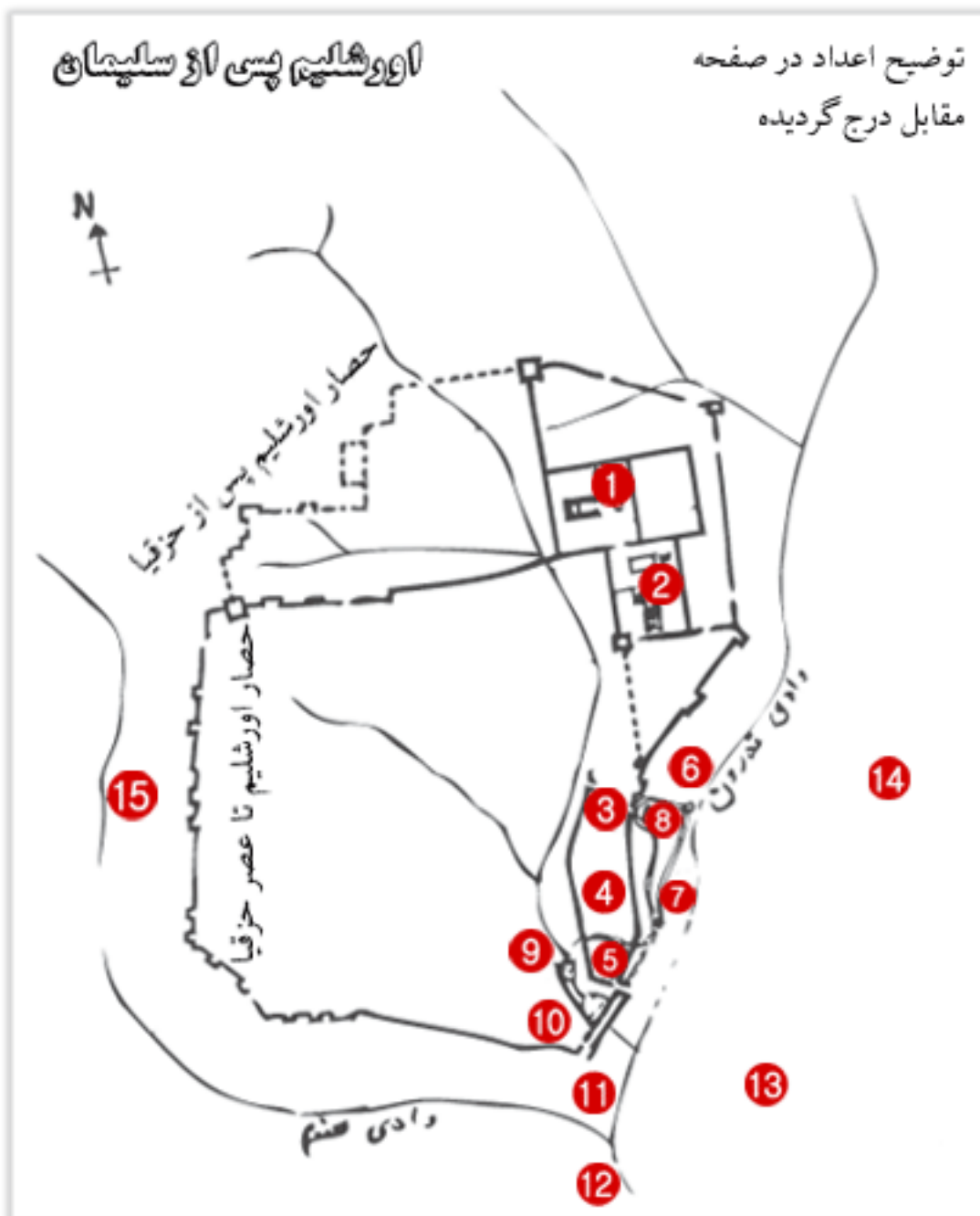
«پادشاهان و انبیا» ص ۳۱-۳۴-۴۸-۴۹

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۶ تا ۹۸

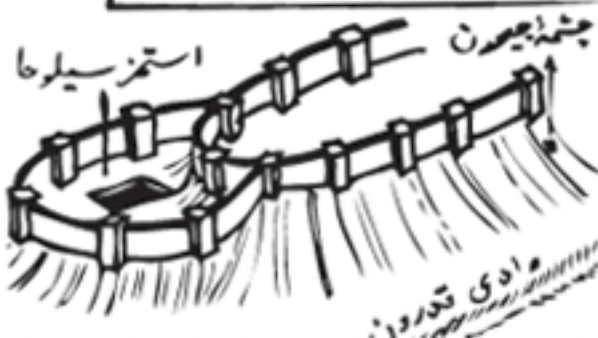


# اورشلیم پس از سلیمان

توضیح اعداد در صفحه  
مقابل درج گردیده



## کوشش های حزقیا پادشاه یهو استحکام قلعه اورشلیم



## آبهای «شیلوه» را که به ملایمت جاری می شود... (اش ۸/۶)

در دوره عظمت و اقتدار «آشور»، «یهودیه» سلطه آن را پذیرفته و خراج گذارش شد. «حزقیال پادشاه» پس از سقوط «سامره» و تسلط «سرجون» بر «اشدود» دریافت که باید فرمانبردار باشد. بنابراین با رفتار عاقلانه تری سعی در ایجاد تعادل در روابط سیاسی خود نمود و به همین دلیل «یهودیه» پس از انقراض حکومت شمالی به مدت ۱۵۰ سال بدون درگیری و در آرامش به حیات خود ادامه داد.

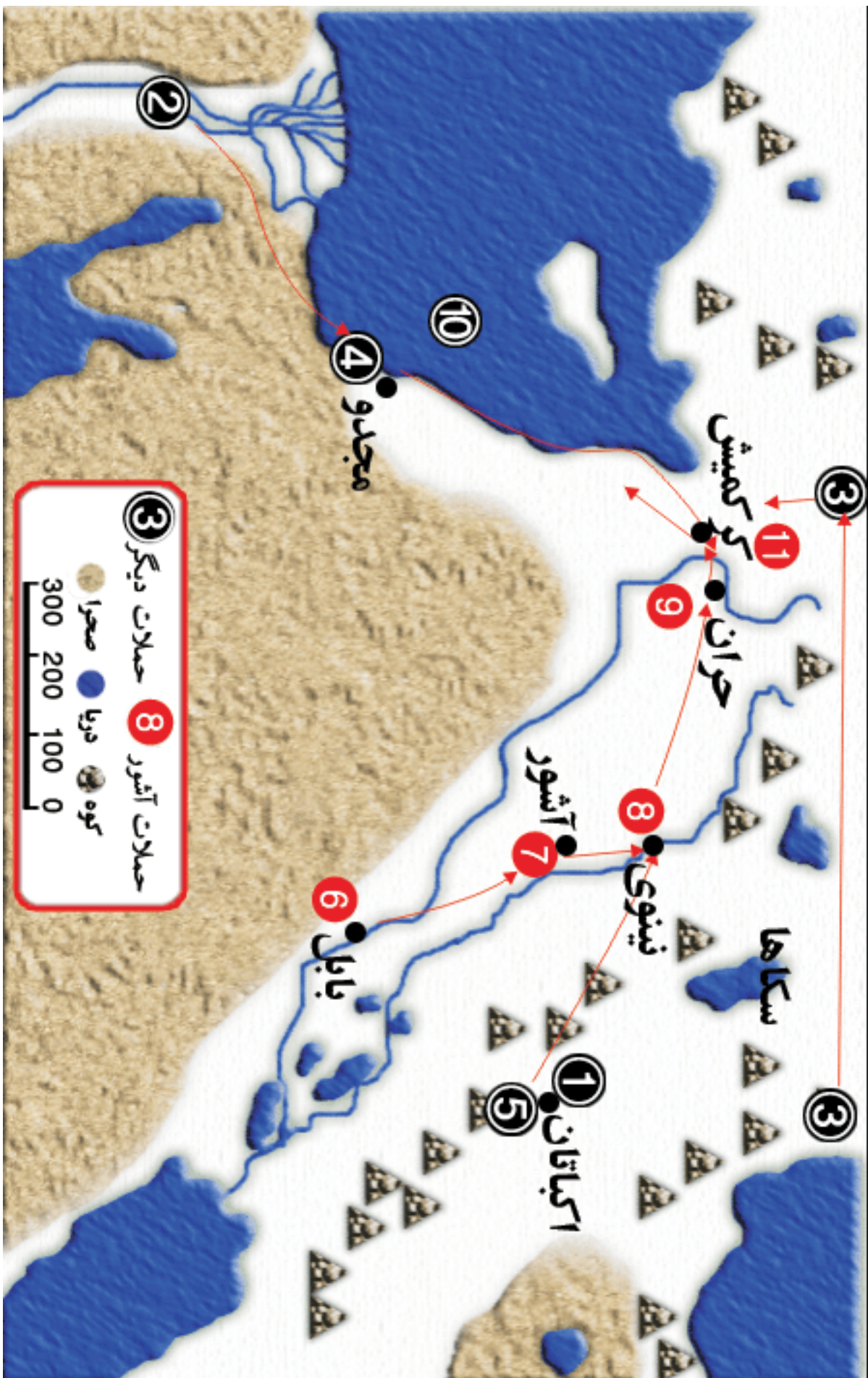
«حزقیال» روابط مسالمت آمیزی با رهبر «بابل» («مردوک بلدان») که دشمن «نینوا» بود برقرار کرد و این دوستی آنقدر مورد اعتمادش بود که فرستادگان «مردوک بلدان» به تمام انبارهای مهمات و گنجینه های «حزقیال» آشنائی یافتند.

«حزقیال» دیوارهای پیرامون «اورشلیم» را مستحکم ساخت و از نظر آب و آذوقه نیز پیش بینی های لازم را بعمل آورد. «چشمه جیحون» را که از شمال شرقی «دره قدرون» سرچشمه گرفته را بوسیله قنات به طرف جنوب روانه نموده و آنرا در «استخر شیلوه» ذخیره نمود و این مخزن پس از به عقب کشاندن حصار جنوبی، در داخل شهر قرار گرفت و در نتیجه بر وسعت شهر از سوی جنوب افزوده گردید. هم اکنون ما شاهد این «مجرای معروف» «حزقیال» هستیم که به صورت مارپیچی به طول ۵۰۰ متر و عرض ۶۰ سانتیمتر و عمق ۱۵۰ سانتیمتر در صخره های آهکی حفاری شده است. نوشته ای که بر لوحه سنگی بر جای مانده یادآور تاریخ بنای نهری است که هم اکنون موجود است. همزمان با تدارکات دفاعی «حزقیال»، سیل پناهندگان از شمال به سوی «یهودیه» سرازیر شد و همین امر باعث افزایش روز افزون جمعیت «اورشلیم» گردید و در نتیجه بر وسعت مسکونی شهر افزوده شد و خانه های جدید بر روی سطح نسبتاً مرتفع در شمال غربی، که خارج از دیواره های شهر بود بنا گردید.

- |                              |                         |
|------------------------------|-------------------------|
| ۱- معبدی که «سلیمان» بنا کرد | ۸- قنات حزقیال          |
| ۲- کاخ «سلیمان»              | ۹- استخر بین دو حصار    |
| ۳- کاخ «داود»                | ۱۰- استخر کتانی         |
| ۴- مقابر پادشاهان            | ۱۱- باغ شاهی            |
| ۵- صفه کوشک داود             | ۱۲- «چشمه عین روجل»     |
| ۶- «چشمه جیحون»              | ۱۳- مکانهای بلند سلیمان |
| ۷- قنات قدیم                 | ۱۴- «کوه زیتون»         |
|                              | ۱۵- «چشمه اژدها»        |

ر. ک: «پادشاهان و انبیا» ص ۸۷، ۸۸، ۹۸-۹۹  
«برگهای زرین» ص ۱۶۸-۱۸۰

## حملات مختلف به خاورمیانه از سال 10۰۰ الی 1۰0۰ ق.م





## «شهرهای خراب شده غیر مسکون گردد...» (ار ۴/۷)

طی ۵۰ سال بعد از «آشور بانی پال» در «هلال خصیب» جنگهای بزرگی بوقوع پیوست. اقوام «سکاها» و «ماد» به «آشور» حمله ور شدند و در نتیجه حکومت پُرعظمت «آشور» سقوط کرده و منقرض شد. در این حین «بابل» نیز فرصت را غنیمت شمرده و به «آشور» و شهر «نینوا» یورش برد. «مصر» تلاش کرد تا از پیشروی «بابلیان» جلوگیری کند و لیکن با عدم موفقیت روبرو شد و دوباره «فلسطین» به صورت گذرگاه و میدان رزم دو قدرت بزرگ در آمد. پس از آخرین نبرد حکومت «نبوکدنصر» (در «بابل») بر تمام دنیای شناخته شده آن زمان تسلط یافت. وقایع قابل توجه آن زمان عبارتند از:

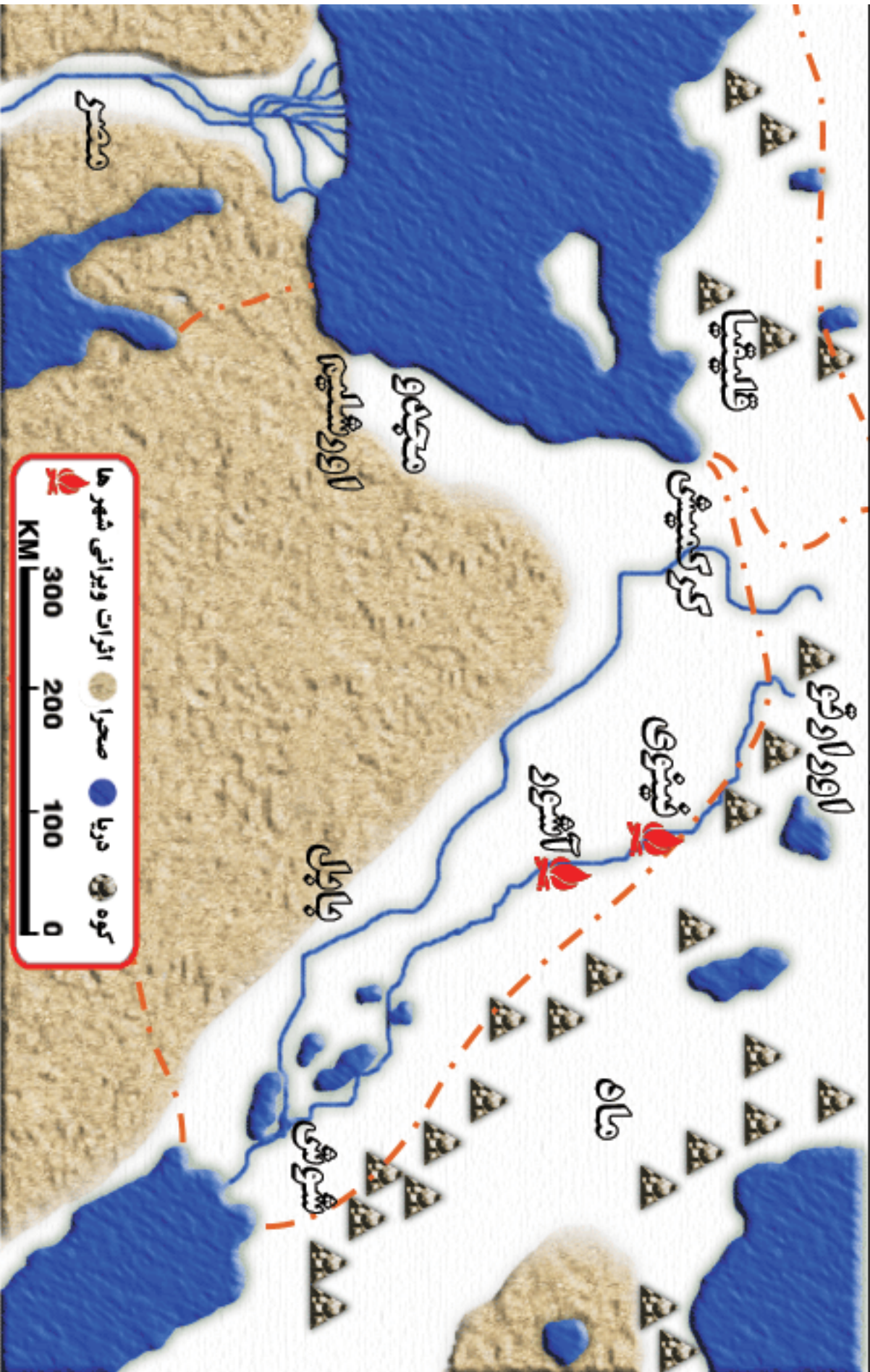
- ۱- استقرار «مادها» در «اکباتان»
- ۲- استقلال «مصر» (حکومت «بسمتیخ اول»)
- ۳- عبور «سکاها» از «دریای خزر» به طرف غرب و سپس به «مصر» (۶۴۰ الی ۶۳۰ ق.م)
- ۴- «یوشیا» پادشاه «یهودیه» مستقل باقی ماند (۶۴۰-۶۰۹ ق.م) و سرزمینهای از دست رفته را دوباره بدست آورد و به کمک «ارمیا» نبی اصلاحاتی مذهبی بوجود آورد. «سفر تثبیه» در این زمان تالیف یافت.
- ۵- حمله «فرورتیش» پادشاه «ماد» به «نینوا»
- ۶- استقرار «نبولصر» («ناباپولاسر») «کلدانی» در «بابل» (۶۲۶-۶۰۵ ق.م)
- ۷- تصرف «آشور» بدست «کیاکسار» («هروخ شتر») از سلسله «مادیها» و «نبولصر» «کلدانی» (۶۱۴ ق.م)
- ۸- تصرف «نینوی» توسط کشورگشایان فوق الذکر (سال ۶۱۲ ق.م)
- ۹- تصرف «حران» پناهگاه آخرین پادشاه «آشور» (۶۱۰ ق.م)
- ۱۰- تلاش «فرعون نکو» برای نجات «آشور» با مقاومت «یوشیا» شاه «یهودیه» روبرو گردید که به نوبه خود توسط «فرعون» در «مجدو» از میان برداشته شد (۶۰۹ ق.م) سرانجام «فرعون» به اتفاق «آشوریان» مجبور به عقب نشینی شد.
- ۱۱- شکست «مصر» در «کرکمیش» بدست «نبوکدنصر» (۶۰۵ ق.م)

ر. ک: «برگهای زرین» ص ۱۸۱-۱۹۳، ۲۰۱-۲۰۵، ۲۰۹

«پادشاهان و انبیا» ۱۲۷، ۱۳۵-۱۳۸، ۱۴۴-۱۴۸، ۱۶۹

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۹

# اسیران طبری بابل



## اسیران را مثل ریگ جمع می کنند... (حقوق نبی ۱/۹)

«نبوکد نصر» پادشاه «بابل» (۶۰۴ تا ۵۶۲ ق.م) «مصریان» را سرکوب کرد. ولی قبل از تصرف آن کشور می بایست حدود «سوریه» و «فلسطین» را دوباره مطیع خود سازد. که او با تمام قدرت این هدف را دنبال نمود. «یهویاقیم» در «اورشلیم» بدون توجه به اخطارهای «ارمیاء نبی» (صحیفه ارمیاء نبی ۲۵) و یا سیاسی ملی گرایانه و بسته و بدون خرداندیشی به اقداماتی دست زد که منجر به محاصره «اورشلیم» توسط «بابلیان» در ۵۹۸ گردید. بالاخره جانشین او پسرش «یهویاکین» تسلیم شد و قوم برای اولین بار طعم تلخ تبعید را چشیدند. در حدود سال ۵۹۰ (ق.م) در «اورشلیم» توطئه ای با همکاری «مصر» بر علیه «بابل» شکل گرفت که نتیجه اش شورش «صور» و «یهودیه» بود. بنابراین لشکر «بابلیان» مجدداً آن شهر را محاصره کردند و «اورشلیم» که به کمک «مصر» امیدوار بود. پس از یکسال مقاومت تسلیم شد. اما این بار اموال مردم بغارت رفت و شهر به آتش کشیده شد و قوم برای دومین بار با درد و رنج تبعید آشنا شدند و فقط تعداد کمی روستای فقیر در آنجا باقی ماندند. «جدلیا» که دست نشانده «بابل» بود به حکمرانی یهودیه انتخاب شد ولی به دست افراد سرزمینش بقتل رسید. بعد از آن، عده کثیری از یهودیان از ترس عکس العمل بابلیان به «مصر» پناهنده شدند، بنابراین افراد «یهودیه» پراکنده شده و «اورشلیم» به قلمرو «سامره» ملحق گردید.

در سال ۵۷۴ (ق.م) «نبوکد نصر» آخرین قلمرو «سوریه» و «فلسطین»، یعنی «صور» را به تصرف خود درآورد. و لیکن در مقابل «مصر» سیاست مصالحت آمیزی را اختیار کرده بنابراین «قبرس» را به حال خود رها کرد. نبوکد نصر پس از دوران جنگ تمام تلاش خود را صرف رفاه و پیشرفت مردم «بابل» نمود و شهر «بابل» را بصورت پایتختی پرشکوه و استثنایی درآورد. اما این عظمت عمرچندانی نداشت. و در این شهر فقط دو پادشاه دیگر حکومت کردند. که آخرین آنها «نبونبد» به خاطر اینکه مادرش کاهنه مذهب «سنن» (رب النوع ماه) بود. سعی کرد، تا این عقیده را در کشورش رواج دهد. بنابراین کاهنان بعل «مردوک» (مذهب رسمی کشور) با او بمخالفت پرداختند و به همین دلیل دروازه های کشورش به روی «کورش» گشوده شده، و از آن پادشاه بعنوان نجات دهنده استقبال گردید.

پیامبرانی که در این دوران اسفناک «یهودیه» می زیستند عبارت بودند از: «ارمیاء»، «حزقیال»، «صفنیا»، «ناحوم» و «حقوق».

ر. ک: «برگهای زرین» ص ۱۷۶-۱۷۸، ۲۱۶-۲۲۳، ۲۴۱-۲۴۶

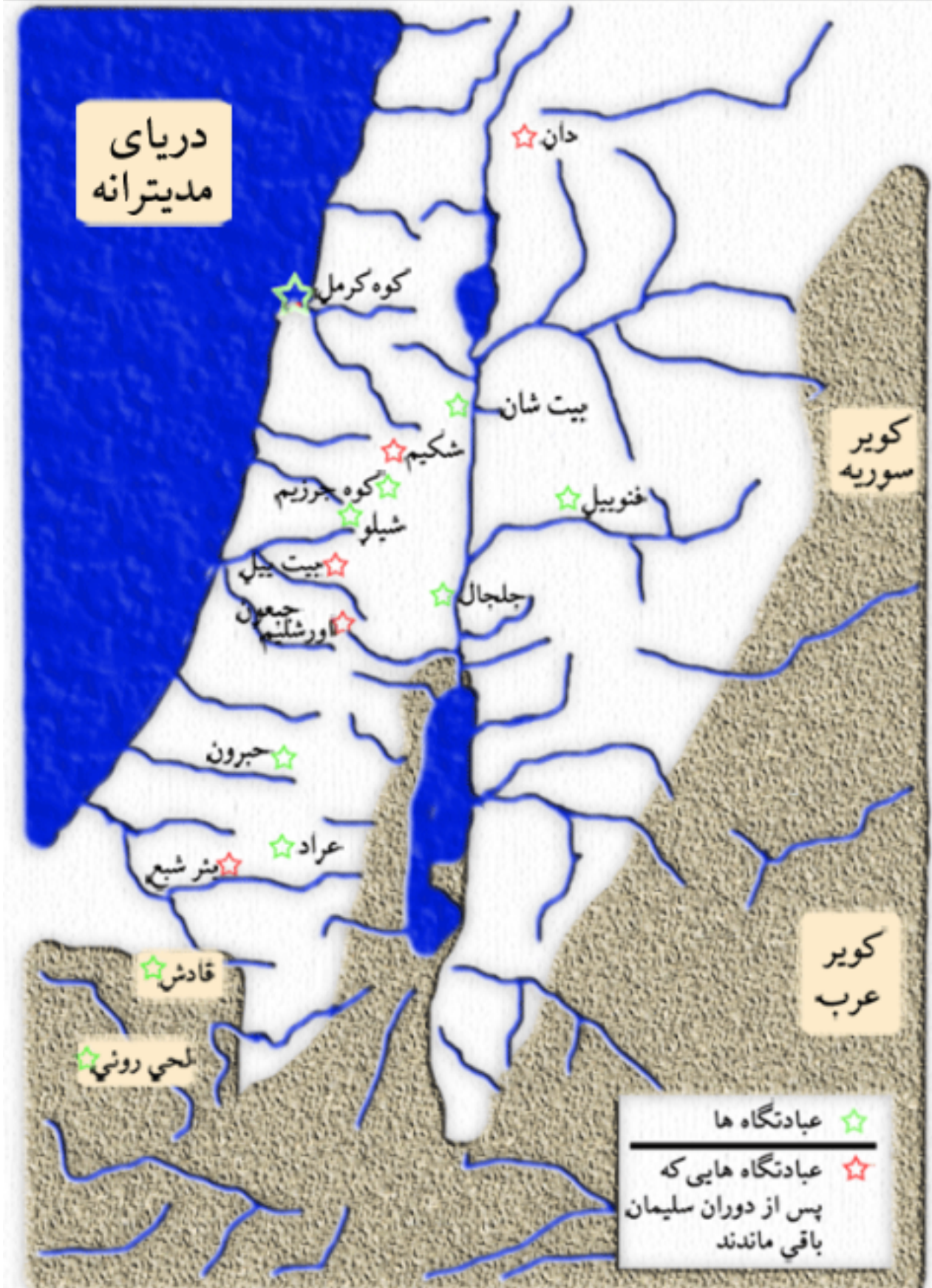
«پادشاهان و انبیا» ص ۱۶۸-۱۷۰، ۱۸۰-۱۸۳.

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۰۰-۱۰۱

«تبعید و بازگشت»



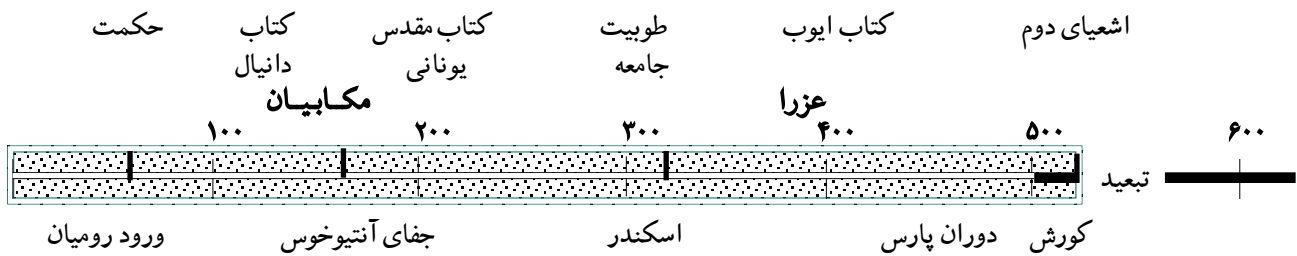
# معاهده سرزمین کنعان - وادی ص 66 ، 70



## فصل ششم

### خداوند نوید منجی داد

ای دختر «صهیون» بسیار وجد بنما  
و ای دختر «اورشليم» آواز شادمانی بده.  
اینک پادشاه تو نزد تو می آید.  
او عادل و صاحب نجات و حلیم می باشد  
و بر الاغ و بر کره بچه الاغ سوار است.  
(زک ۹/۹).



### تکامل ایمان در زمان تجربه سخت

ایمان به خدای یکتا به تدریج تکامل می یابد: تا دوره تبعید قوم اسرائیل می پنداشتند یهوه فقط خدای قوم اسرائیل است (میک ۴/۵) و در میان سایر اقوام خدایان دیگری وجود دارد (تث ۳۲/۸)، به این معنی که یهوه باید در خدمت آنها باشد و همچنین توقع داشتند که او فقط از قوم خود اسرائیل محافظت کند و دیگر ملتها را رها کرده یا از بین ببرد. بنابراین یکتاپرستی قوم برگزیده در واقع نوعی «تک بت پرستی قومی» بود. با توجه به اتفاقات ناگواری که در طول دوره تبعید روی داد اسرائیلیان چنین تصور نمودند که یا قدرت یهوه رو به ضعف نهاده یا او قوم خود را رها کرده است، با این وجود در طول این دوره پیامبران قوم اسرائیل اعلام نمودند که یهوه یگانه خدای تمامی امتهاست و خدای سرتاسر گیتی است (اش ۱۱-۱۰؛ ۴۳/۱-۸؛ ۴۴/۶-۷؛ ۴۵/۵-۱۸/۲۲). این متون احتمالاً متعلق به آخر دوران تبعید یعنی حوالی سالهای ۵۵۰-۵۳۹ (ق.م) می باشند.

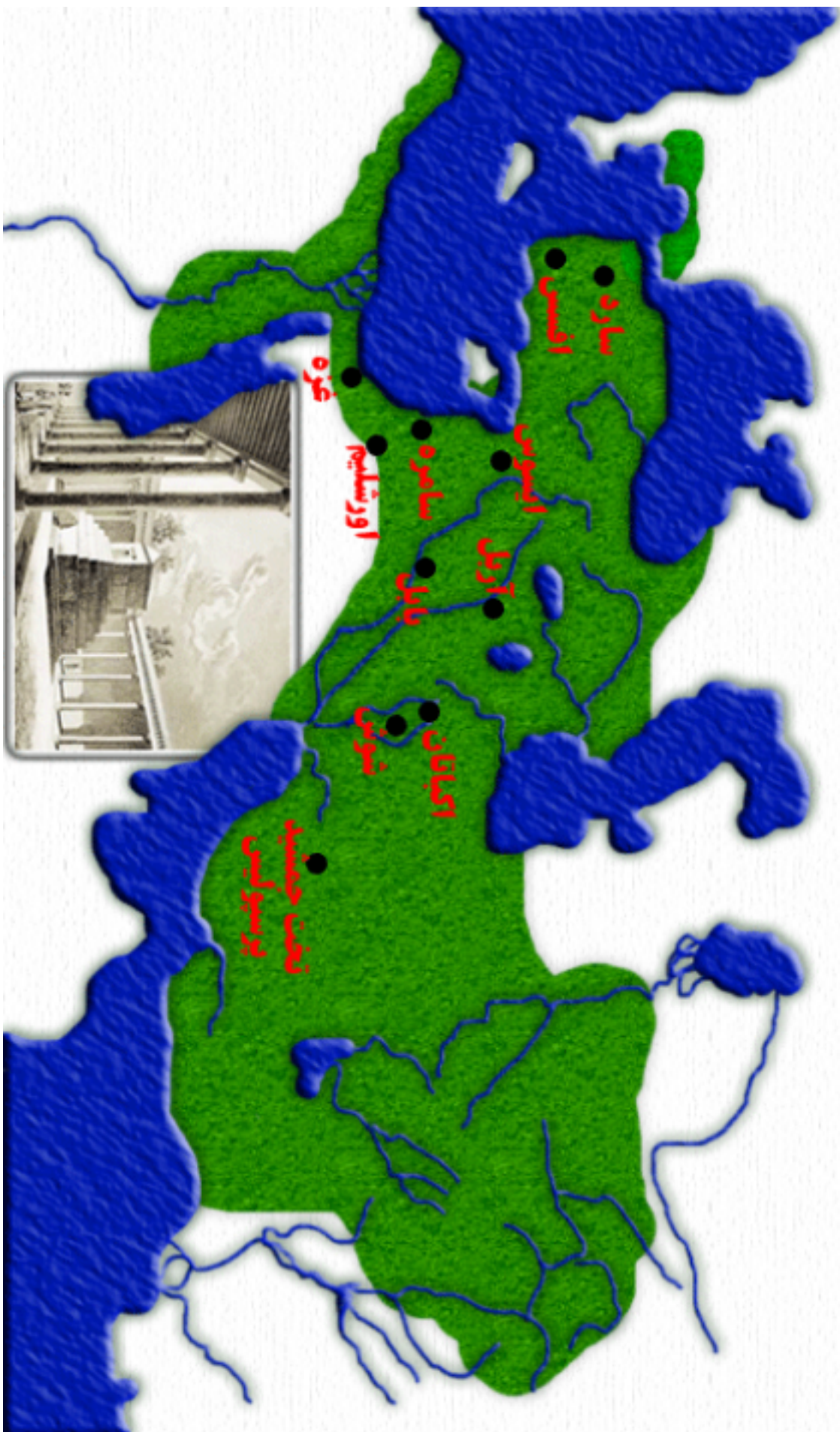
خدا مواظب تمامی آفرینش هست و فقط از قوم خود مراقبت نمی کند (پید ۱۷-۹/۱؛ ۱) به همین جهت خدای سرتاسر گیتی کورش کبیر را به عنوان مسیح برای نجات قوم خویش انتخاب می کند (اش ۷-۴۵/۱).

«تبعید برای قوم برگزیده مانند طوفانی بود که بیم آن می رفت تمامی اسرائیل را غرق نماید، اما برای آنان تبدیل به حوضچه ای برای تولد تازه شد.» ■

ژولیوس ولهاوزن (Julius WELHAUSEN)



# اسی اطروری پاری ہر جہوہ سالی 500 ق.م





قسمت اول- تحت سلطه «پارس» (از سال ۵۳۸ تا ۳۳۰ ق.م)

### «خداوند به «مسیح» خویش یعنی به «کورش» می گوید...» (اش ۴۵)

در مدت کوتاهی «مادها» صاحب قدرت شدند و بر سرزمین «اورارتو» (قسمتی از «ارمنستان») و «سکاهای» «قیدوقیه» تسلط یافتند. آنان قرارداد بازرگانی «بالیدی» («لود») بسته و قبایل «پارسی» «هخامنشی» را زیر نفوذ خود درآوردند (در حدود سال ۶۰۰ ق.م).  
ارتباط بازرگانی «اکباتان» (ماد) را از یک سو به «سارد» و از سوی دیگر آنها را با ایرانیان ناحیه باختری و مرزهای «هند» مرتبط می ساخت.

در سال ۵۵۹ (ق.م) «کورش هخامنشی» شاه «انشان» یا «انزان» ضد «اژدهاک» شاه «ماد» قیام نمود و اتحاد «ماد» و «پارس» را در سال ۵۵۰ (ق.م) ایجاد کرد. پس از آن دوران پرماجرایی «کورش» آغاز شد. او با چیره شدن بر «کرزوس» پادشاه، «لیدی» (لود) را در سال ۵۴۶ (ق.م) به تصرف درآورده و پس از شکست «بابلیان» با پیروزی وارد شهر «بابل» شد. ولی هیچ آسیبی به شهر و اموال و معابد و عقاید مذهبی آنان نرساند. او پادشاهی بزرگ منش و روشنفکر بود. و هرگز مذهب اش را به هیچیک از کشورهای تحت سلطه خود تحمیل نکرد. بلکه به اصول مذهبی آنان احترام گذاشته و آنها را حراست نمود. بنابراین مردم «کورش» را تحسین کرده و او را بعنوان پادشاه رسمی می پذیرفتند. و در راستای این طرز رفتار در سال ۵۳۸ (ق.م) «یهودیان» را آزاد کرده و اموالشان را بازگرداند و فرمانی به زبان «آرامی»<sup>۱</sup> (زبان رسمی و اداری دوره «هخامنشی») برای بازسازی معبد صادر نموده که آنها می توان در کتب مقدس یافت (عز-۵/۲-۶ و ۴-۱/۲).

«کمبوجیه» پسر «کورش» و جانشین او بر سرزمین بیکرانی که از «هندوستان» تا «یونان» وسعت داشت حکومت می کرد او «مصر» را به قلمروش افزود.

«شاهنشاهی هخامنشی» در عصر «داریوش» به اوج قدرت خود رسید. او کشور را به چندین «ساتراپ» (استان) تقسیم نمود و بر هر کدام والی ها و فرمانداران نظامی و دبیران گماشت. و به حکومتش نظم و ترتیب بخشید و سرانجام یهودیان در این دوره توانستند زیر نظر «زر و بابل» و با همکاری «حجی نبی» و «زکریای نبی» معبد را بنا کنند.

ر.ک: «برگهای زرین» ص ۲۸۱-۲۸۸

«تبعید و بازگشت» فصلهای ۷ و ۸ و ۹

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۶۸

۱- زبان آرامی بتدریج در میان «یهودیان» «عبری» زبان رایج گردید و تا آن حد که «عزرای» نبی مجبور شد شریعت را برای مردم به «آرامی» ترجمه کند. الفبای «آرامی» با زبان «ایرانیان» منطبق بود و چنان گسترش یافت که حتی به «هندوستان» و «آسیای مرکزی» نیز راه یافت.

# یهودیه و ایالت‌های اطراف آن در زمان امپراتوری پارتی



### من «داریوش» این حکم را صادر فرمودم (عز ۱۲/۶)

در دوران شاهنشاهی «هخامنشی»، «یهودیه» از لحاظ سیاسی موقعیتی بدست نیاورد بلکه شاهد احیاء مذهبی بود. قوم برگزیده خدا، با بوجود آوردن تشکیلات دینی جدید به رسالت خود ادامه داد. پیامبران این آمادگی را از قبل بوجود آورده بودند. و می بینیم که «اشعیای دوم» (بابهای ۴۰-۵۵) «کورش» را بعنوان دست یهوه معرفی می کند. و به همین دلیل است که وقتی که اولین گروه تبعید شدگان باز می گردند. اشتیاق و آرزوی عظیمی برای بازسازی معبد دارند. که متأسفانه بخاطر هرج و مرج منطقه «سامره» به مقصود نرسیدند. و لیکن با آمدن دومین گروه و با همکاری «زر و بابل» توانستند بالاخره حکم «کورش» را اجرا کرده و معبد را بنا نمایند. در این دوران «یهودیان» با شوق و ذوق و احساسات مذهبی در انتظار فرا رسیدن قریب الوقوع ملکوت خدا در «اورشلیم» می بودند.

اما پس از اتمام مأموریت «زر و بابل» یهودیان از روی ناچاری با واقعیت روبرو شدند زیرا «اورشلیم» در آن دوره شهرکی کوچک بود. و به همین دلیل حاکم «سامره» بر آنان مسلط شد. بنابراین نفرت و انزجار و ضدیتی نسبت به «سامریان» در «یهودیان» بوجود آمده که تا عصر «مسیح» ادامه داشت.

در چنین موقعیت تلخ و حساسی مذهب «یهود» احیاء شده و بتدریج شکل گرفت و توانست با تعمق بر آئین های ملی قدیمی و با توجه به وضعیت و دید جهانی آنروز، درهای جدیدی را به روی مومنین بگشاید.

در اواخر حکومت «پارس» «نحمیاء» نبی و «عزرای» نبی توانستند بعنوان نمایندگان رسمی دولت به «اورشلیم» سفر کنند. اولین اقدام آنان خنثی کردن اقتدار «سامریان» بر علیه معبد بود. آنان همچنین قوم را تشویق نمودند تا حصار را تعمیر کنند، و با اصلاحات مذهبی که از نوشتجات «تورات» ریشه گرفته بود روحیه قوم را بالا برند. در این زمان نوشتجات «تورات» به عنوان اساس مذهبی قوم «یهود» پذیرفته شد. و این تجدید حیات روحانی باعث گردید که «یهودیان» که در میان امتهای زندگی می کنند هرگز تحت تأثیر بت پرستی قرار نگیرند. و دولت نیز این مذهب را به رسمیت بشناسد.

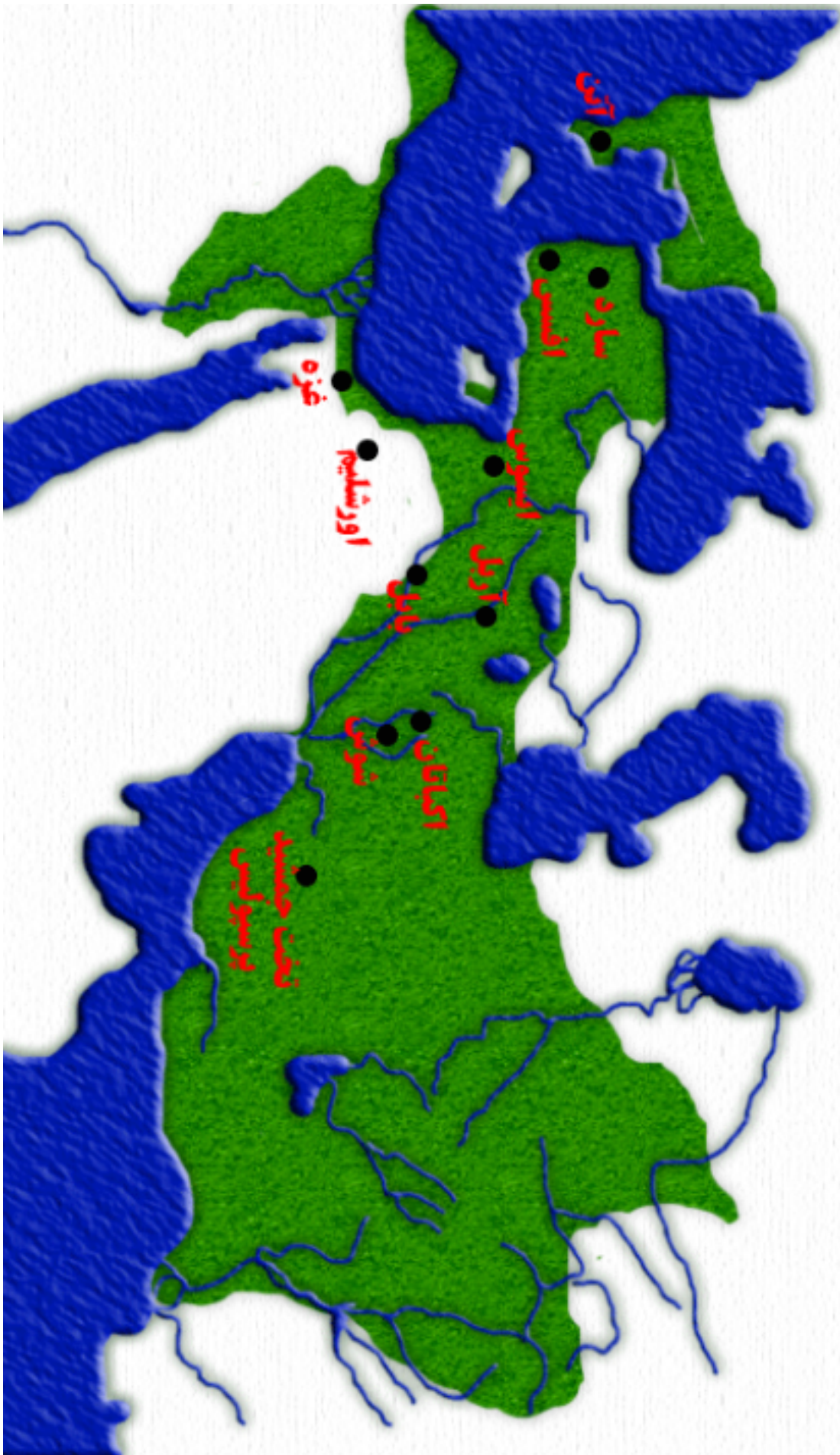
ر. ک: «برگهای زرین» ص ۲۸۶-۲۹۱

«تبعید و بازگشت»

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۶۸، ۱۷۳



امپراطوری اسکندر مقدونی در سال ۳۳۰ ق.م



قسمت دوم: تحت سلطه «یونان» (از سال ۳۳۰ تا ۱۶۰ ق.م)

### امپراطوری «اسکندر»

در قرن چهارم (ق.م) شاهنشاهی «هخامنشی» رو به ضعف نهاد. و بر اثر جنگهای داخلی هرج و مرج بوجود آمد. در نتیجه «مصر» استقلال خود را باز یافت و در «ساتراب» های (استانهای) «سوریه» و «آسیای صغیر» شورش برپا شد. همزمان با این اتفاقات و در دو دوره «اردشیر» («ارتخشتا») دوم «عزرا» نبی مأموریتش را آغاز نمود و «اردشیر دوم» با استفاده از دوستی «عزرا» سعی نمود با نقاط حساس و مهم یعنی «یهودیه» و «فلسطین» ارتباط نزدیکی برقرار نماید و در نتیجه از پیشروی «مصر» جلوگیری کند.

بر خلاف پیش بینی «اردشیر» خطر واقعی در جبهه غرب و از طرف «مقدونیه» بود. زیرا آنان نسبت به سلسله «هخامنشی» کینه دیرینه داشتند. «فیلیپ مقدونی» حکومتی مقتدر در «مقدونیه» بوجود آورد. و به اغتشاشات «یونان» خاتمه داد. و پسرش «اسکندر» با خشونت شهر «نو (تیس)» را ویران ساخته و «یونان» را مطیع خود ساخت. سپس با «ایران» وارد جنگ شد و متعاقب آن نبردهای متعددی بوقوع پیوست. که عبارتند از نبرد «گرانیک» (۳۳۴ ق.م) که منجر به تصرف «آسیای صغیر» گردید، نبرد «ایسوس» (۳۳۳ ق.م) که به فتح «سوریه» انجامید، سپس با محاصره طولانی بر «صور» و «غزه» (۳۳۲ ق.م) غلبه یافت و بدون هیچ مقاومتی «مصر» را متصرف شد و هنگام ورود به آن سرزمین بعنوان منجی مورد استقبال قرار گرفت، او در دهانه رودخانه «نیل» «بندر اسکندریه» را بنا نهاد. سپس «داریوش سوم» («کدومان») را در «گوکامل» («گوگمله») مغلوب نمود و با پیروزی در جنگ «آربل» دروازه پایتخت «پارسیان» یعنی «تخت جمشید» («پرسپولیس») و «پاسارگارد» به روی او گشوده شد و با مرگ «داریوش سوم» سلسله «هخامنشی» بکلی منقرض گردید.

«سامریان» به احتمال قوی معبد «جرزیم» را که نشانه انشاق مذهبی بود را در این دوره بنا کردند. سپس «اسکندر» برای تحکیم موقعیتش به قبایل کوچ نشین جلگه های شرق از جمله «سکاها» تاخت و تا حدود رود «جیحون» پیش رفت و بعد به سوی «هند» هجوم آورده و قلمروش را تا حدود رودخانه «سند» گسترش داد. و با وجود پیروزی به علت خستگی و ضعف لشگرش ناچار به عقب نشینی شد و در ضمن بازگشت به «بابل» دچار مشکلات متعدد گردید.

هنگامی که «اسکندر مقدونی» وارد «بابل» شد با سفیران تمام کشورهای آن زمان از جمله ممالک غرب که برای دیدن او آمده بودند ملاقات کرد. او در سن ۳۳ سالگی بر اثر بیماری و خستگی مفروض جهان را بدورد گفت. تدوین کتابهای «یونس» نبی و «طوبیاس» نبی را هم عصر این دوره یاد شده می دانند.

\* \* \*

ر. ک: «در انتظار ایام نوین»

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۰۷

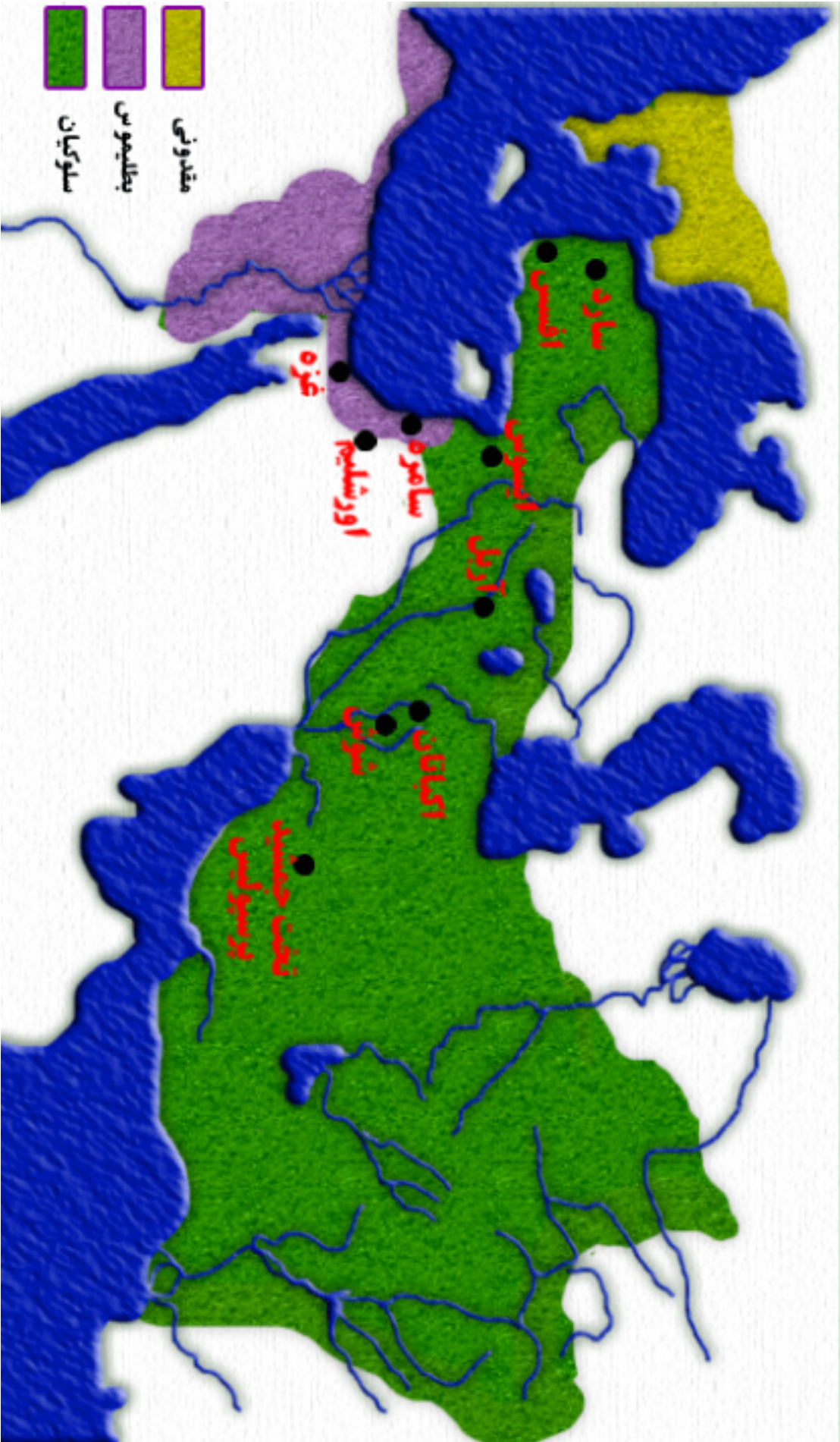
## «ترگوم»<sup>۱</sup>

به معنی ترجمه تفسیری متن عهد قدیم به زبان «آرامی» است. زیرا قوم پس از بازگشت از تبعید، «عبری» را فراموش کرده و به زبان «آرامی» سخن می‌گفتند. بنابراین در کنیسه‌ها کتاب مقدس به «آرامی» قرائت می‌شد. در واقع دو ترجمه رسمی یعنی «ترگوم» اونکلوس (Onkelos) و «ترگوم» یوناتان بن یزیل (Uzziel) مورد تأیید ربیان بوده، و توسط آنان مورد استفاده قرار می‌گرفت. ترجمه‌های غیر رسمی دیگری نیز از «پنج کتاب اول» (تورات) و کتب آخر کتاب مقدس موجود بوده است.

۱- «ترگوم»: کلمه عبریست و به معنی «ترجمه» می‌باشد.



# تقسیمات امپراتوری اسکندر در مناطق وفاتش - ۳۳۳ ق م



## جانشینان «اسکندر» و نفوذ تمدن «یونانی»

بعد از درگذشت «اسکندر» دیری نپائید که حکومت او از هم گسیخته شد و فرماندهانش متصرفات وی را، بین خود تقسیم کردند و همواره با هم در نزاع و جدال بودند. سرانجام (در سال ۳۰۱ ق.م) متصرفات «اسکندر» اینگونه تقسیم شد: «آسیا» بدست «سلوکوس» افتاد که سرزمین وی از سلسله کوههای «توروس» تا رود «سند» امتداد داشت. «بطلمیوس» زمام امور را در «مصر» بدست گرفت و «تراکیه» و «آسیای صغیر» نصیب «لی سی ماک» شده و «مقدونیه» به زیر سلطه «کاساندروس» درآمد. ولیکن بعد از درگذشت «کاساندروس» دوباره شورش و زد و خورد دریائی و زمینی و جنگهای خونین آغاز گردید عهد و پیمانها از هم گسیخت و کشت و کشتار رواج پیدا کرد و بالاخره «گلها» از کناره های «دانوب» گذشته پر اضطرابترین جریانات تاریخی را بوجود آوردند.

مقارن سال ۲۷۵ (ق.م) قلمرو حکومت «اسکندر» به سه حکومت زیرین تقسیم شد:

- «انتی گونها» در «مقدونیه»

- «لاگوسها» در «مصر»

- «سلوکیان» در «آسیا»

بعداً نیز منازعات و درگیریهای پی در پی بین آنها در گرفت که اثرات عمیقی در تاریخ خاورمیانه بجا گذاشت و قوم «یهود» در سر راه این منازعات قرار داشت

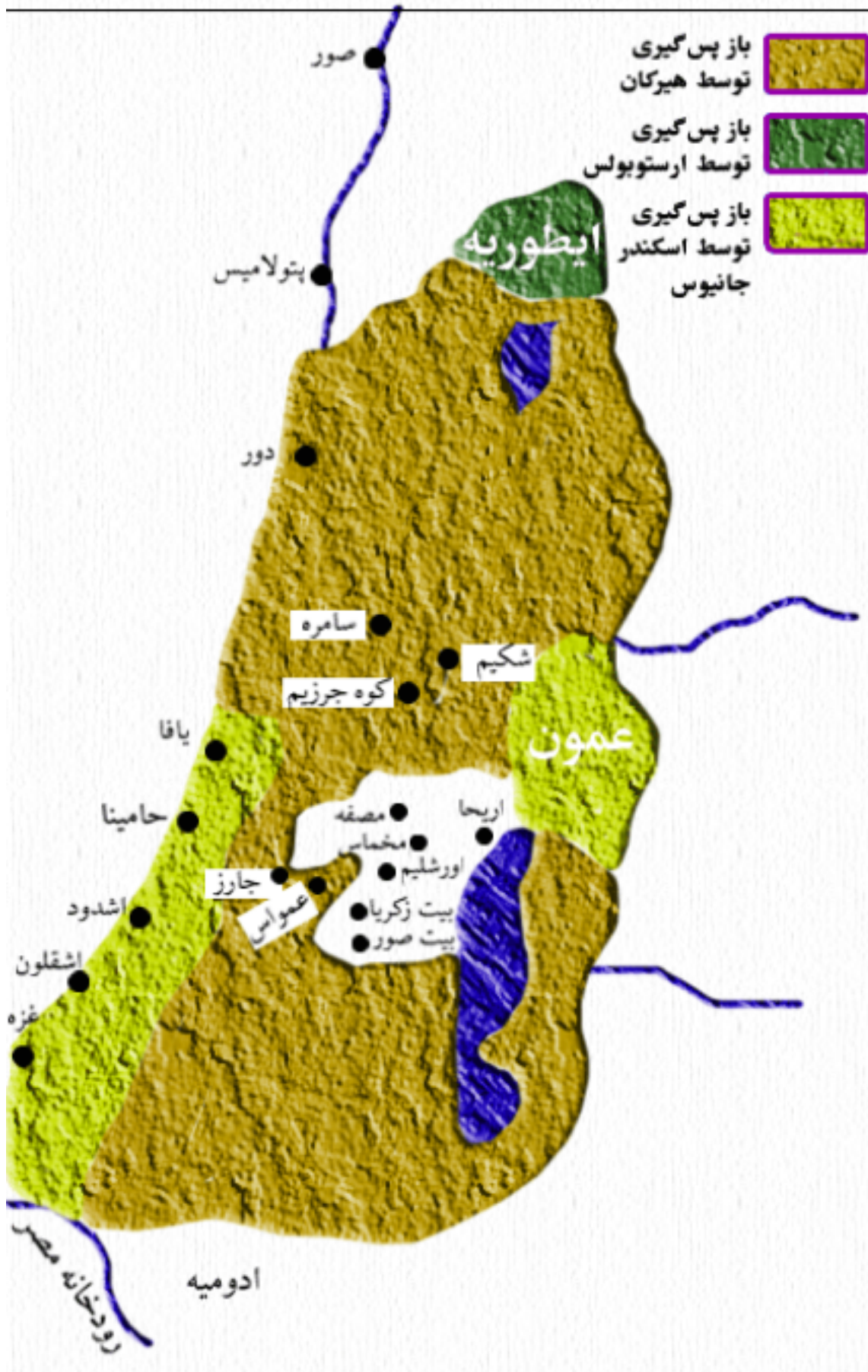
## دیاسپورا

دیاسپورا: واژه ای یونانی به معنی «پراکندگی» که برای جوامع یهودی خارج از فلسطین بکار می رفت.

نخستین جوامع توسط سرجون دوم در زمان سقوط پادشاهی اسرائیل به سال ۷۲۲-۷۲۱ ق.م در بین النهرین علیا مستقر شدند. در سالهای ۵۹۶ و ۵۸۶ کاروانهای تبعیدشدگان سرزمین یهودا به سوی بابل هدایت شدند. در دوران یونانی گرایی، لاگیدها شمار زیادی از اسرای را که در هنگام فتح فلسطین اسیر کرده بودند بین مصر و اطراف قیروان تقسیم کردند. از سوی دیگر، سلوکیان با کمال میل به ایشان اعتماد نمودند تا حدی که آنتیوخوس سوم ستونهای نظامی یهودی را در فریجیه به کار گمارده بود. در آسیای صغیر نیز جوامع زیادی وجود داشته (آسیا، فریجیه، بیت عنیا، غلاطیه و قلیقیه) که از منشاء آن اطلاع نداریم؛ احتمالاً باید مهاجرتی داوطلبانه بوده باشد که حتی پیش از تبعید صورت گرفته بود. گروههای مقدونی و یونانی (تسالونیک، قرتس، اسپارت)، دلوسی، پاروسی و قبرسی نیز بدون تردید به همین صورت شکل گرفته بودند. همچنین بردگان آزاد شده ای هم وجود داشتند که از اعقاب اسرای قدیمی بودند؛ این گروهها در یونان و نیز در رم و در کامپانی جوامعی تشکیل داده بودند. تعداد اعضای این جوامع به خوبی مشخص نیست اما می توان تا حدودی شمار آنها را تخمین زد: یک میلیون یهودی در امپراطوری پارت ساکن بودند، یک میلیون هم در مصر که از این تعداد ۲۰۰۰۰۰ نفر در اسکندریه بودند، دو میلیون نفر در فلسطین و دو تا سه میلیون نفر در سایر نقاط سرزمینهای یونانی- رومی سکونت داشتند. گذشته از جوامع بین النهرین که احتمالاً به زبان آرامی صحبت می کردند، باقی پراکندگان یهود به زبان یونانی تکلم می کردند، چنانکه در روم ۷۵ درصد جواز دفن مردگان به این زبان به ثبت رسیده اند. در همین محیط پراکندگان یهود که به روی نفوذ روشنفکرانه یونانی گشوده بود ترجمه کتاب مقدس عبری به زبان یونانی تحقق یافت، در همین جوامع بود که ادبیاتی یهودی- یونانی پا به عرصه وجود



# فتوحات ساسانه عصر نپان 166-76 ق.م





## «یونانی» گرائی

«یهودیه» در بین کشمکشها و رقابتهای جانشینان «اسکندر» حالت ناپایداری داشت و به اقتضای موقعیت گاهی زیرسلطه «سوریه» (که توسط «سلوکیان» اداره می شد) یا «مصر» (که تحت سیطره سلسله «لاگوس» بود) قرار می گرفت.

از سال ۳۰۱ ق.م «یهودیه» به مدت یک قرن زیر سلطه «مصر» قرار گرفت. سلاطین سلسله «لاگوس» به افکار مذهبی و تشکیلات اجتماعی آنها به دیده احترام می نگریستند. قوم «یهود» در این مدت از نعمت صلح برخوردار بود و در کنار این آرامش به برگزاری دعا و تعمق در امور روحانی می پرداخت. کتاب «بن سیراخ» این مطلب را تأیید می کند.

در «مصر» اجتماعی از «یهودیان» بوجود آمد که مرکزشان شهر «اسکندریه» بود و از اهمیت خاصی برخوردار بودند. زیرا آنان به زبان «یونانی» تکلم می کردند و بنابراین کتاب مقدس را به این زبان ترجمه کردند که به ترجمه «هفتاد تنان» معروف است.

در سال ۱۹۸ ق.م «آنتیوخوس سوم» که از سلسله «سلوکیان» «سوریه» بود «فلسطین» را از زیر سلطه «بطلمیوس پنجم» آزاد کرد و خود بر آن مسلط شد. قوم یهود همچنان از زندگی آرامی برخوردار بودند و مذهب آنها به صورت مذهبی رسمی برجای ماند. کاهن اعظم نیز اختیار یافت معبد و محل هائی از شهر را توسعه داده ترمیم نماید. سپس نوبت سلطنت به «آنتیوخوس چهارم» رسید که موقعیت «عبرانیان» بکلی تغییر یافت. زیرا قومی متعصب و وفادار به قوانین مذهبی بودند (که محور آن اعتقاد به یگانگی خداوند بود) و از طرف دیگر علاقه زیادی به تمدن «یونان» داشتند که گرایش شدید به آمیزش مذهبی را در آنان تقویت می نمود. بنا براین دوگانگی بین قوم «یهود» ظهور کرد. «یاسون» که کاهن اعظم یهود بشمار می رفت و این مقام را بوسیله پول و ثروت به دست آورده بود تمایل زیادی به تمدن «یونان» داشت و همین تمایل باعث شد که توحید و دین «یهود» کم کم از رونق بیفتد. در ضمن «آنتیوخوس چهارم» با استفاده از قدرت خود به اذیت و آزار «یهودیان» پرداخت و «اورشلیم» را در سال ۱۶۷ ق.م تسخیر کرد و مذاهب متعدد بت پرستی را در شهر مقدس «اورشلیم» تقویت و حتی «یهودیان» را نیز مجبور به شرکت در این مراسم می نمود. در چنین وضعیتی یهودیان با حکومتی مستبد و بت پرست، رودرو شده بودند.

\* \* \*

ر.ک: «برگهای زرین» ۳۷۶، ۴۳۰-۴۴۴

«ایمان و تمدن» بخش مربوط به مومنین از امتهای و بخش مربوط به پارتیان

«مقدمه ای بر شناخت عهد جدید»

## خط عبری

از قرن دهم قبل از میلاد و به دنبال برپایی دولت داود و سلیمان، خط عبری بتدریج و جدا از خط فنیقی توسعه یافت. در واقع، علی رغم وجود تفاوت‌هایی میان لهجه عبری شمال و عبری جنوب به نظر می‌رسد که خط عبری در اورشلیم و سامره تقریباً به طور یکسان تکامل یافته است. ظاهراً از قرن هفتم قبل از میلاد این خط که آن را «عبری قدیم» می‌نامند تا از «عبری مربع» که از ریشه جداگانه‌ای است قابل تمایز باشد به سرعت در میان طبقات مختلف اجتماع و ابتدا در ادارات رواج یافت، تا جایی که در حدود سال ۶۰۰ ق.م هر بزرگ خانواده می‌توانست به این خط بنویسد (ر. ک تننیه ۱۱/۲۰؛ ۶/۹).

با شروع تبعید و اعزام قوم بابل، خط عبری قدیم بتدریج حتی در سرزمین یهودیه به صورت خطی مرده و کهنه درآمد که فقط برای نسخه برداری از متون ادبی و بویژه متون کتاب مقدسی از آن استفاده می‌شد. متداول شدن خط و زبان آرامی در قلمرو اقتصاد و ادارات خود این امر را توجیه می‌نماید. در ضمن، احتمال می‌رود که از زمان عزرا در حدود سال ۳۹۸ ق.م خط آرامی حتی برای نسخه برداری از متون کتاب مقدس و به ویژه تورات مورد استفاده قرار گرفته باشد زیرا از آنجا که احکام تورات حکم قانون را داشتند می‌بایست به زبانی باشند که به سهولت مورد مشورت با مقامات فارس قرار گیرند. خط آرامی به قدری در فرهنگ یهود نفوذ داشت و تکوین آن در دوران یونانی‌گری و استیلای رومیان به حدی بود که در نهایت «عبری مربع» نامیده شد، هرچند این خط آرامی بود و توسعه آن در دوران استیلای فارس صورت گرفت.

# قلعه‌ها و کسانده‌ها - 1 از 103 تا 76 ق.م





قسمت سوم: تحت نفوذ «رومیان» (از سال ۱۴۲ ق.م. به بعد)

## مقاومت و پیروزی

عکس العمل و شورش «یهودیان» وفادار علیه تمدن جذاب «یونان» در کتاب «دانیال» و دو کتاب «مکابیان» مورد تأیید قرار گرفته است.

در سال ۱۶۶ «متاتیاس» اولین انقلاب را علیه افراد مستبد و بت پرست آغاز کرد و جهاد مقدس شروع شد. پسرش «یهودای مکابی» علیه گروه سلطنت طلبان و «یهودیان» مرتد شورش کرد و بوسیله گروههای چریکی قدرتی بدست آورد. او در جنوب «اورشلیم» دشمنان را پراکنده ساخت و از همان راه وارد شهر شد، سپس معبد را پاکسازی و مجدداً مراسم عبادت را برپا کرد.

«یهودای مکابی» با همسایگانی که از احیای «یهودیه» دل خوشی نداشتند درگیریهایی متعددی پیدا کرد. یوناتان که برادر و جانشین «یهودای مکابی» بود قراردادهای مسالمت آمیزی به نفع قوم خود با افرادی که قصد حکومت بر «سوریه» را داشتند منعقد نمود. در این زمان «یهودیه» استقلال سیاسی پیدا کرد. در سال ۱۵۲ «یوناتان» به عنوان کاهن اعظم، قوم را رهبری می کرد.

«شمعون مکابی» آخرین فرزند «متاتیاس» رابطه مستقیمی با مجلس سنای «روم» برقرار کرد. «روم» او را به عنوان کاهن اعظم و فرمانروای «یهود» معرفی نمود و مورد قبول آنها واقع گشت. در آن زمان «یهودیان» در پناه رهبری سلسله «مکابیان» از استقلال کاملی برخوردار بودند.

یکی از پادشاهان این سلسله که «یوحنا هیرکان» نامیده می شد رفته رفته بر سرزمینهای اطراف دسترسی پیدا کرد، از جمله «ادومیه» و «سامره» را تصرف کرد و معبد «کوه جزریم» (یادآور دوران انشقاق مذهبی) را که به عنوان رقیب معبد «اورشلیم» بنا شده بود از بین برد.

«یوحنا» پادشاهی مقتدر بود و علاقه زیادی به شکوه و تجمل داشت بنابراین گروههای اشرافی مانند فرقه «صدوقیان» (که منکر قیامت بودند) طرفدار او بودند. اما فرقه مذهبی «فریسیان» (که معتقد بودند «مسیح» از خاندان «داود» خواهد بود و افرادی وفادار و متعصب بودند) او را قبول نداشتند، همچنین فرقه «اسنیان» (که معتقد به بقای روح بودند) نیز با او به مخالفت پرداختند.

از این زمان به بعد سطح تفکر مذهبی پائین آمد و سخن چینی و یاوه گوئی رونق گرفت و تلاش کاهنان بر آن بود که کاهن اعظم را از میان خانواده خود برگزینند. بین دو برادر بنامهای «هیرکان دوم» و «ارستبولس» یعنی فرزندان «اسکندر جاینوس» بر سر مقام کهنانت اعظم و رهبری جدال برپا شد که بعداً دولت «روم» از این شقاق بخوبی به نفع خود استفاده نموده در امور داخلی یهودیه دخالت کرد.

ر. ک: «برگهای زرین» ص ۴۴۵-۴۵۵

«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۳۱-۲۳۲

«کتاب ایمان و تمدن»

## دژهای عصمونیان در اطراف اورشلیم

**دک:** این قلعه احتمالاً اندکی در شرق شهر اریحا واقع بوده و به احتمال زیاد بر روی قلعه کوهی که در دامنه آن صومعه ای یونانی ارتدکس قرار داشت. در اینجا بود که شمعون مکابی و دو پسرش در سال ۱۳۴ ق.م به قتل رسیدند.

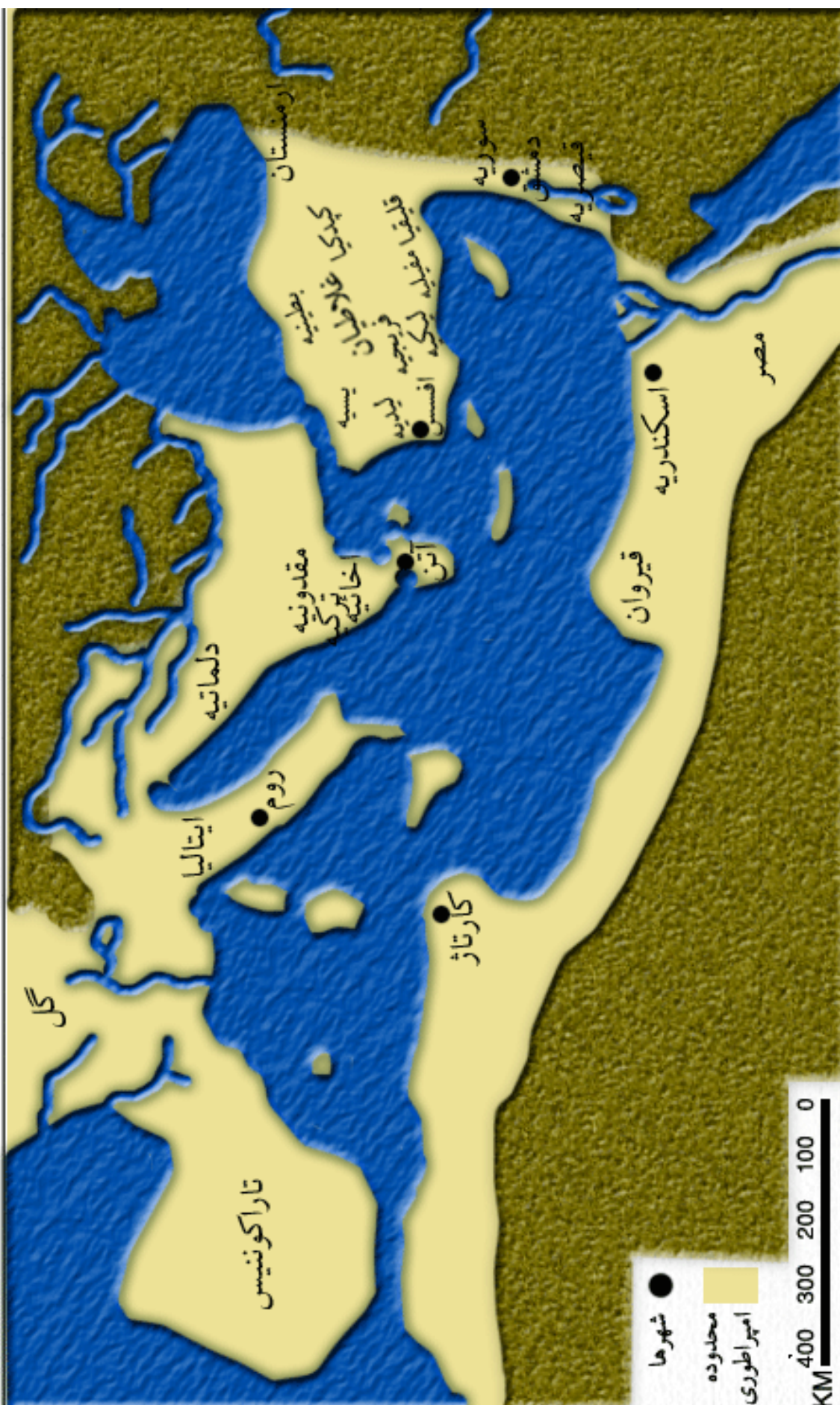
**اسکندریون:** اسکندر جانیوس (۷۶-۱۰۳) این قلعه را بر روی قله ای مشرف به تقاطع وادی فرح و دره اردن بنا نمود. **هیرکانیا:** یوحنا هیرکان (۱۰۵-۱۳۴) این قلعه را در شمال صحرای یهودیه به شکلی ساخت که بتوان از آنجا از جانب غربی از اورشلیم محافظت نمود (این موضوع در مورد قلعه دک نیز صدق می کند). هیرودیس کبیر از این قلعه به عنوان زندان استفاده می کرد.

**ماکرون:** اسکندر جانیوس این قلعه را بر روی قلعه کوهی واقع در ساحل شرقی دریای مرده (بحرالمت) به منظور استفاده از آن به عنوان برج و بارویی علیه حملات نبطیان که از جانب جنوب می آمدند ساخت. روایات مسیحی نقل می کنند که گردن زدن یحیی تعمید دهنده در این قلعه صورت گرفت.

**جازر:** این شهر از همان دوران العمرنا (حدود ۱۴۰۰ ق.م) به شدت استحکام یافت. این دژ که بر بالای بلندی قرار داشت از وضعیتی استراتژیک در غرب سلسله جبال مرکزی برخوردار بود و بدین ترتیب بر دشت ساحلی مسلط بود.

**بیت صور:** این نام به معنی «خانه صخره» است. از همان آغاز دوره هیکسوس (حدود ۱۶۰۰ ق.م) این دژ مستحکم در این مکان برپا شد که بر رفت و آمد به اورشلیم از سمت جنوب نظارت داشت و مسلط می بود.

# امپراتوری رومی و استایک های آن بهنگام تولد عیسی





## سلطه «رومیان»

«روم» در طی یک قرن مرتباً به «سوریه» حمله برد تا اینکه سرانجام در سال ۶۵ ق.م توسط «پومیی» موفق به تصرف آن گردید.

در سال ۶۳ هر دو فرقه «یهودیان»، نمایندگان برای دریافت کمک از «پومیی» به «دمشق» فرستادند و «پومیی» که متوجه دودستگی «یهود» شده بود از موقعیت استفاده کرده وارد شهر «اورشلیم» شد و آن را به میل خود اداره کرد. بنابراین حکومت «مکابی» دیگر نفوذی نداشت و جز اطاعت از فرمانهای «روم» و اجرای اوامر آنها کار دیگری از دستشان بر نمی آمد.

«هیروودیس» که از تبار «ادومیه» و پدرش وزیر پادشاهان «یهود» بود برای به دست آوردن مقام پادشاهی، از اشتباهات «آنتیگون» که از سوی «پارتها» دشمنان روم، به پادشاهی شناخته شده بود استفاده کرد و با «روم» از در دوستی درآمد. در سال ۳۹ وقتی وارد «روم» شد «آنتوان» و «اوکتاویوس» او را به عنوان پادشاه معرفی کرده از او استقبال نمودند.

اقدامات «هیروودیس» عبارت بود از: برچیدن سلطنت گذشته و آغاز بازسازی مجدد معبد بطرزی بسیار پر شکوه و مجلل که صرفاً بخاطر حفظ پشتیبانی «یهودیان» از خود صورت می گرفت (سالهای ۱۹ و ۱۸ ق.م) و همین معبد در زمان مسیح نیز همچنان پا برجا بود.

«هیروودیس» از نظر کشورداری، دید وسیعی داشت لیکن حاکمی مستبد و ظالم بود و از این رو تنفر مردم بخصوص «فریسیان» را برانگیخت.

در سال ۴ (ق.م) بعد از درگذشت «هیروودیس»، جانشینان وی با مشکلات زیادی روبرو شدند. از طرفی «روم» بر کشور نفوذ زیادی پیدا کرده و از جهت دیگر وضع داخلی نیز به علت وجود فرقه های متعدد سیاسی و مذهبی به هرج و مرج گرائیده بود. شرح کاملتر این رویدادها را در جلد دوم خواهیم دید.

ر.ک: «ایمان و تمدن» بخش مربوط به مومنین از امتهای و «مقدمه ای بر شناخت عهد جدید» باب اول

\* \* \*

## دیاسپورا

ادامه از ص ۹۲

گذشت و شاعران مشهوری به آن پرداختند و نیز نوشته هایی تاریخی که امروز در دسترسمان نیست ولی از آن میان کتب دوم، سوم و چهارم مکابیان؛ کتاب حکمت، نامه آریسته، داستان یوسف و آسنت، ترجمه اول مکابیان، عزرا و یهودیه را می توان نام برد. این جوامع در امپراطوری روم از اساسنامه خاصی برخوردار بودند: در شرق مطابق میراث یونانی گرائی که یافته بودند به صورت جوامع شهرمانندی سازماندهی شده بودند که حالت انجمن داشتند و خواسته های آن معرف اجتماعشان بود. از دوران امپراتور ژولیوس سزار به بعد یهودیانی که شهروند رومی محسوب می شدند از خدمت سربازی معاف بودند و همچنین به آنها اجازه ساختن کنیسه در شهرها داده شد و اجازه داشتند روز

سبت را نگاه دارند و مغازه های مخصوصی جهت رعایت موازین خوراکی داشته باشند. در شرق، این جوامع طبق قوانینی که بر انجمن های دارای مجوز حاکم بود اداره می شد. کتاب اعمال و رسالات پولس نشان می دهند که این رسول بدو یهودیان پراکنده را مد نظر داشت هرچند با شکستهای متعددی روبه رو شد، حتی می توان گفت که انتشار مسیحیان به طور عمده ناشی از پدیده پراکندگی یهود بوده است. همچنین بعد از اشغال اورشلیم در سال ۷۰، ویرانی معبد و توقف آئین عبادتی در آن، ناقوسها برای صدوقیان و اسنیان به صدا درآمد و فعالیت یهودیت پراکنده را بر فریسیان حاکم متمرکز نمودند.

## نتیجه

### تولد یهودیت

تبعید به بابل هر چند باعث ایجاد گسستگی در زندگی سیاسی قوم خدا شد اما همین واقعه سرچشمه عمیق تر شدن مذهب نیز گردید که منجر به تولد یهودیت شد. این سومین دوره بزرگ از ادواری است که سرانجام به مسیح منتهی شدند.

#### تبعید

دوران تبعید پنجاه سال به درازا کشید یعنی به اندازه طول عمر یک نسل. تبعیدشدگان که در مستعمراتی مساعد برای کشاورزی گردآوری شده بودند می بایست دره فرات را سر و سامان بخشند. آنان تحت نفوذ انبیائی مانند ارمیا و حزقیال دوباره همت خود را به دست آوردند. استقلال سیاسی نابود گردید اما اعتقادات مذهبی دوام یافتند. روایات مذهبی و گفتارهای انبیا جمع آوری شده و احکام شریعت به دقت رعایت می شدند تا وفاداریشان به خدا متزلزل نگردد. قوم یهود برای حفظ هویت خود با جدیت تمام ختنه و سبت را رعایت می کردند. در روز سبت دور هم جمع می شدند تا به کلام خدا گوش دهند و مزامیر بخوانند. این همانا تولد «آیین نیایش کلام» است که در آیین نیایش مسیحی نیز هنوز ادامه دارد.

ذهن ایشان بتدریج به سوی موجودیت سایر انسانها معطوف گردید. آیا خدا، خدای همگان نیست؟ قوم خدا یک مأموریت دارد و آن اعلام نجات تا اقصی نقاط زمین است. از آن موقع بود که زیباترین متون جهان شمول کتاب مقدس بوجود آمدند.

#### بازگشت و تجدید حیات

در سال ۵۵۱، کورش پادشاه فارس شد، در سال ۵۳۹ بابل را تصرف نمود و در سال ۵۳۸ به تبعیدشدگان یهودا اجازه داد به وطن خود بازگردند. آنان که از انبیا و وعده های ایشان مبنی بر «بازگشت» قوم به وطن نیرویی تازه یافته بودند، کاروانهایی برپا کردند. استقرار دوباره دشوار بود و تمایلات روحانی در برابر سختی های مادی و اقتصادی فروکش می کرد.

یک قرن بعد، در زمان عزرا و نحیمیا جنبش و تحرکی دوباره ایجاد گردید و عهد خداوند با شکوه هر چه تمام تر

تجدید شد. قوانین کتاب مقدس، در قالب قوانین ایالت کوچکی درآمد که تحت سرپرستی دولت فارس بود و کاهن اعظم از نظر مدنی و نیز مذهبی ریاست جماعت را عهده دار بود. نام این ایالت یهودیه و ساکنان آن «یهودی» نامیده می شدند.

این دوره، دوره بزرگی برای ادبیات کتاب مقدس بشمار می رود. کتاب مزامیر به اوج خود رسید، کتابهای انبیا شکل دائمی خود را به دست آوردند و کتابهای یونس، ایوب، غزل غزلها و روت به وجود آمدند.

### نخستین آزار و شکنجه

در حدود سال ۳۳۰ قبل از میلاد، اسکندر تمامی آسیای مرکزی از مصر تا فارس را زیر حکومت خود جمع نمود. جهان یونانی، جهان سامی را تسخیر و تمدن جدیدی بنا کرد. صد و پنجاه سال بعد آنتیوخوس چهارم در صدد برآمد همه را به پذیرش مذهب یونانیان وادار نماید. معبد اورشلیم وقف زئوس گردید و انجام فرائض آیین یهود مجازاتی تا سرحد مرگ داشت. قوم یهود متحمل جفای مذهبی خونباری شد که نخستین جفا در تاریخ آنان بود. آشوب ناگهانی سال ۱۶۸ به تحریک مکابیان صورت گرفت. نام مکابی از کلمه «چکش» (Mar-teau) گرفته شده و به خاطر سختی ضربات آنان بود که این چنین نامیده می شدند.

جنگ بزرگ بیست سال به درازا کشید؛ اورشلیم آزاد شد و معبد پاک سازی گردید. دوباره سرزمینی به همان عظمت پادشاهی داود ساخته شد. کشور مالمال از مکانهای قومی گردید، زندگی اقتصادی توسعه یافت و زندگی مذهبی تقویت شد.

مشاجرات داخلی طبقه حاکم برای امپراتوری روم فرصت خوبی ایجاد نمود تا در امور آن کشور مداخله نماید. در سال ۶۳ قبل از میلاد پومپئوس اورشلیم را متصرف شد و یهودیه به صورت یکی از استانهای روم درآمد. مسلماً این دوران، دوره خوشبختی انکارناپذیر اما در عین حال آتش زیر خاکستر بود. در مدتی کمتر از یک قرن حدود بیست و شش قیام توسط یهودیان علیه رومیان صورت گرفت. رهبران آشوب طلب غالباً جلیلی بودند. سرکوبی آنان بسیار بی رحمانه صورت می گرفت و تعداد زیادی از ایشان مصلوب شدند.

عیسای جلیلی در چنین جوی زندگی می کرد. او در نظر عده ای از این مبارزه طلبان شخصی بود که قوم خود را از دست اشغالگران خواهد رهانید. سرانجام رومی ها او را به عنوان «عیسای ناصری، پادشاه یهود» محاکمه کردند.



## جدول ها و نمودارهای تاریخی

الف : تاریخچه مصر در زمان عبرانیان و خروج

ب : تاریخ عمومی خاورمیانه

۱) از ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م

۲) از ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰ ق.م

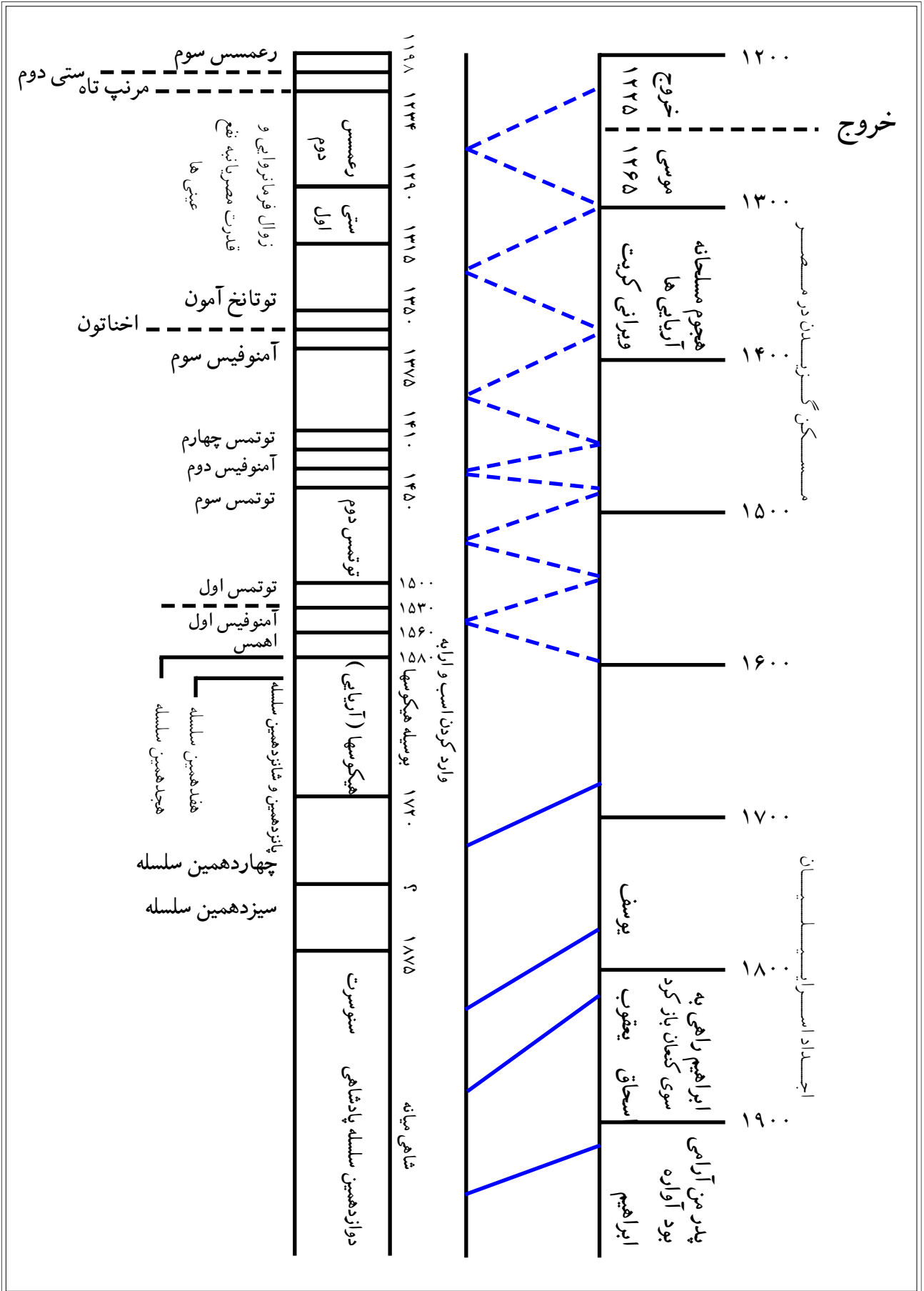
۳) از ۱۰۰۰ ق.م تا تولد عیسی

ج : جدول تاریخی انبیا

د : جدول تاریخی پادشاهان

ه : سلسله مکابیان و عصمونیان

## تاریخچه مصر در زمان عبرانیان و خروج



# تاریخ عمومی منطقه خاورمیانه

(۱) از ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح

کاربرد مفرغ به جای مس

اختراع خط

بین النهرین

آسیای صغیر

حدود سال ۳۵۰۰، سومریها، نژاد غیرسامی در جنوب  
بین النهرین مستقر شدند که دارای تمدنی شکوفا و  
مخترعین خط میخی بودند.

۳۰۰۰

۲۹۰۰

۲۸۰۰

۲۷۰۰

۲۶۰۰

۲۵۰۰

کوچ نشینان سامی که از صحرای عرب به سوریه آمده  
بودند جنوب بین النهرین را تسخیر کردند. پادشاهی اکد  
را تاسیس و بر سومریها تسلط یافتند.

۲۴۰۰

۲۳۰۰

سرجون شاه اکد نیروهایی به آسیای صغیر اعزام داشت.

حدود سال ۲۱۸۰ گوتی که قومی وحشی و کوه نشین در  
شرق بین النهرین بودند اکد را به تصرف درآوردند.

۲۲۰۰

نوه سرجون ائتلاف ۱۷ شاه آسیای صغیر از جمله شاه  
هتی ها را درهم کوبید.

سومریها بر مهاجمین چیره گشتند. تمدنشان تجدید  
حیات کوتاهی یافت.

۲۱۰۰

آموریها از قبیله های صحرای عرب - سوریه در  
بین النهرین مستقر شدند. و اجداد ابراهیم به کوچ نشینی  
در بین النهرین درآمدند.

۲۰۰۰



## دنباله جدول صفحه قبل

کنعان و فنیقیه	مصر
این سرزمینها دارای جمعیتی کنعانی از نژاد سامی بود. تحت نفوذ مصر و بین النهرین استحکامات و شهرهای حصاردار افزایش یافت. هر شهر و قبیله ای مستقل بود.	مصر علیا و سفلی که دولت - شهرهای آن از قرنهای پیش تمدنی در سطح بالا دارا بودند تحت قدرت واحدی متمرکز شدند. اختراع خط تصویری (هیروگلیف)
۳۰۰۰	۲۹۰۰
مهاجمین سامی بر کرانه های لبنان فرود آمدند و بنادری احداث کرده با مصر روابط تجاری برقرار کردند.	۲۸۰۰
۲۷۰۰	آغاز دوران امپراتوری باستانی. پایتخت: ممفیس بنای اهرام بزرگ
در طول این دوران، هایبروها و گروههای انسانی منفرد در تمام پهنه این نواحی به کوچ نشینی مشغول بودند.	۲۶۰۰
۲۵۰۰	۲۴۰۰
۲۳۰۰	دوران برزخی: کشور بر اثر تقسیم سیاسی و کشمکشهای اجتماعی رو به سستی نهاد.
آموریها کوچ نشینان سامی، دست به مهاجرت زدند. در شمال در فنیقیه شهرها در برابر مهاجرت چادر نشینان ایستادگی کردند.	۲۱۰۰
در جنوب، در کنعان کوچ نشینان این نواحی را تسخیر و شهرها را نابود کردند.	۲۰۰۰ اتحاد مجدداً برقرار شد. آغاز دوران امپراتوری میانه (۲۱۰۰ تا ۱۸۰۰)

## ۲) از ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح

### از سال ۱۳۰۰ کاربرد آهن جایگزین مفرغ گردید

بین النهرین	آسیای صغیر
<p>۲۰۰۰ آموریها قبیله سامی صحرای عرب - سوریه در بین النهرین ساکن شدند. سقوط قلمرو سومریها. اجداد ابراهیم در بین النهرین کوچ نشین بودند.</p> <p>۱۹۰۰ نخستین بروز قدرت آشور که عنقریب به سیله قلمرو ماری مغلوب گردید.</p> <p>در بین النهرین سفلی آغاز رقابت بین شهرهای مستقل.</p> <p>۱۸۰۰</p> <p>۱۷۵۰ تا ۱۷۰۰ تسلط قلمرو ماری بر بین النهرین علیا</p> <p>۱۷۲۸-۱۰۸۵ حمورابی قلمرو قدیم بابل را احیا می کند ولی به علت مهاجرت مداوم قبایل کاسیت از شمال شرقی انحطاط سریع بابل آغاز شد. حوریان که از شمال آمده بودند بین النهرین علیا را مسخر گشتند و آشور را تحت تسلط درآورده قلمرو میتانی را بنیان گذاری کردند.</p> <p>۱۵۳۰ هتی ها بابل را برای مدت کوتاهی متصرف شدند. سقوط سلسله حمورابی.</p> <p>۱۴۵۵ طی لشکر کشی مصر به سوریه قلمرو میتانی نابود شد.</p> <p>۱۴۰۰</p> <p>۱۳۰۰ آشوریها قلمرو میتانی را متصرف گشتند.</p> <p>درخشش کم دوام قدرت مطلقه آشور در بین النهرین و ویرانی آن توسط آرامیان که از صحرای عرب به سوریه مهاجرت کردند. تأسیس دول کوچک آرامی در بین النهرین علیا و سوریه.</p> <p>۱۰۰۰</p>	<p>قبایل هندو اروپائی که از قفقاز یا بالکان به حرکت درآمده بودند در آسیای صغیر مستقر شدند.</p> <p>بازرگانان آشوری در آسیای صغیر رخنه کرده و اقدام به ایجاد مراکز بازرگان نمودند.</p> <p>۱۷۰۰ قبایل هندو اروپائی مستقر در آسیای صغیر صاحب قدرت شدند. آغاز امپراتوری باستانی هیتی ها.</p> <p>حدود ۱۶۳۰ هجوم هیتی ها از کوهستان به کرانه فرات و سوریه در حلب سرکوب شد، از سرگیری مجدد مهاجرت و تصرف حلب و بابل</p> <p>۱۴۵۰ تأسیس سلسله جدید</p> <p>تصرف آسیای صغیر و حلب توسط هیتی ها</p> <p>در سال ۱۳۷۰ هتی ها پایتخت میتانی را تصرف و آن را به نابودی کشاندند و حلب را تصرف کرده تا قادش پیش رفتند مصر امکان مداخله نیافت. ۱۳۴۰ هتی ها کرکیش را بدست آوردند.</p> <p>۱۲۸۵ نبرد بی حاصل مصر و هتی در قادش و در ۱۲۷۰ صلح پایدار و پیمان دفاعی مشترک در برابر آشور.</p> <p>۱۱۰۰ محو شدن حکومت هیتی ها برای همیشه توسط اقوام مهاجر از سوی شمال شرق. برخی از دول کوچک قوم هیتی تحت نفوذ سوریهها و سپس آرامیان در در انزوا به بقای خود ادامه دادند.</p> <p>۱۰۰۰</p>

## دنباله جدول صفحه قبل

کنعان و فنیقیه	مصر
در جنوب در کنعان کوچ نشینان آموری این ناحیه را متصرف شده و شهرها را خراب کردند.	۲۰۰۰ اتحاد مجدد: تاسیس امپراتوری میانه. پایتخت: ممفیس. مصریان بر کنعان و فنیقیه تسلط یافتند. بتیلوس جزو مستعمرات مصر درآمد.
۱۸۵۰ ابراهیم به کنعان وارد شد	۱۹۰۰
هیکسوسها از نژاد سامی بر کشور تسلط یافتند.	۱۸۰۰
ذریه حضرت ابراهیم کنعان را ترک کردند و در مصر سکنی گزیدند.	۱۷۰۰
سه قرن کنعان و فنیقیه تحت سلطه مصر بودند.	۱۶۰۰
	۱۵۸۰ اخراج هیکسوسها از مصر. آغاز دوران امپراتوری جدید (۱۵۸۰ الی ۱۰۸۵) پایتخت: تاباص. حدود از شمال کرانه فرات که با ارابه های جنگی تا آنجا پیش رفته بودند، جنوب چهارمین سرچشمه نیل. کنعان تحت سیطره مصر باقی ماند.
	۱۵۰۰
دست اندازی های پیروها به متصرفات مصر در کنعان.	۱۴۰۰
موابی ها، آموریها و ادومیت ها از نژاد سامی در ماورای اردن سکنی گزیدند.	۱۳۰۰
۱۲۴۰ خروج قوم از مصر	۱۲۳۴ الی ۱۳۰۱ رعمسیس دوم
۱۲۲۰-۱۲۰۰ تسخیر مناطق کوهستانی کنعان توسط یوشع.	۱۲۸۵ نبرد بی حاصل مصر و هیتی در شهر قادش و فرسایش هردو نیرو و بالاخره پذیرش صلح پایدار.
فلسطینیان دریانورد در کنعان ساکن شدند و آن را فلسطین نامیدند.	۱۲۳۰ ضعیف شدن مصر و سرآغاز هرج و مرج. مصر حمله اقوام دریایی از جمله فلسطینی ها را که از دریای اژه آمده بودند خنثی نموده آنان را تا کنعان پس راند اما بعد سلطه خود را بر کنعان از دست داد.
کنعانیان و فنیقی ها خط را ساده کرده و الفبائی مرکب از ۳۰ حرف بوجود آوردند.	۱۱۰۰
۱۰۱۰ تا ۹۷۰ دوران سلطنت داود و اتحاد قوم بنی اسرائیل	۱۰۸۰ انحطاط امپراتوری جدید و تجزیه مصر.
	۱۰۰۰



### ۳) از ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد تا تولد مسیح

#### آسیای صغیر

#### بین النهرین و ایران

۱۰۰۰	
۹۰۰	آشوریها قلمروهای کوچک هیتی را ضمیمه خود کردند.
۸۰۰	۸۷۰: تحت سلطه آشور بانیپال دوم (۸۸۳ تا ۸۵۹) امپراتوری بزرگ آشور ظهور نمود.
۷۰۰	۸۵۳: در قرقر نبرد بی نتیجه بین آشوریها و ائتلاف قلمروهای آرامی که توسط مصر حمایت می گردیدند صورت گرفت.
۶۰۰	۶۶۰: تولد زرتشت.
۶۰۰	۶۳۰: انحطاط آشور و احیا بابل توسط کلدانیها (آرامی های شرق) و استقرار در جنوب بین النهرین.
۵۰۰	۶۱۰: سقوط آشور و شکوفایی حکومت جدید بابل.
۴۰۰	۵۴۰: انقراض حکومت جدید بابل توسط کورش پارسها تحت فرمانروایی کورش به قدرت بی رقیبی تبدیل شدند.
۳۰۰	۳۳۰: اسکندر سلسله هخامنشیان را منقرض ساخت.
۲۰۰	۳۲۰: سلوکیان بر منطقه آشوریها و بابلی ها مسلط شدند.
۱۰۰	۲۴۸: تأسیس سلسله پارت در ایران که تا سال ۲۲۴ میلادی ادامه یافت.
	۱۲۹: پارتها بابل را به تسخیر خود درآوردند.
	اسکندر آسیای صغیر را متصرف گردید.
	پارتها با رومیان به مقابله پرداختند.

تولد مسیح

## دنباله جدول صفحه قبل

فلسطین و سوریه	مصر
۹۷۰ الی ۹۳۱ سلطنت سلیمان و سپس انشقاق مذهبی قلمرو شمالی «اسرائیل» قلمرو جنوب «یهودیه» مبارزه بین اسرائیل و قلمرو دمشق	آغاز دوران آخرین امپراتوری (۱۰۸۵ تا ۵۲۵) پایتخت: تانیس. ضعیف شدن مصر.
۸۴۱ پرداخت باج توسط قلمروهای دمشق و صور و صیدا	
۷۳۲ آشور قلمرو دمشق را به متصرفات خود ضمیمه کرد. ۷۲۱ تصرف سامره و انقراض اسرائیل توسط شاه آشور	
۵۹۸ محاصره اورشلیم و اولین تبعید به بابل ۵۸۷ تصرف اورشلیم توسط شاه بابل و دومین تبعید ۵۳۸ فرمان کورش و بازگشت از تبعید تسلط پارسیان (۵۳۸ الی ۳۳۰)	۶۷۱ الی ۶۶۳ اشغال مصر سفلی توسط آشوریه ۶۵۰ رونق کوتاه مصر و اخراج آشوریه ۶۰۹ اشغال یهودیه برای کمک به آشور، شکست از بابل در کرکیش ۵۸۷ پناهندگان یهودی به مصر ارمیا را به زور با خود بردند ۵۲۵ الی ۳۳۰ تصرف مصر و تسلط پارسیان بر آن.
۳۳۰ تا ۱۶۴ دوره سلطه یونان پس از اسکندر بطالسه در فلسطین و سلوکیها در سوریه	۳۳۰ مصر توسط اسکندر متصرف شده پس از اسکندر مصر تحت سلطه بطالسه استقرار یهودیان در مصر و به ویژه بندر اسکندریه
سلوکیهای سوریه بر بطالسه مصر پیروز شدند فلسطین تحت سلطه سلوکیها. آغاز انقلاب مکابی جنگ، استقلال (۱۶۴ تا ۱۴۳) پیمان دوستی با روم ۱۰۴ کاهن اعظم خود را شاه نامید.	۱۶۸ مصر تحت تسلط روم
۶۲ پمپه سردار رومی سوریه و فلسطین را اشغال کرد. مقارن سال ششم قبل از میلاد مسیح عیسی تولد یافت.	
۲۷ میلادی آغاز مأموریت یحیی تعمید دهنده.	تولد مسیح

## جدول انبیا

۱- پیش از پادشاهان (عنوان نبی بعدها به ایشان داده شد) :

ابراهیم (پید ۷:۲۰=یهویست) موسی (تث ۱:۳۴؛ یوشع ۱۲:۱۴) هارون (خروج ۷:۱=کهانتی)  
 مریم (خروج ۱۵:۲۰=یهویست)  
 یوشع پسر نون (بنسی ۱:۴۶)  
 در دوران داوران : یک نبی ناشناس (داور ۶:۸) دبورا (داور ۴:۴)  
 نظریه مکتب نبوتی : اعد ۱۲:۶؛ تث ۱۳:۱-۶؛ ۱۸:۹-۲۲؛ حک ۷:۲۷

۲- پیش از جدائی دو پادشاهی (۹۳۱) :

سموئیل (۱-سمو ۳:۲۰) گروه انبیائی (۱-سمو ۱۰:۵) که شائول به ایشان پیوست (۱-سمو ۱۰:۱۰)  
 جاد (۱-سمو ۲۲:۵) ناتان (۲-سمو ۷:۲)

۳- از جدائی دو پادشاهی تا تبعید به بابل :

### شمال

دوران یربعام اول : اخیای شیلونی (۱-پاد ۱۱:۲۹)  
 یعدوی رائی (۲-توا ۹:۲۹)  
 دو نبی ناشناس (۱-پاد ۱۳:۱۱)  
 دوران بعشا : ییهو پسر حنانی (۱-پاد ۱۶:۷)

حدود سال ۸۶۰ : میکا پسر یلمه (۱-پاد ۲۲:۸)  
 حدود سال ۸۵۰ : ایلیا (مکتوب : ۲-توا ۲۱:۱۲)  
 حدود سال ۸۴۰ : الیشع

گروه انبیا (۱-پاد ۱۸:۴)

۴۰۰ نبی (۱-پاد ۲۲:۶)

۴۵۰ تن انبیای بعل

(۱-پاد ۱۸:۱۹؛ ر.ک ۲-پاد ۳:۱۳؛ ۱۰:۹)

۲ نبی در زمان اخاب (۱-پاد ۱۳:۲۰-۳۵)

صدقیا پسر کنعنه (۱-پاد ۲۲:۲۴)

دوران ییهو : یک نبی جوان ناشناس (۲-پاد ۹:۴)

دوران یربعام دوم : یونس پسر امتای (۲-پاد ۱۴:۲۵)

عاموس هوشع

سقوط سامره

### جنوب

قرن دهم : دوران رحبعام : شمعی (۱-پاد ۱۲:۲۲)  
 عدوی (۲-توا ۱۳:۲۲)

دوران آسا : حنانی (۲-توا ۱۶:۷)

عودید (۲-توا ۱۵:۸)

عزریا پسر عودید (۲-توا ۱۵:۱)

قرن نهم :

قرن هشتم : یک نبی ناشناس (۲-توا ۵:۱۵)

میکا اشعیای اول

قرن هفتم : انبیا (۲-پاد ۲۳:۲)

خلده زن شالوم (۲-پاد ۲۲:۱۴)

صفنیا ارمیا ناحوم

حننیا پسر عزور (ار ۲۸)

یدوتون رائی یوشیا (۲-توا ۳۵:۱۵) اوریا پسر شمعی (ار ۲۶:۲۰)

حبقوق

در بابل (ار ۱۵:۲۹)

قرن ششم: حزقیال عوبدیا اشعیای دوم

۴- پس از تبعید

حجی زکریای اول پسر عدوی اشعیای سوم نوعدیه نبیه علیه نحمیا (نح: ۶: ۱۴)

قرن پنجم: ملاکی (یونس) یوئیل

قرن چهارم: زکریای دوم

قرن سوم: (باروخ، آغاز)

قرن دوم: دانیال

انبیای کذب: رجوع کنید اش ۹: ۱۴؛ ۲۸: ۷-۱۳؛ ۲۹: ۱۰  
 ار ۲: ۸؛ ۵: ۱۳؛ ۶: ۱۳؛ ۸: ۱۰؛ ۱۴: ۱۳-۱۸؛ ۲۳: ۹-۴۰؛ ۲۶: ۷-  
 ۱۹؛ ۲۷: ۹-۱۸؛ ۳۷: ۱۹  
 رویاهای کاذب: رجوع کنید مرا ۲: ۱۴؛ هو ۴: ۵؛ ۷: ۹؛ میک ۳: ۵-۸؛  
 حزق ۱۳: ۲-۱۶؛ ۱۴: ۱۰؛ ۲۲: ۲۸؛ صف ۳: ۴  
 دورانی که دیگر نبی ای نبود: رجوع کنید مز ۷۴: ۹؛ مرا ۲: ۹؛  
 دان (یونانی) ۳: ۳۸؛ زک ۱۳: ۲-۶؛ ۱-مک ۹: ۲۷  
 در انتظار یک نبی: رجوع کنید ۱-مک ۴: ۴۶؛ ۱۴: ۴۱

-----: نبی مخالف با

وفاداری نسبت به خدا

(یونس): کتابی که در میان  
 کتب انبیا طبقه بندی شده

نبی ای که خواهد آمد:

تث ۱۸: ۱۸



## جدول پادشاهان

فلسطین

شائل حدود ۱۰۲۰-۱۰۰۲

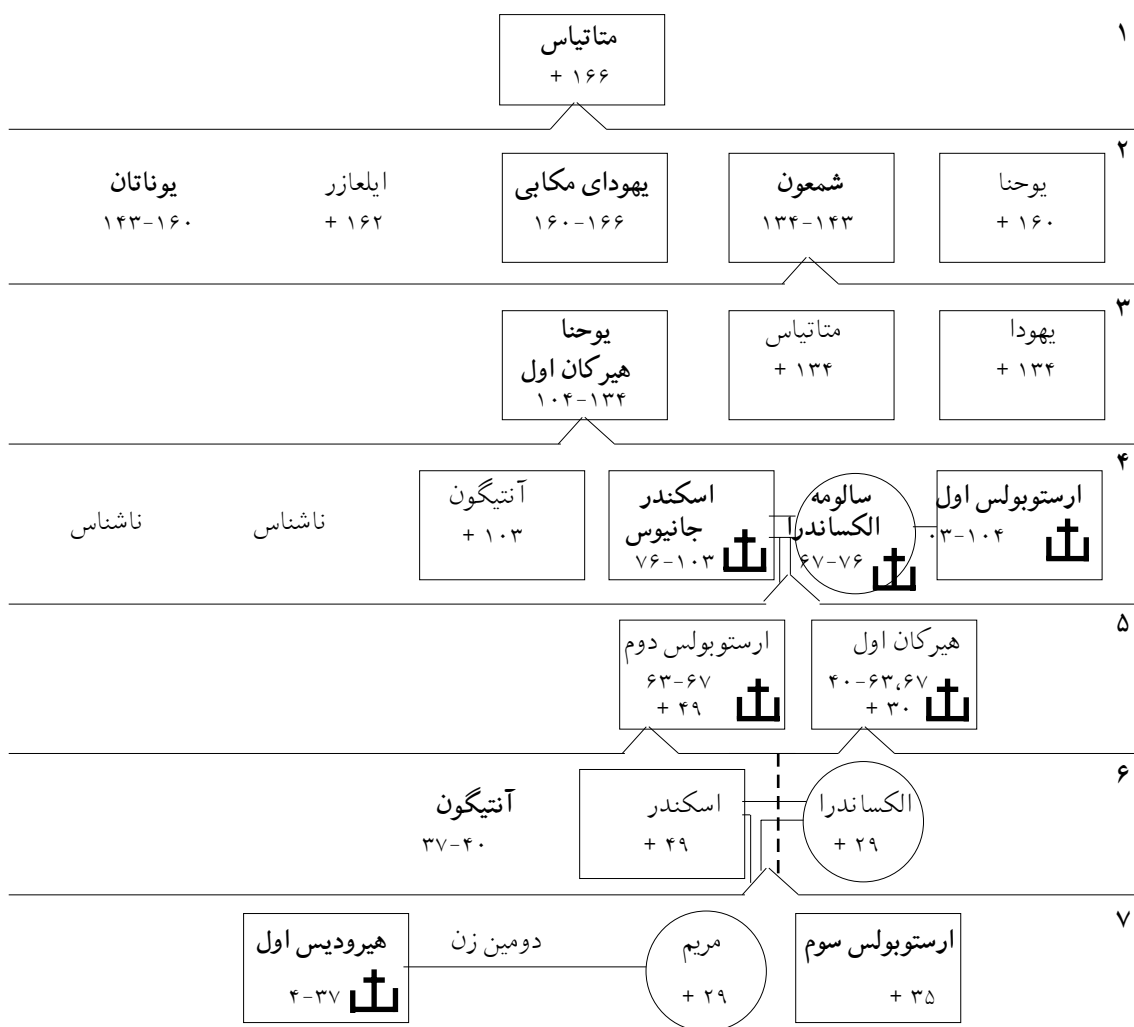
پادشاهی واحد اسرائیل

بین النهرین

۱۰۰۰ قبل از میلاد

امپراتوری آشور ۱۰۰۰-۶۱۲	داود ۱۰۰۲-۹۶۲ سلیمان ۹۶۲-۹۲۲ بنای معبد تهاجم شیشق ۹۲۲-۹۲۱ (?) دو پادشاهی ۹۲۲-۷۲۲		
	<b>پادشاهی اسرائیل</b> یربعام اول ۹۲۲-۹۰۱ ناداب ۹۰۱-۹۰۰	<b>پادشاهی یهودا</b> رحبعام ۹۲۲-۹۱۵ ایبام ۹۱۵-۹۱۳	۹۰۰ قبل از میلاد
تهاجم آشوریان به سوریه ۸۹۰ نبرد کرکار ۸۵۳ شلمناسر سوم ۸۵۹-۸۲۴	بعشا ۹۰۰-۸۷۷ ایله ۸۷۷ عمری ۸۷۷-۸۶۹ اخاب ۸۶۹-۸۵۰ اخزیا ۸۵۰-۸۴۹ یورام ۸۴۹-۸۴۲ یهو ۸۴۲-۸۱۵ یهواخاز ۸۱۵-۸۰۱	آسا ۹۱۳-۸۷۳ یهوشافاط ۸۷۳-۸۴۹ یورام ۸۴۹-۸۴۲ اخزیا ۸۴۲ عتلیا ۸۴۲-۸۳۶ یوآش ۸۳۶-۸۰۰	۹۰۰ قبل از میلاد
سقوط دمشق ۷۳۲ تغلت فلاسر سوم ۷۴۵-۷۲۷ شلمناسر پنجم ۷۲۷-۷۲۲ سرجون دوم ۷۲۲-۷۰۵	یوآش ۸۰۱-۷۸۶ یربعام دوم ۷۸۶-۷۴۶ زکریا ۷۴۶-۷۴۵ مناحیم ۷۴۵-۷۳۸ فقحیا ۷۳۸-۷۳۷ فقح ۷۳۷-۷۳۲ هوشع ۷۳۲-۷۲۴	امصیا ۸۰۰-۷۸۳ عزیا ۷۸۳-۷۴۲ یوتام ۷۴۲-۷۳۵ آخاز ۷۳۵-۷۱۵ حزقییا ۷۱۵-۶۸۷	۸۰۰ قبل از میلاد
	سقوط سامره و پایان پادشاهی اسرائیل ۷۲۲		
سنحاریب ۷۰۵-۶۸۱ اسرحدون ۶۸۱-۶۶۹ آشوربانیپال ۶۶۹-۶۳۹ سقوط نینوا		منسی ۶۸۷-۶۴۲ آمون ۶۴۲-۶۴۰ یوشیا ۶۴۰-۶۰۴ یهویاقیم ۶۰۹-۵۹۷ تبعید یهوایاقیم به بابل با بخشی از مردم یهودا ۵۹۳	۷۰۰ قبل از میلاد
نبرد کرکمیش ۶۰۵ نبوکدنصر ۶۰۴-۵۶۲ پیروزی نبوکدنصر بر نبو فرعون مصر و پادشاهان آرام و اسرائیل شکست نبوکدنصر در مصر ۶۰۱ اوایل مردوک ۵۶۲-۵۶۰ نبونید ۵۵۶-۵۳۹ امپراتوری بابل ۶۱۲-۵۳۹ سقوط بابل		صدقیا ۵۹۷-۵۸۶ شورش صدقیا علیه بابل ۵۸۹ سقوط اورشلیم ۵۸۹ اسارات در بابل ۵۸۶-۵۳۹ شیشنصر، زروبابل بازسازی معبد اورشلیم ۵۲۱-۵۱۹	۶۰۰ قبل از میلاد
امپراتوری فارس کوروش کبیر ۵۳۹-۵۳۰			

## سلسله مکابیان و عصمونیان



سلسله مکابیان و عصمونیان: مردان درون کادرهای مربع و زنان درون کادرهای دایره نشان داده شده اند. متاتیاس و پنج پسرش مانند مکابیان طبقه بندی شده اند. متاتیاس، یهودا، یوناتان و شمعون به نوبت هر یک رهبران شورش شدند. از دوره پسر شمعون به بعد یعنی یوحنا هیرکان اول این خاندان تحت نام عصمونیان شناخته شدند و به ترتیب ذیل بر یهودیان به نوبت حکومت نمودند: یوحنا هیرکان اول، ارستوبولس اول، اسکندر جانیوس، الکساندرا، هیرکان دوم و ارستوبولس دوم. با فرارسیدن رومیان، هیرکان دوم اجازه یافت از نو به اعمال کهنانت - اعظم بپردازد. در طی استیلای دولت پارت (سالهای ۳۷-۴۰) آنتیگون عنوان پادشاه را دریافت نمود. با پشتیبانی رومیان، هیرودیس کبیر موفق شد آخرین پادشاه عصمونیان را اخراج کند. ارستوبولس سوم باز هم کاهن اعظم باقی ماند اما او نیز به دست هیرودیس به قتل رسید.

ر. ک: «ریشه های تاریخی ایمان مسیحی»، جلد دوم، «دنیای عهد جدید»، «شجره نامه خاندان هیرودیسیان»

## بخش دوم

# در باب تدوین عهد عتیق

- ۱۱۶ ..... مقدمه : کتابخانه مقدس ما
- ۱۱۸ ..... فهرست کتاب مقدس عبری
- ۱۱۸ ..... فهرست کتاب مقدس یونانی
- ۱۲۱ ..... فصل اول : تعیین زمان نگارش کتب مقدسه
- ۱۲۴ ..... فصل دوم : کتاب بزرگ خاطرات
- ۱۲۶ ..... فصل سوم : دوران پادشاهی
- ۱۲۸ ..... فصل چهارم : عصر انبیا
- ۱۳۲ ..... فصل پنجم : دوران تبعید
- ۱۳۵ ..... فصل ششم : در اورشلیم بازیافته
- ۱۳۸ ..... فصل هفتم : عصر یونانیان
- ۱۴۲ ..... فصل هشتم : کتاب مقدس چیست؟
- ۱۴۶ ..... فصل نهم : در باب نگارش تورات
- ۱۵۲ ..... فصل دهم : در باب نگارش کتاب پیدایش
- ۱۵۴ ..... فصل یازدهم : در باب نگارش کتاب تثنیه
- ۱۵۸ ..... فصل دوازدهم : در باب نگارش کتابهای پیامبران

### توضیح

در بخش حاضر طرز نوشتن ارجاعات کتاب مقدس با بقیه کتاب اختلاف کوچکی دارد. به طور مثال خروج ۱۵-۲/۱ در این بخش به صورت خروج ۲:۱-۱۵ نوشته شده است که در ارجاع اولی از چپ به راست و در دومی از راست به چپ خوانده می شود.

## مقدمه : «کتابخانه مقدس» ما

«کتاب مقدس» یا «کتاب مقدسه»؟

«کتاب مقدس» یا «کتابخانه مقدس»؟

کتاب مقدس ما از جمله مشتمل بر ۲۴ کتاب نوشته شده به زبان عبری است که باید چندین کتاب «برحق متأخر» را که به زبان یونانی نوشته شده اند نیز بر آنها افزود، البته این کتب در ترجمه قدیمی کتاب مقدس به زبان فارسی قید نشده اند. یعنی از حدود سی کتاب فقط از عهد عتیق غفلت شده است! به علاوه عهد جدید مشتمل بر ۲۷ عنوان می باشد.

به همین خاطر می توان کتاب مقدس را یک کتابخانه واقعی دانست! اما از همین جا سؤالی مهم برای هر کتابدار خوب مطرح می شود که چگونه باید این آثار را تنظیم و طبقه بندی نمود؟

آیا باید تاریخ نوشته شدن کتابها را ملاک قرار داد، که البته تشخیص این تاریخ کار دشواری است چون از موقع شروع نوشته شدن اولین کتاب تا آخرین کتاب، بیش از هزار سال فاصله وجود دارد!

آیا این کتب را باید طبق اسامی نویسندگان ترتیب داد؟ اما در بسیاری از این کتب نام نویسنده ذکر نشده و امروزه می دانیم که قبل از نوشته شدن این کتب هر یک از روایات آنها مدت‌های طولانی مراحل رشد و تکامل را پشت سر نهاده و به صورت شفاهی در یک اجتماع نقل می شده و همین امر باعث هرچه عمیق تر شدن محتوای هر کتاب شده است.

چطور است طبقه بندی آسانتری را امتحان کنیم یعنی کتب را براساس ضخامت آنها مرتب نماییم، ابتدا کتب طولانی تر و سپس کتب کوتاهتر؟ درواقع از این روش برای دسته بندی نامه های پولس استفاده شده اما به نظر بسیار ساده نگرانه می رسد!

اگر به اولین صفحات کتاب مقدس فارسی خود در نسخه جدید آن نگاه کنیم چنین می خوانیم: «عهد عتیق» و «عهد جدید». این خود یک طبقه بندی مهم است زیرا قسمت دوم دیگر مربوط به یهودیان نیست بلکه فقط به مسیحیان. سپس فهرست اسامی کتب هر یک از دو قسمت دیده می شود آن هم بدون هیچ گونه تقسیم بندی: چرا از همان ابتدا آنها را به این شکل مرتب کرده اند؟ سرانجام باید گفت که منظور از «عهد عتیق» همان «کتب تورات، صحف انبیاء و مزامیر» است. هر چند این دسته بندی به نظر ناقص می رسد اما بهتر از روشهای دیگری است که در سایر کشورها به کار گرفته می شود.

در واقع مسیحیان بنا به عادت کتب عهد عتیق را به چهار گروه تقسیم می نمایند:

\* کتب پنجگانه (تورات)

\* کتابهای تاریخی

\* کتابهای شعر و حکمت



## \* کتابهای پیامبران

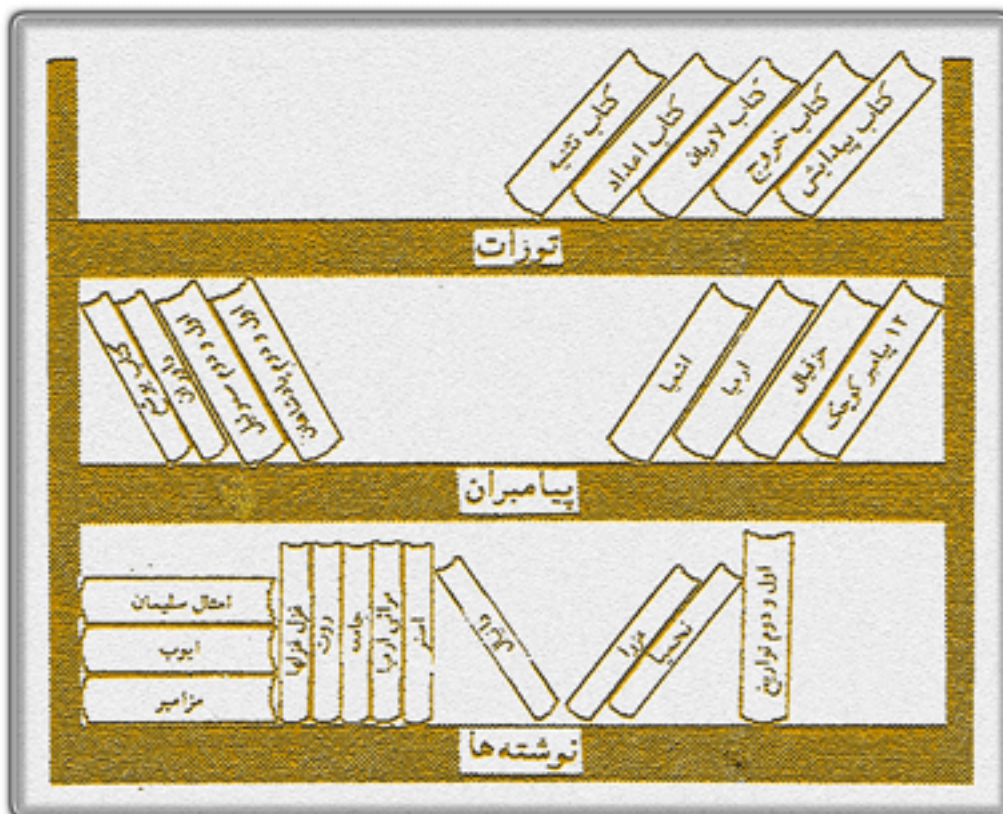
در ابتدا بایستی بگوییم که این طرز تقسیم بندی مایه تأسف است زیرا عیسی، حضرت مریم عذراء، حواریون و نخستین مسیحیان چنین طبقه بندی را نمی شناختند. طبقه بندی معمولی عهد عتیق که هنوز نزد یهودیان معمول است یکی از کلیدهای بررسی و قرائت کتاب مقدس می باشد.

عیسی مسیح بارها از «کتاب و کتب پیامبران» یاد کرده (مت ۷: ۱۲، ۱۳: ۱۱، ۲۲: ۴۰، لو ۱۶: ۱۶، ۲۷: ۲۴، یو ۱: ۴۵) و باید گفت که تورات و کتب پیامبران دو قسمت اساسی عهدعتیق بشمار می روند چنانکه هر گاه ما می خواهیم از تمام عهدجدید سخن بگوییم «اناجیل و نامه های رسولان» را ذکر می کردیم.

در صورتی که در عهدجدید نوشته های دیگری غیر از اناجیل و نامه های رسولان نیز وجود دارند (یکی اعمال رسولان و دیگری مکاشفه). همچنین در عهدعتیق غیر از تورات و پیامبران کتابهای دیگری وجود دارند و تعداد آنها هم نسبتاً زیاد است. به آنها اسم مخصوصی داده نشده و آنها را «نوشته ها» می خوانند.

در مقدمه کتاب جامعه سلیمان سه بار از «تورات، پیامبران و کتابهای دیگر» یاد شده و این فهرست کتابهای عهدعتیق عین فهرست کتابهای عهدعتیق نزد یهودیان می باشد. فقط یادآوری می کنیم که در ترجمه یونانی عهدعتیق که هفتاد تنان (SEPTANTE) نامیده می شود کتابهای دیگری نیز وجود دارد: اول و دوم مکابیان، بن سیراخ، حکمت، باروخ، طوبیت و یهودیه بنت مراری که متأسفانه در نمودار زیر ذکر نشده است.

## کتابهای عهد عتیق



## فهرست کتاب مقدس عبری

فهرست کتب برحق کتاب مقدس که توسط یهودیان در اوایل دوران مسیحیت در فلسطین به ثبت رسید برای یهودیان امروزی نیز قانونی و معتبر است و علاوه بر این، بخش عهد عتیق در کتاب مقدس پروتستانها را تشکیل می‌دهد. این بخش تنها کتابهایی را در برمی‌گیرد که به زبان عبری هستند و کتابهایی که به زبان یونانی نوشته شده‌اند و نیز ضمائهم یونانی کتب استر و دانیال از این مجموعه حذف شده‌اند. کتاب مقدس عبری در سه قسمت و به صورت ذیل طبقه بندی شده است:

- |   |  |
|---|--|
| <p>۱۳- «دوازده نبی» به ترتیبی که در کتاب ولگات آمده: هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکا، ناحوم، حبقوق، صفنیا، حجی، زکریا، ملاکی</p> <p><b>ج) نوشته‌ها (شرح زندگی مقدسان)</b></p> <p>۱۴- مزامیر (یا «تسبیحات»)</p> <p>۱۵- ایوب</p> <p>۱۶- امثال</p> <p>۱۷- روت</p> <p>۱۸- غزل غزلها</p> <p>۱۹- جامعه («قوهلت»)</p> <p>۲۰- مرثی</p> <p>۲۱- استر</p> <p>(پنج کتاب آخر «پنج طومار» نامیده می‌شود که هنگام اعیاد یهود قرائت می‌گردد).</p> <p>۲۲- دانیال</p> <p>۲۳- عزرا - نحمیا</p> <p>۲۴- تواریخ ایام</p> | <p><b>الف) تورات (کتب پنجگانه)</b></p> <p>۱- کتاب پیدایش (که با نخستین کلمات به کار رفته در متن مشخص می‌شود: «در ابتدا»)</p> <p>۲- کتاب خروج («این است نامهای»)</p> <p>۳- کتاب لاویان («خداوند موسی را خواند»)</p> <p>۴- کتاب اعداد («در بیابان سینا»)</p> <p>۵- کتاب تثنیه («این است سخنانی که»)</p> <p><b>ب) انبیا</b></p> <p>(* انبیای مقدم :</p> <p>۶- یوشع</p> <p>۷- داوران</p> <p>۸- سموئیل (مجموعه ۲ و ۱)</p> <p>۹- پادشاهان (مجموعه ۲ و ۱)</p> <p>** انبیای مؤخر :</p> <p>۱۰- اشعیا</p> <p>۱۱- ارمیا</p> <p>۱۲- حزقیال</p> |
|---|--|

بدین ترتیب کتاب مقدس یهود شامل «بیست و چهار» کتاب است.

\* \* \*

## فهرست کتاب مقدس یونانی

کتاب مقدس یونانی هفتادتنان که برای یهودیان پراکنده نوشته شده بود با توجه به ترتیبی که بنا به نسخه خطی یا چاپی آن متغیر می‌باشد مشتمل است بر:

- ۱- کتب کتاب مقدس عبری که از زبان یونانی ترجمه شده‌اند و البته تغییرات و حذف و اضافاتی در آنها صورت گرفته است (ضمائهم مهم کتب استر و دانیال)؛
- ۲- کتبی که در کتاب مقدس عبری وجود ندارند (اما بسیاری از آنها بیانگر وجود یک نسخه اصلی به زبان عبری یا آرامی می‌باشند)، این کتب جزو کتب برحق مسیحی محسوب می‌شوند (کتب برحق متأخر) و کلیسا این کتابها را درست مانند کتب کتاب مقدس عبری الهام یافته قلمداد می‌کند، پروتستانها این کتب را به عنوان کتب جعلی می‌شناسند، هر چند لوتر آنها را برای بنای ایمان مفید می‌دانست؛ اسامی آنها به صورت خط زیر در فهرستی که متعاقباً می‌آید ذکر شده‌اند؛

۳- کتبی که هرچند توسط پدران کلیسا یا نویسندگان قدیمی کلیسا مورد استفاده قرار می گرفتند، اما کلیسای قدیم آنها را نپذیرفت (آثار «جعلی»). نام آنها درون قلاب [ ] آمده است. به استثنای این کتب جعلی، فهرست کتب یونانی (البته با ترتیبی متفاوت) همان فهرست عهد عتیق است که کلیسا آن را پذیرفته است. فهرست کتب کتاب مقدس یونانی هفتادتنان به شرح زیر است:

الف) قوانین و تاریخ	ب) شاعران و انبیاء
کتاب پیدایش	مزامیر
کتاب خروج	[قصاید]
کتاب لاویان	امثال سلیمان
کتاب اعداد	جامعه
کتاب تثبیه	غزل غزلها
یوشع	ایوب
داوران	کتاب حکمت («حکمت سلیمان»)
روت	بن سیراخ («حکمت بن سیراخ»)
چهار «کتاب سلطنتی» ۱ و ۲ سموئیل؛ ۱ و ۲ پادشاهان	[مزامیر سلیمان]
۱ و ۲ تواریخ ایام	دوازده نبی کوچک به ترتیب زیر: هوشع، عاموس، میکا، یوئیل،
[کتاب اول عزرا] (جعلی)	عوبدیا، یونس، ناحوم، حبقوق، صفتیا، حجی، زکریا، ملاکی.
[کتاب دوم عزرا (= عزرا - نحمیا)]	اشعیا
استر، با متون مخصوص یونانی	ارمیا
یهودیه	باروخ (= باروخ ۱-۵)
طوبیا	مراتی
۱ و ۲ مکابیان [۳ و ۴ مکابیان، جعلی]	نامه ارمیا (= باروخ ۶)
	حزقیال
	سوزان (= دانیال ۱۳)
	دانیال ۱-۱۲ (۳: ۲۴-۹۰ مربوط به ضمیمه یونانی است).
	بل و ازدها (= دانیال ۱۴)

اینک ببینیم امروزه کتاب مقدس مسیحی چگونه عهد عتیق را معرفی نموده و روش متداول ترتیب دادن آنها چیست:

چگونه تمام کتابهای کتابخانه را مطالعه نماییم؟ اگر در خیابان نامه ای به طور تصادفی زیر پایم بیفتد، چیزی در مورد نویسنده یا گیرنده یا حتی تاریخ و سؤالاتی که می خواهد به آنها پاسخ بدهد نمی دانم و از آن نامه غیرقابل درک صرنظر می کنم! اما در مورد کتاب مقدس چگونه می توانیم نام تمامی نویسندگان یا تاریخ نگارش آنها را بدانیم؟ پاسخ چه سؤالاتی را با مطالعه کتب مقدس می یابیم؟ اگر از تمام این مطالب بی اطلاع باشیم چگونه خواهیم توانست کتاب مقدس را درک نمائیم؟

«نامه پای پی دوازدهم در مورد کتاب مقدس» به همین علت نوشته شده است: بیانیه پای پی دوازدهم در مورد کتاب مقدس که به سال ۱۹۴۳ منتشر گردید کلیه دانشمندان مسیحی را دعوت می کند تا درباره «هدف مولفین کتاب مقدس و شرایط زندگانی ایشان، دورانی که در آن به سر می بردند و منابع غیر مکتوب و مکتوبی که به کار برده اند و سرانجام روش نگارش ایشان»، دست به تحقیق بزنند.

حدود دو دهه بعد در نظامنامه مجمع واتیکان دوم در باب مکاشفه (شماره ۱۲) چنین نوشته شد: «برای درک

صحیح آنچه مولفان کتاب مقدس خواسته اند از راه نگارش بیان دارند، باید به نحوه درک، بیان یا تعریفی که در محیط ایشان معمول و در دوران آن‌ها متداول بوده توجه کرد». لذا آگاهی از زمان و محیطی که کتب و صحف مختلف کتاب مقدس در آن تالیف یافت، اهمیت به سزایی دارد.

امروزه می‌دانیم که عقیده سابق مبنی بر این که «موسی نگارش کتب خمس را در سال ۱۵۱۳ (ق.م) آغاز و چهل سال بعد به پایان برد» ساده لوحانه است. واقعیت از این پیچیده تر است و تنها واقعیت می‌تواند پاسخگوی پرسش‌هایی باشد که خوانندگان مطرح می‌کنند. این امر برای کتب دیگر کتاب مقدس نیز به همین نحو صادق است. «آنچه را نویسندگان خواسته بیان کنند» موقعی بهتر می‌توان درک کرد که بدانیم نویسندگان در چه جریان فکری قرار داشته، گرایش‌های محیطی که در آن می‌زیسته چگونه بوده و ارزشهای فکری و اجتماعی که حاصل خلق و خو و تعلیم و تربیتش می‌باشد، به چه نحو بوده است.

چگونه می‌توان تاریخ نگارش کتاب مقدس را تعیین نمود؟ آیا این امر امکان پذیر است؟ با آنچه خواهد آمد خواهید دید که موضوع بدین سادگی‌ها نیست. مع الوصف می‌توان نشانه‌های جالبی بدست آورد و خطوط اصلی و برجسته تاریخ ادبی کتب مقدس را ترسیم نمود. با مطالعه این نتیجه‌گیری‌ها متوجه خواهید شد که اغلب این کتب یکباره به نگارش در نیامده بلکه در نگارش آنها از روایات و احادیث مکتوب بهره گرفته شده و نوشته‌های عهدین مختلف در آن منعکس یا مستحیل گردیده است.

بررسی این تاریخ ما را متوجه می‌سازد که خداوند چگونه گام به گام خود را بر آدمیان مکشوف ساخته است و

نیات او چیست ■



### تعیین زمان نگارش کتب مقدسه

اقدام برای تعیین زمان نگارش متون کتب مقدسه امری نسبتاً جدید است و از عمر آن بیشتر از دو قرن نمی گذرد. پیشگامان این راه ناگزیر از پیمودن راه آزمایش و خطا بودند اما به تدریج راه و روشهای علمی تری جایگزین این روش گردید که اکنون به اختصار موارد آن را بررسی می کنیم:

#### سلسله کتب تاریخی و نبوتی

نخست سخن را از کتابهای پادشاهان شروع می کنیم: ترتیب زمانی وقایعی که در این دو کتاب ثبت گردیده، کم و بیش با اطلاعات تاریخ عمومی مطابقت دارد. بدین ترتیب می توان تاریخ زندگی اکثر انبیا نویسنده را به مدد مقدمه کتابشان تعیین نمود (مثلاً کتاب عاموس نبی ۱:۱). این اطلاعات غالباً در جزئیات مطالب کتاب به تأیید می رسد لیکن برخی اوقات توضیحات بیشتری لازم است تا مطلب کاملتر گردد.

پس از تبعید به «بابل»، دیگر تاریخ ملی پیوسته ای وجود ندارد. از آنجا که «عزرا» و «نحمیا» به سلطنت شاهان «پارس» اشاره می کنند، تعیین زمان «حجی» نبی و آغاز زمان «زکریای» نبی نیز با توجه به اشاره ای که به پادشاهی «داریوش» نموده اند، میسر می باشد.

همانگونه که مشاهده می شود، در این مقدمه کوتاه، زمان تدوین تعدادی از کتابهای عهد عتیق تعیین گشت. البته در نگارش این کتابها از زبان های مختلف بهره گرفته شده است. تا هنگامی که قوم اسرائیل در استقلال به سر می برد، این کتابها به زبان «عبری» اصیل نوشته می شد، اما به هنگام تبعید به «بابل» از آنجا که زبان «اکد» در زبان «عبری» رخنه کرده بود، دیگر به «عبری» خالص نوشته نمی شد و به هنگام سلطه «پارسیان» از زبان «آرامی» نیز که در آن زمان بسیار رایج بود استفاده می شد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که در نوشته های مقارن عصر پادشاهان «یهود»، وجود اثراتی از زبان «آرامی» نشان می دهد که آن قسمت افزوده یا اصلاح شده است.

#### نوشته های حکیمان، پایان عصر انبیا

بدین ترتیب زمان نگارش نهایی کتابهای امثال سلیمان، غزل غزلهای، ایوب، بسیاری از مزامیر، نوشته های کوتاه انبیای دوازده گانه و برخی از بابهای اشعیا و زکریا، مقارن حکومت «پارسیان» قلمداد شده است. تعیین تاریخ آنچه در دوره «یونانیان» نوشته شده مشکل تر است زیرا زبان «یونانی» با زبان «عبری» نیامیخته بود اما گاهی اوقات در بعضی متون اشاراتی به آداب و رسوم خاص آن زمان شده که به ما امکان می دهد چنین نتیجه گیری نمائیم که این متون در عهد «یونانیان» به نگارش درآمده اند. در تمام مواردی که هم اکنون ذکر شد، هرچند تعیین تاریخ قطعی و دقیق ناممکن است ولی حدود آن را تا اندازه ای می توان مشخص نمود و از آنجا که اشارت این متون به وقایع زمان حال نیست و نیز نویسندگان آنها اغلب قصدشان بیان اندیشه های کلی بوده است، لذا برای درک آن کافی خواهد بود که قرن آن را کم و بیش تعیین کنیم.

کتب یونانی و کتاب دانیال

کتاب مقدسی که به زبان «یونانی» نوشته شده اند تنها در سالهای ۳۰۰ تا ۲۵۰ (ق.م) به نگارش درآمدند. در دو کتاب «مکابیان» با جریانات تاریخ عمومی «خاورمیانه» برخورد می‌نماییم. به هر حال تقارن و تشابه الهامات و تفصیلی که بین این کتابها و کتاب «دانیال» نبی وجود دارد، تعیین تاریخ دقیق کتاب «دانیال» نبی را ممکن می‌سازد.

### حماسه و قوانین

آیا صحیفه «یوشع» و کتاب‌های «داوران» و «سموئیل» هم دوره با وقایعی هستند که در این کتاب‌ها نگاشته شده است؟ بر حسب شاخص‌های ادبی چنین می‌توان حکم کرد که با دقت در انشای این کتب نتیجه می‌گیریم که در نگارش آنها از منابع مختلف استفاده شده است. لذا باید مبداء اصلی و دوره‌ای را که این اسناد نوشته شده‌اند کشف کنیم. زبانی که در متن این مستندات به کار رفته تا به آن حد خالص است (مگر در برخی قسمت‌ها که از جای دیگر نقل شده‌اند) که این کتب را می‌توان به دوران پادشاهان نسبت داد.

همین روش در مورد کتب خمس نیز صادق است. با دقت در واژه‌ها، سبک، مطالبی که ذهن نویسندگان را به خود مشغول ساخته بود و با بررسی انشای کتب، چهار سنت تفسیری (یهویست، کهانتی، الوهیست و خطابت) در این کتب قابل تشخیص است که در صفحات بعد به آنها اشاره خواهد شد. اکنون آنچه باقی می‌ماند کاوش و تحقیق در باب محیط پیدایش هر یک از کتب، زمان نگارش آنها و زمان ترویج و دایره نفوذشان است. به عنوان مثال می‌توان گفت که ترویج و شکوفایی تفسیر یهوئیست مقارن عهد «سلیمان» و رونق تفسیر الوهیست تقریباً یک قرن بعد از آن بوده است. باید اضافه کرد که برخی از قسمت‌های این کتب توسط کسانی نوشته شده که با چهار تفسیر فوق‌الذکر آشنایی داشته‌اند. روشن‌تر این که امتزاج سبکها و سنت‌های کتب خمس بین سالهای ۴۵۰ الی ۴۰۰ ق.م، در حاشیه معبد که از نو ساخته شده بود، به عمل آمده است. لذا این کتب را باید چون آموزه یا شریعتی تلقی نمود که در این دوران قالب نهایی خود را یافته است اما ناگفته نماند که این کتب حاوی تجربیات مذهبی متجاوز از هزار سال می‌باشند.

### داستانهای کتاب مقدس

مثلهای انجیل از قبیل مثل سامری نیکو، پسر گمشده، باغبانان و غیره ما را با شخصیت‌های تخیلی آشنا می‌سازند که رفتارشان اسرار ملکوت را بر ما آشکار می‌نماید. انبیا نیز مثلهایی برشمرده‌اند (۲- سمو ۱: ۱۲-۷؛ حزق ۱۶، ۱۷، ۲۳...) مولف کتاب «ایوب» با استفاده از قالب داستانی تخیلی، شرح و بسط عالی خود را در مورد مسئله رنج به نگارش در می‌آورد. گاهی نیز نویسنده‌ای که دارای الهام الهی است، پیام خود را توسط نوشته‌ای که حالت رمانی کوچک دارد، بیان می‌کند. در عهد حکومت «پارسیان» کتابهای «یونس» و «روت» از این دسته به حساب می‌آیند. در عهد یونانیان این نوع ادبیات با کتابهای «طوبیاس»، «استر»، «یهودیت بنت مراری» و «دانیال» رواج داشت.

با تلخیص تمام مجموعه عهد عتیق، نویسنده نامه به «عبرانیان» چنین گفته است: «خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریقه‌های مختلف به وساطت انبیاء با پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به وساطت پسر خود متکلم شد».

\* \* \*

تعیین و بازشناسی خاطراتی که واقعاً جنبه تاریخی دارند و نیز تعیین تاریخ فصول و متون آن، غالباً امکان پذیر است اما کار بس دشوار و دقیقی است که هنوز کارشناسان فن باید در این زمینه کوششهایی به عمل آورند. آنچه تا کنون آموخته ایم واقعاً با ارزش است و از این رهگذر، کتاب مقدس را بهتر درک می کنیم. زیرا آنچه در نظر ایمانداران کلام خداوند محسوب می شود و آنچه را باید در ادراکش کوشید، کتاب مقدس است در همان شکل و قالبی که امروز وجود دارد و شهادی بر ایمان قوم برگزیده خداوند، سنت ها و آرزوها و امیدهایشان می باشد ■

# کتاب بزرگ خاطرات

متن کتاب مقدس، اثر شخصی یک یا چند نویسنده نیست. این نوشته ها اغلب تبلوری از سنتهای قوم خداوند است که در دوران های متوالی به رشته تحریر درآمده است.

آن «آرامی» سرگردانی که در دشتهای بیکران به سر می برد، البته صاحب کتاب نبود بلکه حافظه ای قوی داشت و قادر بود آنچه را از پدر و پدر او نیز از پدرش شنیده بود، نقل کند.

مردمان عصر ما که در کارخانه ها جمع می شوند یا در مجتمع های بزرگ مسکونی یا در خانه های کوچک شخصی به سر می برند، از خواندن روزنامه ها و مشاهده تصاویر تلویزیون اشباع گردیده اند. در زندگی روزانه، ما در اخبار و اطلاعات فوری و مهیج محصور شده ایم. «یادبودها» تنها به صورت حسرت ها و هجرانهای گذشته و دنیایی تغزلی یا دنیایی برای مباحثه در موضوعات تاریخی درآمده اند و در غالب اوقات دیگر نقشی در زندگی ما ایفاء نمی کنند.

### پدر، برای ما داستانی بگو...

آن مردی که در دشتهای بیکران به سر می برد، آن «آرامی» سرگردان نامش «ابراهیم» بود و پس از وی پسرش و پسر پسرش نیز مثل ما در دنیای امروز زندگانی نکردند، زیرا هیچ چیز باعث توقف و اسکان ایشان نمی شد. این رهنورد دشتهای، این شبانی که همواره در پی چراگاه بود، فقط وقتی به مردم برخورد می کرد که به بازار مکاره ای رومی آورد. با وجود آنکه او زمینی از آن خود نداشت محتاج نقطه مبدائی بود، پس می بایست دارای حافظه ای قوی باشد.

در گذشته دوردست از پدر بزرگ می خواستند که آنچه را از دهان پدر بزرگ خویش شنیده است، نقل کند... بدین ترتیب تاریخ خانواده و قبیله از نسلی به نسلی سینه به سینه منتقل می شد و هر روز چیزی بدان افزوده می گردید. البته این تاریخ مانند کتب تاریخی که امروزه تدریس می شود نبود بلکه تاریخی زنده و در حال تکوین بود چون شجره نامه ای که با آب و تاب تمام و با اشارات طنزآمیز نقل می شد. در این سخنان همه چیز منعکس بود: آداب و رسوم، عهدهایی که می بستند. تفاسیری که می توانستند از آنها ارائه دهند و برداشتی که از خداوند، جهان و قوانین آن داشتند. در این تاریخ شفاهی حتی سعی می شد با داستانهای پر از تصور و تخیل از آفرینش و تاریخ اولیه نیز به شیوه ای که داشتند گزارشی ارائه دهند. به هر حال این کتاب بزرگ خاطرات بود که از طریق آن نسل جوان کم کم به رموز زندگی و مقتضیات آن آشنا می شد.

### باید به خاطر آورد...

این چنین داستان پردازی گرچه نمی توانست دارای ثبات متون چاپی باشد، به احتمال قوی با امانت تمام از عصری به عصر دیگر منتقل می گشت. همچنین راویان برای حفظ خاطرات خود به وسائلی از قبیل حفظ آهنگ موزون و لغات مفتاح تمسک می جستند. بدین ترتیب داستانها و سرگذشتهای گوناگون کم کم به شکل و قالبهای منظم درمی آمد و از این طریق با تکرار قالبهای آن، تفصیل مطلب در چارچوب کلی گنجانده می شد. مع الوصف بروز تغییراتی ناشی از عهدهای جدید قبیله ای یا خانوادگی نیز در کار بود. در نتیجه قالب داستان تغییر می یافت و گزارشات مختلف را



هماهنگ می ساختند تا این که با نسبت دادن خود به جدی مشترک، وضع جدید اجتماعی خود را توجیه نمایند. به هنگام اسکان قبایل در فلسطین در دوران داوران، مقارن قرن دوازدهم و یازدهم قبل از میلاد، در عبادتگاههای بزرگی چون «شکیم» و «بیت ئیل» و «بئر شبع» داستانهای مختلف گروه بندی گشت. راویان به هنگام زیارت، این داستانها را تعریف می کردند، مسئولان دینی برای اجرای آداب و رسوم مذهبی و رویه قضایی در جهت حل منازعات قبایل و خانواده ها به همین منبع مراجعه می کردند. در این دوران داستانهایی چند شکل قطعی و نهایی خود را بدست آوردند و احتمالاً برخی از آنها نیز به صورت مکتوب درآمدند. در کتاب مقدس برخی از این متون تقریباً در وضع اولیه خود حفظ گردیده است. این بخشها عبارت است از: متون حقوقی و قضایی چون ده فرمان (خروج ۲۰)، گاه قصایدی خشن چون اشعار چاه (اعد ۲۱: ۱۶-۱۸)، گاه حماسی چون سرود دבורه (داور ۵) یا نبوتهایی که به پدران قوم در دورانهای قدیم نسبت داده می شود مانند متن برکتهای یعقوب (پید ۴۹: ۱-۲۷).

بدین ترتیب به آهستگی و به تدریج نگارش کتاب بزرگ خاطرات که قوم خداوند تاریخ و حقوق و عادات مذهبی و آوازه ها و سرانجام زندگانی خود را در آن باز می یافت، انجام می پذیرفت. این قوم در عین حال که برگزیده تکیه می نمود، غرق در جریان تاریخ به سر می برد، در انتظار آینده ای که خداوند برایش مهیا می ساخت.

### آغاز ادبیات مکتوب

تعیین تاریخ دقیق نگارش این متون ناممکن است، لیکن به احتمال قوی می توان انجام این امر را مقارن آغاز قرن یازدهم (ق.م) دانست یعنی هنگامی که قوم «یهود» به صلح و ثباتی اندک دست یافت. با وجود این باید به خاطر داشت که در این زمان کار نگارش به طبقه خاصی که متخصص این کار بودند، تعلق داشت (تعدد مجسمه ها و نقاشی های کاتبان «مصری» گواه بر این امر است). البته ظهور طبقه ای از این کارمندان نه تنها حاکی از ثبات اوضاع بلکه نشانگر نوعی سازماندهی سیاسی و اداری است. بدین ترتیب می توان دوران شکوفایی واقعی ادبیات مکتوب را دوران «داود» (۲- سمو ۸: ۱۷) و «سلیمان» (۱- پاد ۴: ۳) دانست که نظام حکومتی خود را بر اساس الگوی «مصری» بنا کرده بودند (قرن دهم و نهم ق.م). هیچ دست نوشته ای از این دوران بر جای نمانده است. سالنامه سنگی «جازر» سنگ نوشته های یافت شده در کانال «شیلوه» و نامه های «لاخیش» که بر سفال منقوش است، تنها آثار متاخر باقی مانده از نوشته های کثیر این زمان است که هم اکنون در دست داریم. ■

#### ضرب آهنگ

بیشتر اوقات درک ضرب آهنگ (ریتم) در ترجمه های ما از متون مقدس کار دشواری است. با اینحال با خواندن مثلاً غزل دבורا در داوران باب ۵ می توان آن را حدس زد.

#### کلمات «قلاب مانند»

به کلماتی گفته می شود که در عبارات یا بندهای مختلف اجازه می دهند هر آنچه خطوطی از واقعیت یا تفکری خاص را دربردارند گردآوری و حفظ کرد. به عنوان مثال لوقا ۱۶: ۱-۱۵ را بخوانید. هدف مثل مباشر زیرک (۱۶: ۱-۸)، نحوه به کارگیری پول نیست، اما از آنجا که در این مثل از مردی ثروتمند سخن به میان رفته در ادامه این مثل، سخنان دیگری از مسیح در مورد نحوه کاربرد ثروت آمده (آیات ۹، ۱۰، ۱۱-۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۵). مجموعه این آیات با کلماتی نظیر امین، خائن و پول به هم ربط پیدا می کنند. این کلمات در واقع همان کلمات «قلاب مانند» هستند.

## دوران پادشاهی

دو سلطنت، دو نظام، دو روش ایجاد هماهنگی بین مذهب و سیاست و بنابراین دو جریان متمایز ادبی.

رونق ادبی دوران پادشاهی با سلطنت داود و سلیمان آغاز می‌گردد. فلسطین پس از یک دوره بسیار کوتاه وحدت، به دو بخش تجزیه گردید: قلمرو «یهودیه» در جنوب و قلمرو «اسرائیل» در شمال.

### یهودیه: کاتبان، وعده‌ها، پادشاه

مرکز فعالیت ادبی، اورشلیم پایتخت یهودیه بود. این شهر مهم سیاسی شاهد شکل گرفتن طبقه کاتبان بود که همگی در خدمت دولت پادشاهی بودند. آنها نه تنها اسناد و بایگانی دیوان را اداره می‌کردند بلکه قادر به خواندن و نوشتن بودند و در زمره تحصیل کردگان به شمار می‌آمدند. به برکت وجود این گروه، زبان عبری به حد کمال ادبی خود رسید.

بسیاری از امثال خواه به طور مجزا و خواه گردآوری شده در مجموعه‌ها که در واقع قدیمی‌ترین ارکان کتاب فعلی «امثال سلیمان» است، از دستاوردهای این گروه می‌باشد (مثلاً امثال ۱۰:۱-۱۶:۲۲). همچنین بسیاری از روایات نیز به یمن وجود ایشان محفوظ مانده است، از جمله روایت بسیار زیبایی که از باب نهم کتاب دوم «سموئیل» شروع می‌شود و در آن شرح نزاعی که در خصوص جانشینی «داود» در می‌گیرد، به نحوی زنده و گیرا داده شده است. اما البته اورشلیم پایتخت مذهبی نیز بود. «داود» چنان نفوذی داشت که افکار مذهبی بر گرد برداشت خاصی که از مقام پادشاهی داشتند، متبلور گردیده بود: به این معنا که قوم خداوند قومی است که به گرد پادشاهی از تبار «داود» متحد می‌گردد. این پادشاه نایب السلطنه خداوند بر روی زمین بود و او نیز میانجی ضروری برکات و عطایای خداوندی محسوب می‌گشت و خداوند صلح و رونق زندگی را به وسیله وی به مردم ارزانی می‌داشت. وعده‌های عطا شده به «ابراهیم» و اعقاب وی از وعده‌هایی که به «داود» و تبار وی تا ابد داده شده، جدایی ناپذیر است. اجرای آیین‌های پرستشی نیز به مقام پادشاهی پیوند یافته بود. کاهنان اورشلیم کاهنانی سلطنتی بودند و بسیاری از قدیمی‌ترین مزامیر نیز (مز ۲: ۲۰؛ ۴۵؛ ۷۲؛ ۱۳۲) در وصف پادشاه می‌باشد.

در این دوران گروهی از روایات که به سنت یهویست مشهور است و در کتب خمسه منعکس است، طبقه بندی شد و نیز روایاتی که از قلمرو جنوبی نشأت گرفته بود به صورت مجموعه‌های درآمد (شمشون: داور ۱۳-۱۶- میکاه: داور ۱۷-۱۸- داستان صندوقچه عهد: ۱- سمو ۴-۶؛ ۲- سمو ۶؛ ۱- پادشاهان ۸: ۳-۱۱ و غیره).

### اسرائیل: قوم خدا، عهد، انبیا

در قلمرو شمالی وضع کاملاً متفاوت بود. پادشاهان خطه شمال از اعقاب و تبار «داود» نبودند و سلسله‌ای پس از سلسله دیگر، بدون آنکه از ثبات و قدرتی بهره‌مند باشد، بر سر کار می‌آمد. در قلمرو شمال قدرت پادشاهی همچون قلمرو جنوب، حقاً و عملاً پیوند نزدیکی با مذهب نداشت: حقاً از این رو که مذهب ایشان هیچ مرتبت و مقام خاصی

برای پادشاه قائل نبود و در عمل نیز سلسله های شمالی اغلب نسبت به آرمان یکتاپرستی یهویست وفادار نبودند و به خاطر جاه طلبی های سیاسی، عبادت خدایان «کنعانی» یا «فنیقی» را رواج می دادند و بدین سبب مراکز و محافل مذهبی اغلب به مقام سلطنت اعتمادی نداشتند و سنتها و روشهای بر جای مانده از ایشان اغلب مملو از احساسات ضد سلطنتی و پادشاهی است.

آنها به علت فقدان یک شخصیت مرکزی که از سوی «یهوه» تقدیس گردیده باشد، اهمیت بیشتری برای «قوم خداوند» قائل می شدند. در حالی که در خطه جنوبی توجه و تکیه بر وعده هایی بود که به «داود» و تبارش داده شده بود، در قلمرو شمالی بر عهد مقدسی تکیه می شد که بین خداوند و قومش بسته شده بود و در عین حال تمایل شدیدی برای کشف مجدد ریشه های این عهد نه تنها در ماجرای «سینا» بلکه حتی در اتفاقات زندگی دیگر پدران قوم وجود داشت.

از آنجا که در قلمرو شمالی هیچ عبادتگاهی به عنوان معبدی ملی تلقی نمی گردید طبقه کاهنان از نفوذ زیادی برخوردار نبودند، ولی برعکس جنبش های نبوتی از اهمیت بیشتری برخوردار بود. در آنجا مذهب بیشتر امری درونی و کمتر توأم با مناسک بود. گناه از نظر ایشان شکستن عهد مقدس بود نه قصوری نسبت به محرمات آیین مذهبی. این خصوصیات متفاوت که هم در سنتهای کتب خمه که امروز الوهیست می نامیم و هم در برخی از روایات کتاب داوران یا کتابهای سموئیل به چشم می خورد، به محافل شمالی استناد داده شده است (داور ۴، ۶-۹؛ ۱- سمو ۸، ۱۰: ۱۷-۲۴؛ ۱۲). سرانجام این ویژگی ها را در شرح حال ایلای نبی و الیشع نبی نیز می توان دید. محافل شمالی منشاء بسیاری از قوانین بخصوص قوانین مربوط به عهد (خروج ۲۰: ۲۲-۲۳) و باستانی ترین و در عین حال اساسی ترین بخش کتاب تثبیه بودند.

## ائتلاف

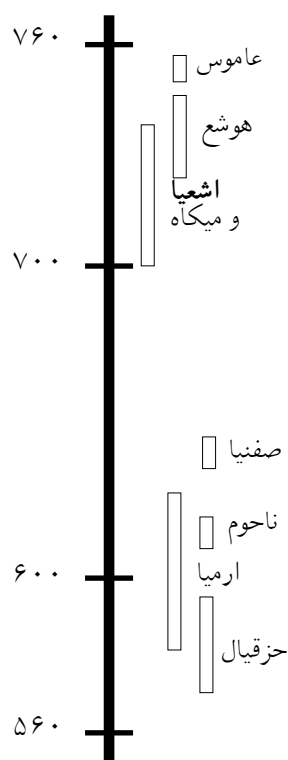
در سال ۷۲۱ دو قرن پس از انشقاق، قلمرو شمالی منقرض گردید. آشوری ها بر پایتخت چیره گشته، تعداد کثیری از مردم آن را تبعید نمودند تا افراد بیگانه را در آنجا ساکن نمایند و به این ترتیب قلمرو جنوبی تنها امانت دار مذهب «یهوه» گردید. این ماجرای سیاسی اثر عمیقی بر جریان ادبی کتاب مقدس نهاد. «اورشلیم» به صورت تنها قطب جاذبه در آمد و به این ترتیب جریانات مذهبی و ادبی شمال به تدریج با جریانات مذهبی و ادبی جنوب آمیخته گردید و بالاخره تفسیرهای یهویست و الوهیست کتب خمه جمع آوری گشت و کتاب مقدس همانند یک سنفونی که در آن سازهای مختلف، آوایشان را درهم می آمیزند تا اثری واحد بوجود آورند، بتدریج شکل یافت ■

### عصر انبیا

در اواسط قرن هشتم (ق.م) پدیده جدیدی تاریخ ادبی متون مقدس را تحت تاثیر قرار داد که همانا ظهور مجموعه های نبوتی بود.

#### الف) جنبش نبوتی

هر نبی دارای شخصیت خاص خویش است، نکته ای که در آن هیچ تردیدی وجود ندارد. مع الوصف بدون آنکه نظر بر ایجاد نظم خاصی در این زمینه باشد، آنها را می توان برحسب برخی تشابهات و قرابتها گروه بندی نمود. برخی از آنان دارای جنبه های «کلاسیک» تر و برخی دیگر «رمانتیک» تر هستند، بعضی نسبت به جایگاه علوی خداوند حساس ترند و گروهی بر نزدیک بودن خدا به آدمیان تاکید می نمایند. عاموس نبی، اشعیا نبی و حزقیال نبی جزء گروه دوم یعنی رمانتیک می باشند.



#### عاموس

عاموس نخستین نبی است که سخنانش برای ما حفظ گردیده است. او شبانی در قلمرو جنوب بود اما رسالتی که از جانب خداوند یافت باعث شد به قلمرو شمالی رفته به موعظه بپردازد و بر تجمل پرستی که موجب بی عدالتی اجتماعی می گردید داغ ننگ نهاد. خدایی که وی می شناساند خدای محرومان است، خدایی سخت گیر و عادل که از بندگانش انتظار دارد بر طریق صواب زندگانی کنند.

#### هوشع

هوشع مردی بود با احساساتی بسیار عمیق که در زندگی خانوادگی سختی های زیادی کشید و خدایی که وی در موعظه هایش اعلام می نماید خدای محبت است. او از سمبل نامزدی برای بیان رابطه نزدیک بین خداوند و قومش بهره می گیرد.

#### اشعیا

اشعیا از طبقه اشراف اورشلیم بود. از دیدگاه وی خداوند «پادشاه بزرگی» است که باید وی را با راستی و درستی خدمت نمود و «قدوسی» است که در برابر وی آدمی به گناهان و ضعف های خود پی می برد. اشعیا نبی مبشر ایمان و امید نجات مسیحایی است.



## ارمیا

ارمیا که کاهنی روستایی بود در پایتخت احساس بیگانگی می کرد. او با صاحبان قدرت درگیر بود و دائماً تحت تعقیب و آزار قرار داشت. وی نخستین کسی است که در صفحات پر ماجرای زندگی نامه خود، راز و نیازهای صمیمانه خویش را با خداوند برای ما باقی نهاده است.

## حزقیال

حزقیال کاهنی بود از اورشلیم که بعدها در تاریخ بنی اسرائیل نقش مؤثری ایفاء نمود. اما در میان تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی ناشی از تبعید، رسالت او گویای تداوم پیام انبیای بزرگ می باشد.

### ب) نبی کیست؟

نبی کسی است که به نام خداوند سخن می گوید. در ناحیه خاورمیانه باستانی همگان از نقش انبیا مطلع بودند. قبایل همجوار اسرائیل انبیائی از آن خود داشتند و از زمانهای بسیار باستانی نیز وجود انبیا را در تاریخ قوم خدا مشاهده می کنیم. اما هر قدر هم نقش و شخصیت و نفوذ «سموئیل»، «ناتان» یا «ایلیا» مهم باشد، این مردان را به طور کامل نمی شناسیم زیرا به ندرت طنین صدای خود آنها به گوش می رسد. نفوذ ایشان بر روی نسل هایی که پس از آنها آمدند گسترش یافت، اما اصل سخنانشان تا به امروز باقی نمانده است.

در مورد انبیای قرن هشتم موقعیت کاملاً متفاوت بود. از مردانی چون عاموس، هوشع و اشعیا آنچه در وهله اول برای ما مانده است، سخنان ایشان می باشد. آنان منادی «یهوه» و در خدمت پیامی بودند که می بایست به سمع آدمیان برسانند. کتابهای انبیا را باز کنید و به مطالعه نخستین جمله هر یک از آنها پردازید:

- کلمات عاموس که از شبانان تقووع بود و آنها را ... در سال قبل از زلزله دربار اسرائیل دید.

- کلام خداوند... که بر هوشع بن بیثیری نازل شد...

- روای اشعیا ابن آموص دربار یهودا و اورشلیم...

- کلام خداوند بر میکاه... نازل شد و آن را درباره سامره و اورشلیم دید...

خواندن سطحی این متون می تواند این فکر را در ما به وجود آورد که نبی در دست خداوند ابزاری بیش نیست و عمده کار پیامی است که خداوند داده و نه شخص نبی. آیا نبی فقط وسیله انتقال است؟ این چنین طرز تفکری از سر سهو و خطا خواهد بود. در واقع اگر مجموعه های این انبیا را با دقت مرور کنیم، زندگانی نبی و زمان وی از ورای خطوط و نوشته های ایشان بر ما آشکار می گردد. هر نبی دارای شخصیت جداگانه ای است با خصوصیات اخلاقی خاص خود که واژه هایی مختص خود دارد و دارای تجربه ای منحصر به فرد از خداوند می باشد. نبی در جریانات زمان خود مشارکت می جوید و وقایع و جریانات را با اعتقادات بنیانی ایمانش مقایسه می کند.

کتاب های انبیا، بخشی از زیباترین صفحات کتاب مقدس محسوب می شود. این کتاب ها حاوی پیام های مذهبی است که قریحه بلند شاعران قدرتمند در آنها حک شده است. از خلال این نوشته ها با مردانی آشنا می گردیم که ایمان بی نظیری داشته و صاحب خصلت عرفانی حقیقی بوده اند و چون در عین حال همواره خطیبان بزرگی بوده اند، ما را در جریان واقعی حقایق انسانی و سیاسی عهد خود می گذارند.

## سنت موسیقائی

درست همانند شاهزادگان اروپایی قرن هیجدهم، پادشاهان مشرق زمین نیز ارکستر و گروه همسرایی خاص خود را داشتند که هم در معبد و هم در قصر می نواختند. سنتی که مکتب موسیقی سلطنتی یهودا را به داود نسبت می داد بسیار خوب پایه ریزی شده بود. این مکتب در حوالی دوران تبعید جنبه مردمی یافت و بعد از تبعید در اطراف معبد دوباره سازماندهی گردید. مزامیر شیوه‌ای مردمی یافت که توسط زبده‌گانی که می بایست سبک روز را پیروی نمایند تنظیم می شد. عناوینی نظیر «بر غزاله صبح» (مز ۲۲) به نظر می رسد که به سرودی اشاره می کند که همه آن را می شناختند. به غزلهای سنتی که امروزه در دیرها خوانده می شوند فکر کنید که هر نسل بیتی از ابیات آن را تغییر داده است. هر چند کاری دشوارتر از تخمین زدن عمر یک مزمور وجود ندارد با این حال در کل باید دوران بازگشت از تبعید را مد نظر داشت.

## ج) ادبیات حاوی الهامات نبوتی

اهمیت ادبی انبیا تنها به مجموعه های حاوی پیامهایشان منحصر نمی شود. انبیا روح یک جنبش مذهبی اند که پژواک آن در بسیاری از دیگر کتابهای کتاب مقدس طنین افکنده است.

## تثنیه

تثنیه نوعی مجمع القوانین است، اما مهمتر از آن تشویق و تحریض مداومی در جهت وفاداری نسبت به عهد مقدس بین خداوند و قومش می باشد. خداوندی که در کتاب تثنیه توصیف شده همان خداوندی است که ارمیا و هوشع وصف می کنند یعنی خداوندی که نزدیک انسان و سرشار از مهربانی و وفاداری است. طبق تعالیم تثنیه مومنان بایستی بین خود برادروار رفتار کنند. این کتاب از بین کتابهای عهد عتیق بیش از همه به انجیل نزدیک است.

## صحیفه یوشع، کتاب داوران، کتب سموئیل و پادشاهان

این آثار که با استناد به مدارک باستانی و استفاده از اسناد وقایع نگاری پادشاهان مختلف دامنه ای وسیع از تاریخ را ارائه می دهد، زمینه مذهبی و معنویات کتاب تثنیه را به طور برجسته نمایان می سازد. مدتها بعد کتب تواریخ ایام باز هم نشانه های جنبش نبوتی و روحیه کتاب تثنیه را تا حدی منعکس نمود.

## قانون تقدس و کتاب لاویان

قانون تقدس (لاو ۱۷) در مرکز کتاب لاویان، حاکی از روحیه ای نزدیک به روحیه اشعیای نبی و محتوای بقیه کتاب شبیه افکار حزقیال نبی است ■

\* \* \*

## سبک شعری

شعر عبری غالب اوقات از روش «توازی» استفاده می کند که به معنی تکرار یک عقیده یا یک تصویر در دو بند متوالی است، هرچند پیچیدگی هائی دارد. این تکرار نشان دهنده نوعی تأکید است. به عنوان نمونه:

آنکه تو را در روز تنگی مستجاب نماید خداوند است،

آنکه تو را سرافراز نماید نام خدای یعقوب است. (مز ۲۰:۲)

گاهی هدف از ارتباط دو عبارت تأکید بر نوعی مخالفت یا تضاد است.

خداوند طریق عادلان را می داند،

ولی طریق گناهکاران هلاک خواهد شد. (مز ۱:۶)

## سبک قضایی

به طور معمول قوانین قدیمی به صورت علت و معلول هستند. «اگر چنین کند ... آنگاه چنان شود» (فرمولی که در خروج ۲۰:۲۲ و ۱۹:۲۳ با آن برخورد می کنیم). بر عکس، قوانین کهناتی که جدیدترند شکل «بی چون و چرا» به خود گرفته اند: «چنین خواهی کرد ... چنین نخواهی کرد» این قوانین، ده فرمان کوه سینا را شامل تعداد کثیری از این احکام می نمایند.

## سبک داستانی کهناتی

این سبک را به آسانی می توان توسط تکرارهای متعدد آن شناخت. نویسنده می خواهد نشان دهد که کلام الهی ابتدا انتقال می یابد و سپس نکته به نکته به اجرا در می آید (به عنوان نمونه بنای خیمه اجتماع خروج ۲۵-۳۱ و ۳۵-۴۰ تقریباً مشابه یکدیگر هستند). نخستین باب کتاب پیدایش که به فراوانی از این سبک بهره برده است با موفقیت در خور تحسینی مواجه شده. اما این سبک هنگامی که با الهامی قدرتمند حمایت نمی شده سنگین و پیچیده به نظر می رسد (یوشع ۳:۶-۷).

## دوران تبعید

تبعید بخشی از ساکنین یهودیه به سرزمین بیگانه، نقطه عطفی در تاریخ قوم برگزیده و نگارش متون مقدس بود.

تبعیدیان برجستگان فرهنگ و تمدن ملت بودند (۲- پاد ۱۲:۲۴، ۱۴-۱۶؛ ۱۱:۲۵-۱۲). بنابراین جامعه تبعیدی، جامعه تحصیل کرده‌ای بود و این امر در پیاده کردن ایمانشان در زندگی تاثیر بسیاری داشت. از آنجا که تبعیدیان نه شهر مقدسی در اختیار داشتند که در آن گرد هم آیند و نه دارای معبدی بودند تا در آن قربانی گذارند، طبیعتاً در «گروههای کوچک» در جاهای مختلفی که بدان تبعید گردیده بودند، گرد هم می آمدند.

### در باب تشکیل کنیسه

تبعیدیان برای بنای کنیسه اقدامی نکردند (این فکر بعدها به میان آمد) بلکه کار بهتری انجام دادند: به دور هم گرد آمدند تا به طور مداوم کلام خدا و بخصوص پیشگویی انبیا را در مورد تبعید و همچنین شهادت‌های باستانی در باب رسالت الهی قوم بنی اسرائیل را بخوانند. به تبعیت از انبیا، عادت گفتگو با خداوند در بین ایشان گسترش یافت و به لذت دعا پی بردند. مزامیر که روز به روز در تزايد بود به دعاهایشان روح می بخشید و آن را شکل و قالب می داد.

هر یک از این گردهمایی‌ها که برای نیایش و قرائت متون مقدس تشکیل می شد، نوعی اجتماع بود یعنی اجتماعی که اسا آن ایمان و امید بود. کلمه «سیناگوگ» (synagogue) یا کنیسه در زبان یونانی به معنای اجتماع است). این اجتماعات یکی از نهادهای اساسی آیین یهود گردید. با شروع تبعید، آهنگ نگارش سنن قدیم و جدید سرعت گرفت، به طوری که می توان گفت در اجتماعات کنیسه ها بود که متون کتاب مقدس متبلور گشته تکامل یافت و سرانجام به صورت نهایی درآمد. سرمایه کوچک مذهبی و ادبی که تبعیدیان در خورجین ها و خاطرات خود حمل می کردند، تحت تاثیر حزقیال نبی و کاهنان و نبی گمنامی که نویسنده کتاب تسلی است، در حال تزايد و باروری بود.

### حزقیال نبی

در ایام مصیبت بار تبعید، حزقیال نبی در نظر تبعیدیان شخصی بود که از جانب خداوند رسالت داشت تا راههای امید را بر مردمان بگشاید. سخنان انتقادی وی در مورد گناهان بنی اسرائیل بر مردم آشکار ساخت که تبعید به معنای آن نیست که خداوند قوم را ترک گفته بلکه نوعی عقوبت و تنبیه محدود است. در واقع خداوند در میان تبعیدیان حضور داشت و مصمم بود آنان را به ایمان راستین بازگرداند: تجدید حیاتی در شرف وقوع بود. حزقیال حتی اعلام می دارد که در آینده دور خدای حقیقی خود را به همه امته خواهد شناساند.

حزقیال نبی بیش از آنکه خطیب باشد کاتب بود. نحوه بیان او همانند خواننده‌ای که در نوشته‌ای دشوار موشکافی می کند، ثقیل بود. او که به روش قانون‌گزاران معبد آشنائی کامل داشت برای این که به نحوی دقیق



بنویسد، سبکی دشوار برگزید و از آنجا که می خواست به هر قیمتی که شده از دوگانگی و ابهام اجتناب نماید، مطالب را تکرار می کرد و تمایزات مفاهیم را به نحوی بارز نمایان می ساخت. اما او دارای چنان تخیلات قوی و خارق العاده ای بود که به این سبک سنگین ظرافتی خاص و لحنی بس شاعرانه بخشید. بدین طریق وی اساس روش نگارش و سبک زنده «مکاشفات» در باب آینده و آخرت را پایه ریزی نمود که بعدها گسترش زیادی یافت. از این طرق حزقیال ایمان قوم خود را زنده نگاه داشت همانند فرماندهی که قشون مغلوب و پراکنده خود را با عتاب و ملامت جمع آوری کرده سرانجام به مکانی امن هدایت می کند.

### مکتب کهناتی

اطرافیان حزقیال و پس از وی تمام مردان اهل دانش به کار خود پرداختند. در این دوران هیچ یک از سنت های پیشین را نمی توان یافت که تحت تاثیر این جنبش قرار نگرفته باشد. اما قبل از همه مکتب کهناتی بود که به بسط و گسترش سنت های حقوقی خود پرداخت و احتمالاً سنت های روایتی و داستانی خود را نیز به وجود آورد. بسط و گسترش سنت های حقوقی از روزگاران پیشین پایه گذاری شده بود. آنچه جنبه نوینی داشت ترکیب این سنتها با قواعدی اخلاقی بود که بر مبنای این حکم استوار است: «همسایه خود را مثل خویشتن محبت نما» (لاو ۱۹:۱۸). مکتب کهناتی اقدام به تنظیم مجموعه قوانین نمود که سدی بین اسراییل و اقوام همسایه ایجاد کرد و این امر در دوران تبعید بسیار ضروری بود (لاو ۱۸:۱-۴؛ ۲۰:۲۳-۲۶). به نظر می رسد که به همین ترتیب قوانین تطهیر و تقدس نیز تدوین شدند (لاو ۱۱-۱۵، ۱۷-۲۰).

در روستاهای بابل، آن تخصیصی که در گذشته کاهنان را از راویان جدا می کرد، دیگر وجود نداشت. هر مرد خدا می بایست اصول مذهبی را به طور کامل در اختیار خود داشته باشد. بنابراین کاهنان متن مهمترین وقایع (پیدایش، طوفان نوح، پیمان خداوند با ابراهیم، رسالت موسی، گذر از دریای سرخ و پیمان جبل سینا) را از دیدگاه خود به نگارش درآوردند.

به علاوه این کاهنان توسط شجره نامه و وقایع نگاری، تمام این اتفاقات را به یکدیگر ربط دادند تا تاریخ جهانی از آن حاصل گردد. قصد ایشان از این کار جای دادن سنن قومشان در ترکیبی بود که در آن این سنن از مقام والایی که در خور ایمانشان بود، برخوردار باشد.

### کتاب تسلی

تنها در اواخر دوران تبعید یعنی ده پانزده سال قبل از سقوط بابل بود که نبی گمنامی ظهور نمود و بعدها پیام وی در کتاب اشعیای نبی جای داده شد (اش ۴۰-۵۵).

این نبی هر چند با اشعیا از جهات بسیاری تفاوت داشت مع الوصف به مکتب اشعیا تعلق دارد. چه از دیدگاه اشعیا و چه از دید جانشین وی خدا «آن قدوسی» است که «با امت خود باقی می ماند»، خدا صخره ای است که باید با اعتماد کامل بدان تکیه نمود... اما این نبی جدید از تمام سنن آگاه است: حماسه خروج از مصر بس الهامات زیبا و تصاویر غنی به او بخشیده است (اش ۴۱:۱۷-۲۰، ۴۳:۱۶-۲۱). همچنین بعضی نویدهای وی بر مبنای پیام هوشع (اش ۵۴:۴-۱۰) یا از حزقیال است (اش ۵۵:۳).

وعده های وی سرشار از تغزل خارق العاده است: خداوند قوم خویش را تسلی خواهد داد. نویسنده مرد عمیقی است

که قدرت خداوندی و محبت وی را تحسین می نماید. جهان هر قدر هم فراخ باشد به فراموشی سپرده نشده و خداوند جلال خود را تا اقصای جهان متجلی خواهد ساخت. رنج عادلان ارزشی نجات بخش دارد و این نبی چهره‌ای از خادم خدا نقش می کند که مسیحیان در این چهره سرور خود عیسی مسیح را می بینند (بخصوص اش ۵۲:۱۳-۵۳:۱۲) ■

درباره سنتهای مختلف تورات رجوع کنید به بخش ضمیمه

\* \* \*

### در اورشلیم بازیافته

به مدت دو قرن قوم بنی اسرائیل حول دو قطب گرد آمده بودند: اورشلیم، شهر معبد و مرکز عبادت و «بابل» شهر کاتبان و مرکز اندیشه و تعمق. پس از تبعید به بابل، کتاب مقدس محور اجتماع جامعه ایمانداران گردید. امروز در اجتماع کلیسای ما در اولین قسمت نماز قربانی مقدس، همان استماع کلام خدا ادامه دارد.

به موجب فرمان کوروش (۵۳۸ ق.م) تبعیدیان اجازه یافتند به «فلسطین» بازگردند. در واقع کاروان اسرائیلیان به سوی «اورشلیم» به حرکت درآمد و در آن جا به ترتیب مذبح، معبد و حصار شهر برپا شد. اما بسیاری از تبعیدیان یا به گفته صحیح تر اعقاب تبعیدیان، ترجیح دادند در بین النهرین که زندگانی دینی جامعه یهود در آنجا جریان داشت و به مدد کاتبان رونق می یافت، باقی بمانند. این دوران با فعالیت های ادبی بزرگی قرین است اما تعیین تاریخ دقیق این نوشته ها غالباً مشکل است. آنچه بیشتر انظار را جلب می کند، تنوع بیش از حد این نوشته ها می باشد.

#### شریعت خداوند

فرمان بازگشت که از جانب کوروش صادر گشت موجب احیای سلطنت خاندان داود نگردید. خلائی که از بابت عدم نیروی سیاسی ایجاد شده بود آنان را خواهان استقرار حکومت خداوند می نمود. استقرار چنین حکومتی مستلزم شریعت بود. عزراء که از بابل آمده بود این «شریعت خداوند» را به فلسطین آورد (عز ۷: ۱۲). آیا این همان کتب خمسه بود یا قسمتی از آن؟ تشخیص این موضوع غیرممکن است اما اتفاق نظر وجود دارد که مجموعه سنتهای تفسیری چهارگانه درباره پیدایش و پدران قوم و موسی، حدود سال ۴۵۰ ق.م گردآوری شد. این مجموعه که تورات نامیده می شود عالی ترین مبانی اساسی ایمان و غیر قابل تغییر است. دلایلی در دست است که می توان چنین پنداشت که نگارش صحیفه یوشع در همین زمان و با همین روش به پایان رسید.

#### نوشته های ناشی از حوادث و موقعیت ها

مجموعه نوشته های انبیا هنوز هم در حال تدوین بود: برای تجدید بنای معبد، تشویق و تهییج های حجی و زکریا ضرورت خاصی داشت. این تشویق و تحریض ها که به صورت نوشته بود در میان کتاب انبیا جای گرفت. اما در مورد یورش قوم ادوم که باعث خشم عوبدیه گشت یا هجوم ملخ ها که زمینه ای برای گفته های یوییل فراهم آورد و همچنین درباره اصلاحات مذهبی که به وسیله ملاکی تایید گردید، چه گوییم؟ این حوادث و موقعیت ها چندین بار پیش آمد. بین این حوادث و وحشت ها و امیدهایی که از این نبوت ها برمی خاست نوعی عدم تعادل

چشمگیر وجود دارد که با نفوذ مداوم حزقیال توجیه می‌گردد: هر فرصتی برای احیای نبوت هایش در باره آینده دوردست، مغتنم بود.

### بازخوانی تاریخ

آیا تاریخ قوم خدا این توانایی را دارد که زمان حال را روشن کند و چشم اندازهایی بر آینده بگشاید؟ بازخوانی کتاب‌های پادشاهان با دید کهنانته منجر به تدوین دو کتاب تواریخ ایام گردید. این کتاب مجموعه‌ای است از تاریخ مقدس که بر اساس سه مضمون اصلی تدوین گشته است: قوم برگزیده، سلسله داود و معبد. در این نوشته‌ها چهره «داود» جنبه‌ای آرمانی پیدا کرده و گناه وی به فراموشی سپرده شده است. مؤلف کتاب، لاوی تمام عیاری است که به معبد وابسته بود، به داود عشق می‌ورزید و روحش مملو از امیدهای نجات مسیحایی. به همین خاطر در بازنویسی تاریخ گرایش قلم این لاوی متوجه موضوع تجدید معبد و اورشلیم می‌باشد که در کتاب‌های عزرا و نحمیا آمده است و نجات مسیحایی را از دور می‌نماید.

### گردآوری مزامیر

گردآوری مزامیر گام به گام و به کندی تکمیل گردید. در آن زمان غنای این مجموعه به اندازه‌ای که اکنون در دست ماست، نبود. در مجموعه مزامیر، در کنار سرودهایی که به دوران پادشاهی تعلق داشتند (مثلاً مز ۴۵ که برای جشن عروسی شاهزاده‌ای تدوین شده) و به صورت ابراز امیدواری درباره آمدن مسیح پسر داود در آمده بودند (مثلاً مز ۲ و ۱۱۰)، نیایشهای شخصی و سرودهای بسیار دیگری در وصف مطالب متنوعی برای استفاده در مراسم مذهبی عمومی گنجانده شده‌اند.

### نوشته‌های حکیمان

در عصری که بیم آن می‌رفت به علت اضمحلال حکومت پادشاهی، سنن قدیم به دست فراموشی سپرده شوند، به تنظیم مجموعه‌های مختلفی از امثال و حکم پرداختند. به این امثال و حکم ملاحظاتی فرهنگی نیز که از دیدگاه الهیات تنظیم گشته‌اند اضافه نمودند، ملاحظاتی که در عین حال دارای گرایشات جهانی و سرشار از خوش بینی هستند (امث ۱-۹) و این چنین کتاب امثال سلیمان به وجود آمد. به نحوی مشابه سرودهای عروسی نیز جمع‌آوری و تدوین گردید و بدین ترتیب غزل‌های سلیمان به وجود آمد.

کتاب ایوب بسط یک متن بابلی درباره رنجهای شخصی عادل است. برای فردی «اسرائیلی» که ارتباط شخصی و نزدیک با خداوند دارد، این امر موضوعی وحشتناک بود. هیچ پاسخی از طرف خداوند داده نشده اما «ایوب» که در این مبارزه ایمان تا آخر مقاومت نمود شخص مبارکی می‌گردد.

کتاب جامعه ادامه دیدگاه بدبینانه کتاب ایوب را پی می‌گیرد اما لحن آن از حالت غم‌انگیز به سخنانی شاد و تا حدی تلخ و شیرین تغییر می‌یابد. بیانی که در این کتاب به کار برده شده پیشرفته‌تر و مربوط به زمانی مؤخرتر از دیگر کتب ذکر شده است.



### نوشته های ناهمگون

رسالت نحمیا وعزرا که جویای حفظ طهارت آداب و رسوم مذهبی بودند باعث ایجاد نوعی حس ملی گرایی بی خاصیت شد (رک. عوبدیا). با این همه جریان جهان شمول از بین نرفته بود و از آنجا که امکان نداشت آزادانه بیان شود، مسیر تازه ای برای خود گشود.

این بینش جهان شمول که ابتدا به صورت سبک ادبی کاملاً نوین و برای آن زمان بسیار بدیع بود، مانند داستان روت بیان شد. در این کتاب، بر خلاف ملی گرایی حاکم، یادآوری می شود که اجداد داود موآبی هم بوده اند (بنابراین در رگهای داود خون موآبی که از نظر اسراییلی ها اجنبی و بنابراین نجس و ناپاک بود، جریان داشت). همچنین تصویری دلپذیر از آداب و رسوم قدیمی ترسیم گشته است (تث ۳:۲۳-۴؛ روت ۱:۱-۴، ۴:۱-۲۲).

همین روحیه جهان گرایی الهام بخش تدوین کتاب یونس نبی بود، کتابی که فقط قهرمان آن از زمان گذشته اقتباس شده است (۲- پاد ۱۴:۲۵). در حقیقت روایتی است که نوع طنز نهفته در آن کاملاً دارای خصلت یهودی است و تأکید می نماید که خداوند مراقب همه است حتی آشوریها که از نظر آنها منفور بودند ■

**Universalism:** تعلیم ضد قوم گرایی برخی از انبیای یهود مانند، اشعیای دوم و یونس مبنی بر این که نقشه های خدا فقط شامل نجات یهود نیست بلکه حداقل مردمانی از اقوام دیگر را نیز در بر می گیرد.

## عصر یونانیان

تمام نوشته‌های کتاب مقدس که مربوط به دو قرن قبل از دوران مسیحیت می‌باشند، تحت نفوذ مکتب یونانی‌گرایی (هلنیسم) بوده است.

برای یهودیان با ایمان کتاب مقدس چه در خانه و چه در کنیسه عامل تغذیه ایمان بوده و محور دعا را تشکیل می‌دهد. پس کتاب مقدس مبنای احترام مداوم نسبت به آداب و رسوم پدران قوم می‌باشد. اما از قرن سوم (ق.م) به بعد، فرهنگ یونانی جهان را تسخیر کرد و تمدن خاورمیانه را دگرگون ساخت. پس بر سر سنن مذهبی که پدران انتقال داده بودند چه خواهد آمد؟

فتوحات اسکندر (۳۲۳-۳۳۴ ق.م) نه تنها منجر به تغییر کامل تقسیم‌بندی جغرافیایی خاورمیانه گردید بلکه موجب ایجاد یک امپراطوری وسیع فرهنگی نیز شد.

### در ستایش شریعت

در برابر تمدن یونان که دنیای شرق را در خود غوطه‌ور می‌ساخت، یهودیان ایماندار به سه موضع مختلف تقسیم شدند: عده‌ای هرآنچه را در جهت سازش با جوامع شرک بود رد می‌کردند، عده‌ای دیگر این تمدن درخشان را می‌ستودند و سرانجام برخی دیگر از نفوذ بی‌سرو صدا و در عین حال قابل ملاحظه تمدن یونان به نفع خود بهره می‌گرفتند. این امر را می‌توان از کتاب بن سیراخ به خوبی دریافت. نویسنده این کتاب که یهودی سنت‌گرائی بوده، افکاری را که بیان داشته تا سرحد امکان با یکدیگر تلفیق نموده و برای نخستین بار خطوط برجسته بسیاری از ترکیبات را که در واقع نوعی «تعلیمات مذهبی از دیدگاه کتاب مقدس» می‌باشند، نمایان ساخته است (بنسی ۱۶: ۲۴؛ ۱۷: ۳۲؛ بابهای ۴۲-۴۳؛ ۴۴-۵۰). آیا بن سیراخ این سبک ترکیبی را مدیون طرز تفکر یونانی نیست؟

اما طرز تفکر و گرایش مؤلفان متون کتاب مقدس در این دوران هر چه باشد همه آنان در ستایش تورات کوشیده‌اند، ستایشی تغزلی که بیانگر وفاداری ایشان است. در واقع هر قدر تمدن و فرهنگ یونانی بیشتر توسعه می‌یافت، این مؤلفان بیشتر در ستایش و اعلام تورات می‌کوشیدند.

### تاملاتی بر زندگی یهودیان پراکنده

تعداد یهودیان پراکنده از جمعیت یهودیان ساکن فلسطین به مراتب بیشتر و مرکز اصلی ایشان اسکندریه بود که به تدریج در شهرهای بزرگ حوزه شرقی مدیترانه ساکن شدند. البته آنان از تجربیاتی که در «بابل» بدست آورده بودند بهره‌ها یافتند. از این رو چهارچوب مکانی اغلب کتابهای این دوران در شرق است: در بابل (۶ باب نخستین کتاب دانیال)، در شوش (استر)، در اکباتان (طوبیاس).

در پهنه وسیع جهان، یهودیان زیر نظر خداوند روزگار می‌گذرانند، مع الوصف حسرتی درون ایشان را می‌گذاخت و

آن بازگشت بسوی سرزمین موعود بود. در حقیقت بازگشت به اورشلیم آسان بود اما حسرتی که در این کتابها بیان می شود از آن «اورشلیم» آرمانی است (باروخ).

### جفای مذهبی و جنگ مقدس

در سال ۱۶۷ ق.م در اورشلیم و یهودیه جفای مذهبی شدید بروز نمود و تمدن یونانی چهره نوینی یافت. زمان آن رسیده بود که بین تمدن بت پرستی و وفاداری به تورات یکی انتخاب گردد. یهودیان اسکندریه تنها سند تاریخی موجود در باب این جفا را به جای گذارده اند و آن دو کتاب مکابیان است. این کتابها بر اساس ضخامت قطرشان در کتاب مقدس وارد شده اند ولی در حقیقت کتاب دوم مکابیان نخست به رشته تحریر درآمد که مستقیماً به زبان یونانی نوشته شده است. این کتاب، «تاریخی تاثرآور و رقت بار» است که بیشتر قصدش تحت تاثیر قرار دادن افکار است تا ارائه اطلاعات و بیشتر کوشش دارد که چهره معنوی شهدا را بنمایاند (مثلاً ۲- مک ۷ و ۱۲: ۳۸-۴۶).

کتاب اول مکابیان که در واقع بیان همان مسائل است بیشتر در باب خانواده فرماندهان جنگ است و شرح کارهای برجسته ایشان را تا مرگ آخرین رهبر بیان می دارد. در این کتاب بیشتر احساسات جنگجویان در نظر گرفته می شود تا شهدا و مملو از حس عمیق ملی گرایی مذهبی است اما سخنی از جهان دیگر نمی گوید.

### در انتظار زمان موعود خداوند

یکی از راههای مقابله با جفا این است که شهادت را بپذیریم و در عین حال فریاد امید خود را به خدایی که مالک زمان است، سر دهیم. این همان کاری است که کتاب دانیال نبی انجام می دهد. بابهای نخستین آن به احتمال قوی در بابل جهت تقویت روحیه یهودیان تبعیدی، پیش از وقوع جفای مذهبی به رشته تحریر درآمده بود.

شکنجه ها و اختناق مذهبی که از سال ۱۶۷ ق.م بوسیله آنتیوخوس اپیفان آغاز گردید، به این داستان که جنبه تاریخی دارد فعلیت و واقعیتی غیر قابل پیش بینی بخشید. بعدها بابهای دیگری که اشاره به وقایع سال های ۱۶۷ تا ۱۴۰ دارد، به این کتاب افزوده شد. امیدها و وحشتهای انبیائی که در باب آخرت پیشگویی می کردند، به اصطلاح از آخرت متوجه زمان حال گشته، جنبه فعلی و کنونی پیدا کرد. بابهای ۷ الی ۱۲ کتاب دانیال این امر را قویاً منعکس می نماید. در واقع این بابها در باب بیان روحیه جنگجویان و شهادتی است که در انتظار «پسر انسان»، ملکوت خداوند و قیام مردگان می باشند (دان ۷-۱۲).

در نتیجه کنیسه های یونانی زبان و سپس کلیساهای مسیحی، کتاب دانیال را همراه با اضافاتی در بین کتب انبیا قرار دادند (دان ۱۳-۱۴ و ۳: ۲۴-۲۶). یهودیان این کتاب را به علت تاریخ متاخر آن جزو «نوشته های حکیمان» آورده اند.

کتاب کوچک یهودیت بنت مراری، تحت شکلی جالب و مملو از تفنن، در زمره کتابهای مکابیان و دانیال قرار می گیرد. عظمت تمدن و فرهنگ و قدرت شکنجه گران هرچه باشد، روح یهود نسبت به خداوند وفادار است و برای آنان نجات نه در اسلحه بلکه در نصرت الهی است.

## گفتگوئی با حکمت یونانیان

اسکندریه از سال بنای خود (۳۳۳ ق.م) پایتخت تمدن یونانی گردید. یک جامعه مهم یهودی در این شهر ساکن بود که بعدها نقش بس مؤثری در تحولات تاریخی ایفاء کرد. آنان هرچند که به ایمان و مذهب عمیقاً وفادار بودند اما در عین حال درهای جامعه خود را به روی جهان یونانی کاملاً باز نگاه داشتند.

کتاب حکمت امید زندگی جاویدان و امید اجر نهایی عادلان را در بیان معنای فرهنگ از دیدگاه ایمان، در هم می آمیزد (۱:۳-۱۱، ۴:۲۰-۵:۱۷، ۷:۲۲-۸:۱). نویسنده یهودی - یونانی برای توفیق بیشتر در این امر، از زبان مکاتب فلسفی استفاده می کند که مسائل مشابهی را مورد بحث های هیجان انگیز قرار می دادند. ولی همانطور که از اشارات مداوم وی به شریعت و همچنین تعمق بس طولانی وی در مورد تاریخ مقدس که آخرین بابهای کتاب او را تشکیل می دهد برمی آید، از سنت گرایی عمیق به دور نیست (حک ۱۰-۱۹). بدین ترتیب طرح گفتگویی بین ایمان و فرهنگ بشری ریخته می شود که هنوز هم متفکران یهود و مسیحی، این گفتگو را به پایان نبرده اند.

## ترجمه «هفتادتنان»

در شهری که همه به زبان یونانی سخن می گفتند، ضرورت داشت که متون مقدس به این زبان ترجمه شود. به این ترتیب کم کم از آغاز قرن دوم و سوم قبل از میلاد، تورات، کتب انبیا و دیگر کتابها به زبان یونانی ترجمه شد. کتابهایی که نسخه اصلی عبری آن مفقود گشته است، به یمن این ترجمه ها اکنون در دسترس ما هستند (بن سیراخ، باروک، یهودیت بنت مراری، طوبیاس و شاید کتاب اول مکابیان).

گاهی نیز جامعه یهودی اسکندریه فصولی بر نسخ قدیم عبری افزوده (دانیال) یا از نو کتابت کرده اند (استر). سرانجام اینکه لااقل دو کتاب یعنی دوم مکابیان و حکمت مستقیماً به زبان یونانی نوشته شده اند. در مجموع، متن یونانی کتاب مقدس (که ترجمه هفتادتنان نیز نامیده می شود) عبارت است از نسخه دوم تصحیح و تکمیل شده کتاب مقدس به زبان عبری که این نکته همانطور که قبلاً گفتیم دلیل اختلاف موجود در فهرست کتابهای مقدس می باشد

## بابها و آیه ها

تقسیم کتاب مقدس به بابهای مختلف کار استادان دانشگاه پاریس است که در قرن سیزدهم میلادی زیر نظر و تحت هدایت اتین لانگتون کار می کردند. این روش تقسیم کردن کتاب مقدس به بابها در همه جا حتی در نسخه های کتاب مقدس کاهنان یهودی (و نیز ۱۵۲۴) مورد قبول قرار گرفته است.

در حقیقت استادان دانشگاه پاریس کار خود را از صفر آغاز نکرده بودند. قبلاً تقسیمات مختلفی در کلیساهای شرق و غرب پیشنهاد شده بود که یکی از آنها را دانشمند و الهیدانی به نام اوزبیوس اهل قیصریه در قرن چهارم میلادی پیشنهاد کرده بود. فقط لازم بود این روش تقسیم، تحت قواعد معینی تنظیم و تدوین شود.

با استفاده از این تقسیمات کار مفید دیگری انجام شد که متخصصان کتاب مقدس مرتباً از آن استفاده می کنند و آن تهیه «فرهنگ تطبیقی» یا «واژه یاب» (concordance) است که در آن همه کلمات کتاب مقدس ثبت و ضبط شده و معانی مختلف هر کلمه آورده شده است به طوری که می توان قسمتهای مشابه کتاب مقدس را با یکدیگر سنجید و مقایسه نمود.

برای اینکه استفاده از «فرهنگ تطبیقی» تسهیل گردد در پایان قرون وسطی هر باب از کتاب مقدس را به آیه های مختلف تقسیم کردند که این تقسیمات را تا به امروز حفظ کرده اند.



تقسیم کتاب مقدس به فصل ها و آیه ها و تهیه و تنظیم «فرهنگ تطبیقی» و کلیه این تسهیلات که در اختیار دانشجویان کتاب مقدس قرار داده شده به یک نتیجه منتهی شده است. کتاب مقدس رفته رفته کمتر همان آوائی است که به آن او گوش فرا می دهند و بیش از پیش به صورت کتابی درآمده که مخزن و گنجینه اطلاعات محسوب می شود و در آن جستجو می کنند تا از مطالب و اطلاعات آن استفاده نمایند. به هرصورت ممکن است این تسهیلات اشکالات و محظوراتی ایجاد کنند و بهتر آن است که به این محظورات گردن نهیم. ■

# کتاب مقدس چیست؟

### ۱) کتاب مقدس خود یک کتابخانه است؟

کتاب مقدسی که اکنون در کتاب فروشی‌ها موجود است، کتاب قطوری است. اما در واقع کتاب مقدس فقط یک کتاب نیست، بلکه مجموعه‌ای از کتب متعدد می‌باشد: عهد عتیق شامل چهار و شش کتاب و عهد جدید شامل بیست و هفت کتاب می‌باشد. برخی از این «کتب» نیز بسیار فشرده و کوتاه است و مطالب برخی از آنها از یکی دو صفحه تجاوز نمی‌کند.

این کتاب‌ها در زمانهای مختلف و توسط نویسندگان متفاوت، برخی به «عبری»، برخی به «آرامی» و برخی به «یونانی» نوشته شده‌اند (که جریان آن را مرور کردیم).

چه در دوران عیسی و چه امروز، یهودیان را عادت بر آن است که کتب مختلف عهد عتیق را به سه بخش تقسیم نمایند:

اول: تورات یا کتب خمس که شامل کتاب پیدایش، کتاب خروج، کتاب لاویان، کتاب اعداد و کتاب تثنیه می‌باشد.

دوم: انبیا که مشتمل بر دو گروه‌اند:

الف: انبیای متقدم: یوشع، داوران، سموئیل (اول و دوم) و پادشاهان (اول و دوم).

ب: شامل انبیای متاخر و دوازده نبی کوچک.

انبیای متاخر: اشعیاء، ارمیاء و حزقیال

دوازده نبی کوچک: هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکاه، ناحوم، حبقوق، صنفیا، حجی، زکریا و ملاکی.

سوم: دیگر نوشته‌ها، تقسیم بندی مبهمی که در آن دیگر رسالات و صحف عهد عتیق آمده است.

در دوران عیسی اصطلاح «تورات و انبیا» در بین یهودیان رواج داشت و روی هم رفته به معنای عهد عتیق آورده می‌شد (رک. مت ۷: ۱۲؛ لو ۱۶: ۱۶).

این کتب از لحاظ محتوا تنوع زیادی دارند. در کتاب مقدس همانند یک کتابخانه، می‌توان مجموعه قوانین، روایات، حوادث تاریخی، پیامهای انبیا، قصاید مذهبی، داستانها، اشعار عاشقانه و جز آن را یافت.

### کتب مقدس کدامند؟

در آستانه عصر مسیحیت، در اجتماع یهودیان بین متن قدیمی «عبری» کتاب مقدس که در «اورشلیم» محفوظ بود و ترجمه تفسیری و تکامل یافته آن بوسیله جامعه یهودیان اسکندریه، برخی تردیدها پدید آمد.

### کتب برحق متاخر

در سال ۹۰ میلادی، بیست سال پس از تصرف اورشلیم توسط تیطس فرمانروای روم و پراکندگی قوم یهود، در شورائی که در شهر جامنیا تشکیل شد، فهرستی از کتبی که یهودیان آنها را الهام الهی تلقی می‌کردند تنظیم گشت. تمام

کتابهایی که در جامعه اورشلیم قبل از محاصره شهر مورد مطالعه قرار می گرفت «کتب برحق متقدم» خوانده می شد. در شهر اسکندریه کتابهای دیگری نیز قرائت می شد که از تکامل بیشتری بهره داشتند (رک. کتابهای دانیال و استر). مجموعه این کتب اضافه اسکندریه که به نام «کتب برحق متأخر» مشهور می باشد مستقیماً به زبان یونانی انشاء شده بودند.

کلیسای کاتولیک و ارتدکس مجموعه کتب اسکندریه را پذیرفته اند اما کلیسای پروتستان فقط کتب برحق متقدم را قبول دارد. لذا در ترجمه کتاب مقدس به زبان فارسی که اکنون در دسترس علاقمندان است کتب جامعه اسکندریه مشهور به کتب برحق متأخر که کتب ذیل هستند، وجود ندارد: طوبیاس، یهودیت بنت مراری، اول و دوم مکابیان، حکمت، بن سیراخ و باروخ.

کلیسا بین متن عبری نسخه «اورشلیم» و نسخه «یونانی» اسکندریه کدامیک را انتخاب نمود؟ قبلاً باید متوجه این نکته بود که در دوران عیسی یهودیان ساکن فلسطین دیگر به زبان عبری آشنایی نداشتند. مفسرین و واعظین یهودی، کتب و صحف کتاب مقدس را به زبان و لهجه عامیانه روستاها ترجمه و تفسیر می کردند. اما در شهرهای فلسطین به مانند سراسر قلمرو امپراطوری روم باستان، زبان یونانی برای همگان زبان خواندن و نوشتن بود. نکته دوم این که انجیل نگاران و پولس رسول در نقل قول از عهد عتیق از متن ترجمه تفسیری هفتاد تنان استفاده کرده و کلیساهای اولیه نیز این روش و عادت را محفوظ داشته اند. از نظر این کلیساها بسیاری از کتابهایی که به یونانی نوشته شده و توسط جامعه یهودی اسکندریه محفوظ گشته بود، منبعث از الهام الهی است. علت آنکه تمام این متون با وجود تفاوت و تنوع موجود بین آنها در یک جلد گردآوری شده این است که در هر یک از آنها کلام خداوند را باز می یابیم.

با وجود تنوع کتابها و نومایی هر کدام از آنها باید این را در نظر داشت که در همه آنها تحت اشکال بسیار متفاوت، یگانه حکمت خداوند در کار است. در تمام بافت نوشته های گوناگون کتب عهد عتیق، آمدن کلمه خدا که همان مسیح است اعلام و آماده می شود. این کتاب خانه که نامش کتاب مقدس است با افزایش متون و نوشته های جدید، از قرن به قرن بر غنای آن افزوده گردیده است اما زمان تکمیل آن هنگامی بود که کتاب های عهد جدید در پی و در مسیر کتابهای عهد عتیق تدوین گردیدند زیرا همانطور که «پاسکال» می گوید: «عیسی مسیح کسی است که هر دو عهد به وی نظر دارد و کتاب مقدس وحدت خود را از وی باز می یابد».

#### محبت شریعت

نگرانی قوم خدا برای حفظ وفاداری نسبت به شریعت (تورات) انگیزه تمام کتب آن دوره بود. این نگرانی فصل مشترک همه شریعت است حتی وقتی به وضوح نامی از آن برده نمی شود. این وفاداری به شکلهای مختلفی خود را ابراز می دارد:

- در زندگی روزمره: طو ۴: ۷-۱۱-۱۳

- در جفاها: ۱- مکا ۱: ۴۱-۶۴: ۲- ۱۵-۲۷، ۳۴، ۴۹-۷۰: ۲- مکا ۱: ۳۱-۱۸: ۶: ۷ (به ویژه آیات ۱-۲، ۳۰، ۳۷)

- از زبان بیگانگان: استر ۳: ۸، ۱۳: ۴-۵ (که پیش درآمد ۱۶: ۱۵ است). یهودیت ۵ (به خصوص ۵: ۱۷-۲۱)

بعضی از کتب شباهت به تورات و کتاب حکمت دارند:

بنسی ۲۴ (رک. ۲۳: ۲۴)

دان ۱: ۳: ۶

بار ۳: ۹-۴: ۴

این حکمت که به همه آنها داده شده موضوع اصلی کتاب حکمت است. رک. ۴: ۱۸

## ۲) داستان محبت

در یک جشن خانوادگی که همه دور هم جمع شده بودند پس از مراسم دعا یکی از شش فرزند خانواده گفت: «مادر، جریان آشنایی خود را با پدرمان برای ما تعریف کن...» واضح است که داستان بارها بازگو شده بود. مادر داستان را طوری تعریف نمود که زیبایی حالت و کلام او، هیجان عمیق حاصل از یادآوری آغاز محبت خانوادگی را به خوبی نشان می‌داد. این داستان بازگو کننده اتفاقی بود که آغاز تشکیل خانواده محسوب می‌شود. آیا برای این فرزندان شناختن پدر و مادر و برخوردار بودن از محبت آنان کافی نبود؟ خیر، چون انسان نیاز دارد که به مبداء زندگی خود پی برد و تاریخ طولانی را که از گذشته‌های دور آغاز گشته و تا به امروز ادامه دارد، بشناسد. کتاب مقدس نیز داستان محبت است، داستان محبت خداوند به آفریدگانش. ما کتاب مقدس را می‌شناسیم، اما سرچشمه آن چیست؟ چه وقت و چگونه کلام خداوند به پیشینیان ما که به وی ایمان آورده بودند، رسید؟ در آن زمان که عیسی هنوز در بین ما ساکن نشده بود، انسانها از خدا چه می‌دانستند؟ تعمق در سیر تدریجی تاریخ متون کتاب مقدس ما را در کشف‌های تدریجی پدران ایمانی ما سهیم می‌سازد. تاریخ آنها، تاریخ ما نیز هست و بنابراین ما را در راز وحی و الهامات الهی دخیل می‌سازد.

### داستانهای کتاب مقدس

مثلهای انجیل ما را با داستان‌هایی از شخصیت‌های تخیلی آشنا می‌سازد که رفتارشان رموز ملکوت را به ما می‌آموزد: سامری نیکو، پسر گمشده، باغبانان ظالم و غیره. انبیا نیز مثلهایی تعریف کرده‌اند (۲- سمو ۱۲: ۱-۷؛ حزق ۱۶؛ ۱۷؛ ۲۳ و غیره). نویسنده کتاب ایوب از چارچوب یک داستان تخیلی برای ارائه و ارزش بخشیدن به شرح و بسطهایی که در مورد مسئله درد و رنج داده است استفاده می‌کند. گاهی اوقات نویسنده الهام یافته پیغام خود را توسط داستان حقیقی کوچکی بیان می‌کند. در دوره پارسیان این مورد درباره یوشع و روت صدق می‌کند. در دوره یونانیان این سبک ادبی توسط طویبا، استر، یهودیت و دانیال رواج یافت. می‌توان فهمید که چرا نویسنده رساله به عبرانیان با خلاصه کردن عهد عتیق گفته است: «خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریقه‌های مختلف به وساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به ما به وساطت پسر خود متکلم شد.»

## ۳) کتاب مقدس الهام بخش مفهوم تجربیات انسانی

ما کم و بیش چنین تصور می‌کنیم که الهام الهی بر حسب برنامه و روشی منطقی و حتی هندسی انجام گرفته است که در آن شناخت هر نکته الزاماً به درک قضیه بعدی منتهی می‌شود. چنین طرز تفکری حاکی از نادیده گرفتن این واقعیت است که منطلق الهی (اگر بتوان چنین اصطلاحی را مجاز دانست)، به هیچ وجه تشابهی با منطلق ما ندارد. از آنچه تا کنون بیان شده است سه گرایش اساسی را می‌توان تشخیص داد که روش تعلیم و تربیت الهی آنها را بکار گرفته است. این سه گرایش به شرح زیر است:



### الف: تاریخ و تفسیر آن

رویدادهای مهمی که در تاریخ قوم خدا رخ داد، از مبداء آن گرفته تا رشد و تکامل و حتی بدبختی های بزرگ آن، تنها به عنوان یادآوری و یادگاری جمع آوری نشده اند بلکه هر کدام از این حوادث بوسیله انبیا توصیف و تفسیر گردیده و به صورت منابع آموزشی و انگیزه هایی جهت تحرک بخشیدن به قوم در آمده است. در تاریخ است که خدای واقعی چهره خود را برای ما آشکار کرده است. با فرا گرفتن تعیین زمان نگارش متون مقدس و آگاهی از منابع آنها، موفق به تشخیص مراحل مکاشفه الهی می گردیم.

### ب: در جستجوی حکمت

تحقیقات آدمیان نقش عمده ای در روش تعلیم و تربیت الهی برعهده دارد، هر چند که این امر موجب شگفتی عظیم ما می باشد. یازده باب نخست کتاب پیدایش، بسیاری از متون کتاب های حکمت و برخی از مزامیر، در واقع تداوم نوشته های مشابه مربوط به تمدن های باستان است. در واقع منبع مشترکی در زمینه حکمت، بررسیها و تحقیقات و همچنین آرزوی یافتن خدای واقعی وجود داشت که در بسیاری از موارد بعنوان پایه اولیه متون مقدس بکاررفته است. بدین ترتیب هر متخصص خوب تعلیم و تربیت می تواند با استفاده از تجربیات کودکان (یا بزرگسالان)، آنها را به کشف راههای حقیقت هدایت نماید.

### ج: بازخوانی

سرانجام باید گفت که ایمان مومنان نقش بزرگی در تدوین کتاب مقدس داشته است. بر مبنای متونی که قبلاً به تحریر در آمده بود و پس از تامل و اندیشه در باب آنها، نویسندگان جدید نوشته های قدیمی را دسته بندی کرده کتابهایی را که نگاشته شده بود تکمیل کردند یا دست به تالیف کتب جدیدی زدند که مبین ایمان زمان معاصر ایشان بود.

\* \* \*

کتاب مقدس، کتاب قوم خدا است و این تنها به آن معنا نیست که این قوم آن را خوانده است، بلکه در وهله اول به این دلیل است که قوم خدا اتفاقات موجود در این کتاب را تجربه کرده است. وقتی که انبیا و نویسندگان الهام یافته، نخستین متون را به رشته تحریر در آوردند، قوم خدا آنها را پذیرفته مورد مطالعه قرار داد تا کلام خداوند را در آن بیابد. اما همچنان باید در نظر داشت که تلاش طولانی تدوین کتابها ادامه داشته است یعنی در طی قرون کتابها تکمیل شدند و دچار تغییرات و اصلاحات گردیدند. تعداد کتابهای عهد عتیق مشخص است اما نمی توان گفت مولفانی که در این کار مشارکت داشته اند چند نفر بوده اند.

برای کسانی که تدوین تدریجی و پرحمت کتاب مقدس را مد نظر دارند، این کتاب مملو از ایمان و امید مردمی است که در حوادث آن شریک بوده، آنها را به رشته تحریر در آورده و این گنجینه ذیقیمت نوشته های مقدس را برای انتقال به ما حفظ کرده اند.

شناخت این تاریخ به معنای مشارکت در جستجو و نگرانی های ایشان است و همچنین بدست آوردن ادراکی والاتر از طرق محبت خداوند. لذا چه کسی را این جرات هست که بگوید این امر را فایده ای در بر نیست؟ ■

# در باب نگارش تورات

برخی از متخصصین کتاب مقدس بر حسب عادت، کتابهای عهد عتیق را به چهار دسته تقسیم می‌کنند:

- اسفار پنجگانه (شریعت)

- کتب تاریخی

- کتب سرایندگی و حکمتی

- کتب نبوی (انبیاء)

باید به صراحت بگوییم که این طرز تقسیم بندی مایه تأسف است زیرا اصلاً با ترتیبی که عیسی مسیح، مریم عذرا، رسولان و نخستین مسیحیان، کتابهای مقدس را می‌شناختند وفق نمی‌کند.

یهودیان چه در عصر ظهور مسیح و چه در زمان حاضر، کتابهای عهد عتیق را بطرز کاملاً متفاوتی دسته بندی می‌کنند: قانون، انبیاء، نوشته‌ها، که دربارۀ یک یک این بخشهای اصلی به موقع خود سخن خواهیم گفت. اینک با هم به کتاب قانون که به زبان عبری «تورات» نام دارد بنگریم.

### یک اثر واحد در پنج جلد

پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه عناوینی هستند که در کتاب مقدس کنونی به پنج کتاب تشکیل دهنده تورات اطلاق می‌شوند، به دلیل اینکه تعداد کتابها پنج جلد می‌باشد، بهنگام ترجمه آنها به زبان یونانی، مجموعه را «پنتاتوک» یا طومارهای پنجگانه نام نهادند. اما از دید یهودیان اینها پنج کتاب مجزا از هم نیستند بلکه یک اثر واحد در پنج جلد می‌باشند که این پنج جلد یک مجموعه را تشکیل می‌دهد.

ما در عهد جدید، اناجیل را مهمتر از رساله‌ها می‌دانیم. در عهد عتیق نیز تمام سنتهای یهودی، تورات را بطور منحصر به فردی، کتابی الهام شده می‌داند. نقش تورات نسبت به عهد عتیق همان است که انجیل نسبت به عهد جدید دارد، یعنی پیامی اساسی و بنیادی.

اگر بخواهیم عهد جدید را بهتر دریابیم باید از اناجیل شروع کنیم و اگر می‌خواهیم عهد عتیق را بهتر بشناسیم باید بیاموزیم چگونه در خصوص تورات تأمل کرده بیان‌دیشیم.

### تورات، کتابی مختلط

آنچه که در تورات یافت می‌شود عبارت است از:

۱- روایات (سرگذشت پدران قوم، موسی و جز اینها).

۲- نسبت نامه‌ها (به ویژه در اول کتاب اعداد).

۳- خطابه‌ها (تثنیه).

۴- قوانین.

قوانین در تورات بسیار جامع و فراگیرنده است. گاهی یک روایت (مثلاً داستان آفرینش) ناگهان با اعلام یک

قانون ختم می شود و گاهی هدف یک روایت، آشکارا توجیه یک قانون موجود زمان می باشد (مثلاً روایت فصیح یا گذر در خروج ۱۲).

جایی که در تورات به قوانین تخصیص داده شده است بسیار مورد اهمیت است. انجیل از «تورات و صحف انبیاء» سخن می گوید که در این عبارت منظور تمام کتب عهد قدیم یعنی هم تورات، هم انبیاء و هم مکاتیب دیگر است.

«تورات» معنای وسیعی دارد که نه «مجموع القوانين» و نه «کتاب تاریخ» است گرچه حاوی روایات بسیاری است که می تواند در چهار چوب تاریخی جای داده شود، لکن قبل از هرچیز یک کتاب مذهبی است. مطالعه تورات نه بر عهده دانشکده حقوق است (چنانکه در مورد یک مجموعه قوانین مناسب می بود) و نه دانشکده ادبیات چنانکه مناسب یک کتاب تاریخ می باشد) بلکه در صلاحیت یک دانشکده الهیات است. چون فراتر از همه اینها، تورات کتاب بزرگی است پر از نمادهایی که شیوه زندگی دینی قوم یهود را تعیین کرده است.

### آموزش دینی عهد عتیق

از مطالعه تورات در می یابیم که خدا آفریدگار است، قادر مطلق است، قومی را برگزیده است تا او را بشناسد، آن قوم را محبت می کند و از آنان می خواهد که او را دوست بدارند اما با این وجود انسان گناهکار است. نهادهای بزرگ انسانی در این کتاب معرفی می شود: ازدواج، کار و زندگی اجتماعی. نهادهای بزرگ مذهبی نیز تعریف می شوند: پیمان، ختنه، روز سبت، اعیاد و تقدیم قربانی ها. اما در ورای این چهارچوبهای اجتماعی و مذهبی، یک جنبش عمیق به سراسر این کتاب جان می بخشد و در کسی که آن را مطالعه می کند اثر می گذارد: یک وعده خدا، مبنای پیدایش قومی می گردد. وعده ای بلاعوض و بیانگر محبت او، محبتی که بسوی آینده می گراید، آینده ای که مشارکت همگان را در عمل بزرگ خدا در تاریخ بشر اقتضا می کند.

### کتاب مبانی

واژه عبری «تورات» خود مبین تمام این غنا می باشد. ریشه آن فعل «آموختن و نشان دادن» را می رساند. این ریشه مقارن کلماتی است که به «علما» یعنی اشخاصی که می دانند و تعلیم می دهند اطلاق می شود. همچنین با فعلی بمعنای «پی ریختن و بنیان نهادن» هم خانواده است.

«تورات» را می توان به «تعالیم» نیز ترجمه نمود اما این تعلیمات به حدی منحصر بفرد می باشد که باز بهتر آن است که این واژه ترجمه ناپذیر را ترجمه نکنیم. در یک کتاب درسی آموزش دینی یهودی منتشره به سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰)، این توصیف جامع از تورات آمده است: «تورات سرچشمه اصلی دین یهود است.»

### درخت حیات

یهودیان همواره از این کتاب با لحن پرعشق و محبتی سخن می گویند. بگفته آنان تورات نیروبخش ایمانداران، سیراب کننده تشنگی، حیات بخش، مثل روغن، مانند عسل یا مرهم تسکین دهنده می باشد. شفا می بخشد، زنده نگاه می دارد و نیز درخت حیات و نور الهی می باشد.

از این رو است که تورات، یا بطور دقیق تر، طومارهای حامل نوشته های مقدس مورد احترام خاصی قرار دارند: آنها

را بوسیلهٔ پارچه‌های نفیسی پوشانده در گنجهٔ مخصوصی قرار می‌دهند. در مقابل این گنجه، چراغی نظیر چراغی که در حضور قربانگاه مسیحیان می‌سوزد، روشن نگاه می‌دارند. اشتیاق قوم عهد عتیق به تورات، ما را به قرائت محترمانه تر آن دعوت می‌کند چرا که این اثر انسان را از زمین برکنده بسوی خدا می‌برد.

### اهمیت تورات از دیدگاه عیسی مسیح

«یکی از کاتبان چون مباحثهٔ ایشان را شنیده دید که ایشان را جواب نیکو داد پیش آمده از او پرسید که اول همهٔ احکام کدامست؟ عیسی او را جواب داد که اول همهٔ احکام این است که بشنوای اسرائیل خداوند خدای ما خداوند واحد است و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما که اول از احکام این است. و دوم مثل اول است که همسایهٔ خود را چون نفس خود محبت نما. بزرگتر از این دو حکمی نیست» (مر ۱۲: ۲۸-۳۱).

## چهار بیان تورات

در نشریهٔ «کتاب پیدایش چه می‌گوید؟» قبلاً نوشته بودیم که کتاب پیدایش کار مؤلف واحدی نیست بلکه بیشتر شامل مجموعه‌ای از سنتهای گوناگون می‌باشد. آنچه در خصوص کتاب اول تورات صحیح باشد دربارهٔ بقیه نیز صادق است چرا که در آنها نیز روایاتی که چند بار شرح آنها آمده پیدا می‌شود مانند دو شرح فراخوانده شدن موسی (خروج باب‌های ۳ و ۴ و ۶: ۲-۱۳) و یا روایات متوازی که در یکدیگر عین شده‌اند مانند شرح عبور از دریای سرخ (خروج باب ۱۴).

### چهار رشته در بافتی یکپارچه

در بررسی نزدیک و دقیق متن تورات توسط متخصصین، چهار «منبع» یا بگونه دقیق‌تر، چهار سنت ادبی اصلی کشف شده است که متون آنها بمانند چهار رشته نخ، هر یک به رنگی متفاوت با هم بافته شده تا پارچه «قانون» را تشکیل دهد.

با این حال نباید توقع یک بافت مرتب را داشت چرا که این نوشتجات چهارگانه در پایان دورانی طولانی، از روایاتی شفاهی که سینه به سینه نقل شده بود، در زمانها و مکانهای مختلف به رشته تحریر در آمده است. نتیجهٔ این نوشتجات را می‌توان از نقطه نظر ادبی به یک خاتم کاری نامنظم و ناهماهنگ تشبیه کرد در حالی که از لحاظ مذهبی دارای جهتی کاملاً مشخص می‌باشد که در آن خدا، در سراسر تاریخ قوم برگزیده، مکاشفه‌ای از خود را به آدمیان نمایان می‌سازد.

این چهار سنت ادبی از روی خصایص واژه‌ها، عبارات و شیوه قابل شناسایی می‌باشد. بر شماری این ضوابط از حوصله این نوشته خارج است و ما تنها به ذکر اجمالی مشخصات چهار سنت اصلی، یعنی یهویست، الوهیست، تثنیه و کهانت اکتفاء می‌کنیم.



## مراحل تاریخی نگارش سنتهای مختلف

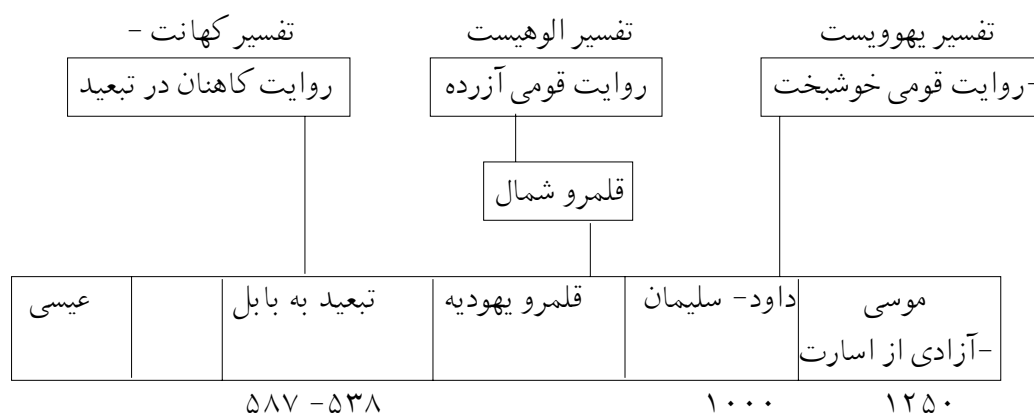
\* ابتدا وقایعی وجود دارد که همانطور که خواهیم دید طی چندین قرن گسترش می یابد: حدود سال ۱۵۵۰ و حوالی سال ۱۲۵۰، اجداد اسراییلیان مصر را ترک نموده در کنعان استقرار یافتند. موسی رهبر موج مهاجرت دوم بود.

\* در حدود سال ۱۰۰۰، داود قلمروی پادشاهی بنا نهاد که با مرگ پسرش سلیمان، به دو قسمت انشقاق یافت: قلمرو جنوب یا یهودیه که پایتخت آن اورشلیم و قلمرو شمال یا اسراییل که پایتختش سامره بود. در این دو قلمرو بود که یهودیان آغاز به تفکر در تاریخ و پیدایش قوم خود نموده، اولین تاریخچه موسی و خروج را به رشته تحریر درآوردند. در اورشلیم، از حدود سال ۹۵۰ پیش از میلاد، تاریخچه مقدس یهودیه را نگاشتند (سنت یهوئیست زیرا که در آن خدا را «یهوه» می نامیدند). در سامره حدود سال ۷۵۰، تاریخ مقدس شمال را نگاشتند (سنت الوهئیست، چون در آن خداوند را اغلب «الوهیم» می خواندند). در آن جا همچنین آغاز به تحریر کتاب تثنیه نمودند. قلمرو شمالی در سال ۷۲۱ از صحنه تاریخ محو گشت.

\* قلمرو جنوب تنها حامل تاریخ اسراییل باقی ماند و به مدت نیم قرن یعنی بین سالهای ۵۸۷ تا ۵۳۸، مردم آن به بابل تبعید گردیدند. آنان برای این که امید از دست رفته خود را باز یابند به گذشته خود نگریستند. پس کاهنان تاریخ مقدس کهانت و همچنین کتاب «لاویان» را به رشته تحریر درآوردند.

\* در حدود سال ۴۰۰، عزراء این سه تاریخ مقدس را که قبلاً نگاشته شده بود و همچنین تثنیه و لاویان را جمع آوری کرده در هم آمیخت و به اثر واحد حجیمی در پنج قسمت تبدیل نمود که کتب خمسه نامیده می شود. این مجموعه را «تورات» نامیده کل آن را اثر موسی تلقی می کنند.

اکنون می توانیم خصوصیات هر یک از این سبک ها را بررسی کنیم:



### یهوئیست

سنت یهوئیست همان روش تقالان مردمی است که قادرند با چند حکایت پرآب و تاب پیامهایی را برسانند که اغلب معنایی ژرف دارد. در این حکایتها احساس برتری مطلق و بیکران خدا بگونه عجیب و جالبی با لحنی عامیانه که از جلوه دادن اعمال خدا به شیوه کارهای انسانی هراسی ندارد، بیان می گردد. برای نمونه به روایت اول فراخوانده

شدن موسی (خروج ۳ و ۴) گوش فرا دهید که در آن از بوته، آتش و نعلین صحبت می‌شود و نیز به (خروج ۳۴:۱-۲۸) و (اعد ۱۰:۲۹-۳۶، ۱:۲۴-۲۵) نگاهی بیفکنید.

### الوهیست

لحن کلی سنت الوهیست نسبتاً به سنت یهوئیست نزدیک می‌باشد. متون الوهیست در ناحیه شمال کشور ثبت شده که این ناحیه بیش از اورشلیم، یعنی محل تدوین متون یهوئیست، در معرض نفوذ بت پرستی قرار داشته است. از این رو متون الوهیست دارای لحنی جدی‌تر و خوش مزگی کمتری است. در این متنها بر حرمت برتری مطلق خدا تأکید بسیار می‌شود و بدین جهت از ذکر هر عبارتی که ممکن است خدا را بشکل انسان قلمداد کند (و او را از این راه احتمالاً به بتها نزدیک نماید) احتراز می‌گردد. بعنوان نمونه می‌توانید متن ده فرمان را در باب ۲۰ خروج و باب ۱۲ اعداد مطالعه نمایید.

### تثنیه

عنوان این سنت از آنجایی ناشی می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق متنهای آن در کتاب تثنیه گردهم آمده است. شیوه ادبی در این سنت، فراخ، بسیط و گاهی هم تا حدی غلمبه غلمبه است، مانند شیوه واعظی که قصد داشته باشد طرف را متقاعد ساخته به عمل وادار کند ولو اینکه در مواقعی تهدید هم بکار برد. (تث ۱۰:۱۲-۲۲) را بعنوان نمونه مطالعه نمایید.

### قانون کهنانت

سنت چهارم، قانون کهنانت نام دارد چرا که بخش عمده‌ای از متنهای مقننه و حقوقی را شامل می‌گردد. شیوه آن عمدتاً خشک و فنی است حتی در روایاتش (اعد ۱۰:۱-۲۸، که از متون قانون کهنانت است با اعد ۱۰:۲۹-۳۶، که از متون سنت یهوئیست می‌باشد بعنوان نمونه مقایسه شود). آنچه در سراسر این سنت مشهود می‌باشد توجهی است مداوم به حفظ و رعایت تسلسل که بشکل علاقه ویژه‌ای به نسب نامه‌ها ابراز گردیده است (رجوع شود به باب ۵ پیدایش).

### مادر بزرگ و مأمور ثبت اسناد

چنانچه بخواهیم چهار سنت تورات را با مزاح گویی توصیف نماییم، می‌توانیم مکتب یهوئیست را به مادر بزرگ خوش رویی تشبیه کنیم که خاطرات خانوادگی را نقل می‌کند و مکتب الوهیست را به مادر بزرگ دیگری که او نیز خاطرات را بازگو می‌کند اما به اخلاقیات نوادگان خود هم چشم دارد و این چشمداشت در روایات وی اثر می‌گذارد. مؤلف متنهای تثنیه یک خطیب است در حالی که قانون کهنانت اثر یک مأمور ثبت اسناد می‌باشد که اندکی خشک و نکته بین بوده و این رعایت دقیق قانون، بیانگر پرهیزگاری عمیق اوست.

اما نگذارید که تشبیهات فوق، تورات را در نظرتان نوعی کتاب علم غیب وانمود سازد که بالعکس انعکاس زنده و عاشقانه‌ای است از جستجوی خدا توسط آنهایی که در ایمان، پدران ما هستند.

## تورات و سامریان

همانطور که می دانید از زمان انفکاک قبایل شمالی از قبایل جنوبی فلسطین در سال ۹۳۵ قبل از میلاد (کتاب اول پادشاهان باب ۱۲)، یهودیان یعنی ساکنین استان یهودیه در جنوب فلسطین، سامریان را بعنوان منحرفین از ایمان می شناختند زیرا اولاً برای خود پادشاهی جدا از سلسله داود و کهانتی جدا از سلسله هارون برگزیده بودند، و ثانیاً در سال ۷۲۱ قبل از میلاد در زمانی که قلمرو شمالی توسط آشوریان فتح گردید، قسمت اعظمی از ساکنان آن نواحی را به تبعید بردند و بجای ایشان قبایل بت پرست را اسکان دادند. این قبایل تحت نفوذ اسرائیلیانی که در مملکتشان مانده بودند، به یهوه ایمان آوردند بی آنکه بتشان را ترک گویند. ناگفته نماند که ایشان تنها پنج کتاب تورات را بعنوان کتاب آسمانی می پذیرفتند بنابراین یهودیان آنان را مشرک دانستند. در زمان عیسی نیز روابط یهودیان با سامریان بسیار تیره بوده است (لو ۹:۵۱-۵۶، یو ۴:۹، ۸:۴۸).

تورات سامریان با متن رسمی آن اختلافات جزئی دارد. اما این پنج کتاب برای سامریان حائز اهمیت بسیاری می باشد چرا که سایر کتب را نمی پذیرند. سامریان در انتظار پادشاهی بعنوان مسیح و جانشین داود نبودند بلکه در انتظار پیغمبری بزرگ چون موسی بودند (تث ۱۸:۱۸-۱۹) ■

درباره سنتهای مختلف تورات رجوع کنید به بخش ضمیمه

درباره سنت تثنیه رجوع کنید به کتاب «گذر از اسارت مصر» صفحه ۱۹۱-۲۱۱

## در باب نگارش کتاب پیدایش

در عصر ما کتاب اثری است فردی یا گروهی که غالباً به امضاء نویسنده یا نویسندگان می‌رسد و شناسایی نویسنده یا نویسندگان و شرایط تدوین آن امر مشکلی نیست. اما آنچه در مورد کتابهای امروز و حتی دیروز صادق است، در مورد پاره‌ای از کتابهای بسیار کهن تمدن بشری، دیگر نمی‌تواند صادق باشد.

مثالی را در نظر می‌گیریم که از زمان ما زیاد به دور نیست. آیا می‌توان گفت نخستین سراینندگان قصاید حماسی قرون وسطی چه کسانی بوده‌اند؟ آن سراینندگان دوره گرد که اشعار را در مجالس می‌سرودند، متن اصلی و مشترک قصاید را به سلیقه خود مزین و به اصطلاح شاخ و برگ می‌دادند و آنها را همراه با این تغییرات به سراینندگان دیگر منتقل می‌کردند. این امر باعث شد که متن این قصاید به صورتی که امروز به دست ما رسیده در واقع هم اثر مولف اولیه باشد و هم کار شاعرانی که ذره ذره در تکمیل آن کوشیده‌اند. این است آنچه سنت زنده می‌نامیم. بخشهای مختلف کتاب مقدس نیز بدین شیوه تالیف شده‌اند. در بسیاری از اسفار و بخصوص در کتاب پیدایش تشخیص دوره‌های مختلف روایات که در مکانهای مختلف تنظیم شده‌اند، کار نسبتاً آسانی است.

قبایل بنی اسرائیل همگی از هجرت های نیاکان و «سالاران» خود و همچنین سرگذشت قوم عبرانیان تا زمان ورودشان به سرزمین موعود، خاطرات مشترکی را حفظ کرده بودند اما هر یک از این قبایل به وقایع تاریخی مربوط به عبادت گاههای محلی و به ویژگیهای پیشینه قومی خود توجه بیشتری مبذول می‌داشتند. این روایات قدیمی در دوران‌های مختلف و تحت تأثیر جنبش‌های احیاء مذهبی، که همه را به «بازگشت به مبدأ» دعوت می‌کرد، گردآوری و اغلب از نو نوشته شده و به مجموعه‌هایی که بیشتر تنظیم شده بود، ملحق گردیده است.

کتاب پیدایش کتابی است که به وسیله نویسندگان متعدد به نگارش در آمد و تألیف آن قریب هفت قرن یعنی از زمان خروج از مصر به همراه موسی (مقارن ۱۲۵۰ ق.م) تا بازگشت از تبعید بابل (۵۳۸ ق.م) به دراز کشید. از آنجا که این نویسندگان برای ما گمنامند، آنچه برای تحقق ما باقی می‌ماند تشخیص دورانهای بزرگ احیاء و تجدّد است که این متون مختلف در طی آن گردآوری شدند.

۱- در زمان موسی، قبایل منشعب از ابراهیم، برای نخستین بار حماسه مشترکی را تجربه نمودند که همانا رهروی طولانی ایشان در صحرای سینا بود. از این جریان روایاتی باقی مانده است که دارای نشانه‌های مشترک در تمام تمدن‌های کوچ نشین است. اما در کتاب پیدایش، تشخیص سنت‌هایی که به این عهد باز می‌گردد در اصلت اولیه خود مشکل است، زیرا با دخل و تصرفاتی که بعداً در آنها شده به صورت زیر بنای روایاتی در می‌آیند که در زمانی مؤخرتر نوشته شده‌اند. مع الوصف شخصیت برجسته موسی بر تمام تاریخ پیدایی این قوم سایه افکنده است و در خاطره آدمیان، مؤلف اصلی اسفار نخستین کتاب مقدس باقی خواهد ماند.

۲- در زمان داود و سلیمان (۹۰۰-۱۰۰۰ ق.م) قوم برگزیده دارای پادشاهی می‌شود و قدرت سلسله پادشاهی که تأسیس می‌یابد بر مبنای سنتهای مذهبی نیاکان قرار می‌گیرد. در این زمان در جنوب فلسطین یعنی کشور یهودیه که نظام پادشاهی در آن پا گرفته بود، گردآوری روایات مختلف رایج آغاز گردید. از این رو متون تشکیل دهنده این مجموعه منعکس کننده زبان و تشریفات و رسوم و افکار مذهبی رایج دربار اورشلیم می‌باشد. در این متون اغلب خداوند بنام «یهوه» نامیده شده است و گزینش عنوان سبک و سنت «یهویست» از همین جا ناشی می‌گردد.



۳- یکی دو قرن بعد، این قلمرو به دو بخش تقسیم گردید. در سامره پایتخت بخش شمالی، قدرتمندان تجدید حیات آیین های بت پرستی قدیمی کنعان را که قبل از آمدن عبرانیان به آنجا مرسوم بود، ترغیب نمودند. انبیا در برابر این خیانت بپا خاستند و به همراه ایشان اعضای جنبشی مذهبی نیز بپا خاست که سعی در بیدار ساختن ایمان نیاکان با بازگشت مجدد به منابع و اصالت اولیه داشت. متونی که از این رهگذر فراهم آمد و باز نوشته شد دارای رنگ ضد سلطنتی است و به آرمانها و اندیشه های نبوتی نزدیکتر است. این تفسیر و روش را الوهیت می نامیم زیرا در این سبک خداوند «الوهیم» خوانده شده است.

۴- در سال ۵۸۶ ق.م، اورشلیم به تصرف دشمن در آمد و برجستگان قوم به بابل تبعید شدند. در آن حال کاهنان اورشلیم برای حفظ روحیه وحدت در بین تبعیدیان، آنان را به تعمق و اندیشه در باب گذشته دور دست قوم خود ترغیب نمودند. از این رو سعی کردند که تفسیر یهویست و الوهیت را بوسیله متونی که جدیداً به رشته تحریر در آورده بودند، پیوند دهند، متونی که در واقع چهارچوب کل این مجموعه را تشکیل می دهد. متونی که در این عهد نوشته شد به تفسیر «کهنانی» معروف است. به این ترتیب کتاب پیدایش به نحوی که امروزه آن را می یابیم اختتام پذیرفت. ■

زمان تدوین سه باب اول کتاب پیدایش در تاریخ قوم بنی اسرائیل				
باب ۱		بابهای ۲ و ۳		
انتظار مسیح	تبعید در بابل	پادشاهی یهودیه	داود و سلیمان	موسی رهایی از بندگی
میلاد مسیح	۵۳۸-۵۸۷		۱۰۰۰	۱۲۵۰

<p>بابهای ۴: ۲: ۴۲: ۳</p> <p>روایت پیدایش</p> <p><b>* در کدام دوره از تاریخ؟</b> در قرن دهم ق.م در دوران کامیابی. مسئله دردناک شرمواره مطرح است.</p> <p><b>* به قلم کی؟</b> احتمالاً توسط «حکیمان» و شاید نیز توسط کاتبان دربار سلیمان.</p> <p><b>* در پاسخ کدام سئوالات؟</b> چرا درد؟ چرا مرگ؟ چرا در اوج نیکبختی، وسوسه بی وفایی پیش آید؟</p> <p><b>* چرا این روایات را «یهوی» می نامند؟</b> زیرا مؤلفان از ابتداء خداوند را «یهوه» می نامند.</p>	<p>بابهای ۱ الی ۴: ۲</p> <p>روایت پیدایش</p> <p><b>* در کدام دوره از تاریخ؟</b> در قرن ششم ق.م به هنگام تبعید در بابل. در ایام غربت و شک و تردید.</p> <p><b>* به قلم کی؟</b> احتمالاً توسط «کهنانی» که تحت تاثیر پیامهای انبیاء آن زمان قرار گرفته بوده ند.</p> <p><b>* در پاسخ کدام سئوالات؟</b> آیا خداوند ما را از خاطر برده است؟ آیا «خروج» مجدد امکان دارد؟</p> <p><b>* چرا این روایات را «کهنانی» می نامند؟</b> زیرا توسط کاهنان نوشته شده است.</p>
---	---

## در باب نگارش کتاب تثنیه

کتاب تثنیه شامل دو بخش عمده کاملاً نا برابر می باشد:  
بخش اول از قوانین و مباحث تشکیل می شود.  
بخش دوم سرگذشت موسی را به پایان می رساند.

### بخش اول (باب های ۱ الی ۳۰)

این بخش مجموعه ای پر از شرح و تفضیل است که در طی قرن‌ها بسط داده شده است. با این حال شالوده پیمانهای قدیمی دوستی را که عبارت است از یادآوری تاریخی دستورات، وعده‌ها و تهدیدها (رجوع شود به مقاله «پیمانهای سلطنتی و پیمان خدا» صفحه ۹۸) می توان براحتی در آن یافت.

- \* در آغاز کتاب، تاریخ راه پیمایی در صحرا و پیروزیها در شرق اردن بازگو می شود (تثنیه ۱:۱ الی ۳:۲۹).
- \* در اواسط کتاب (باب ۱۲ الی ۱۶:۲۶) مجموعه قوانین آمده است.
- \* اندکی بعد از آن می توان رشته طولانی برکات و نفرین‌ها را خواند (۱:۲۸-۶۲).

اما خاطرات، نصایح و دیده‌هایی بسوی آینده، پیوسته با اینها آمیخته می شود. تثنیه ما را به یاد آن کلیساهای بزرگ قدیمی می اندازد که طاقهای مختلف آن از روی اصول علمی بر یکدیگر سوار شده و همانطوری که زیباترین تصاویر، اغلب در طاقچه‌هایی از کلیسا یافت می شود، قطعه‌های زیبای کتاب تثنیه نیز نه در مجموعه قوانین بلکه در مباحث پیرامون آن به چشم می خورد.

### مبحث اول (۱:۱-۴۳:۴)

در رأس این قسمت پیشگفتاری آمده است که آشکارا به آخرین مؤلف کتاب تعلق دارد (۱:۱-۴). بعد از آن، رشته سخن به موسی نسبت داده می شود (۱:۵ و...). موسی پس از مرور روایات نقلی (۱:۱۵ الی ۳:۱۹) توصیه‌های معنوی را بسط می دهد که در میان آنها اعتراف نیکوی ایمان به حکمت قانون خدا (۴:۵-۸). یک اشاره دقیق به تبعید و بدنبال آن وعده بازگشت به ایمان در آتیه به چشم می خورد (۴:۲۶-۳۱) وعده‌های خوشبختی و عمر دراز (۴:۴۰) این مبحث اول را به پایان می برد بنا به برخی علایم موجود تاریخ این بخش متعلق به دوران تبعید یا شاید به سده‌های بعد از آن می باشد.

### مبحث دوم (۴:۴-۱۱:۳۲)

وجود یک مقدمه مجدد، مؤید نظر فوق می باشد (۴:۴-۴۹). چنین می توان پنداشت که این مبحث، «کتاب پیمان» شاه یوشیا است که در اینجا همراه با پاره‌ای اضافات احتمالی عرضه می شود. بار دیگر تصور می شود که ناطق خود موسی است (۵:۱ و...). حال مابین نطق وی زیباترین قطعات یافت می شود: ده فرمان (۵:۱-۲۲)، فرمان اعظم (۶:۴-۵) و ابراز ایمان به رسالت قوم خدا (۷:۶-۱۵) این مبحث با

دعوتی به انتخاب بین برکت و نفرین خاتمه می یابد (۲۶:۱۱).

\* برقراری بزرگداشتی در پیش است (۲۹:۱۱-۳۰).

\* قوانین و رسوم باید رعایت شود (۳۲:۱۱).

این کلمات مقدمه چهارده باب مجموعه قوانین می باشد.

### مجموع قوانین تثبیه (۱:۱۲-۱۶:۲۶)

آنچه بیش از همه در این بخش مورد توجه قرار می گیرد قانون مربوط به یگانگی مکان مقدس (۱:۱۲ الی ۱۶:۱۷) و یک خلاصه بسیار قدیمی از خاطرات تاریخی بنی اسرائیل است (۲۶:۵-۱۰).

دنباله مبحث دوم (۱۷:۲۶-۶۹:۲۸)

سخنرانی از سرگرفته می شود و موسی اظهار می دارد که بین خدا و قوم وی وعده هایی مبادله شده است (۱۷:۲۶-۱۹).

\* بزرگداشت اعلان شده تشریح می گردد (۱:۲۷-۲۶).

\* برکات و نفرین ها بیان می گردد (باب ۲۸) و خاتمه «کتاب پیمان» در پی آن می آید (۶۹:۲۸).

### مبحث سوم (۲۹-۳۰)

این مبحث معادل مبحث اول است و بمانند آن تماماً به دوران تبعید یا بازگشت تعلق دارد. پیوستگی نسلیها (۱۳:۲۹)، وعده بازگشت آینده به راه خدا (۶:۳۰-۸) و ستایش قانون، که اکنون کاملاً به آدمیان نزدیک شده است (۱۱:۳۰-۱۴) از جمله مطالبی است که نظر را بخود جلب می کند.

## بخش دوم (بابهای ۳۱ الی ۳۴)

رشته های متعددی از خاطرات در این ابواب نهایی درهم پیچیده شده است:

- نخست موسی اقتدار خود را به یوشع منتقل می کند و بدین ترتیب مقدمه کتاب یوشع که در پی آن خواهد آمد تهیه می شود (۱:۳۱-۸).

- قانونی به رشته تحریر در آمده (۹:۳۱-۱۳) و در کنار «بارگاه پیمان» قرار داده می شود (۲۴:۳۱-۲۷) تا چشمه ای بهر حیات قوم گردد (۳۲:۴۵-۴۷). چنین می توان پنداشت که این مطالب همان خاتمه کتاب یوشع بود.  
- سرود مقدسی توسط موسی و یوشع تصنیف می گردد (۳۱:۱۹-۳۳) و سپس توسط آنها خوانده می شود (۳۱:۲۸ و ۳۲:۴۴). تعدادی از علایم شیوه ای ادبی این نظر را پیش می آورد که این سرود متعلق به دوران بازگشت از تبعید است.

- موسی طبق دستور خدا به کوه «نبو» صعود می کند (۳۲:۴۸-۵۲)، قوم را برکت می دهد (۳۳:۱-۲۹) و در همان جا جان می سپارد (باب ۳۴). بخش اخیر که ترکیبی از سبک کهانت و سبک الوهیست است، احتمالاً نخست خاتمه کتاب اعداد بوده است تا زمانی که کتاب تثبیه به کتب مقدسه ملحق گشته به گونه ای که امروز هم هست.

## مفهوم امروزی کتاب تثنیه

تثنیه ظاهراً هدفی ندارد غیر از نمایش یک پادشاهی اسرائیل سعادت‌مند و بی‌دردسر که در داخل مرزهایی که خدا برایش تعیین کرده محفوظ می‌ماند. سعادت‌ی که کتاب تثنیه برای قوم خود در نظر می‌گیرد منحصر به یک سعادت دنیوی و مادی می‌باشد.

از آن گذشته، تثنیه ظاهراً حتی تصور آن را ندارد که سرنوشت بنی اسرائیل زمانی در ملل دیگر نیز تأثیر خواهد داشت که این قوم حامل وعده‌ای جهانی می‌باشد و امتیازاتشان فقط یک روی قضیه است که روی دیگر آن مسئولیتی است که نسبت به مجموع انسانها دارند.

آیا مطرح کردن مفهوم امروزی کتاب تثنیه امری ضد و نقیض نیست؟ مگر اینکه نویسنده خواسته باشد با این کار توجه را بخود جلب کند. معذالک نگارنده جداً عقیده دارد که وضع مسیحیان در دنیای امروز از جهات معینی با اوضاع ایمانداران عهد تثنیه قابل قیاس می‌باشد.

### از خود چه می‌گویی ای اسرائیل؟

طبق آنچه این روزها گفته و نوشته می‌شود مسیحیان دستخوش «بحرانی» هستند که شاید بحران ایمان باشد اما در هر حال یک بحران هویت می‌باشد. آنها دیگر بدرستی نمی‌دانند چه هستند و اصالت آنها و ویژگی مسیحیت چه می‌باشد. در نتیجه در جلسات بحث و گروه‌های تحقیق دائماً این سؤالات مطرح می‌شود: «مسیحی بودن یعنی چه؟ بین یک فرد مسیحی و غیر مسیحی چه تفاوتی وجود دارد؟ داشتن ایمان چه چیزی را تغییر می‌دهد؟ کاربرد ایمان چیست؟ و جز اینها.

حال در زمان تدوین کتاب تثنیه وضع ایمانداران عیناً همین بوده است. قرن هشتم قبل از میلاد دورانی مشوش و سخت بود که طی آن بنی اسرائیل در معرض این وسوسه قرار گرفته بود که همانطوریکه در باره پادشاهی‌های مجاورش می‌اندیشید، خود را داخل سیاست همگانی کند و رفتار خود را با ملت‌های دیگر و قدرتمندتر تطبیق دهد تا جایی که خدایان و مراسم آنها را قبول کند. سؤالی که کتاب تثنیه برای نسل معاصر خود مطرح می‌کند این است: «از خود چه می‌گویی ای اسرائیل؟» و برای یاری دادن به آنها برای یافتن جواب، اندیشه آنها را متوجه گذشته قوم می‌سازد تا بواسطه این تاریخ، ایمانداران را رودرروی یک معجزه بی‌نظیر یعنی ابتکاراتی که خدا بخاطر اسرائیل بکار برده بود، سازد و تعجب آنان را برانگیزد.

### خدا راه محبت کردن بنی اسرائیل را برگزید

در واقع از نظر کتاب تثنیه «همه چیز فیض است». تاریخ بنی اسرائیل در نهایت امر، تنها بواسطه فیض آزاد خدا و انتخابی که از آن قوم بعمل آورد، قابل توجیه می‌گردد چرا که خدا راهی را برگزید تا بنی اسرائیل را محبت کند. موضوع انتخاب در اینجا نقش بنیادی دارد (تثنیه ۴:۳۷ و ۶:۷-۷:۹ و ۵:۱۴). حتی این احتمال وجود دارد که کتاب تثنیه از لحاظ قدمت تاریخی نخستین اثر عهد عتیق باشد که فعل «انتخاب کردن» در آن محتوای حکمت الهی خود را یافته است. چرا خدا اسرائیل را انتخاب می‌کند؟ زیرا آن را محبت می‌نماید. چرا آن را محبت می‌نماید؟ انتخاب خدا قابل توضیح نیست زیرا ریشه آن در خود محبت خدا و آزادی مطلق وی در محبوب داشتن هر کس که بخواهد نهفته است. این انتخاب خدا مطلقاً آزاد بوده نیاز به توجیهی ندارد و همچنین به لیاقت و شایستگی ما هم بستگی ندارد.



بجاست که قطعه بسیار زیبای (۷: ۶-۹) را دوباره بخوانیم که بر رساله پولس به رومیان سبقت گرفته می گوید که بنی اسرائیل چیزی نداشتند که چنین انتخابی را موجه سازند (رجوع شود به ۱: ۹ و... ) چرا که آنها «قومی گردنکش» هستند. پس چنانچه خدا همواره عهد خود را محترم می دارد دلیل آن را جز در وفاداری او به سوگندی که نزد نیاکان قوم یاد کرده و در محبت خستگی ناپذیر او، علیرغم ناسپاسی و نافرمانی های دائمی قوم برگزیده اش، نباید جست. بنابراین شکل گیری قطعی قوم اسرائیل در نتیجه همان فیض خداست.

### بر سرچشمه های شگفتی

حال آیا در مورد کلیسا نیز چنین نیست؟ امروز هم بی گمان می بایستی مؤلف کتاب تثنیه را سرمشق قرار داده به سرگذشت خود بیندیشیم تا در مقابل معجزه بزرگی که ناگزیر با آن روبرو هستیم یعنی خود عیسی مسیح نجات دهنده، توان رویارویی با این معجزه را بیابیم. بگفته کارل بارت: «اوست که در ورای هر معیاری، آن «معجزه» می باشد که قادر است هرکس را که با وی آشنا می شود، به انسانی مبدل نماید که تا اعماق وجودش متحول گشته و بگونه کامل و قطعی شگفت زده باشد.» ■

### کتابی که در زمان پوشیا پادشاه کشف شد

#### تمودار تاریخ تنظیم کتاب تثنیه

	مجموع القوانین تثنیه ای					هسته مرکزی قدیمی
پایانی که آینده را می سازد	بزرگداشت عهد		دعوت به جشن گرفتن عهد			اضافات قدیمی
						خاتمه
	دعوت به بازگشت به خدا		یادآوری خروج			اضافات جدیدتر
روایات و سرودها	مبحث سوم	دنباله مبحث دوم	مجموع القوانین تثنیه ای	مبحث دوم	مبحث اول	کتاب تثنیه بگونه ای که ما آن
	۳۰-۲۹	۲۸-۲۷	۲۶-۱۲	۱۱-۵	۴-۱	باب های
بخش دوم	بخش اول					

### در باب نگارش کتابهای پیامبران

در کتاب مقدس عبری، پیامبران نخستین و پیامبران ثانی از یکدیگر مجزا بوده و به ترتیب زیر تقسیم شده‌اند:

- \* پیامبران نخستین شامل: یوشع نبی، داوران، کتاب اول و دوم سموئیل و کتاب اول و دوم پادشاهان می‌باشد.
- \* پیامبران ثانی شامل: اشعیا نبی، ارمیاء نبی، حزقیال نبی و دوازده پیامبر کوچک است.

به نکاتی درباره این طبقه بندی اشاره می‌کنیم:

- ۱- گروه اول شامل چند کتاب (فقط چند تا) می‌باشد. در چاپهای کتاب مقدس آنها را تحت عنوان «کتابهای تاریخی» آورده‌اند زیرا وقایع تاریخی را روایت می‌کنند. ولی لازم به یادآوری است که کتابهای یوشع نبی و داوران فقط قسمت کوچکی از تاریخ را دربردارند در صورتی که در کتابهای سموئیل و پادشاهان، تاریخ بصورت مداوم تری آمده و از سال ۱۰۰۰ تا ۵۸۷ پیش از میلاد وقایع تاریخی به ترتیب توالی و مداوم تشریح شده‌اند.
- ۲- بطوری که در سرتاسر این کتابها مشاهده می‌شود پیامبرانی ظهور می‌کنند که وقایعی را به ذهن خطور می‌دهند یا علت وقوع حوادث را توضیح می‌دهند. بعضی از این پیامبران (همچون یوشع نبی) مرد عمل هستند: اعمال و نیات یهوه را انجام می‌دهند و برخی دیگر (همچون ارمیای نبی) آورنده پیام خدا هستند.
- ۳- از سال ۷۵۰ پیش از میلاد مسیح قسمتی از پیشگوییهای بعضی از این پیامبران بصورت نوشته جمع‌آوری شده است. این پیشگوییها در کتابهایی جمع‌آوری شده که آنها را «پیامبران ثانی» می‌نامند. بیشتر اوقات در این کتابها زمان و موقعیت هریک از این پیشگوییها تعیین گردیده است.
- ۴- بنابراین، کتاب «پیامبران دوم» در پیرو و ادامه کتاب «پیامبران نخستین» نبوده بلکه توضیح و تصویری از آن است و کلمات «نخستین» و «ثانی» ترتیب آنها را از نظر تقدم و تأخر زمانی تعیین نمی‌کند بلکه طرز قرار گرفتن آنها در مجموعه کتاب «پیامبران» است.

#### تاریخ و نبوت

آنچه در کتابهای پیامبران اعم از نخستین یا ثانی حائز اهمیت است رسالت و نبوت می‌باشد. پس رسالت و نبوت چیست؟ سخنانی هستند که به آدمیان گفته می‌شوند تا از خدا گویند.

ولی این «کلام» منحصر به سخنان شفاهی نیست که بر زبان جاری شوند. وقایعی که رخ می‌دهند نیز کلام خدا هستند ولی بایستی آنها را دیده و معنی و مفهوم آنها را درک کرد. کتابهای نبوتی در این باره ما را یاری می‌نمایند.

هدف و منظور از این کتابها شرح و تفصیل وقایع تاریخی نیست بلکه فقط تعدادی از این وقایع را نشان می‌دهند تا عمل خدا را تفهیم نمایند. بنابراین بیش از آنکه بحث درباره تاریخ باشد جنبه وعظ و خطابه دارند.

منظور و هدف این است که بفهمانند خدا اعمال آدمیان و اعمال ملتها را داوری می‌کند و از ورای نوسانات تاریخ بشری، خدا تدبیر و عزم خود را می‌نمایاند که نجات و رستگاری آدمیان است. بدین سبب بوسیله پیامبران آدمیان را در صورت لزوم محکوم می‌کند تا آنان را به توبه برآورد، به راهی بازگرداند که بر طبق «عهد و پیمان» دوستی و محبت که با خدا بر سینا منعقد کرده بودند زندگی نمایند.

#### پیامی برای ما

یهودیان بارها و بارها کتاب پیامبران را خوانده‌اند. هر روز شنبه در کنیسه‌ها دو قرائت از کتاب مقدس خوانده

می شود که یکی از تورات و دیگری از کتاب پیامبران است ولی قسمت تورات مهمتر می باشد.  
پیامبران همواره ایمان و امید اسرائیل را در شرایط و اوضاع و احوال مختلف و مخصوصاً اوضاع شوم و فجیع محکم کرده و او را بسوی آینده سوق داده و رهبری کرده اند. بدین سبب هنگامی که در کنیسه شهر ناصره از عیسی درخواست کردند قسمتی از کتاب پیامبران را بخواند قطعه ای از کتاب اشعیای نبی را انتخاب کرد تا بدین وسیله اعلام انجیل را آغاز نماید ■

دیگر نوشته ها

کتابهای تاریخی و نبوتی

تورات

خروج در حدود سال ۱۲۵۰ ق.م سنتهای غیر مکتوب درباره پدران قوم، خروج، فتح کنعان و استقرار در آن

داود ۱۰۱۰

۱۰۰۰

تاریخ داود

متون تفسیری یهوئست (J)

مزامیر

دوران ایلیا و الیشع

متون الوهئست (E)

دو پادشاهی در حدود سال ۹۳۱

امثال

( سالنامه های پادشاهی )

## دوران پادشاهی

عاموس	۷۵۰
هوشع	
اشعیا	سقوط سامره ۷۲۱
میکاه	فقط یهودیه باقی ماند
یوشع	
داوران	
سموئیل	
مزامیر	پادشاهان
امثال	
صفنیا	متون تثنیه (D)
ناحوم	قانون تقدیس
ارمیا	
حبقوق؟	۶۰۰

اولین تبعید ۵۹۸

دومین تبعید ۵۸۷

مزامیر

مراثی ارمیا

حزقیال

اشعیای دوم

قانون کهنانت

## تبعید

۵۳۸

کوروش

مزامیر	حجی
کتاب امثال	زکریا
ایوب	اشعیای سوم
جامعه	عوبدیا
غزل غزلها	ملاکی
	یوئیل؟
تواریخ ایام	
عزرا	
نحمیا	

اسفار خمسه

## بازسازی دوره پارسیان

(J+E+D+P)

۳۲۳

مرگ اسکندر

طوبیاس	باروک
استر	بن سیراخ
یهودیت	دوم مکابیان
	اول مکابیان
	حکمت

## دوره یونان

## بخش سوم

### در باب مفاهیم کتاب مقدس

- ۱۶۱ ..... قسمت اول : القاب خداوند
- ۱۶۲ ..... قسمت دوم : القاب مسیح
- ۱۶۳ ..... قسمت سوم : اعمال خداوند
- ۱۶۴ ..... قسمت چهارم : کلام خداوند
- ۱۶۵ ..... قسمت پنجم : مظاهر کتاب مقدس



اش ۳:۶، عا ۲:۴، هو ۱۱:۹ مقایسه شود با لو ۱:۴۹؛  
یو ۶:۶۹، ۱۷:۱۱.

#### ۶- خداوند مقرب

با وجود اینکه خداوند برتر از دیگران است ولی به  
انسان نزدیک می باشد. خروج ۳۳:۱۴-۱۷؛ تث ۱:۳۱،  
۷:۴؛ مز ۴۲ و ۶۳ مقایسه شود با یو ۱۴:۲۳.

#### ۷- خداونده زنده (حی)

کتاب مقدس از نشانه هائی استفاده کرده تا به ما  
کمک کند که شناخت بهتری از خداوند داشته باشیم.  
خداوند می خرامد: پید ۳:۸، خداوند استراحت می کند:  
پید ۲:۱-۲، خداوند صحبت می کند: پید ۱:۳، ۲۷، ۳۰،  
۱:۱۲، خداوند می بیند: خروج ۷:۳، خداوند می شنود:  
خروج ۷:۳، با خداوند زندگان مقایسه شود لو ۲۰:۳۸؛  
یو ۵:۲۰، عیسی حیات است: یو ۱۴:۶.

#### ۸- خداوند محبت می نماید

انبیا بتدریج محبت خداوند را کشف می کنند.  
خداوند انسان را محبت می نماید:  
- مانند پدر: هو ۱۱:۴؛ تث ۸:۵؛ ار ۳:۱۹؛ مقایسه  
شود با یو ۱۶:۲۷  
- مانند همسر: هو ۲:۱۶؛ ار ۲:۲؛ تمام غزل غزلها  
مقایسه شود با یو ۳:۲۹  
- مانند مادر: اش ۴۹:۱۵  
- مانند شبانی که گوسفندان خود را دوست می دارد:  
حزق ۳۴:۱۶، عیسی شبان است. یو ۱۰:۱۱  
- مانند کشاورزی که تاکستان خود را دوست  
می دارد: اش ۵:۱، ۳:۲۷، عیسی تاکستان است:  
یو ۱۵:۱.

#### ۹- خداوند روح است

خداوند روح است. واژه روح به معنای نفس  
(دمیدن) می باشد. روح خداوند و دنیا: پید ۱:۲؛ خداوند  
روح خود را به بنده اش عطا می کند: اش ۴۲:۱. ۶۱:۱

### قسمت اول: القاب خداوند

#### ۱- خداوند خالق

خداوند مالک زمین و انسان بوده و همه چیز توسط  
او آفریده شد. او خالق و قادر مطلق می باشد: پید ۱:۱،  
۴:۲؛ مز ۱۰۴. عیسی و آفرینش: یو ۱:۱-۴.

#### ۲- خداوند ابراهیم

خداوند خود را به ابرام شناساند، اسم ابرام را به  
ابراهیم تبدیل نمود که به معنی پدر قوم بزرگ می باشد  
و خودش را مانند خداوند یگانه به او شناساند:  
پید ۱:۱۲.

#### ۳- من هستم، «یهوه»

خداوند خود را به اسم یهوه به موسی معرفی کرد:  
«من هستم آنکه هستم» یعنی اینجا هستم از ازل بودم و  
برای همیشه ابدی هستم (خواهم بود) خروج ۳:۱۴.  
عیسی این نام را متعلق به خود می داند: یو ۸:۵۸. این  
لغت به خداوند یا سرور ترجمه شده است. همچنین  
می توان اینطور ترجمه کرد که «هستم آنکه هستم» به  
این معنی که: مافوق تو هستم، غیر از تو هستم، و تو در  
حقیقت نمی توانی مرا بشناسی.

#### ۴- خداوند نجات دهنده

خداوند، قوم یهود (یهودیان) را از سلطه مصریان  
نجات می دهد: خروج ۳:۸. او قومی را که از سرزمین  
بیگانه آورده شده بودند (تبعید در بابل) نجات  
می دهد: اش ۴۹:۹ مقایسه شود با لو ۱:۴۷، ۶۸. عیسی  
نجات دهنده خواهد شد: لو ۲:۱۱؛ یو ۴:۴۲.

#### ۵- خداوند قدوس

قدوس یعنی برگزیده شده. خداوند، متعال و مافوق  
دیگران می باشد، او سرچشمه قدوسیت است.  
اشعیای نبی قدوسیت خداوند را نمایان می سازد:

اجتناب از هر گونه اشتباه به هنگام قرائت عهد عتیق در کنیسه، به نام بسیار قدوس در متن، حروف مخصوص A.O.A یعنی حروف صدا دار کلمه ادونای را اضافه کرده بودند. لذا، قرائت کننده هنگامی که به نام بسیار قدوس تحت شکل YaHoVa برمی خورد، می بایست آن را ادونای می خواند.

امروزه، متخصصین در مورد تلفظ قدیمی نامی که بر موسی مکشوف گشت تردید دارند. آنان معتقدند که تلفظ YaHoVaH نادرست است و غالب ایشان ترجیح می دهند که هنگامی که در عهد عتیق به این نام بسیار قدوس برمی خوریم آن را Yahweh تلفظ نماییم. در هر حال این امر دارای اهمیتی ثانوی است.

### قسمت دوم: القاب مسیح

انبیا بشارت می دهند که کسی به نام خداوند برای استقرار ملکوت خداوند خواهد آمد. نشانه های متعددی برای نبی مسح شده ای که اسرائیل در انتظار او بود بکار برده شده است: مسیح پادشاه، مسیح نبی، بنده زحمتکش، پسر انسان.

#### ۱۱- مسیح

مسیح به معنای کسی است که خداوند او را انتخاب کرده تا بر تخت پادشاهی او بنشیند.

#### ۱۲- مسیح پادشاه

داود، پادشاه بزرگ قوم یهود است. انبیا بشارت می دادند که مسیح از خاندان داود یا پدرش یسی خواهد بود. اش ۹: ۶، ۱۱: ۱-۵. عیسی پسر داود نامیده خواهد شد: لو ۱: ۳۲، ۱۸: ۳۸.

#### ۱۳- مسیح نبی

انبیا از بنده خداوند صحبت می کنند. روح خداوند بر او خواهد بود. او حامل نور و صلح می باشد. اش ۴۲: ۱ مقایسه شود با مت ۱۲: ۱۸؛ اش ۶۱: ۱. عیسی

مقایسه شود با، لو ۴: ۱۸، خداوند روح خود را به انسانها می بخشد (می فرستد): حزق ۳۷: ۵. یول ۲: ۲۸ مقایسه شود با اع ۲: ۱۷.

#### ۱۰- خداوند خدا

اصطلاح «خداوند خدا» که در انجیل (مر ۱۲: ۳۰؛ مت ۲۲: ۳۷؛ لو ۴: ۸) به آن برمی خوریم، درک آن در زبان فارسی مشکل بوده و ما را دچار شگفتی می کند. بنابراین حال سعی خواهیم نمود درباره مفهوم آن به کاوش بپردازیم.

بنا بر عهد عتیق می دانیم که یهودیان تا بدان حد عمیقاً خدا را می پرستیدند که از تلفظ نام قدوس او یعنی یهوه آنگونه که خود خداوند بر موسی مکشوف ساخته بود (خروج ۳: ۱۴-۱۵) اجتناب می ورزیدند. آنان غالباً، کلمات دیگری مانند قادر مطلق، باری تعالی، آسمان و غیره را بکار می بردند... عهد عتیق در کنیسه ها موعظه می شد لیکن هر گاه که قرائت کننده به واژه یهوه می رسید، بجای آنکه این نام بسیار قدوس را تلفظ کند، کلمه «ادونای» (Adonai) به معنی «خداوند من» را بکار می برد.

در ترجمه یونانی عهد عتیق که توسط یهودیان در اسکندریه تحقق یافت، کلمه عبری Adon معادل واژه یونانی Kyrios یا همان Mar در زبان آرامی قرار داده شد. هر سه این کلمات به معنی خداوند و ادونای مفهوم «خداوند من» را دارد. لذا اصطلاح «یهوه - خداوند» که به کرات در عهد عتیق بکار برده شده، ابتدا در زبان آرامی به صورت «خداوند خدا» در آمد و سپس به همان شکل وارد زبان یونانی و فارسی گردید.

در ترجمه قدیمی به زبان فارسی، بر روی کلمه خداوند که به جای ادونای به کار برده شده بود غالباً خطی قرار می گرفت، دلیل چه بود؟

این امر خاطر نشان می سازد که یهودیان، برای

- انبیا عهد جدیدی را اعلام می کنند: ارا ۳۱:۳۱؛  
حزق ۳۷:۲۶ مقایسه شود با لو ۱:۷۳.

- عیسی با فدا کردن زندگی خود عهد جدید را بین  
خداوند و انسان منعقد می سازد: لو ۲۰:۲۰.

از ابراهیم تا آخرین پیغمبر یعنی یحیی تعمید دهنده  
زمان عهد قدیم بود اما زمان عهد جدید با عیسی مسیح  
شروع می شود (یعنی با عیسی مسیح که روح القدس را به  
انسان عطا کرد زمان عهد جدید که زمان ما می باشد  
آغاز گردید).

#### ۱۸- ملکوت آسمانی (ملکوت خدا)

قوم اسرائیل وقتی به سرزمین موعود رسید احتیاج به  
پادشاهی پیدا نمود، شائول، داود، سلیمان، اولین  
پادشاهان این قوم بودند.  
روسا خداوند را فراموش می کنند.

- انبیای هر چه جدیدی را اعلام  
می کنند که مسیح خداوند خواهد بود: اش ۹:۶. انبیا  
ملکوت جدیدی را اعلام می کنند که در آن تمام  
مردم جمع خواهند شد یعنی ملکوت صلح، عدالت و محبت  
اش ۱۱:۳.

- عیسی مسیح ملکوت جدید را اعلام کرده در خود به  
کمال می رساند. مثالهای ملکوت خدا: مت با بهای ۱۳  
و ۱۵.

#### ۱۹- نجات

- خداوند قوم را از بردگی مصر نجات داد:  
خروج ۳:۷. خداوند قوم خود را که در تبعید بابل بود،  
نجات می دهد.

- انبیا خداوند را بعنوان نجات دهنده اعلام  
می کنند: اش ۴۰:۳، ۴۹:۸. نجات از جانب خداوند به  
مفهوم برگشت قوم به فلسطین و همچنین بخشش و عفو  
خداوند است.

- عیسی مسیح آمد تا با آوردن بخشش خداوند  
انسان را نجات دهد: لو ۲:۱۱؛ یو ۳:۱۷، ۴:۲۲.

این سخنان را که در مورد او پیشگویی شده در شهر  
ناصره اعلام می نماید. لو ۴:۱۸.

#### ۱۴- بنده زحمتکش

کتاب اشعیای نبی در مورد بنده محبوب خداوند که  
برای گناه دیگران رنج می برد صحبت می کند.  
اش ۵۲:۱۳-۵۳:۱۲؛ مز ۲۲.

عیسی رنجهای خود را اعلام کرد و با مرگش زندگی خود را  
فدا نمود. او بنده است، مت ۸:۱۷؛ مر ۸:۳۱، ۹:۳۱، ۱۰،  
۳۳-۳۴، ۱۰:۴۵.

#### ۱۵- مسیح پر جلال

دانیال نبی روز آخرت و داوری خداوند را اعلام  
می کند.

خداوند، مسیحی مشابه انسان برای استقرار ملکوت  
خداوند از آسمان خواهد فرستاد و او پسر انسان خواهد  
بود. دان ۷:۱۳. عیسی خود را پسر انسان می نامد.  
مت ۲۴:۳۰؛ لو ۲۲:۶۹.

### قسمت سوم: اعمال خداوند

چیزی که خداوند انجام داد اعمال اوست.  
برای آشکار کردن اعمالی که خداوند برای قوم خود  
انجام می دهد چهار کلمه بکار رفته است: وعده، عهد،  
ملکوت و نجات.

#### ۱۶- وعده

مبداء تاریخ قوم با وعده خداوند به ابراهیم، آغاز  
می شود: «از فرزندان تو قومی بزرگ خواهم ساخت.»  
پید ۱۲:۲؛ خروج ۱۹:۵ مقایسه شود با لو ۱:۵۵، ۷۳.  
به توزمین عطا خواهم کرد: پید ۱۳:۱۵.

#### ۱۷- عهد

عهد یعنی تعهد از دو جانب. خداوند با ابراهیم،  
پید ۱۷:۴ و با موسی عهد می بندد: خروج ۱۹:۵. قوم  
گناهکار عهد را می شکنند.

## قسمت چهارم: کلام خداوند

### ۲۰- کلام

تاریخ قوم خداوند، در حقیقت سرگذشت انسانهاست که این کلام را می‌پذیرند یا انکار می‌کنند. عا: ۸: ۱۱؛ اش: ۶: ۸-۱۰، ۵۵: ۱۰-۱۱؛ ارا: ۹؛ حزق: ۳: ۴-۹ مقایسه شود با مت ۱۳: ۱۴-۱۵؛ لو: ۸: ۵-۸؛ یو: ۸: ۴۷، ۱۲: ۳۹-۴۰.

### ۲۱- ندا و دعوت است

خداوند انسان را می‌خواند تا او را بسوی دیگران بفرستد. دعوت ابراهیم: پید: ۱: ۱۲؛ دعوت موسی: خروج: ۳: ۴؛ دعوت اشعیا: ۸: ۶؛ دعوت ارمیا: ۱: ۴-۵، دعوت حزقیال ۳: ۲ مقایسه شود با دعوتی که عیسی از شاگردان خود می‌کند: مر: ۲: ۱۳-۱۴؛ لو: ۱: ۵-۱۱؛ یو: ۱: ۴۳.

### ۲۲- اعلام بخشش گناه انسان است

کلام خداوند همان ندائی است که دل انسان را دگرگون می‌سازد. تاریخ قوم خداوند شامل گناه انسان و بخشش خداوند است. گناه آدم: پید: ۳: ۱-۶؛ گناه قائن: پید: ۴: ۸؛ گناه بابل: پید: ۱: ۱۱-۹؛ گناه داود: ۲- سمو: ۱۱: ۱۵؛ گناه قوم خداوند: عا: ۴: ۱؛ هو: ۲: ۲؛ اش: ۵: ۱-۷؛ ارا: ۲: ۱۳؛ حزق: ۳: ۴-۹، ۳۶: ۲۲-۳۲؛ یول: ۲: ۱۲ مقایسه شود با لو: ۵: ۲۰، ۷: ۴۸، ۱۱: ۱۵-۳۲.

### ۲۳- قانون خداوند

کلام خداوند ما را به متابعت و پیروی خدا دعوت می‌کند. او ده فرمان را در کوه سینا به موسی داد: خروج: ۲۰: ۱-۲۰.

کشف تدریجی قانون خداوند ما را به این آگاهی می‌رساند که شریعت، قانونی است پراز محبت. تث: ۶: ۴-۵. همچنین او شریعتی در باطن انسان نهاده است: ارا: ۳۱: ۳۳؛ حزق: ۳۶: ۲۷.

عیسی حامل شریعت نوین (مت: ۵: ۳) و جدید (یو: ۱۳: ۳۴) است. عیسی و موسی: لو: ۹: ۲۸-۳۱، ۱۰: ۲۷.

### ۲۴- عبادت

سرگذشت قوم خداوند همواره شامل عبادت آنها نیز می‌باشد. انسان به خدا گوش فرا داده با او صحبت می‌کند. عبادت ابراهیم: پید: ۱۸: ۲۳؛ عبادت داود: ۲- سمو: ۷: ۱۸؛ عبادت حنا: ۱- سمو: ۲: ۱؛ عبادت ارمیا ارا: ۲: ۷. قوم خداوند شکوه و جلال او را به وسیله مزامیر داود سروده، طلب عفو و بخشایش و همچنین تمنای نجات دارند. عبادت عیسی مسیح لو: ۱۰: ۲۱، ۱۱: ۱؛ یو: ۱: ۱۷.

### ۲۵- (محبت)

انسان به مرور زمان مفهوم محبت نسبت به برادر و احترام توأم با محبت نسبت به زن و نیز به بیگانگان را درک می‌نماید: عا: ۴: ۱، ۸: ۴-۷؛ اش: ۱: ۱۶-۱۸؛ ارا: ۷: ۵؛ حزق: ۱۸: ۵ مقایسه شود با مت: ۵: ۲۱، ۱۹: ۴-۸؛ یو: ۱۳: ۳۴.

### ۲۶- تهی‌دستان خداوند

از دیدگاه کتاب مقدس تهی‌دستان خداوند فقط فقرا نیستند بلکه کسانی هستند که در دعا انتظار نجات خداوند را می‌کنند و خداوند غنای آنهاست. عیسی می‌فرماید: خوشابه حال کسانی که از فقر روحی خود آگاهند زیرا پادشاهی آسمانی از آن ایشان است: مقایسه شود با مت: ۵: ۳. او انجیل را به مسکینان در روح بشارت می‌دهد: لو: ۴: ۱۸. عیسی به خود لقب پسر انسان را می‌دهد. عیسی در میان فقیرترین اشخاص حاضر می‌باشد: مت: ۲۵: ۳۵-۴۰.



## قسمت پنجم: مظاهر کتاب مقدس

### ۲۷- شکوه و جلال خداوند

شکوه خداوند در عهد قدیم به معنای ظاهر شدن قدرت نجات دهنده و حیات بخش حضور خداست.

- آفرینش و جلال خداوند: مز ۷۲: ۱۹؛ موسی و جلال خدا: خروج ۳۳: ۱۸-۲۳؛ اش ۶: ۳، ۴۰: ۵، ۶۰: ۱.

- عیسی و جلال الهی: لو ۲: ۹، ۳۲: ۹؛ یو ۱۴: ۱۳، ۳۱: ۱۳.

### ۲۸- قربانی

- قربانی یعنی تقدیم حاصل زمین یا حیوانات به خداوند که برای تشکر و طلب مغفرت از او می باشد. برای تقدیم قربانی حیوانات به خداوند در ابتدا آنها را کشته و آنگاه بر روی میزی سنگی (مذبح) قرار داده و سپس می سوزانند. بعضی اوقات قسمتی از این قربانی را می خوردند که آن را سفره قربانی می نامیدند.

- قربانی هابیل: پید ۴: ۴؛ قربانی نوح پید ۸: ۲۰؛ قربانی ملکیم صدق پید ۱۴: ۱۸؛ قربانی ابراهیم: پید ۲۲: ۲، ۲۲: ۷. قربانی القانه: ۱- سمو ۱: ۳، ۲۱: ۱.

- انبیا تائید می کنند که قربانی هیچ ارزشی ندارد مگر اینکه قوم مطیع خداوند باشند و قلب خود را به او تقدیم کنند: عا ۵: ۲۲؛ اش ۱: ۱۱؛ مز ۵۱: ۱۷.

- عیسی مسیح زندگی و مرگش را در راه نجات ما، به خدای پدر تقدیم می دارد: مر ۱۰: ۴۵؛ لو ۲۲: ۲۰.

### ۲۹- معبد

معبد یا خانه خداوند جائی است که قوم او به منظور دعا و تقدیم قربانی به آنجا می روند. کاهنان اشخاصی هستند که در خدمت معبد می باشند.

- سلیمان معبدی در اورشلیم بنا کرد: ۲- سمو ۷: ۱۳؛ ۱- پاد ۹: ۱.

- انبیا با تائید و تاکید به ما می گویند که معبد

خداوند هیچ ارزشی ندارد اگر انسانهایی که به آنجا وارد می شوند دارای قلبی فروتن و توبه پذیر نباشند: ار ۱۱، ۷: ۱۰.

- عیسی مسیح و معبد خداوند: یو ۲: ۱۶، ۲: ۱۹.

### ۳۰- نور

خداوند نور را آفرید: پید ۱: ۳. خداوند به نور تشبیه شده است: مز ۲۷: ۱.

- مسیح روشنائی و نور انسانهاست: اش ۹: ۱، ۴۲: ۶، ۴۹: ۶. روشنائی اورشلیم: اش ۶۰: ۱، ۱۹: ۱.

- عیسی خود را بصورت نور و روشنائی جهان به ما می شناساند: یو ۸: ۱۲.

### ۳۱- خداوند و آب

پید ۱: ۹؛ عبور از دریای سرخ: خروج ۱۴: ۱۹-۳۱؛ آب تطهیر کننده: ۲- پاد ۵: ۱۴؛ خداوند سرچشمه آب زنده است: ار ۲: ۱۳؛ عطش برای خداوند: مز ۴۲: ۲، ۶۳: ۱؛ اش ۴۹: ۱۰، ۶۶: ۱۲.

- عیسی و آب زنده: یو ۴: ۱۰، ۷: ۳۸.

### ۳۲- تاکستان

قوم اسرائیل به تاکستانی تشبیه شده که خداوند آن را غرس نمود. اش ۵: ۷، ۲۷: ۲.

- تاکستان و زمان آمدن مسیح: عا ۹: ۱۳، ۱۴. تاکستان و غزلهای سلیمان ۶: ۱۱، ۷: ۱۲.

- عیسی و مظاهر تاکستان: مت ۲۰: ۱، ۲۱: ۳۳؛ عیسی مسیح گفت: من تاک حقیقی هستم: یو ۱۵: ۱.

### ۳۳- صلح

صلحی که توسط مسیح به جهان آورده شد همه جا انتشار یافت: اش ۱۱: ۱-۹.

- مسیح سرور سلامتی (شاهزاده صلح): اش ۹: ۶. عهد، پیمان صلح و آرامش است: اش ۵۴: ۱۰؛ حزق ۳۴: ۲۵، ۳۷: ۲۶؛ مژده جدید صلح و آرامش: اش ۵۲: ۷. عیسی مسیح صلح را ارمغان می دهد:

لوقا: ۱۴:۲؛ یوحنا: ۱۴:۲۷. عیسی مسیح صلح و آرامش خواهد آورد.

### ۳۴- عدالت

خداوند عادل یعنی خدائی که به وعده هایش وفا می‌کند. او می‌آید تا بشر را نجات دهد: این عدالت اوست. شخص عادل در نزد خداوند کسی است که به او ایمان آورده اراده او را بجا آورد و در نتیجه مرارت و رنج بکشد: ایوب: ۱۹:۲۸، ۲۳:۷.

- انبیا در مورد ناعدالتی انسانها و عدالت خداوند فریاد می‌زنند: عا: ۲:۶؛ اش: ۱:۱۷، ۶۱:۸. صلح و عدالت در عصر مسیح: مز: ۷۲:۷، ۸۵:۱۱.

- بنده خداوند به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید و آنها را به صلح خداوند باز می‌گرداند: اش: ۵۳:۱۱. او حامل عدالت است: اش: ۴۲:۱، ۳.

بخش چهارم  
اسامی خاص عهد عتیق

## آتن ATHENES

ساردس، فیلادلفیه و لاودکیه. امروزه قسمت زیادی از این سرزمین جزو خاک کشور ترکیه می باشد. ر. ک ص ۹۲.

یکی از شهرهای جنوبی یونان که تا قرن چهارم میلادی نقش سیاسی ممتازی داشت و در ضمن مرکز فرهنگ و تمدن یونانی بود. در اعمال رسولان به بشارت پولس در این شهر با توجه به فلسفه و فرهنگ یونانی برمی خوریم (اع ۱۷: ۱۵-۱۸: ۱؛ ۱-۳: ۱) در ترجمه های قدیم فارسی اطمینا ترجمه شده است. ر. ک نقشه ص ۸۸، ۹۹.

## آرامیان ARAMEENS

آسیای صغیر ASIE MINEURE  
مراد از آسیا در کتاب مکابیان همان آسیای صغیر است که آنتیوخوس سوم آن را به رومیان واگذار کرد (۱۸۹ ق.م). در عهد جدید این خطه مقرر فرمانروایی رومیان بود. پولس مدت زمان درازی از زندگانی رسالتی خود را در این شبه جزیره گذراند (اع ۱۹-۲۰). یوحنا رسول نامه های خود را که در مقدمه مکاشفه آمده است خطاب به هفت کلیسای آسیای صغیر نوشته بود. ر. ک ص ۸۹، ۹۲.

نژاد سامی که عبرانیان شاخه ای از آن می باشند، ر. ک پید ۱۰: ۲۲، ۲۰: ۲۵. این نام مربوط به قبایلی بوده که در شمال فلسطین در اطراف دمشق به سر می بردند و پس از تصرف فلسطین با قبایل شمالی اسرائیل دائم در نبرد بودند. (۱-توا ۲۳: ۲۳، ۱۹: ۱۶-۱۹: ۱۹؛ ار ۳۵: ۱۱). در عهد جدید کلمه آرام مربوط به استان رومی سوریه بوده است که رسولان در آنجا به خصوص در دمشق و انطاکیه کلیساهای متعددی برپا کردند. ر. ک ص ۲۸، ۷۵ و نقشه ص ۴۹، ۷۴؛ سوریه.

## آسیای مرکزی ASIE CENTRALE

ر. ک آسیا، ر. ک ص ۸۵.

## آشور ASSYRIE

نام شهری در کنار رود دجله (ر. ک پید ۲: ۱۴) که جنوبی ترین و باستانی ترین شهر امپراطوریهای آشور بود و حکومت این ناحیه بعدها به نام آشور معروف گردید که آشوریان ساکنان آنند. در قرن هشتم ق.م دولت آشور به اوج قدرت خود رسید و قلمرو شمالی (اسرائیل) را متصرف گردید و سپس در قرن هفتم ق.م با دولت یهودیه به نبرد پرداخت. پیامبران اسرائیل کبر و نخوت این قوم و بت پرستی ایشان را سرزنش نمودند اما اشعیا ایمان آوردن آشوریان به یهوه را همانند مصر یادآوری می نماید. (اش ۱۹: ۲۲-۲۵) ر. ک ص ۲۰، ۲۹، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۱۱۵ و نقشه ص ۱۹، ۲۷، ۷۲، ۷۴، ۷۸، ۸۰. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۸، «پادشاهان و انبیا» ص ۳۲، ۴۸، ۴۹، ۹، ۸، ۶۹؛ ر. ک اشعیا.

## آسیا ASIE

در عهد مکابیان منظور از آسیا سرزمین های سلوکیان بود که شامل غرب این قاره می شد. اما در سال ۱۳۳ آکالی پادشاه پیرغامس به موجب وصیت نامه اش متصرفاتش را با شهرهای یونانی و کرانه های جزایر مجاور به رومی ها واگذار نمود رومی ها در سال ۱۳۹ صاحب متصرفاتی گردیدند که آن را استان آسیا می خواندند. و این همان سرزمین هایی است که در اعمال رسولان و مکاشفه یوحنا رسول از آنها نام برده شده و محدود به بیتانی، غلاطیه، قلیقیه می باشد که شهرهای عمده آن پیرغامس، ساردس، افسس و ملطیه بوده است. هفت کلیسایی که در بابهای اولیه مکاشفه یوحنا از آن نام برده شده مربوط به همین سرزمین اند که عبارتند از: افسس، اسمیرنا، پیرغامس، طیاتیرا،

آشور بانی پال (به آرامی اسنفر) ASSURBANI-PAL



مصر ازدواج نمود. علیرغم فتوحات بزرگ نظامی، بخاطر ناکامی در عشق و سیاست خودکشی کرد. ر. ک ص ۱۰۰، ر. ک «کتاب ایمان و تمدن».

### آنتیگون / ANTI-GONIDES

۱- پسر کهتریوحنای هیرکان  
 ۲- پسر ارستوبولس دوم که به همراه برادرش اسکندر به عنوان گروگان توسط پمپوس در سال ۶۱ ق.م به روم برده شد. سپس از روم گریخت و پس از ناکامیهای بسیار به یاری پارتیان بر اورشلیم مسلط گردید و به سمت کاهن اعظم و پادشاه یهود برگزیده شده سلسله آنتیگونها را بنا نهاد. اما در همان زمان هیروودیس از سنای روم عنوان پادشاهی گرفت و با کمک سربازان آنتونیوس اورشلیم را متصرف شده آنتیگون را که از سال ۳۷ در آن حکومت می کرد دستگیر نمود و سپس به موجب دستور آنتونیوس و درخواست مصرانه هیروودیس به مرگ محکوم گردید. ر. ک ص ۹۲، ۱۰۰، ر. ک «ایمان و تمدن»، ر. ک «نمودار سلسله عصمونیان و هیروودیسیان» در «ریشه های تاریخی ایمان، جلد دوم».

### آنتیوخوس ANTIOCHUS

نام ۱۰ تن از پادشاهان سلسله سلوکیه (سوریه) که نام ۲ تن از ایشان در کتاب مقدس آمده است:

۱- آنتیوخوس چهارم اییفان (۱۶۴-۱۷۵) که به جهت سعی و کوشش برای نابودی آیین یهود موجب عصیان مکابیان گردید.

۲- آنتیوخوس پنجم (۱۶۲-۱۶۴) پسر آنتیوخوس چهارم که با یهودا مکابی از در صلح درآمد. ر. ک ص ۹۴، ۱۳۹ و «برگهای زرین» ص ۴۳۰، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۱۱، «ایمان و تمدن».

آشور بانی پال (آشور بنی بعل) پادشاه آشور (۶۳۲-۶۶۸ ق.م) که باعث مهاجرت بت پرستان از بین النهرین به سامره گردید و در سال ۶۶۳ به شهر تاباص (نو) در مصر حمله برد و آن را متصرف گردید. بابل را نیز در سال ۶۴۸ فتح کرد و قبیله ای به اهالی شهر اكد اضافه نمود و سلسله پادشاهی را در عیلام منقرض گردانید. این پادشاه کتابخانه عظیمی فراهم آورده بود که اکنون آثار آن بدست آمده است (ر. ک ص ۷۳، ۷۵).

### آفریقا AFRIQUE

یکی از قاره های زمین واقع در نیم کره جنوبی که در جنوب اروپا و جنوب غربی آسیا قرار دارد. از حیث وسعت دومین قاره زمین است و اطراف آن را آب فراگرفته است؛ کانال سوئز آن را از آسیا جدا می کند، به واسطه دریای مدیترانه از اروپا جدا می شود و بین آفریقا و آسیا دریای سرخ و خلیج عدن واقع است که باب المندب آنها را به هم مرتبط می کند. از قاره آفریقا در کتاب مقدس ذکری به میان نیامده ولی از برخی کشورهای آن نام برده شده است مانند مصر، حبشه، لیبی و سیرن. با توجه به سیاست استعماری دولت روم آنچه از نوشته های آن زمان در مورد آفریقا وجود دارد منظور آفریقای شمالی است که جزو متصرفات روم بوده است. ر. ک ص ۲۲، ر. ک نامهای مصر، حبشه، لیبی، سیرن.

### آمنوفیس چهارم AMENOPHIS IV

ر. ک اخناتون، ر. ک ص ۳۸.

### آناتولی ANATOLIE

آناتولی نام دیگر آسیای صغیر است (ر. ک آسیای صغیر) ر. ک ص ۲۴، ۲۶.

### آنتوان ANTOINE

آنتوان (مارکوس آنتونیوس) اشراف زاده رومی (۳۰-۸۳ ق.م) پسرعمو و آجودان سزار که با کلئوپاترا ملکه

**ABRAHAM** ابراهیم

جد اعلای قوم بنی اسرائیل و پدر تمام مؤمنان زیرا سه دین وحدانیت به وی منتسب است. او مقارن ۱۸۵۰ ق.م می زیست. خداوند به او وعده داده بود که پسری به او عطا کند و سرزمین موعده را به وی ببخشد. (پیدا ۱۱-۲۵). ر. ک ص ۳۲، ۳۴، ۴۵، ۱۱۵ و نقشه ص ۳۱، ۳۳، ر. ک «برگهای زرین» «پیدایش چه می گوید» «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس».

**ACHAB** آخاب

هفتمین پادشاه اسرائیل (قلمرو شمالی) و نبی ۸۵۳-۸۷۴ ق.م که همسرش ایزابل وی را به بت پرستی کشانید. ایلیا در طول حیات خود بر ضد این ارتداد مبارزه نمود. این بت پرستی منجر به از بین رفتن سلسله آخاب گردید و نیز بعد از مدتی به اضمحلال قلمرو شمالی انجامید (۱-پادا ۱۶:۲۹-۲۲:۴۰). ر. ک ص ۷۵.

## اخمتا

ر. ک اکباتان و نقشه ص ۱۹.

**AKHENATON** اخناتون

۱- نام دیگر فرعون آمنوفیس چهارم در قرن ۱۴ ق.م.  
۲- نام پایتخت موقت مصر در عهد فرعون اخناتون. ر. ک ص ۳۸.

**EDOM / ادومیان / EDOMITES**  
ادومیه

ادوم: جد ادومیان (پیدا ۲۵:۲۹-۳۰، ۳۶:۱-۹)

ادومیه: منطقه بحرالمیت و خلیج عقبه

ادومیان: ساکنین ادومیه که به هنگام خروج قوم بنی اسرائیل این قوم را محاصره کرد (اعد ۲۰:۱۴-۲۱). پس از تصرف فلسطین توسط عبرانیان همواره بین بنی اسرائیل و ادومیان منازعه بوده است. ر. ک ص ۳۴، ۴۰، ۵۶، ۹۷، ۱۰۰ و نقشه ص ۴۴، ۴۹، ۵۳، ۸۶.

**ARBEL** اربل

شهری در غرب ایران که نخستین محل برخورد اسکندر با داریوش سوم بود (۳۳۱ ق.م). ر. ک ص ۸۹ و نقشه ص ۸۴، ۸۸، ۹۱.

**ARTAXERXES** اردشیر (ارتخشستا)

در تاریخ ایران باستان و در دوران هخامنشی به نام سه اردشیر (ارتخشستا در عهد عتیق به زبان عبری) برمی خوریم:

- ۱- اردشیر درازدست یا اردشیر اول (۴۲۵-۴۶۵) ق.م
  - ۲- اردشیر دوم موسوم به منمون (۳۵۸-۴۰۴) ق.م
  - ۳- اردشیر سوم موسوم به اخس (۳۳۸-۳۵۸) ق.م
- مأموریت های نحمیا (نح ۵:۱۴) و عزرا (عز ۷:۱) هرچند به دقت روشن نیست که مقارن سلطنت کدام اردشیر بوده لیکن طبق آخرین تحقیقات باید مربوط به دوران اردشیر اول باشد. ر. ک ص ۸۹، ر. ک «ایران و کتاب مقدس» ضمیمه.

**JOURDAIN** اردن (رود)

بزرگترین رود فلسطین که از کوه حرمون سرچشمه می گیرد و به بحرالمیت می ریزد. دره رود اردن پست ترین سرزمین جهان و ارتفاع آن ۳۹۲ متر پایین تر از سطح دریاست.

عیسی در این رود توسط یحیی تعمید یافت (مت ۳:۵-۶). نام این رود به کرات در کتاب مقدس مخصوصاً در زمان ورود عبرانیان به فلسطین و دوره ایلیا و الیشع آمده است (یوشع ۱-۳: ۲-پادا ۵، ۵)، ر. ک ص ۳۲، ۴۰، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۳ و نقشه ص ۲۳، ۵۳، ۵۵.

**ARISTOBULE** آریستوبولس

نام سه شخصیت است:

- ۱- یهودی مصری (۲-مک ۱:۱۰)
- ۲- نام یکی از شاهزادگان مکابی
- ۳- نام شخصیت رومی که بسیاری از مسیحیان در منزلش به سر می بردند (روم ۱۶:۱۰).

۳- خاطرات شخصی باروخ درباره ارمیا (بار ۲: ۱۹-۲۰: ۶) و خاطرات خود ارمیا (بابهای ۲۶، ۲۸-۲۹، ۳۶، ۴۵، ۳۷-۴۴).

۴- بازنویسی در شهر بابل.

این کتاب توسط نویسنده ای گمنام در اواخر دوره تبعید شکل نهایی خود را یافت. اما مابین متن عبری و یونانی هفتادتنان تفاوت های زیادی وجود دارد و ظاهراً طرح قدیمی تر در زبان یونانی پیدا می شود. اما نظام و ترتیب تاریخی نسبت به متن عبری جابجایی بیشتر داشته است.

برای درک بهتر این کتاب سعی شده به گفتارهای مهم و نوشتجات اصیل ترتیب تاریخی داده شود.

باب اول: دعوت الهی، سال ۶۲۸ ق.م

باب دوم: بازگشت به موضوع قدیم، سال ۶۲۶ ق.م

باب پنجم: بی وفایی اسرائیلیان گسترش می یابد، ۶۲۶-۶۲۲ ق.م

باب هفتم: انتقاد علیه بت پرستی نسبت به معبد، سال ۶۰۸ ق.م

باب هشتم: اعتراض علیه ایمان سطحی و برداشت تحت اللفظی از تورات، سال ۶۰۸ ق.م

باب دوازدهم: موضوع تبعید و سخت گیری ظاهری خدا، ۶۰۸ ق.م

باب پانزدهم: بدبینی نسبت به خدا و دعوت تازه او، ۶۰۰ ق.م

باب بیستم: ضدیت کاهنان علیه ارمیا و عکس العمل او، ۶۰۰ ق.م

باب سی و هشتم: یهو یاکیم پادشاه طومار ارمیا را به آتش می سوزاند، سال ۶۰۵ ق.م

باب سی و هفتم و سی و هشتم: ارمیا در اسارت، سال ۵۸۷ ق.م

باب سی و نهم تا چهل و دوم: تصرف شهر بابل، سال ۵۸۶ ق.م

ر. ک ص ۷۹؛ ۸۱، ۱۳۲-۱۳۳؛ ر. ک «پادشاهان و

ر. ک «ایمان و تمدن»، «نمودار سلسله عصمونیان و هیروودیسیان» در «ریشه های تاریخی ایمان، جلد دوم» ر. ک ص ۹۷.

## ارمنستان ARMENIE

سرزمینی کوهستانی واقع در آسیای غربی بین ایران، ترکیه و روسیه که اکنون یکی از جمهوریهای استقلال یافته شوروی سابق می باشد. در تاریخ به سبب داشتن مردان جنگی و قتل عامها معروف است. در گذشته باستان با اورارتوئی ها درهم آمیختند در کتاب مقدس نامی از آن برده نشده اما به سلسله کوههای آرارات که کشتی نوح بر آن نشست اشاره شده است (پید ۸: ۴). ر. ک ص ۲۲، ۸۵ و نقشه ص ۲۱.

## ارمیا (نبی) JEREMIE

پیامبر بزرگ قوم اسرائیل که مقارن سقوط یهودیه زندگی می کرد. دو کتاب در عهد عتیق به نام وی می باشد (ارمیا و مراثی ارمیا)، سختی ها و جفاهایی که وی از دست هموطنان یهودی اش متحمل شد یادآور شکنجه های عیسی مسیح می باشد. ر. ک کتاب «باروخ»؛ ر. ک ص ۷۷، ۷۹، ۱۲۰-۱۲۲. ر. ک «پادشاهان و انبیا» فصل دهم و یازدهم؛ «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» بخش ۶، ص ۱۱۹-۱۲۳؛ «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۱۱، «ارمیای نبی»؛ «برگهای زرین» فصل نهم.

## ارمیا (کتاب)

کتاب ارمیا در چهار مرحله مهم نگارش یافت:

۱- طومار اصلی (بابهای ۱-۶، ۷-۲۰، ۲۵، ۴۶-۴۹) این قسمت توسط پادشاه یهو یاکیم به آتش انداخته شد و ارمیا در سال ۶۰۵ آن را به باروخ دیکته کرد (ار ۳۶)

۲- اضافه نامشخصی که در آخر ۳۶: ۳۲ به آن اشاره شده است.

**ESTHER** استر

زن یهودی که سرگذشت وی در کتابی به همین نام از کتب مقدس آمده و محل وقوع حادثه شهر شوش بوده است. نام اصلیش هَدَسَه و نزد مردخای یهودی بزرگ شده بود و پس از آنکه ملکه خشایارشا هخامنشی می‌گردد نامش را استر به معنی ستاره می‌گذارند و بعدها موجب رهایی قوم یهود از توطئه خواجه سرایان دربار می‌گردد. قبر استر و مردخای هم اکنون در همدان است. ر. ک ص ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۳۰، «در انتظار ایام نوین»، «ایمان و تمدن».

## استر (کتاب)

کتاب استر در سومین بخش کتاب مقدس یهودیان به نام نوشته های دیگر جای گرفته که کمی پس از آزار و اذیت یهودیان از دست آنتیوخوس ایپفان به نگارش درآمد. در این کتاب می بینیم که چگونه در قلمرو فارس توطئه ای بر ضد یهودیان شکل گرفت و یک زن یهودی به نام استر ملکه اخشورش می شود و این توطئه را خنثی می نماید به خاطر بعضی نکات که با تاریخ جور در نمی آید باید این کتاب را میدراش بخوانیم، اما از برخی جهات دیگر با اوضاع و احوال تاریخی آن زمان مطابقت دارد قسمتی از این کتاب در نوشته های برحق متأخر وجود دارد (۴:۱۰-۱۶:۲۴). ر. ک ص ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۳۰، «در انتظار ایام نوین»، «ایمان و تمدن».

**ISAAC** اسحاق

پسر ابراهیم و پدر یعقوب که ابراهیم وی را برای ذبح به کوه برد (پید ۲۲)، ر. ک ص ۳۴، ۴۵، ر. ک «کتاب پیدایش چه می گوید»، «برگهای زرین»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس».

انبیا»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «ارمیای نبی»، «برگهای زرین» فصل نهم.

**ARNON** (رود) ارنون

رودخانه ای است که به سوی بحرالمت در وادی مقعری به نام وادی ارنون جریان دارد. در کتاب مقدس اغلب به عنوان مرز کشور موآب نام برده شده است (اعد ۲۱:۱۳-۱۴، ۳۶:۲۲؛ داو ۱۱:۱۸؛ اش ۱۶:۲؛ ارا ۴۸:۲۰)

وادی ارنون: حد جنوبی قبایل بنی اسرائیل در ماوراء رود اردن (تث ۲:۲۴)

ر. ک ص ۵۶. رود ارنون نقشه ۵۰، ۵۴؛ وادی ارنون نقشه ۴۴.

**OURMIAH** (دریاچه) ارومیه

دریاچه ارومیه واقع در شمال غربی ایران هر چند مدتی رضائیه نامیده می شد ولی اسم اولیه آن ارومیه به معنی آبهای فراوان بوده است. این دریاچه همانند بحرالمت به علت شوری فراوان فاقد ماهی می باشد. نقشه ص ۲۱.

**JERICHO** اریحا

شهری که به نام شهر نخل نیز نامیده شده (تث ۳:۳۴) اما نباید آن را با شهر نخل ها که در کتاب داوران آمده و امروز نامش تل السلطان است اشتباه کرد. اریحا در مجاورت نهر اردن قرار دارد و نخستین شهری بود که یوشع به هنگام ورود به سرزمین موعود متصرف شد (یوشع ۶:۱-۷:۲). این همان شهری است که عیسی معجزاتی در آنجا نمود و زکی مأمور دولت روم نیز در همین شهر از عیسی پذیرایی کرد. (لو ۱۰:۳۰، ۱۸:۳۵، ۱۹:۱-۹). ر. ک ص ۴۰، ۵۲، ۵۸، و نقشه ص ۴۴، ۵۷، ۶۲، ۹۶.

### اسکندر مقدونی - ALEXANDRE de MACE-DOINE

اسکندر مقدونی (۳۲۳-۳۵۶ ق.م) پادشاه مقدونی، پسر فیلیپ مقدونی و شاگرد ارسطو بود که اقدام به کشورگشایی کرد و سلسله هخامنشی ایران را مضمحل نمود (۳۳۰ ق.م). (دان ۲:۴۰، ۷:۶، ۸:۵-۸؛ ۱- مک ۲:۶). ر. ک ص ۲۰، ۸۹، ۱۹ و نقشه ص ۱۹، ۸۸، ۹۱. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۰۷، «در انتظار ایام نوین».

### اسکندریه ALEXANDRIE

بندر مهم مصر در کرانه مدیترانه که دارای ساکنین کثیری از یهودیان یونانی زبان بود (اع ۹:۶-۱۱)، ر. ک ص ۲۰، ۸۹، ۹۴ و نقشه ص ۹۹.

### اسنیان ESSENIENS

فرقه ای از مذهب یهود که اطلاعات کافی از آنان نداریم ولی باستان شناسان بالاخره در حفاریهای خود در بحرالمیت به سال ۱۹۴۷ موفق به کشف دست نوشته هایی از ایشان در ناحیه قومران شدند که این نوشته ها به همین نام معروف گردید.

با وجود تأثیر این فرقه در میان یهود، عهدجدید به طور صریح به آنان اشاره نمی کند. اما ممکن است یحیی تعمید دهنده تحت تأثیر این گروه بوده باشد. ر. ک ص ۹۷، ر. ک قومران، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۵۰.

### اشدود ASHDOD

یکی از شهرهای فلسطین، محل معبد داجون (۱- سمو ۵، ۶:۱۷-۱۸) که بین غزه و یافا قرار گرفته و جزئی از قلمرو یهودیه بود (یوشع ۱۳:۲-۳، ۱۵:۴۶-۴۷) و مدتها با فلسطینیان می جنگیدند. ساکنان این شهر به خاطر بت پرستی مورد سرزنش انبیا بوده اند. (ع ۱:۸؛ ارا ۲۰:۲؛ صف ۲:۴؛ زک ۹:۶). ر. ک

ص ۷۷ و نقشه ص ۴۹، ۶۲، ۸۶.

### اسرائیل (قوم) / بنی اسرائیل ISRAEL

- ۱- اسرائیل - به معنای قهرمان - لقبی است که خداوند به یعقوب داد (پید ۳۲:۲۸، ۳۵:۱۰)
- ۲- یعقوب ۱۲ پسر داشت که ۱۲ قبیله قوم برگزیده را تشکیل دادند و از آن به بعد ۱۲ قبیله قوم اسرائیل نامیده شدند (پید ۴۹:۱۶-۲۸؛ خروج ۲۴:۴)
- ۳- بعد از خروج از مصر سرزمین موعود سرزمین اسرائیل نامیده شد (۱- سمو ۱۳:۱۹)
- ۴- بعد از سلیمان ده قبیله ای که در شمال مستقر بودند از قبایل جنوب جدا شدند و از آن به بعد شمال کشور اسرائیل نامیده شد و قسمت جنوب یهودیه نام گرفت.
- ۵- اسرائیل جدید نام کلیسا نیز می باشد که قوم برگزیده جدید را دربر می گیرد (مت ۱۸:۱۷-۲۰؛ روم ۹:۶-۸، ۲۵) ر. ک ص ۲۰، ۳۴، ۵۸، ۶۵، ۶۷، ۷۵، ۸۵، و نقشه ص ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۵۷، ۶۶، ۶۸، ۷۴.

### آسرحدون ASHARADON

آسرحدون: یعنی خدای «آشور برادری داده است.» نام یکی از پادشاهان آشور (۶۶۹-۶۸۰) که جانشین سنجاریب بود (ر. ک ۲- پاد ۱۹:۳۷). یکی از پادشاهانی که مهاجرینی به سامره اعزام داشت (ر. ک عز ۴:۲)، ر. ک ص ۷۳.

### اسکندر جانیوس ALEXANDRE JANNEE

کاهن اعظم شمعونیان که جانشین برادرش ارستوبولس اول گردید و بر حکومت یهودیه فائق شد و نخستین کسی بود که عنوان پادشاهی گرفت. وی بین سالهای ۷۶ الی ۱۰۳ ق.م سلطنت نمود و دارای چنان قدرت مذهبی و سیاسی شد که موجب طغیان فریسیان گردید و آنان از مخالفین سرسخت وی شدند. ر. ک ص ۹۷، ر. ک «نمودار سلسله عصمونیان و هیروودیسیان» در «ریشه های تاریخی ایمان، جلد دوم» ر. ک «ایمان و تمدن».



## اشعیا ESAIE

دهشتناک مجازات خواهند شد (۱۰:۶۵-۱۵)،  
 ۲۴:۶۶) پس متولد شدن در قوم برگزیده کافی نیست  
 بلکه باید هر شخص ارتباط فردی با خدا برقرار کند تا  
 نجات یابد (ر. ک مت ۳:۸، ۹؛ روم ۲:۲۹)، ر. ک  
 ص ۷۳، ۱۲۸، ۱۲۹، ر. ک «در انتظار ایام نوین».

## اشقلون ASHQALON

یکی از شهرهای فلسطین واقع در کرانه دریای مدیترانه  
 در شمال غزه (یوشع ۱۳:۳). در زمان تصرف فلسطین  
 توسط عبرانیان قبیله یهودا این سرزمین را متصرف شد.  
 اما این سرزمین مدتها محل منازعه بین فلسطینیان و قبیله  
 یهودا بود. (داور ۱:۱۸؛ ۱۹:۱۴؛ ۱-سمو ۶:۱۷-۱۸؛  
 ۲-سمو ۱:۲۰). بعدها انبیا نسبت به روش بت پرستی  
 در این شهر اعتراض کردند. (عا ۱:۸؛ صف ۲:۴-۷؛  
 زک ۵:۹)، ر. ک نقشه ص ۴۹، ۶۲، ۹۶.

## اعداد (کتاب) NOMBRES

چهارمین کتاب از کتب عهد عتیق. عنوان آن بدون شک  
 از ترجمه یونانی به خاطر موضوع سرشماری قوم و نیز  
 تعیین دقیق اعدادی است که در محتوای کتاب وجود  
 دارد.

مجموعه ای از سه متن مربوط به روایات یهوئیست،  
 الوهیست و کهناتی که در زمان تبعید کاهنی این روایات  
 را جمع آوری و در پرتو نبوت حزقیال آن را تفسیر کرده  
 است. ر. ک ص ۱۴۲-۱۴۶، ۱۴۷-۱۴۵ و نمودار  
 ص ۱۵۹  
 ر. ک «پادشاهان و انبیا»، «برگهای زرین»،  
 «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» و «چگونه  
 عهد عتیق را بخوانیم؟».

## افرایم EPHRAIM

افرایم به معنای حاصلخیز است:

۱- نام قبیله ای از بنی اسرائیل که از تبار یکی از دو  
 پسر یوسف بودند (پید ۴۱:۵۲؛ اعد ۲۶:۲۸-۳۷)

نبی بزرگ عهد عتیق که نبوتهایی در مورد مسیح دارد.  
 او در قرن هشتم ق.م و قبل از تبعید یهودیان به بابل  
 زندگی می کرد. دارای کتابی به نام خود می باشد که  
 جزو کتب مقدس عهد عتیق می باشد این کتاب را  
 معمولاً به سه بخش متمایز تقسیم می کنند که فقط بخش  
 اول، بابهای ۱-۳۹ توسط خود نبی نوشته شده است و  
 بخش دوم، بابهای ۴۰-۵۵ و نیز بخش سوم ۵۶-۶۶  
 بدست شاگردان و پیروان مکتب اشعیا به نگارش  
 درآمده است. ر. ک ص ۷۳، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۲۹، ر. ک  
 «پادشاهان و انبیا» فصل چهارم، پنجم و ششم «ایران و  
 کتاب مقدس» ضمیمه، «مقدمه ای بر شناخت  
 کتاب مقدس» ص ۱۱۳-۱۱۶، «چگونه عهد عتیق را  
 بخوانیم» ص ۷۴-۷۶، «برگهای زرین» فصل هفتم،  
 ر. ک تسلی، اشعیا دوم، اشعیا سوم.

## اشعیا دوم ESAIE II

بخش دوم کتاب اشعیا، بابهای ۴۰-۵۵، ر. ک تسلی  
 (کتاب).

## اشعیا سوم ESAIE III

بخش سوم کتاب اشعیا، بابهای ۵۶-۶۶. گفتار نبی در  
 این بخش از لحاظ تاریخی و طرز نگارش با بخشهای  
 اول و دوم بسیار متفاوت است و تاریخ نگارش آن در  
 حدود ۵۱۰ ق.م تخمین زده شده است. برخی از این  
 نوشته ها به دوره ای اشاره می کند که معبد بازسازی ولی  
 هنوز حصار اورشلیم ساخته نشده بود. (اش ۶۰:۱۰،  
 ۴:۶۱). در این کتاب همچنین جلال اورشلیم در ارتباط  
 با آمدن مسیح توضیح داده شده و همه دعوت شده اند به  
 یهوه ایمان آورند. بخشهای قبلی دیدگاه جمعی را ارائه  
 می داد ولی در این قسمت نجات فرد اگر پُر از تقوا و  
 فروتنی و دل شکسته باشند مطرح است (۲:۶۶) و دیگر  
 فقط بنی اسرائیل این نجات را نخواهند دید (۱:۶۵-  
 ۱۵) بلکه آنان در نتیجه کارهایشان به شیوه ای

۲- محدوده قلمرو این قبیله در یوشع ۱۶:۵-۱۰ توضیح داده شده که در اطراف کوه افرایم واقع در شمال فلسطین بود و بعد از جدایی شمال و جنوب قسمت مهمی از قلمرو شمالی را شامل شد و آنان بقدری در حکومت شمالی معتبر بودند که به همان نام خوانده می شدند.

۳- ریشه های افرایم.

۴- شهری در شمال اورشلیم که امروز آن را طیبیه می نامند.

۵- دروازه افرایم در اورشلیم.  
ر. ک نقشه ص ۵۱، ۵۵، ۵۹.

### اَفِسُس EPHESUS

پایتخت استان آسیایی روم (ترکیه غربی)، مهد یکی از کلیساهای اولیه که پولس رسول آن را بنیان نهاد (اع ۱۸:۱۹-۲۱، ۱۹:۱-۴۰). پولس رساله ای تحت عنوان رساله به افسسیان نگاشته و برحسب روایات، یوحنا رسول مدتها در این شهر به سر برده است. ر. ک نقشه ص ۸۴، ۸۸، ۹۱، ۹۹.

### اکباتان ECBATANE

پایتخت کشور ماد و شهر بیلاقی پادشاهان پارس که در قدیم اخمتا نامیده می شد و امروزه همدان نام دارد. طبق روایات طویبایس در این شهر به دنیا آمد (طو ۳:۷، ۶:۶-۱۰؛ عز ۶:۲). ر. ک ص ۷۹، ۱۳۹ و نقشه ص ۱۹، ۷۸، ۸۴، ۹۱.

### اکد AKKAD

یکی از شهرهای شمالی بابل (بید ۱۰:۱۰) که محل حکومت سرجون (مقارن ۲۶۰۰ ق.م) بوده است. مقارن سال ۱۸۰۰ ق.م در این شهر قصیده ای در باب آفرینش قهرمانی بنام «گیلگمش» و درباره طوفان در بین النهرین سروده شده که یکی از منابع مؤثر در نگارش کتاب پیدایش و طوفان نوح بوده است. ر. ک

### البرز (رشته کوه) ALBORZ

سلسله کوههای شمال ایران که از سوی غرب و شمال غربی به کوههای ترکیه و قفقاز و از شرق به سلسله جبال هندوکش در افغانستان متصل می گردد و حدفاصل بین کویر ایران و سواحل بحر خزر می باشد. بلندترین قله آن دماوند نزدیک تهران می باشد (۵/۶۷۰ متر) که از بقایای قلل آتشفشانی است. ر. ک نقشه ۲۲.

### الوش ALUS

یکی از توقف گاههای زمان خروج (اعد ۳۳:۱۳-۱۴)، ر. ک نقشه ص ۴۱.

### الوهیست ELOHISTE

یکی از تفاسیر چهارگانه تورات است که تفسیر روایات و سنن کهن و مربوط به زمانی است که از لغت الوهیم (به معنای خدا) در مقابل یهوه استفاده می شد. این تفسیر مربوط به قرن ۸ ق.م می باشد و در قلمرو شمالی به هنگام سلطنت رحبعام دوم رواج داشت. ر. ک ص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹. ر. ک «چگونه عهدعتیق را بخوانیم» ص ۴۷-۵۰، ۸۹-۹۵، «برگهای زرین»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «گذر از اسارت مصر» ۳۳.

### الوهیم ELOHIM

به معنی خدا و اسم جمع کلمه الوها است (حب ۳:۳) که این اسم جمع به نشانه احترام و تکریم بکار می رود، ر. ک مر ۱۵:۳۴ این عنوان گاهی به فرشتگان نیز اطلاق می شد (ایوب ۱:۶) یا به انسانهایی که پراز قدرت الهی بودند (خروج ۴:۱۶؛ مز ۴:۷)، ر. ک ص ۱۴۷، ۱۴۹، ر. ک «چگونه عهدعتیق را بخوانیم» ص ۱۳۴، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۷۶.

## الیسع ELIZEE

نبی جانشین ایلیا (۱-پاد۱۹:۱۶). بسیاری از معجزات عیسی مسیح ما را به یاد معجزات الیسع می‌اندازد (۲-پاد۱:۴-۷، ۴:۳۸-۴۴، ۵:۱-۲۷). ر. ک ص ۱۲۶-۱۲۷ و «برگهای زرین» ص ۱۱۷، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۷، «آغاز پادشاهی» ص ۱۷۳-۱۷۴.

## امثال سلیمان PROVERBES

کتاب امثال همانند مزامیر در بخش سوم کتب برحق یهودیان یعنی در میان کتب حکمت جاگرفت. طبق روایات یهودیان و مسیحیان یهودی تبار آن را منتسب به سلیمان می‌دانند، زیرا واقعاً او بود که چنین طرز فکری را ایجاد نمود و در دربارش یهودیان این امثال را تنظیم می‌کردند. (۱-پاد۳:۹-۱۴، امث ۱:۱۰) بعدها توسط خادمین حزقیای پادشاه این امثال گردآوری شد. متون امثال ۱:۱۰-۱:۲۲، ۱۶:۲۵، ۱:۲۵ و بابهای ۲۵-۲۹ متقدم تر می‌باشند، ولی بابهای ۱-۹ برعکس متأخرتر بوده و توسط کاتبان در اواخر پادشاهی یهودا و اندکی پس از تبعید به نگارش درآمدند. به احتمال قوی در سال ۴۸۰ ق.م این کتاب مراحل پایانی خود را طی کرده و به شکلی که امروز در دسترس ماست تدوین گردید. ر. ک ص ۱۲۶، ۱۳۳۹ و «کتاب حکمت و دعا»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۵۱-۱۵۳، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۵۳، ۱۷۶-۱۷۹، «برگهای زرین» ص ۳۰۸-۳۱۲.

## آموریان AMORITES

مردمانی دامدار از نژاد سامی ساکن کنعان که قبل از سلطه بنی اسرائیل در آنجا ساکن بودند و بنی اسرائیل پس از تصرف شهرهای آنان و اخراجشان در آنجا مستقر شدند. (داور ۳:۵؛ ۱-سمو ۷:۱۴؛ ۲-سمو ۲:۲۱؛ اعد ۲۱:۲۵-۳۲، ۳۲:۳۹؛ داور ۱۱:۲۱-۲۳). ر. ک ص ۱۴، ۲۶، ۳۲ و نقشه ص ۲۵، ۴۴، ۴۹.

## انبیا (کتاب) PROPHETES

۱- معنی کلمه: دومین قسمت کتاب مقدس از دیدگاه یهودیان (آنان کتاب مقدس را به سه قسمت یعنی ۱- تورات ۲- انبیا ۳- نوشته های دیگر تقسیم بندی می کردند) که شامل این کتابهاست.

الف- انبیای متقدم: کتابهای یوشع، داوران، سموئیل و پادشاهان.

ب- انبیای متأخر: کتابهای اشعیا، ارمیا، حزقیال و ۱۲ نبی دیگر (هوشع، یوئیل، عاموس، عبودیا، یونس، میکا، ناحوم، حبقوق، صفینیا، حجی، زکریا، ملاکی). ر. ک تورات و نوشته های دیگر.

۲- نبوت: به معنی پیامی است که توسط نبی اعلام می شود که دارای سه ویژگی خاص است.

الف- اعلام داوری زمان حال.

ب- تهدیدی درباره مجازات.

ج- اعلامگر وعده نجات که در بعضی موارد با آمدن مسیح موعود یا زمان آخر مرتبط می شود.

ر. ک ص ۴۸، ۷۱، ۱۲۱-۱۲۲، ۱۲۸-۱۳۰، ۱۳۸، ۱۴۲-۱۴۵ و نمودار ص ۱۱۱، ۱۵۹، ر. ک «پادشاهان و انبیا».

## اوبوت OBOOTH

یکی از منازل که قوم بنی اسرائیل در جریان خروج از مصر در آنجا اقامت کردند و در جنوب بحرالمت واقع است. (اعد ۲۱:۱۰-۱۱، ۳۳:۴۳-۴۴)، نقشه ص ۴۴.

## اور UR

یکی از شهرهای کلدانیان که تارح و ابراهیم از آنجا به سوی کنعان عزیمت کردند. (پید ۱۱:۳۱، ۷:۱۵) نقشه ص ۲۷ و ۳۱، و ص ۳۲ و ۳۴.

## اورارتو OURARTOU

هر چند منشاء اورارتوئی ها روشن نیست اما از ایشان سنگ نوشته هایی متعلق به قرن ۹ ق.م در آشور بدست آمده است. آرامنه مدتها قبل وارد سرزمین اورارتو که

**ایتام (عیتام) ETHAM**

۱- نام یکی از دژهای مصریان در کتاب مقدس که در حاشیه صحرا نزدیک دریاچه های شور واقع بوده است (خروج ۱۳:۲۰؛ اعد ۳۳:۶-۸). صحرای اطراف این دژ نیز به نام صحرای ایتام معروف گشته که در شمال غربی شبه جزیره سینا قرار دارد.

۲- نام یکی از شهرهای واقع در کوهستان یهودیه (۲- تووا ۱۱:۶)، نقشه ص ۴۱.

**ایران IRAN**

ایران به معنی سرزمین آریائیه است که مهد تمدنهای عیلام، ماد، پارس و پارت بوده است و با وقایع عهد عتیق ارتباط داشته به نحوی که اسامی مادیان، پارتیان و عیلامیان در اعمال رسولان باب ۲ ذکر شده است. ر. ک «ایران و کتاب مقدس» در ضمیمه همین کتاب، «تبعید و بازگشت» ص ۱۰۶-۱۰۹، «برگهای زرین» بخش سوم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» فصل ششم، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۶۳. ر. ک ص ۲۲، ۲۶، ۸۵.

**ایسوس ISSOS**

یکی از شهرهای آسیای صغیر که برای نخستین بار داریوش سوم در این محل مقهور اسکندر گردید. در کتاب مقدس از این محل نام برده نشده است، نقشه ص ۸۴، ۸۸، ۹۱ و ص ۹۰.

**ایشبُوشَت (اشبعل) ISHBOSHETH (ISH-BAAL)**

پسر شائول پادشاه یهود که فقط دو سال سلطنت کرد (۲- سمو ۲:۸-۱۰) و سپس داود جای وی را گرفت (۲- سمو ۴:۲-۱۲). ر. ک ص ۶۹.

**ایْلُون AYYALON**

شهر لایوان و محل سکونت بنیامین در مرز فلسطین به معنای محل گوزنها (یوشع ۱۹:۴۲، ۲۱:۲۴)

حدفاصل جنوبی آسیای صغیر و شمال غربی بین النهرین بود گردیدند و با آنها درهم آمیختند. ر. ک نقشه ص ۸۰ و ص ۲۱، ۷۳، ۲۶، ۸۵.

**اورشلیم JERUSALEM**

اورشلیم به معنی شهر سلامتی می باشد این شهر توسط داود از یبوسیان گرفته شد و پایتخت اسرائیل و جایگاه معبد یهود گردید. نام دیگر این شهر کوه صهیون است که معبد بر فراز آن ساخته شده بود و این نام به کرات در کتاب مقدس آمده است. عیسی مسیح در خارج از حصار شهر اورشلیم مصلوب گردید. این شهر در سال ۷۰ میلادی توسط رومیان ویران گردید. از نظر مسیحیان اورشلیم نوین هنگامی خواهد آمد که دنیای قدیم به اتمام برسد. (عبر ۱۳:۱۴؛ مکا ۲۱). ر. ک ص ۱۵، ۲۰، ۲۹، ۵۰، ۵۸، ۶۳، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۷، ۸۱، ۸۳، ۸۷ و نقشه ص ۱۹، ۴۹، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۸۰، ۸۴، ۸۸، ۹۱، ۹۶.

**اورنتس (رود) ORONTE**

مهمترین رودخانه سوریه (۶۴۰ کیلومتر) که شهرهای قادش و انطاکیه در کنار آن واقع بودند اما در کتاب مقدس نامی از آن برده نشده است. ر. ک نقشه ص ۲۱ و ص ۲۲، ۵۰.

**اوکتاویوس (OCTAVE) OCTAVIUS**

اوکتاویوس در سال ۳۱ ق.م با عنوان اگوستوس به سلطنت در رم رسید. ر. ک «ایمان و تمدن»، ر. ک ص ۱۰۰.

**اوگاریت UGARIT**

شهری در ساحل سوری مدیترانه که در سال ۱۹۲۹ کشف گردید و نامه های تل عمرنا متعلق به قرن ۱۶ الی ۱۳ ق.م در آن بدست آمد. این اسناد منبع اساسی شناخت ما از فرهنگ کنعانی و به طور کلی از خاورمیانه در هزاره دوم ق.م می باشد. نقشه ص ۲۷، ۲۹.

**ایلیا ELIE**

۴- بابل در عهد جدید مظهر قدرتی است که در برابر ملکوت خداوند مقاومت می‌کند و خدا آن را واژگون می‌سازد (مکا ۱۸). ر. ک ص ۲۸، ۷۷، ۸۱، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۸ و نقشه ص ۱۹، ۲۱، ۷۸، ۸۴. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۰۱، «تبعید و بازگشت» ص ۷۲، ۱۷۰-۲۲۱، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۲۷.

**باشان BASHAN**

ناحیه ای در شمال رود یرموق که به جهت حاصلخیزی و چراگاههای سرسبز معروف است. ر. ک مز ۶۸:۱۵-۲۳؛ اش ۲:۱۳، ۳۳:۹؛ ر. ک ص ۵۶ و نقشه ص ۵۵.

**بحر خزر CASPIENNE**

دریاچه ای واقع در شمال ایران. نام آن از نام قبایل شمالی خزر گرفته شده است. ر. ک ص ۷۹ و نقشه ص ۲۱.

**بحرالمیت MER MORTE**

بحرالمیت به طول ۸۵ کیلومتر که عرض ترین قسمت آن ۱۵/۷ کیلومتر و حداکثر عمق آن ۴۰۰ متر و سطح آن ۳۹۲ متر پایین تر از سطح دریای مدیترانه می‌باشد. در کتاب مقدس دریای عرب (یوشع ۳:۱۶) یا دریای ملح (یوشع ۳:۱۶، ۱۲:۳) یا دریای شرقی (حزق ۴۷:۱۸) نامیده شده است. ر. ک نقشه ص ۵۵. در کتاب مقدس این دریاچه همیشه حد مرزی جنوب غربی کشور اسرائیل بوده است. ر. ک ص ۵۲، ۵۴، ۵۶ و نقشه ص ۲۱، ۵۱، ۵۳، ۵۵.

**بسور (وادی) BESOR**

وادی به زبانهای سامی به معنای مسیل آمده است. وادی بسور مسیلی بود که داود به ۶۰۰ نفر از لشکریانش اجازه داد در آنجا استراحت کنند. (۱- سمو ۳۰:۹-۱۰، ۲۱)، ر. ک نقشه ص ۵۵.

یکی از پیامبران بزرگ قوم بنی اسرائیل، معاصر اخاب که در قلمرو شمالی پس از انشقاق سیاسی و مذهبی زندگی می‌کرد او بعد از موسی، شاید مهمترین نبی عهد عتیق باشد. زندگی ایلیا اعلام کننده زندگی عیسی تا صعود وی به آسمان است (۲- پاد ۲:۱-۱۵).

ایلیا به همراه موسی در کوهی که عیسی تجلی یافت حضور داشت. (مت ۱۷:۳-۸). ر. ک آخاب، ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۶، «برگهای زرین» ص ۱۱۷، «آغاز پادشاهی» ص ۵۹، ۱۲۵-۱۲۶.

**ایلیم ELIM**

یکی از توقف گاههای زمان خروج (خروج ۱۵:۲۷، ۱۶:۱) واقع در کرانه شرقی خلیج سوئز، نقشه ص ۴۱.

**ایوب JOB**

یکی از کتب حکمت عهد عتیق که مسئله درد و رنج انسانی عادل و مؤمن را مطرح می‌کند. به احتمال قوی این کتاب بعد از تبعید و در حدود سال ۴۵۰ ق.م به نگارش درآمد که در آن ایوب ادومی و متعلق به دوران پدران قوم (۱۶۰۰ ق.م) معرفی شده و ممکن است نویسنده کتاب از روایات قدیمی استفاده کرده باشد. ر. ک «حکمت و دعا»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۷۹، «برگهای زرین» فصل شانزدهم. ر. ک ص ۱۳۷.

**بابل BABYLONE (BABEL)**

۱- برج بابل: کنایه از پراکندگی آدمیان و تعدد زبانهای ایشان می‌باشد (پیدا ۱۱).

۲- بابل به عبرانی بابیلون و به معنای «دروازه های خداوند»، مرکز کشور بابل واقع در جنوب بین النهرین (عراق کنونی) بوده است.

۳- در کتاب مقدس بابل دولتی است که حکومت یهودیه را منقرض کرد و یهودیان را به تبعید وادار ساخت.



**BEN SIRACH** بن سیراخ

کتابی است که اصل آن مقارن ۲۰۰ ق.م به زبان عبری نوشته و در حدود ۱۳۰ ق.م به زبان یونانی ترجمه گردید و اکنون فقط نسخه یونانی آن در دست می باشد. نویسندگان آن به گذشته وفادار بوده اما دارای روحی نرم می باشد و مایل به حفظ روحیه مذهبی ملت یهود است و سعی می کند آن را در نزد ملل دیگر نیز جذاب جلوه دهد. معلمی بی نهایت سختگیر است اما دارای خلق و خوی خوشی بوده و تمایل زیادی به اغذیه لذیذ و ترانه ها و آوازهای خوش دارد و وجودش مملو از ایمان است. از دید وی خداوند پدری است که بخشایش خود را شامل همه می گرداند. این کتاب توسط جامعه پروتستان مورد تأیید نبوده و آن را جزو کتب آپوکریفا می دانند. ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۶۲، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۲۳، «برگهای زرین» فصل ۲۱، «در انتظار ایام نوین». ر. ک ص ۹۴، ۱۳۸، ۱۴۲-۱۴۳.

**BENE YAAQAN** بنی یعقان

یکی از توقف گاههای خروج (اعد ۳۳:۳۲) و محلی که قبیله بنی یعقان در آن بسر می بردند. منشاء آنان به زمان عیسو پسر اسحق بازمی گردد (پید ۳۶:۲۷؛ ۱-توا ۴۲)، ر. ک نقشه ص ۴۱.

**BYBLOS (JBEIL)** بیبلوس (جبئیل)

نام یونانی شهر جبئیل از بنادر فنیقیه (لبنان) در کرانه مدیترانه که امروزه آن را جبیل می نامند. این شهر از لحاظ تجاری به شهر صور وابسته بود (حزق ۲۷:۹). ساکنان آن در بنای معبد سلیمان مشارکت داشتند (۱-پاد ۵:۱۸). ر. ک ص ۷۳ و نقشه ص ۲۷، ۳۹، ۶۶.

**BETHLEEM** بیت لحم (بیت الحم)

به معنای خانه نان یا گوشت؛ شهری است در جنوب اورشلیم که زادگاه داود و عیسی مسیح می باشد (۱-)

**BOSORRA** بُسْرَه

یکی از شهرهای مهم جنوب غربی ناحیه باشان که در حدود ۱۱۰ کیلومتری جنوب دمشق می باشد. این کلمه به معنای «دژ» است که در عصر مکابیان، یهودیان آن را به تصرف درآوردند (۱-مکا ۵:۲۸) و سپس به دست نبطیان تسخیر شد که یکی از شهرهای مهم آن قلمرو گردید.

**PTOLEMEE** بطلمیوس

بطلمیوس: نام بسیاری از فرمانروایان مصر بوده که جانشینان بطلمیوس سردار اسکندر بودند و عده ای از آنان معاصر مکابیان بوده اند. این سلسله بین سالهای ۲۸۱ تا ۳۰ ق.م که بدست رومیان منقرض شدند در مصر حکومت می کردند.

بطلمیوس پنجم یا بطلمیوس اپیفان، پادشاه مصر از ۲۰۳ تا ۱۸۱ ق.م و معروف به پادشاه جنوب (دان ۱۱:۱۷). ر. ک ص ۲۰، ۹۲، ۹۴ و نقشه ص ۸۸. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۰۹، «در انتظار ایام نوین».

**BAALS** بعل

به معنای سرور و آقا. نام خدایان محلی کنعان که بعداً به خدای باروری و خورشید تبدیل شد، نامهای بسیاری در کتاب مقدس اعم از شهر یا فرد با پیشوند بعل شروع می شود. به همین دلیل تمام انبیای بنی اسرائیل برعلیه نفوذ بعل در میان قوم مبارزه کرده اند، ر. ک ص ۶۹.

**BAALATH** بعلت

نام شهری که بین جازر و مجدو واقع شده و توسط سلیمان پادشاه یهود مستحکم گردید (۱-پاد ۹:۱۷)، ر. ک نقشه ص ۶۶.

**BEQAA** بقاع

بقاع فلاتی است بین لبنان و ماوراء لبنان (یوشع ۱۱:۱۷، ۱۲:۷) که در کتاب مقدس وادی لبنان نامیده شده است، ر. ک ص ۵۴.

**BEER LAHAI ROI** بئرلحی رئی

بئر به معنای چاه است و نام بئرلحی رئی چاهی در جنوب اسرائیل در صحرای نگب بوده و روایاتی در مورد آن در رابطه با هاجر کنیز سارا و زوجه ابراهیم (پید۱۶:۱۴) و درباره اسحق وجود دارد (پید۲۴:۶۲، ۱۱:۲۵)، ر.ک نقشه ص ۳۳.

**BAAL MAR- DOUK** بیل مردوک (بعل مردوک)

مردوک خدای اصلی بابل که معمولاً تحت عنوان «بیل» آمده است (ار۵۰:۲). ر.ک ص ۸۱.

**MESOPOTAMIE** بین‌النهرین

سرزمین حاصلخیز بین رودهای دجله و فرات و یکی از مراکز مهم تمدنهای باستانی سومر، اکد، آشور، کلد و بابل. ص ۱۴، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۷۳، ۱۳۳ و نقشه ص ۲۳.

**PAPYRUS** پاپیروس

گیاهی است که در دره نیل می‌روید و مصریان قدیم از آن نوعی کاغذ می‌ساختند و بر آن با خط تصویری (هیروگلیف) می‌نوشتند که آثار آن بدست آمده است. ر.ک ص ۲۹.

**LIVRE DE ROIS** پادشاهان (کتاب)

در قدیم کتاب پادشاهان به صورت یک کتاب واحد بود و تقسیم آن به دو کتاب ناشی از کار ترجمه یونانی است، محتوای کتاب اول و دوم پادشاهان شامل موارد زیر است:

- ۱- پایان سلطنت داود
- ۲- افتخارات سلطنت سلیمان
- ۳- روزهای تیره این سلطنت
- ۴- انشقاق مذهبی و سیاسی
- ۵- تاریخ قلمرو یهودیه و اسرائیل
- ۶- تاریخ قلمرو یهودیه بعد از سقوط حکومت اسرائیل

سمو۱۶:۱، ۶:۲۰؛ لو۲:۴-۱۱؛ مت۲:۱). ر.ک نقشه ص ۶۲، ۷۴.

## بیت شان

شهری واقع در نقطه سوق الجیشی مابین وادی یزرعیل (۲ کیلومتر به طرف غرب) و رود اردن (۵ کیلومتر به طرف شرق) که در سرحد شرقی قبیله منسی بوده است (یوشع۱۷:۱۱؛ ۱-توا۷:۲۹) و مدت زمان طولانی محل سکونت کنعانیان بود (یوشع۱۷:۱۶؛ داو۱:۲۷) اما بعداً توسط فلسطینیان فتح شد. جسد شائول و پسرانش را بر دیوار این شهر آویزان کردند (۱-سمو۳۱:۸-۱۲؛ ۲-سمو۲۱:۱۲). یهودای مکابی پس از ویران کردن شهر عفرون به این شهر رسید (۱-مک۵:۵۲، ۱۲:۴۰-۴۱؛ ۲-مک۱۲:۲۹-۳۰). در زبان یونانی به آن سکیتوپولس می‌گویند. ر.ک نقشه ص ۶۲، ر.ک سکیتوپولس.

**BETHEL** بیت‌ئیل (بیت‌عبل)

شهری در ۱۹ کیلومتری اورشلیم، متعلق به قبیله بنیامین که برحسب روایات کتاب مقدس زمانی نیز در تصرف قبیله افرایم بوده است. خداوند بر یعقوب در این محل ظاهر شد به همین دلیل به عبادتگاه تبدیل گردید، ر.ک ص ۳۴، ۶۳، ۶۹، ۱۲۵ و نقشه ص ۳۳، ۵۷، ۶۲، ۷۴.

**BEERSHEBA (BERSA- BEE)** بئرشیع (برسابه)

بئر به معنی چاه است و شبع یعنی هفت؛ بئرشیع یعنی چاه هفتم یا چاه عهد (پید۲۱:۲۵-۳۰، ۲۶:۲۳-۳۳). این ناحیه در جنوب فلسطین و در حاشیه صحرای نگب واقع است (۱-سمو۳:۲۰؛ ۲-سمو۱۷:۱۱؛ ۱-توا۲:۱۱)؛ «بئرشیع به دان» (پید۲۱:۱۴). ر.ک ص ۳۵، ۶۱، ۱۲۴ و نقشه ص ۳۱، ۳۳، ۵۵، ۶۲، ۶۶، ۶۸.

**پرسپولیس (تخت جمشید) PERSEPOLIS**

پرسپولیس یا تخت جمشید پایتخت هخامنشیان بود که داریوش اول آن را بنا نهاد و اسکندر آن را سوزاند (۳۳۱ ق.م). ر.ک یوشع ۱۱:۱۰-۱۲، ۱۹:۳۶؛ ۱-پاد ۱۵:۹؛ ۲-پاد ۱۵:۲۹). ر.ک ص ۸۹ و نقشه ص ۸۴، ۸۸، ۹۱.

**پروس PORUS**

پادشاه هندوستان (۳۲۶-۳۲۷ ق.م) که در برابر اسکندر مقاومت نمود و پس از مصالحه با مقدونیها و ادامه سلطنت بین سالهای ۳۱۵-۳۲۱ ق.م به قتل رسید. ر.ک ص ۸۹.

**پسامتیک اول (پسمتیک) PSAMMETIQUE I**

فرعونی از سلسله بیست و ششم که از ۶۶۶ تا ۶۱۰ ق.م سلطنت می کرد و قدرت نظامی مصر را احیا کرد. ر.ک ص ۷۹.

**پلا PELLA**

این شهر در ماورای اردن در دامنه کوه جلعاد قرار دارد. مسیحیان قبل از انهدام اورشلیم به سال ۶۶ در آنجا پناه جستند. به این نام در کتاب مقدس اشاره نشده است. ر.ک «پایان عهد عتیق و آغاز عهد جدید»، نقشه «موقعیت سیاسی شهرهای فلسطین در عهد جدید» و نقشه ص ۹۶.

**پمپوس (پومپه) POMPEE**

از سرداران بزرگ رومی (۴۶-۱۰۶ ق.م) که مدتها فرمانروای مصر و شامات بود و بعدها قیصر روم گردید و در سال ۶۳ ق.م اورشلیم را تصرف نمود. ر.ک ص ۱۴، ۱۰۰، ر.ک «ایمان و تمدن»

**پیدایش (کتاب) GENESE**

کتاب پیدایش یا آفرینش، اولین کتاب از کتب پنجگانه عهد عتیق است که با آفرینش جهان آغاز می شود. در زبان عبری کلمه اول این کتاب بیرشیت (BERESH-

ر.ک ص ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۲ و نمودار پادشاهان ص ۱۱۱. ر.ک «آغاز پادشاهی»، «پادشاهان و انبیا»، «برگهای زرین»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم».

**پارتیان PARTHES**

پارتیان ساکنین شمال شرقی ایران باستان بودند که سلسله اشکانیان را تأسیس کردند اما این سلسله بعدها توسط ساسانیان مضمحل شد. به هنگام نزول روح القدس برخی از پارتیان در اورشلیم حضور داشتند (اع:۲:۹). به پارتیان در مکاشفه یوحنا به کرات اشاره شده است (مکا:۶:۲، ۹:۱۴-۱۶، ۱۶:۱۲) چرا که پارتیان در اسب سواری و تیراندازی با کمان ماهر بودند و با همین نشانه در مکاشفه عنوان شده اند. ر.ک ص ۱۰۰، ر.ک «ایران و کتاب مقدس» در ضمیمه همین کتاب و «ایمان و تمدن».

**پارس (پارسی، پارسیان) PERSE**

پارس ناحیه ای است در جنوب شرقی ایلام. پارسی و پارسیان اهالی پارس می باشند و حکومت پارسیان به سلسله هخامنشی (۵۵۰ تا ۴۵۰ ق.م) معروف است. پارسیان و حکومتهای ایشان نقش عمده ای در تاریخ جهان داشتند. ر.ک ص ۱۴، ۱۳۵، ۸۷، ۸۹، ۱۲۱، ۱۲۲ و نقشه ص ۲۳، ۸۴، ۸۶. ر.ک «ایران و کتاب مقدس» (ضمیمه)، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۶۸ به بعد، «برگهای زرین» فصل چهاردهم، «تبعید و بازگشت» ص ۱۲۳، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» فصل ششم.

**پدران قوم PATRIARCHES**

اعقاب اولیه بنی اسرائیل یعنی ابراهیم، اسحق و یعقوب. دوران پدران بنی اسرائیل مربوط به عهد بنی ابراهیم و اسلاف قبیله یعقوب در مصر است، ص ۱۲۳.

(IT به معنی آغاز است:

در این کتاب آغاز و سرچشمه انسان با توجه به روایات قدیم سومر و اکد تشریح شده، و همچنین تولد و بوجود آمدن قوم برگزیده از زمان ابراهیم تا یعقوب بیان گردیده است که این قسمت بیشتر با توجه به روایات یهوئیست به نگارش درآمده و برای یهودیان و هم مسیحیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای معنی و مفهوم عمیقی می‌باشد. ر.ک ص ۱۵۲، ۱۵۳ و نمودار ص ۱۵۹. ر.ک «کتاب پیدایش چه می‌گوید»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «برگهای زرین» و «مقدمه‌ای بر شناخت کتاب مقدس».

تاباص (تبس) (نو) THEBES

این شهر در واقع نامش آبون یا نُو بوده است که یونانیان آن را تبس (تاباص) می‌نامند. پایتخت مصر علیا که امروز ویرانه‌های معابد کارناک و لوکسور در آن واقع است. (ار ۴۶:۲۵؛ حزق ۳۰:۱۶-۱۴؛ نا ۹:۳-۸). ر.ک ص ۳۸ و نقشه ص ۳۷.

تابور THABOR

کوهی واقع در مرز زبولون و نفتالی که امروزه آن را کوه تور می‌نامند. برحسب روایتی مربوط به قرن سوم میلادی به بعد، این کوه تجلی‌گاه عیسی مسیح بوده است، ر.ک نقشه ص ۵۳.

تارح TERAH

پدر حضرت ابراهیم که شهر اور را در کلدان ترک کرد و به سوی کنعان روانه شد ولی در حران متوقف گردید و وفات یافت (پید ۱۱:۲۶-۳۲)، ر.ک ص ۳۴.

تامار TAMAR

۱- نام بسیاری از زنان در عهد عتیق.

۲- شهری در جنوب بحرالمت که توسط سلیمان تجدید بنا شد. (حزق ۴۸:۲۸؛ ۱-پاد ۹:۱۸). ر.ک ص ۶۷ و نقشه ص ۶۶، ۶۸.

تانیس TANIS

پایتخت فراعنه در دلتای نیل که در کتاب مقدس صوعن نامیده شده است (مز ۷۸:۱۲-۴۳؛ اش ۱۹:۱۱-۱۳، ۴:۳۰). ر.ک نقشه ص ۳۷، ۴۹.

تثنیه (کتاب) DEUTERONOME

به معنی حکم دوم، نام کتاب پنجم از کتب پنجگانه تورات. ر.ک ص ۷۷، «در باب نگارش کتاب تثنیه»، ص ۱۲۵-۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۴ و نمودار ۱۵۹. ر «برگهای زرین» فصل هشتم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۰۰، «مقدمه‌ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۱۷-۱۱۸، «گذر».

تثنیه‌ای (تفسیر / سنت)

یکی از تفاسیر چهارگانه تورات در باب حل و عقد معضلات قانونی که لایوان از مفهوم بیانات موسی جمع‌آوری کرده بودند و در قلمرو شمالی یعنی اسرائیل محفوظ بود و پس از فتح سامره به اورشلیم برده شد (۷۲۱ ق.م). این تفسیر در ردیف دیگر تفاسیر مثل یهوئیست و الوهیست جای گرفت. ر.ک «تثنیه»، «برگهای زرین» فصل هشتم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۰۰، «مقدمه‌ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۱۷-۱۱۸، «گذر». ر.ک ص ۱۴۶ و در باب تدوین کتاب تثنیه.

تدمور (پالمیر) TUDMOR (PALMYRE)

محللی در صحرای سوریه که به پالمیر معروف است ولی در کتاب مقدس از آن نام برده نشده است. آن را نباید با شهر (تدمر) که سلیمان آن را تجدید بنا نموده اشتباه کرد (۱-پاد ۹:۱۸) این منطقه از قرن اول میلادی شهرت بسیار یافت. ر.ک نقشه ص ۶۶، ۶۸.

تراکیه THRACE

ناحیه‌ای در اروپای شرقی که امروز بین ترکیه، یونان و بلغارستان تقسیم شده است. ر.ک ص ۹۱.

اول بوده و در سالهای آخر تبعید بابل زندگی می کرده است. ر. ک ص ۱۲۲، ۱۲۹. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۳۱-۱۳۴، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۲۰-۱۲۲، «تبعید و بازگشت» فصل ششم، «برگهای زرین» فصل سیزدهم.

### تشبه TISHBE

ناحیه ای در جلعاد که مقر طرفداران ایلیا بود (۱- پاد ۱۷:۱۷). نقشه ص ۷۴، ۶۲.

### تعناک (تَعْنَاك) TAANAK

شهری در مجاورت شهر مجدو که مدتها در دست کنعانیان بود و بعداً شهر لاویان گردید (داورا ۱:۲۷؛ یوشع ۱۷:۱۱، ۲۱:۲۵؛ ۱- پاد ۴:۱۲)، ر. ک نقشه ص ۶۲، ۷۴.

### تغلت فلصر TEQLAT PHALASAR

پادشاه مقتدر آشور که آحاز علیه سوریه و اسرائیل از وی کمک طلبید. این پادشاه شمال فلسطین و سوریه را فتح کرده مردمان آن ناحیه را تبعید نمود. در عهد عتیق به صورت تغلت فلاسر ذکر شده است (۲- پاد ۱۵:۲۹، ۱۶:۷-۱۸) ر. ک ص ۷۵.

### تقوع TEQOA

شهری در دامنه کوهستانهای یهودیه که زنی دانشمند اهل این شهر با داود پادشاه سخن گفت (۲- سمو ۱۴:۲-۹؛ ارا ۶:۱؛ ۲- تو ۱۱:۶؛ نح ۳:۵-۲۸). ر. ک نقشه ص ۶۲.

### تل الفرخ TELL EL FARAH

۱- ویرانه های تیرسان ر. ک تیرسا  
۲- اسم امروزی تپه ای در ۲۵ کیلومتری جنوب غزه که در قرن اخیر در آن کشفیات باستان شناسی به عمل آمده و مقبره های بسیاری از مصریان، پارسیان، یونانیان و رومیان کشف شده است. این نقطه احتمالاً باید همان شهر شاروحن باشد (یوشع ۱۹:۶). ر. ک ص ۴۰.

### ترکیه TURQUIE

شبه جزیره آناتولی واقع در منتهی الیه غرب آسیا به نام آسیای صغیر که در تاریخ باستان نقش عمده ای داشته است. ر. ک آسیای صغیر و ص ۲۲.

### تسلی (کتاب) CONSOLATION

یا اشعیای دوم، ر. ک اشعیا  
قسمت دوم اشعیا، بابهای ۴۰-۵۵ با کلمه «تسلی دهید» آغاز می شود. بنابراین به آن کتاب تسلی یا اشعیای دوم می گویند.  
مشخصات:

۱- تفاوت با قسمت اول (بابهای ۱-۳۹).  
- قسمت دوم کلاً گرایش به زمان کورش کبیر و پیروزیهای او بر لیدی و بابل دارد در صورتی که قسمت اول متمایل به زمان حکومت پادشاهان یهودا می باشد.  
- در قسمت دوم با عبارات تازه ای که در قسمت اول مورد استفاده نبوده یکتا پرستی را تشریح کرده و بر عکس قسمت اول تمایل به مسیح گرایی و انتظار برای مسیح موعود دارد.  
- جهان بینی مطرح شده در آن عمیق و وسیع می باشد که تا آن زمان از طرف کسی دیگری چنین دید عمیقی مطرح نشده بود.

- طرز نگارش این دو قسمت به کلی با هم متفاوت است بنابراین نویسنده کتاب تسلی نمی توانسته آن نبی بزرگ قرن ۸ ق. م باشد.

### ۲- تشابهات دو قسمت اشعیا

- یهوه در هر دو کتاب با عبارت قدوس اسرائیل بیان می شود.  
- در هر دو به خلقت توسط قدرت مطلقه خدا اشاره می گردد.  
- در هر دو به یک فلسفه مشابه و همانند درباره معنی و مفهوم تاریخ بشر برخورد می کنیم.

۳- نتیجه گیری: بنابراین می توان به احتمال قوی به این نتیجه رسید که نویسنده پیرو مکتب و سنت اشعیای



## تل عمرنا TELL AMARNA

همه طبق اراده خدا و برحق بوده اند. سوم، قوم به یک اصلاح دائمی تا آمدن ملکوت ابدی نیازمند است. ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «آغاز پادشاهی»، «پادشاهان و انبیا»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «نحمیا و عزرا»، «برگهای زرین»، «در انتظار ایام نوین». ر. ک ص ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۵۹.

## توتمس TOUTMES

نام چهار فرعون از سلسله هیجدهم (بین قرون ۱۵-۱۶ ق.م). ر. ک ص ۶۳

## تورات TORAH

۱- کلمه تورات به معنی شریعت یا قانون می باشد و منظور از آن مجموعه قوانینی است که خدا به موسی داد و تمام ابعاد زندگی روحانی و مادی قوم برگزیده را در برمی گیرد و آنان را در همه موارد هدایت می کند.

- قسمت اول کتاب مقدس از دیدگاه یهودیان که شامل پنج کتاب «پیدایش، خروج، لایوان، اعداد و تثنیه می باشد. این کلمه برای یهودیان به قدری مهم بود که کل کتاب مقدس را نیز به همین نام می خواندند.

۲- فهرست متون قانونی

الف: ده فرمان (خروج ۲۰: ۲-۱۷)

ب: مجموعه قوانین عهد (خروج ۱۹: ۲۳-۲۰: ۲۲)

ج: ده فرمان مراسم و آئین مذهبی (خروج ۳۴: ۱۱-۲۶)

د: قانون تقدس (تقدیس شدن) (لاو ۱۷-۲۶)

ه: مجموعه قوانین کاهنان (خروج ۲۵-۳۱: اعدا ۱-۱۰؛ لاو ۱-۷، ۱۱-۱۶).

۳- منبع تورات

الف: از دیدگاه یهودیان تورات به قدری اهمیت دارد که موسی را نویسنده آن می دانند.

ب: اما از دیدگاه تاریخ به روشنی می توان گفت که این قوانین در زمانها و مکانهای مختلفی به قوم خدا الهام

دهکده ای در جوار خرابه های اخناتون پایتخت موقت فرعون اخناتون که در ۳۰۰ کیلومتری جنوب قاهره بر کرانه شرقی رود نیل می باشد و یکی از مناطق مهم باستان شناسی مربوط به عهد عتیق است در این محل کاوشهای باستان شناسی مهمی به عمل آمده و مقدار زیادی نوشته به دست آمده است که مکاتبات سیاسی فرعون و شاهزادگان آسیای صغیر و کنعان و حاکم مصری این استان در قرن ۱۴ ق.م که حاوی بیش از ۳۵۰ نامه بوده و در واقع بایگانی سیاسی آمونوفیس چهارم (۱۳۵۹-۱۳۷۲ ق.م) فرعون مصر را تشکیل می داده است. این نوشته ها کمک می کنند به تاریخ ممالک کتاب مقدس آشنائی بیشتری یافته حتی بتوانیم به وقایعی که ۱۵۰ سال قبل از خروج اتفاق افتاده دسترسی پیدا کنیم. ر. ک ص ۴۹ و نقشه ص ۳۷، ۴۹.

## تواریخ ایام (کتاب) CHRONIQUES

این کتاب از خلقت شروع می کند و بعد با اشاره به اجداد قوم برگزیده تاریخ آنان را از مرگ شاول و حکومت داود تا تبعید به بابل توضیح می دهد که کتابهای عزرا و نحمیا را می توان ادامه آن دانست (ر. ک ۲-توا ۳۶ و عزرا ۱).

کتابهای اول و دوم تواریخ و عزرا و نحمیا دارای یک نوع طرز نگارش هستند و اصطلاحات مشابهی در همه آنها به کار رفته دارای یک ایده می باشند، بنابراین می توان گفت که نویسنده همه آنانی یکی است. این شخص به احتمال قوی لاوی بوده و جزو گروه سرایندگان معبد بوده است. این کتاب در حدود ۲۲۵ ق.م به نگارش در آمده و هدف اصلی اش بیان نکات زیر است: اول، چگونه اسرائیل از یک رژیم پادشاهی مبدل به یک حکومت الهی گردید. دوم، تمام تحولات داخلی که از زمان داود و اطرافیان او تا زمان بازگشت بقیه وفادار از تبعید رخ داد و به حکومت الهی ختم شد

گردید (۲- سمو:۵:۲۵؛ ۱- تو:۶:۶۷، ۷:۲۸، ۱۴:۱۶، ۲۰:۴). ر. ک ص ۶۳ و نقشه ص ۷۴، ۶۶، ۶۲.

### جامعه (کتاب) ECCLESIASTE

کلمه جامعه ترجمه "Qohelet" یعنی شخص مهم جامعه و ترجمه کلمه «قهال» "Qahhal" است. قهال به معنی جماعت ایمانداران است. این کتاب در حدود ۲۵۰ ق.م به نگارش در آمده و پر از اصطلاحات آرامی است و چون در آن به بعضی نکات مثبت تمدن یونانی اشاره می شود آن را متعلق به دوران سلسله لاگوس می دانند اما نویسنده به صورت غیر مستقیم به ایمانداران هشدار می دهد که به خطر رشد تمدن یونانی در فلسطین توجه داشته باشند و اعلام می کند که انسان نمی تواند بدون خدا به شادی و کمال خود برسد. ر. ک «چگونه عهدعتیق را بخوانیم»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «برگهای زرین»، «حکمت و دعا». ر. ک ص ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۵۹.

### جَبَعُونَ (جبعون) GABAON

(بلندیهای) جبعون سرزمین قبیله بنیامین (یوشع:۱۸:۲۵). در این محل طرفداران شائول و داود باهم نبرد کردند (۲- سمو:۲:۱۲-۲۴)، ضمناً محل عبادتگاه بت پرستان بوده و سلیمان در آنجا قربانی می کرد (۱- پاد:۳:۴-۵، ۹:۲؛ ۱- تو:۱۶:۳۹، ۲۱:۲۹؛ ۲- تو:۱۱:۱۳). ر. ک ص ۵۸ و نقشه ص ۵۸، ۶۲.

### جبعه GIBEA

۱- سرزمین یهودیه واقع در جنوب غربی اورشلیم (یوشع:۱۵:۵۷)  
 ۲- سرزمین قبایل بنیامین و محل حکمرانی شائول (۱- سمو:۱۰:۲۶، ۱۱:۴، ۱۵:۳۴؛ داور:۱۲:۱۹-۳۰)، ر. ک نقشه ص ۷۴ و ۶۲.

### جدلیا GODOLIAS

جدلیا یعنی یهوه بزرگ است و نام شخصی حامی ارمیا

شده است. ر. ک کتب پنجگانه، «چگونه عهدعتیق را بخوانیم» ص ۱۴۶، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۴۱، «پیدایش» «گذر»، ر. ک ص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۶-۱۴۹ و نمودار ۱۵۹.

### توروس TAURUS

سلسله کوههای واقع در شمال قلیقیه در ترکیه که مشرف بر مدیترانه بوده و مرتفع ترین قله آن آیداغ به ارتفاع ۳۷۳۴ متر است. پولس رسول در سفرهای بشارتی اول و دوم خود از این کوهستان عبور نموده بود. ر. ک ص ۲۲، ۹۱ و نقشه ص ۲۱.

### تیرسا (ترسه) TIRSA

تیرسا یکی از شهرهای کنعان که پس از فتح آن توسط قوم به قبیله منسی داده شد (یوشع:۱۲:۲۴، ۱۷:۳) و پس از شکیم برای مدتی از زمان یربعام اول تا عمری، پادشاهان اسرائیل، پایتخت قلمرو شمالی بوده است (۱- پاد:۱۴:۱۷، ۱۵:۲۱، ۱۶:۸-۱۵). امروزه آن را تل الفرخ می نامند. ر. ک تل الفرخ.

### تیما (تیمان) THEMAN

شهری واقع در مابین صحرای سینا و قلمرو یهودیه که به علت فیلسوفانش مشهور بوده است. در مورد تعیین دقیق محل آن شک و تردیدهایی وجود دارد (حب:۳:۳؛ ارا:۴۹:۷-۲۰؛ حزق:۲۵:۱۳؛ عا:۱۲:۱۲). ر. ک نقشه ص ۳۹.

### جابع (جبع) GABA

بلندیهای جابع در ۹ کیلومتری شمال اورشلیم و محل زندگی قبیله بنیامین بوده است. (یوشع:۱۸:۱۴، ۲۱:۱۷). ر. ک ص ۶۲.

### جازر GEZER

شهر لایوان و مرکز قبیله روبین در ماوراء اردن. داود اقدام به سرشماری جازر نمود و یهودای مکابی آن را متصرف

ر. ک ص ۵۴ و نقشه ص ۵۲، ۵۶، ۸۶.

### جلیل GALILEE

جلیل (دریاچه)، واقع در شمال دره اردن با ابعاد آن ۲۱ در ۹/۵ کیلومتر که ۲۱۲ متر از سطح دریای مدیترانه پائین تر است و عمق آن بین ۵۰ تا ۷۰ متر است. در انجیل آن را دریاچه طبریه و دریاچه جنیسارت نیز نامیده اند. در عهد عتیق این دریاچه کنرت نامیده شده است (اعد ۱۱:۳۴؛ یوشع ۳:۱۲، ۱۳:۲۷).

جلیل (ناحیه)، ناحیه ای است در شمال فلسطین که محل سکونت امتهای بوده و به خصوص پس از حمله آشوریها خصومت بین این منطقه و یهودیان رو به افزایش گذاشت. این سرزمین تحت حکومت هیروودیس آنتیپاس بود (اش ۱:۹؛ ۲-پاد ۱۵:۲۹).

نام جلیل در انجیل به کرات آمده است. عیسی مسیح در یهودیه به دنیا آمد ولی تمام دوران جوانی خود را در جلیل گذراند و رسالتش را در این منطقه آغاز کرده از آنجا به اطراف و اکناف مسافرت نمود. ر. ک ص ۵۴، ۵۶ و نقشه ص ۵۱، ۵۳، ۵۵.

### جوشن GOSHEN

۱- منطقه ای در مصر که یهودیان در آنجا ساکن شدند (پید ۱۰:۴۵؛ خروج ۹:۲۶).  
۲- ناحیه ای در یهودیه یا سرزمین های مجاور آن (یوشع ۱۰:۴۱، ۱۶:۱۱، ۵۱:۱۵) که از محل اصلی آن اطلاع دقیقی در دست نیست. ر. ک ص ۳۸ و نقشه ص ۳۷، ۴۱.

### جیحون GIHON

۱- یکی از ۴ رود باغ عدن (پید ۲:۱۳)  
۲- تنها چشمه شهر قدیمی اورشلیم که در خارج از حصار شهر قرار داشت و با کانالی که ساکنان اولیه آن ایجاد کرده بودند این چشمه را به شهر آورده بودند و احتمالاً از همین مسیر سربازان داود به داخل شهر رخنه کرده آن را تصرف کردند (۲-سمو ۵:۸). بعدها حزقیا

بود که پس از تبعید، حکمران یهودیه شد و بعداً به قتل رسید (۲-پاد ۲۵:۲۲-۲۶؛ ار ۳۹:۱۴-۱۶، ۱۵:۴۰، ۴۱:۱-۱۸، ۴۳:۶). ر. ک «پادشاهان و انبیا» ص ۱۸۳، ر. ک ص ۸۱.

### جرار GERAR

۱- شهر کنعانی که ابراهیم از آنجا گذشت (پید ۲۰:۲۰-۲۶).  
۲- شهری در مرز فلسطین و مصر (پید ۱۰:۱۹)، ر. ک ص ۳۴ و نقشه ص ۳۳.

### جرجاشیان GIRGASHITES

قبیله ای از کنعانیان (پید ۱۰:۱۶، ۲۰:۱۵؛ تث ۷:۱؛ یوشع ۳:۱۰، ۲۴:۱۱)، ر. ک ص ۵۰.

### جرزیم (کوه) GARIZIM

کوهی که شهر شکیم در دامنه آن قرار دارد. در برابر این کوه، کوه دیگری به نام عیبال قرار گرفته است. یوشع پس از گذر از اردن مردم را در وادی بین این دو کوه گرد آورد و قربانی نمود و احکام تورات را برایشان قرائت کرد. (یوشع ۸:۳۰-۳۳؛ تث ۱۱:۲۹-۳۰؛ ۲-مک ۶:۲). در عصر مکابیان، آنتیوخوس اپیفان با آوردن بتهایی به معبد سامره که بر روی این کوه ساخته شده بود آن را ناپاک ساخت زن سامری عبادت سنتی قوم خویش را بر روی این کوه به عیسی یادآوری نمود (یو ۴:۲۰-۲۱). ر. ک ص ۵۶ و نقشه ص ۵۱، ۵۳.

### جلجال GILGAL

عبادتگاه معروف در دره اردن نزدیک شهر اریحا. محل دقیق آن با توجه به کاوشهای باستان شناسی به دست نیامده است. (یوشع ۴:۱۹-۲۰، ۵:۹-۱۰، ۶:۹، ۱۴:۶؛ ۱-سمو ۱۰:۸، ۱۱:۱۴-۱۵؛ هو ۴:۱۵، ۹:۱۵، ۱۲:۱۱) ر. ک ص ۶۰ و نقشه ص ۵۸، ۶۲.

### جلعاد GALAAD

نام سرزمین کوچکی در ماوراء اردن (پید ۳۱:۲۱-۲۵).

ابراهیم (هارون همان حران است) (پید: ۱۱: ۲۷).  
 ۲- شهر بازرگانی در بین النهرین شمالی (پید: ۱۱: ۳۱-  
 ۳۲، ۴: ۱۲-۵، ۴۳: ۲۷، ۱۰: ۲۸، ۴: ۲۹)، این شهر  
 توسط آشوریان تصرف شد (اش: ۳۷: ۱۲). ر. ک  
 ص ۲۹، ۳۵، ۷۷ و نقشه ص ۲۸، ۳۲، ۷۶.

### HERMON (کوه)

کوهی در قسمت جنوبی ماوراء لبنان به ارتفاع ۲۷۵۰  
 متر و طول ۴۰ کیلومتر که پوشیده از برف است و  
 امروزه جبل الیشع نامیده می شود. ر. ک ص ۵۴ و نقشه  
 ص ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۶۶.

### حرمه (حُرما) HORMA

معنای آن در سفر اعداد به معنای حرام یعنی ویران شده  
 و از بین رفته آمده است. (اعد: ۳: ۲۱). شهر باستانی  
 کنعان واقع در جنوب صحرای یهودیه که اسرائیلیان در  
 برابر آن شکست خوردند و سپس بار دیگر آن را  
 متصرف شدند. (اعد: ۱۴: ۴۵؛ یوشع: ۱۲: ۱۴، ۱۵: ۳۰)،  
 ر. ک نقشه ص ۴۱.

### حشبون HESHBON

شهری واقع در ۳۵ کیلومتری اریحا که محل مرتع دامها و  
 منابع آب (اعد: ۱-۳۲: ۴؛ یوشع: ۲۱: ۳۹؛ اش: ۱۶: ۸-۹؛  
 ار: ۴۸: ۲، ۳۴) و محل برخورد اسرائیلیان و نی عمون  
 بوده است. ر. ک نقشه ص ۴۴.

### حسیروت (حسیروت) HASEROT

یکی از توقف گاههای خروج که در آنجا هارون و مریم بر  
 ضد موسی اعتراض کردند (اعد: ۱۱: ۳۵، ۱۶: ۱۲،  
 ۳۳: ۱۷-۱۸؛ تث: ۱: ۱)، ر. ک نقشه ص ۴۱.

### حکمت (کتاب) SAGESSE

این کتاب جزو کتب برحق متأخر کتاب مقدس می باشد  
 که در ترجمه یونانی کتاب مقدس (ترجمه هفتادتنان)  
 حکمت سلیمان نامیده شد. البته سلیمان نویسنده این  
 کتاب نبوده بلکه این نوع طرز فکر را در اسرائیل افتتاح

دستور داد کانالی حفر کنند تا آب آن را به حوض شیلوله  
 برسانند (۲-توا: ۳۲: ۳۰)، ر. ک ص ۶۵، ۷۷.

### حاصور HACOR

یکی از شهرهای سبت نفتالی که مرکز تجاری در شمال  
 فلسطین بود و در ۱۵ کیلومتری کفرناحوم قرار داشت  
 (یوشع: ۱۱: ۱۰-۱۲، ۱۹: ۳۶؛ ۱-پاد: ۹: ۱۵؛ ۲-  
 پاد: ۱۵: ۲۹). ر. ک نقشه ص ۴۹، ۵۷، ۶۲، ۶۶ و  
 ص ۵۹.

### حبرون HEBRON

مهمترین شهر جنوبی یهودیه و محل استقرار ابراهیم و  
 جلوس داود به سلطنت بود. داود قبل از فتح اورشلیم آن  
 را به پایتختی خود برگزید (پید: ۱۳: ۱۸، ۳۵: ۲۷،  
 ۳۷: ۱۳-۱۴؛ ۲-سمو: ۱-۱۱، ۵: ۱-۳) - ر. ک  
 ص ۳۴، ۶۵ و نقشه ص ۳۳، ۵۷، ۶۲، ۶۶.

### حتیان (هیتی ها) HITTITES

این قوم در مرکز ترکیه فعلی به اسم هانی زندگی  
 می کردند و پایتخت شان شهر هافیوساس (HAFU-  
 SAS) در ۱۵۰ کیلومتری شرق آنکارای کنونی بود. در  
 حدود سالهای ۱۹۰۰ ق.م قدرت زیادی یافتند و  
 حکومتی بنا نهادند و تا شهر حلب پیشروی کرده با  
 اموریان شهر بابل را فتح کردند (۱۸۰۶ ق.م). در حدود  
 سال ۱۵۰۰ دوباره اقتدار یافته حکومت جدیدی برپا  
 کردند و تا حدود سوریه پیشروی نمودند و با میناتی به  
 نبرد پرداختند. در سال ۱۲۹۴ فرمانروای حتی به مصر  
 حمله کرد و در شهر قادش دچار جنگی تمام عیار و بدون  
 ثمر گردید اما در حدود سال ۱۲۸۰ ق.م با رامسس دوم  
 قرارداد صلح بست. سرانجام در سال ۱۲۰۰ ق.م این  
 دولت مضمحل شد و دیگر در تاریخ نقش مهمی  
 نداشت. ر. ک ۱-پاد: ۱۰: ۲۶، ۱۱: ۱؛ ۲-پاد: ۷: ۶.

### حران HARAN

۱- نام بسیاری از شخصیت ها منجمله برادر حضرت

ویران گردید و ساکنان آن به سامره تبعید و به جای اسرائیلیان، بت پرستان در آنجا ساکن شدند (اش: ۳۶: ۱۹، ۳۷: ۱۳؛ ۲- پسا: ۱۷: ۲۴-۳۲)، ر. ک. نقشه ص ۶۶.

### حمورابی HAMMOURABI

ششمین پادشاه از سلسله اول بابل که ۴۳ سال سلطنت نمود (احتمالاً بین ۱۷۲۸-۱۶۸۶ ق.م) فاتحی که سرزمین‌های اکد، سومر، ایلام، ماری و آشور را تحت قلمرو خود در آورد. او کار کشاورزی را با ساختن نهرهای آبیاری رونق داد و همچنین تجارت را وسعت بخشید، قانون معروف خودش را که مجموعه کاملی از قوانین مدنی و اداری می‌باشد تدوین نمود. این قانون گرچه هیچ ارتباطی با مذهب ندارد لیکن می‌توان اثر آن را در کتاب مقدس در موارد ازدواج و عدالت مشاهده نمود (پید: ۱۶: ۱-۹؛ خروج: ۲۱: ۲۳-۲۹) ر. ک. ص ۳۲، ر. ک. «گذر» ص ۱۰۴.

### حورالجداد HOR GIDGAD

یکی از توقف‌گاههای خروج (اعد: ۳۳: ۳۷-۴۱) که در آن هارون وفات یافت (تث: ۳۲: ۵۰)، ر. ک. نقشه ص ۴۱، ۴۴.

### حوریان HOURITES

مردمانی غیر سامی بودند و از وجود ایشان در هزاره سوم قبل از میلاد در کوههای شمال بین‌النهرین اطلاعاتی به دست آمده است. آنان در قرن ۱۸ قبل از میلاد از کوههای آناتولی به دشت سرازیر گردیدند و به خصوص در بین‌النهرین شمالی و سوریه جای گرفتند و سپس تا کنعان نیز پیش رفتند. یکی از نامه‌های تل‌عمرنا نشان از زبان این مردمان دارد. توسط الواح دیگری که کشف شده چنین استنباط می‌شود که با تاریخ عهد عتیق و بخصوص دوران پدران قوم ارتباط داشته‌اند (پید: ۱۴: ۶، ۳۶: ۲۰؛ تث: ۲: ۲۲). ر. ک. ص ۲۶.

نمود. این کتاب به زبان یونانی و نویسنده آن فردی یهودی از اهالی شهر اسکندریه بوده است که در محیط یونانی زندگی کرده و با طرز تفکر آن آشنائی کامل داشته است. این کتاب در حدود ۱ قرن ق.م به نگارش در آمده و پر از اشاراتی به دیگر کتب به زبان یونانی است. هر چند نویسنده متأثر از تمدن یونانی است ولی دارای ایمانی عمیق بوده و ارتباط محکمی با روایات یهود داشته است (۱: ۹-۱۰: ۱۵).

- موضوع این کتاب، حکمت و تشریح آن است که به مطالب آن وحدت می‌بخشد و به احتمال خیلی زیاد در چند مرحله به نگارش در آمده است.

تقسیم بندی:

۱- حکمت در برابر عادلان و بی‌ایمانان (بابهای ۵-۱۰)

۲- سرچشمه، طبیعت و چگونگی به دست آوردن حکمت (۶-۹).

۳- حکمت و تاریخچه قوم برگزیده (۱۰-۱۶). ر. ک. «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «حکمت و دعا»، «ایمان و تمدن». ر. ک. ص ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳ و نمودار ۱۵۹.

### حلب ALEP

از شهرهای قدیمی سوریه که امروزه به همین نام در شمال دمشق قرار دارد. در هزاره دوم ق.م و در تمدن حتی‌ها نام این شهر حلب آمده است. ر. ک. ص ۲۸ و نقشه ص ۲۷.

### حمات صوبه HAMAT

توضیح ترکیب حمات و صوبه که فقط در ۲-توا: ۳: دیده می‌شود مشکل است با این وجود می‌توانیم توضیح زیر را ارائه دهیم:

حمات: شهری در کنار رود اورنتس که نقش عمده‌ای در تاریخ قوم بنی اسرائیل پس از داود داشته است. صوبه: مرکز دولت آرامی عهد داود که توسط سنحاریب



**خروج (کتاب) EXODE**

از دو دیدگاه می توان این کلمه را توضیح داد:

- ۱- اشاره به رویدادی تاریخی که منجر به آزاد شدن عبرانیان در حدود قرن ۱۵ ق.م یا به بیان دقیق تر در قرن ۱۳ ق.م در زمان رامسس دوم فرعون مصر گردید.
- ۲- نام دومین کتاب از کتب پنجگانه که دارای چهار قسمت می باشد.

الف: خروج از مصر (۱:۱-۲۱:۱۵)

ب: حرکت به سوی کوه سینا (۲۲:۱۵-۲۷:۱۸)

ج: عهد خداوند در کوه سینا (۱:۱۹-۱۸:۲۴)

د: رسومات، آئین ها و قوانین مذهبی درباره قدس الاقداس (۲۵-۴۰).

در این کتاب سه روایت یهویست، الوهیست و کهنانت مورد استفاده قرار گرفته که حجم روایت یهویست از بقیه بیشتر است. ر.ک «گذر»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» «برگهای زرین». ر.ک ص ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۹.

**خزر (دریا) LA MER CASPIENNE**

دریاچه واقع در شمال ایران که نام آن از قبایل شمالی خزر گرفته شده است.

**داریوش DARIUS**

نام بسیاری از پادشاهان پارس که مشهورترین ایشان دو نفر بودند:

- ۱- داریوش اول که پس از کوروش، بانی سلسله هخامنشی، قدرت را به دست گرفت (۴۸۶-۵۲۲ ق.م) وی به یهودیان اجازه داد مرمت معبد اورشلیم را ادامه دهند (عز ۴-۶). حجی فعالیت خود را در سال دوم سلطنت داریوش آغاز کرد (حجی ۱: ۱-۱۵) و فعالیت زکریا نیز مقارن چهارمین سال سلطنت وی بوده است (زک ۱: ۱-۷، ۷: ۱).

۲- داریوش سوم (۳۳۰-۳۳۶ ق.م) که از اسکندر شکست خورد (۱ مک ۱: ۱)، ر.ک ص ۸۳، ۸۵، ۸۷،

**حوریب (کوه) HOREB**

۱- نام دیگر جبل سینا

۲- نقطه پایان عزیمت ایلیا. ر.ک کلمه سینا. ر.ک ص ۴۵ و نقشه ص ۶۶.

**حوله (دریاچه) HULEH**

دریاچه ای در مسیر رود اردن در ۲۰ کیلومتری شمال دریاچه طبریه (جلیل) و واقع در دشت حوله. ر.ک نقشه ص ۵۳.

**حویان HIVITTES**

مردمی که در ماوراء اردن قبل از فتوحات عبرانیان می زیستند. آنان در جیحون و شکیم نیز ساکن بوده اند (یوشع ۷: ۹، ۱۱: ۱۹؛ پید ۲: ۳۴)، ر.ک ص ۵۰.

**حیرام HIRAM**

۱- پادشاه صور، دوست و متحد داود و سلیمان که مصالح لازم برای ساختمان کاخ پادشاهی و معبد اورشلیم را تهیه کرد (۲ سمو ۵: ۱۱؛ ۱- پاد ۵: ۱-۱۲، ۹: ۲۶-۲۸)

۲- فردی نیمه یهودی که در ساختمان معبد کار می کرد (۱- پاد ۷: ۱۳-۱۴). ص ۶۷.

**خاورمیانه MOYEN ORIENT**

به کشورهای ناحیه شرقی مدیترانه، از مصر تا ایران اطلاق می شود که از ۱۸ کشور تشکیل شده است.

**خُرساباد KHORSABAD**

در گذشته این شهر دورشاروکین نامیده می شد و محلی است در شمال شرقی ایران واقع در بین النهرین (عراق کنونی) در ۱۸ کیلومتری شمال نینوا که توسط سرجون دوم پادشاه آشور بنا شد، در این محل باستان شناسان اقدام به حفاری نموده اند و محل خرابه های کاخ سرجون کشف شده و اطلاعات ذیقیمتی به دست آمده است، ر.ک ص ۷۳، ۷۵.

است. ابتدا گناه بت پرستی رخ می دهد، در نتیجه قوم به زیر سلطه و بردگی یکی از اقوام مجاور در می آمد، سپس قوم پشیمان می شد و خداوند دخالت کرده توسط داوری نجات از گناه و در نتیجه آزادی را به آنان ارمغان می دهد که اشاره کاملی به گناه جهان و آمدن نجات دهنده ای برای بخشش آنان یعنی عیسی مسیح و صلیب او می باشد. ر. ک «آغاز پادشاهی»، «برگهای زرین»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم». ر. ک ص ۵۰، ۵۸، ۶۰، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۳ و نمودار ۱۵۹.

### دبوره DEBORA

اسم خاص به معنی زنبور عسل که نام سه زن بوده است:  
 ۱- دبوره دایه رفقه که پایین تر از بیت ایل به خاک سپرده شد (پید ۳۵:۸).  
 ۲- دبوره زن لَفیدوت که نبیه و داور بود (داور ۴:۴-۵). وی باراق را دعوت و کمک و پشتیبانی کرد و با کمک او توانست بر ارتش سیسرا در شهر حرشیت غلبه نماید (داور ۴:۴-۲۴). سرود دبوره (داور ۵) یکی از قدیمی ترین متون کتاب مقدس می باشد که با اشعاری حماسی موضوع را از نو تشریح می نماید و در آن از دبوره به عنوان مادر اسرائیل یاد می شود (داور ۵:۷).  
 ۳- دبوره مادر حنائیل که یکی از اجداد طوبیت می باشد (طو ۱:۸)، ر. ک ص ۱۲۵.

### دبیر DEBIR

شهر قدیمی کنعان در کوهستان یهودیه که در زمان فتوحات یهودیان توسط کالیب یکی از روسای قبایل عبرانیان تصرف گردید و به قبیله لاویان سپرده شد (داور ۱۱:۱-۱۳؛ یوشع ۱۵:۴۹، ۲۱:۱۵). ر. ک ص ۵۸ و نقشه ص ۵۷.

### دجله (حقل) TIGRE

روز بزرگ واقع در بین النهرین که از کوههای ترکیه سرچشمه می گیرد و به خلیج فارس می ریزد. در

۱۰۷. ر. ک «تبعید و بازگشت» ص ۱۳۵-۱۳۹.

### دان DAN

۱- شهری در نزدیکی سرچشمه های نهر اردن در منتهی الیه شمالی ارض موعود (تث ۳۴:۱). اصطلاح دان تا بشرایع نوعی اشاره به سرزمین موعود است (داور ۲۰:۱)، این شهر توسط بنهد پادشاه آرام در آغاز فتح قلمرو شمالی تصرف گردید (۱-پاد ۱۵:۲۰).  
 ۲- دان نام یکی از پسران یعقوب و یکی از ۱۲ قبیله اسرائیل (اعد ۲۶:۴۲؛ پید ۴۹:۱۶، ۱۷)، ر. ک نقشه ص ۳۵، ۵۵.

### داود DAVID

داود کوچکترین پسر یسی اهل بیت لحم که خداوند وی را به جانشینی شائول برای حکومت بر اسرائیل برگزید. او موسس سلسله ای بود که حتی پس از تجزیه، در قسمت جنوبی یهودا تا قبل از تبعید به بابل برقرار ماند. وی نخستین پادشاهی است که عنوان مسیح را یافت و همچنین خدا به او وعده داد که یکی از فرزندان او تا به ابد بر قوم برگزیده حکومت خواهد کرد (۲-سمو ۷). این اعلام مهمی است زیرا نخستین وعده آمدن مسیح پسر داود می باشد: ر. ک «سموئیل»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۳۹، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۶۰، «آغاز پادشاهی» فصل ۷، ۸، «برگهای زرین» ص ۹۲. ر. ک ص ۵۸، ۶۰، ۶۵، ۶۷، ۶۹ و نقشه ص ۶۴.

### داوران (کتاب) JUGES

مطالب این کتاب شرح سرگذشت قوم اسرائیل پس از استقرار در سرزمین موعود به رهبری یوشع تا قبل از برقراری حکومت شائول می باشد (۱۰۲۵-۱۱۸۰ ق.م). از یک طرف قبایل پراکنده اسرائیل مرتباً مورد هجوم کنعانیان و فلسطینیان بودند و از طرف دیگر قوم برگزیده به سوی بتهای کنعان کشیده می شدند. این کتاب تعمقی بر معنی و مفهوم تجربیات این دوران

کنعانیان باقی ماند. (یوشع ۱۱:۲، ۱۲:۲۳، ۱۷:۱۱؛ داورا: ۲۷)، ر. ک نقشه ص ۶۲ و ۸۶.

### دیبون DIBON

شهری در ماوراء اردن که پس از تخریب توسط آشوریان به وسیله جاد تجدید بنا گردید و اصطلاح دیبون جاد حاکی از این موضوع می باشد (اعد ۳۳:۴۵) سپس به تصرف موآبیهها درآمد (اعد ۲۱:۳۰ - ۳۲:۳۴؛ اش ۱۵:۲؛ ار ۴۸:۱۸-۲۲). ر. ک نقشه ص ۴۴، ۶۲.

### رامسس دوم (رعمسسس) RAMSES II

نام یکی از فراعنه مصر (۱۲۹۰ تا ۱۲۲۴ ق.م) به احتمال قوی او عبرانیان را تحت فشار قرار داده بود و شکی نیست که خروج در زمان او به وقوع پیوست (خروج ۸:۱ تا ۱۰:۱۸؛ ۱- سمو ۲:۲۷، ۶:۶؛ مز ۱۳۵:۸-۹، ۱۳۶:۱۰-۱۵؛ اع ۷:۱۷-۲۱؛ روم ۹:۱۷؛ عبر ۱۱:۲۴-۲۹) در کتاب مقدس فقط به نام فرعون اشاره می شود که طبق نظر متخصصین این فرعون همان رامسس (رعمسسس) بوده. ر. ک کتاب گذر، مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس و ر. ک نمودار ص ۴۵، ص ۳۸.

### راموت RAMOT

شهری در ۳۵ کیلومتری شرق بیت شان در منطقه جلعاد که مربوط به طایفه جاد بوده است (یوشع ۸:۲۰، ۲۱:۳۸؛ ۱- پاد ۴:۱۳) راموت توسط آرامی ها به تصرف درآمد آخاب پادشاه اسرائیل تلاش کرد تا آن را باز پس بگیرد ولی در مقابل دروازه شهر گشته شد. (۱- پاد ۳:۲۲-۲۹). پسر آخاب شهر را تصرف کرد ولی در آن میان زخمی شد و در حالی که در یزرعیل تحت معالجه قرار گرفته بود یهوه ابن یهوه شافاط بر علیه او توطئه قیامی را می چیند (۲- پاد ۸:۲۸-۹:۱۵)، نقشه شماره ۶۶.

عهد عتیق از این رود به عنوان یکی از رودهای باغ عدن نام برده شده است (پید ۲:۱۴؛ طو ۶:۱-۲؛ دان ۴:۱۰). ر. ک ص ۲۲، ۲۳، ۲۴.

### دریای میت (دریای مرده، بحرالمیت) MER MORTE

یا بحرالمیت به طول ۸۵ کیلومتر که عریض ترین قسمت آن ۱۵/۷ کیلومتر و حداکثر عمق آن ۴۰۰ متر و سطح آن ۳۹۲ متر پایین تر از سطح دریای مدیترانه است.

### دُفکه DOPHKA

یکی از توقف گاهای خروج عبرانیان پس از گذر صحرای سینا (اعد ۳۳:۱۲-۱۳)، ر. ک نقشه ص ۴۱.

### دمشق DAMASCUS

شهری در دامنه کوه حرمون در شمال ارض موعود، پایتخت آرامیان که اسرائیل را دائماً مورد حمله قرار می داند. این شهر در سال ۷۳۲ ق.م توسط پادشاه آشور تغلت فلاسر به تصرف درآمد (۲- سمو ۸:۵-۶؛ ۱- پاد ۱۱:۲۳-۲۵، ۲۰:۳۴؛ ۲- پاد ۱۴:۲۸، ۱۶:۹؛ اش ۷:۸؛ ۴:۸). مرکز قلمرو سوریه و وطن نعمان که به دیدار الیشع رفت. پولس در این شهر به مسیحیت گروید. ر. ک ص ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۵۱، ۵۶، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۷۰، ۷۳، ۷۵، ۹۹، ۱۰۰.

### دوتان DOTAN

شهرکی واقع در ۲۵ کیلومتری شکیم و این همان محلی است که یوسف توسط برادرانش فروخته شد (پید ۳۷:۱۷-۲۸). الیشع در این محل از حمله آرامیان جلوگیری نمود (۲- پاد ۱۳:۱۹-۱۳)، ر. ک نقشه ص ۳۳، ۶۲.

### دور DOR

شهری کنعانی در شمال فلسطین واقع در کرانه دریای مدیترانه در جنوب کوه کرمل که پس از فتح سرزمین موعود توسط عبرانیان مدت زمان درازی در تصرف

**رامه RAMA**

به معنای ارتفاعات که در کتاب مقدس بکرات نام برده شده و مرز یهودیه و اسرائیل می باشد، ر.ک نقشه ص ۶۲.

**ربت (رَبَّة) RIBBAT**

معنای این کلمه «شهر بزرگ» است. اسم پایتخت قوم بنی عمون بود که توسط داود فتح شد (۲- سمو ۱۱:۱، ۱۲:۲۶-۳۱) پیامبران در نبوت های خود بر ضد امتهای عذاب آمون و به خصوص ربت را اعلام می کنند (ار ۴۹:۲-۳؛ حزق ۲۱:۲۸، ۲۵:۵؛ عا ۱:۱۴) در زمانی که اسرائیل تحت نفوذ یونانی بود شهر ربت به نام فیلاذلفی معروف گردید عمان پایتخت کشور اردن امروزه همان شهر ربت قدیمی است، ر.ک نقشه ص ۶۲.

**ریله (دِبْلَه) RIBLA**

شهری در کنار رود اورونت بین شهر حمت و دمشق در مرز شمالی فلسطین (حزق ۶:۱۳). در این شهر بود که فرعون نکوه در سال ۶۰۹ ق.م پادشاه یهودیه را به زنجیر بست (۲- پاد ۲۳:۳۳) مرکز ستاد کل ارتش نبوکدنصر که در همانجا بعد از سقوط اورشلیم در سال ۵۸۷ ق.م سرپسیران صدقیا را از تن جدا کرده و چشمان صدقیا را از حدقه بیرون آوردند و بزرگان اورشلیم را به قتل رساندند (۲- پاد ۲۵:۶-۷، ۲۵:۲۰-۲۱؛ ار ۵:۳۹، ۷:۵۲، ۹:۵۲، ۱۱:۵۲، ۲۶:۲۶-۲۷)، ر.ک نقشه ص ۶۶.

**رتمه RITMA**

رتمه به معنی گل طاوسی می باشد. گذرگاهی واقع بین جبل سینا و قادش که قوم پس از خروج از مصر از آن عبور کردند (اعد ۳۳:۱۸-۱۹)، ر.ک نقشه ص ۴۱.

**رحبعام ROBOAM**

پسر سلیمان که در زمان وی تجزیه صورت گرفت و دو

حکومت شمالی و جنوبی تشکیل گردید. او همچنین نخستین پادشاه یهودیه پس از انشقاق مذهبی می باشد، ر.ک ص ۶۹. ر.ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۴-۹۵، «آغاز پادشاهی» فصل دهم، «برگهای زرین» ص ۱۱۷-۱۱۹.

**رسه RISSA**

گذرگاهی است واقع بین جبل سینا و قادش که قوم پس از خروج از آن گذر کردند. (اعد ۳۳:۲۱-۲۲)، ر.ک نقشه ص ۴۱.

**رفیدیم REPHIDIM**

به معنای «محل استراحت». آخرین گذرگاه خروج قبل از رسیدن به کوه سینا (خروج ۱۹:۲؛ اعد ۳۳:۱۴-۱۵). در آنجا موسی عصای خود را به صخره زد و آب از آن جاری شد (خروج ۱۷:۱-۷). ر.ک نقشه ص ۳۹، ۴۱.

**رمون فارص RIMMON PERES**

گذرگاهی است واقع بین جبل سینا و قادش که قوم برگزیده پس از خروج از آن گذر کردند. (اعد ۳۳:۱۹-۲۰)، ر.ک نقشه ص ۴۲.

**روت RUTH**

کتابی است که در تقسیم بندی یهودیان جز بخش سوم (نوشته های دیگر) می باشد. این روایت ممکن است ریشه تاریخی داشته، هر چند اسامی خاص آن عامیانه بوده ولی دارای هدفی مشخص می باشد. چون اظهار می دارد که خدا عبادت زنی غیر اسرائیلی یعنی موآبی را پذیرفته و نویسنده علیه قانون ممنوعیت ازدواج با زنه های بیگانه اعتراض کرده است و با الگو دادن قانون انفکاک به طور غیر مستقیم بر ضد این رفتار حقارت آمیز و پست اعتراضش را بیان می دارد. نوع اصطلاحات مندرج در آن نشان می دهد که زمان نگارش بعد از تبعید به بابل بوده و به علت وجود انتقاد ذکر شده در بالا احتمالاً در حدود سال ۴۵۰ ق.م نوشته شده است. این کتاب با نسب نامه

**ZAGROS** زاگرس

سلسله کوههای غرب ایران. ر. ک ص ۲۲ و ۲۴ و نقشه ص ۲۱.

**ZOROBABEL** زروبابل

یکی از رهبران بازگشت از تبعید و تجدید بنای معبد (عز: ۲). زروبابل در سالهای بین ۵۲۲ الی ۵۳۸ در اورشلیم در زمانی که معبد بنا می شد (عز: ۳-۱: ۴-۵) فعالیت چشمگیری داشت. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۵۸، ۱۵۹، «تبعید و بازگشت» ص ۱۲۵، ۱۳۴-۱۴۱، ر. ک ص ۸۵.

**ZACHARIAH** زکریا

این اسم در عهد عتیق به چندین نفر اشاره می کند از جمله:

۱- نام چهاردهمین پادشاه اسرائیل (شمالی) در سال ۷۴۳ ق.م بوده که پسر و جانشین یربعام می باشد. او آخرین پادشاه سلسله ییهو بود که توسط شلوم کشته شد و به حکومت کوتاه ۶ ماهه وی خاتمه داد (۲-پاد ۱۴: ۲۹، ۱۵: ۸-۱۲).

۲- نام کاهنی که فرزند یهویداع کاهن بود و بر ضد بت پرستی یوآش پادشاه اعتراض کرد. بنابراین به فرمان پادشاه که پسر دائی او نیز بود در محوطه معبد اورشلیم سنگسار شد (۲-توا: ۲۴: ۱۷-۲۲). مسیح نیز به این جنایت اشاره نمود (مت: ۲۳: ۳۵).

۳- یکی از ۱۲ نبی کوچک که در حدود سال ۵۲۰ ق.م (زک: ۱) یا در حدود سال ۵۱۸ ق.م نبوت می کرد (زک: ۷: ۱). او با همکاری حجی یهودیان را به بازسازی معبد اورشلیم دعوت می نمود (عز: ۵: ۱، ۶: ۱۴). در بابهای ۱-۸ کتاب زکریا می توان با خصوصیات این نبی از جمله با دعوتهای او به توبه (زک: ۱: ۳-۶، ۷: ۴-۱۴، ۸: ۱۱، ۱۶) و همچنین رویای پیامبرانه او (زک: ۱: ۷، ۸ و ۲: ۱-۲، ۵) آشنا شد. از سوی دیگر می توان او را کاهن دانست زیرا برای معبد

از فارص تا داود خاتمه می یابد (روت: ۴: ۱۸-۲۲) بنابراین به اسم روت در نسب نامه انجیل متی نیز اشاره شده است (مت: ۱: ۵). ر. ک ص ۱۳۷ و نمودار ۱۵۹. ر. ک «برگهای زرین» ص ۲۹۲-۲۹۴، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۴۹.

**ROME** روم

شهر روم: پایتخت امپراطوری روم. یهودیان ساکن روم از اورشلیم آمده بودند و سپس از آنجا رانده شدند. پولس رسول رساله به رومیان را خطاب به ساکنین این شهر نوشت. در آنجا زندانی و به مرگ محکوم شد و در حفاریها آثار ۱۱ کنیسه در شهر روم به دست آمده که متعلق به دوران آغاز امپراطوری آگوستس می باشد و در حدود ۵۰ هزار یهودی در این شهر زندگی می کردند.

امپراتوری روم: یک قرن پس از عیسی مسیح حدود قلمرو امپراطوری روم از انگلستان فعلی تا نهر فرات و از رود راین در آلمان تا صحرای افریقا گسترش داشته که در آن گروههای زیادی از پراکندگان یهودی خارج از فلسطین سکنی داشتند. ر. ک نقشه ص ۹۷ و ۹۹، ر. ک چگونه عهد عتیق را بخوانیم نمودار ص ۲۷، مقدمه ای بر شناخت عهد جدید، ر. ک کتاب ایمان و تمدن «جلد هشتم»، و تاریخچه کلیسای کاتولیک و چگونه عهد جدید را بخوانیم ص ۳۷ تا ۴۰.

**ZAB** زاب کوچک و زاب بزرگ (رود)

دو شعبه رود در ساحل چپ رودخانه دجله در کشور آشور (تذکر اشتباه چاپی: در نقشه ص ۲۲ اسم زاب کوچک به جای زاب بزرگ و بالعکس چاپ شده است) ر. ک نقشه ص ۲۱.

**ZERED** زارد (وادی)

وادی (مسیل) زارد در جنوب ناحیه موآب که آبهای سیلابی آن به بحرالمیت می ریزند قرار داشته و یکی از گذرگاههای خروج بوده است (اعد: ۲۱: ۱۲؛ تث: ۲: ۱۳-۱۴)، ر. ک نقشه ص ۴۴ و ۵۶.



شده (زک ۱۰:۱۲) پیشگوئی و اعلام مسیح مصلوب را می بیند. ر.ک تبعید و بازگشت. ر.ک برگهای زرین. مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس. چگونه عهد عتیق را بخوانیم. ر.ک ص ۸۵، ۱۲۱، ۱۳۵، ۱۴۲ و نمودار ص ۱۵۹.

### زیتون (کوه) OLIVIERS

کوهی واقع در شرق کوه صهیون و آن طرف دره قدرون (یو ۱:۱۸) که مملو از درخت زیتون می باشد. داود پادشاه از ترس ابشالوم با گریه از طریق این تپه فرار کرد. (۲- سمو ۱۵:۳۰-۳۲). سلیمان در آنجا مکانی برای بت ها ساخت (۱- پاد ۱۳:۲۳) به همین دلیل در متن عبری (۲- پاد ۱۳:۲۳) آن را کوه هلاکت نامیده اند (خروج ۱۲:۲۳؛ ۲- سمو ۱۶:۲۴؛ اش ۶:۵۱؛ امث ۹:۱۸) حزقیال در رؤیا دید که «جلال خدا» معبد را ترک کرده بر «کوه زیتون» قرار گرفت و سپس به تبعید شدگان در بابل ملحق گشت (حزق ۱۱:۲۳). اما طبق زکریا در روز جنگ در زمانهای آخر پایهای یهوه در آنجا قرار خواهد گرفت (زک ۱:۴، ۵).

عیسی چندین بار مخصوصاً قبل از ایام درد و رنج از آنجا عبور کرد (مت ۲۱:۱، ۳:۲۴؛ ۳:۲۶؛ لو ۱۹:۳۷، ۲۱:۳۷؛ یو ۸:۱) و طبق اعمال رسولان عیسی از همین کوه صعود نمود (اع ۱:۱۲) ر.ک وادی قدرون، ر.ک نقشه ص ۵۵.

### ساتراپ (ساتراپی) SATRAPIE

کشور وسیع هخامنشی به استانهائی قسمت می شد که هر یک را ساتراپی و فرمانروای آن را ساتراپ می نامیدند، ر.ک ص ۸۵.

### سارد SARDIS (SARDES)

پایتخت کشور لیدی که در زمان کوروش کبیر از اهمیت زیادی برخوردار بود. همچنین جنگل مقدس سارد معروف بوده است. ر.ک نقشه ص ۸۴، ۸۸ و ۹۱، ر.ک ص ۸۵ و ۸۷.

(عز ۵:۱، ۱۴:۶) و روزه (زک ۷:۱-۳، ۸:۱۷، ۱۹) و نیز سرزمین مقدس (زک ۲:۱۲، ۵:۱-۱۱) اهمیت قائل بود.

۴- زکریا کاهنی از گره ایبا شوهر ایصابت (که او نیز از خاندان هارون بود). جبرائیل در معبد به او ظاهر شد و مژده تولد فرزندش را به او اعلام کرد که پس از تولد فرزندش ایمان آورده نام پسرش را یوحنا (یحیی) گذاشت (لو ۱:۵-۲۵، ۵۹-۶۴). لوقا سرودی نبوتی را از زبان او نقل می کند (۱:۶۷-۷۹) ر.ک «تبعید و بازگشت»، «برگهای زرین»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم؟» ر.ک ص ۸۵-۱۲۱، ۱۳۵-۱۴۲، نمودار ۱۵۹.

### زکریا (کتاب)

کتاب زکریا دارای دو بخش جداگانه می باشد. بخش اول که بابهای ۱ الی ۸ را شامل می شود و در حدود سالهای ۵۲۰ الی ۵۱۹ ق.م به نگارش در آمده است موضوع اصلی آن بازسازی معبد اورشلیم است که نبی به احتمال قوی آن را پس از بازگشت از تبعید نوشته است.

بخش دوم شامل بابهای ۹ الی ۱۴ که از زمان نگارش و نویسنده آن اطلاع دقیقی نداریم. در این بخش علاوه بر اشاره به یونانیان، شامل مجموعه ای گردآوری شده از گفتارهای مختلف می باشد که در اناجیل چندین بار به این قسمت اشاره شده است:

- طبق انجیل مت ۲۱:۴-۵، نبوت زکریا ۹:۹ به وسیله عیسی در روز ورود پیروزمندانه وی به اورشلیم به تحقق رسید.

- متی همچنین پیشگوئی خیانت یهودا را به زکریا نسبت می دهد (مت ۲۷:۹؛ زک ۱۱:۱۲-۱۳).

- و فرار رسولان را در ارتباط با نبوت زکریا می داند (مت ۲۶:۳۱؛ زک ۱۳:۷).

- انجیل یو ۱۹:۳۷ با تعمق در چهره آن شخص نیزه زده

دید می دانستند (پید ۱۰:۹، ۱۸:۲۰، ۱۹:۲۰؛  
ار ۲۳:۱۴؛ ۲-بطر ۲:۶) ر. ک نقشه ص ۳۳.

### سرجون دوم SARGON II

سرجون نام چند تن از پادشاهان آشور بوده است. در دوران سرجون دوم (۷۰۵-۷۲۱ ق.م) سامره به دست سپاهیان وی فتح شد. ر. ک پادشاهان و انبیا ص ۴۸-۴۹، ر. ک ص ۷۳ و ۷۷.

### سرخ (دریا) (بحر احمر یا بحر قلزم) MER ROUGE

بحر احمر یا بحر قلزم که از خلیج عقبه تا باب المندب حد فاصل ساحل شرقی آفریقا و فلسطین و عربستان است و شبه جزیره سینا را در بر می گیرد. در کتاب مقدس از این دریا مخصوصاً در مورد گذر قوم یهود در خروج از مصر نام برده شده است (خروج باب ۱۴ و ۱۵)، ر. ک ص ۲۲، ۲۸، ۴۲، ۶۷ و نقشه ص ۲۱ و ۴۱.

### سکاه SCYTHES

ملتی که در سواحل دریای سیاه سکنی داشتند و به بربریت معروف بودند (۲-مک ۴:۴۷؛ کول ۳:۱۱)، احتمالاً از نژاد زرد که در شرق قلمرو ایران به سر می بردند و بارها به ایران حمله کردند. در تاریخ به نام هیاطله نیز معروفند، ر. ک ص ۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۵ و ۸۹.

### سکوت SUCCOTH (SUKKOT)

۱- ناحیه ای واقع در وادی اردن که یکی از مراحل بازگشت یعقوب به فلسطین (پید ۳۳:۱۷؛ مز ۶۰:۶، ۱۰۸:۷) و محل سکونت سبط جاد بود (یوشع ۱۳:۸). جدعون ساکنان این شهر را که به او نان ندادند مجازات کرد.  
۲- اولین منزلگاه در مرحله خروج مابین شهر رامیس و ایتم در مصر (خروج ۱۲:۳۷، ۱۳:۲۰؛ اعد ۳۳:۵-۶) ر. ک ص ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۱.

### سالع SELA

به معنای «صخره» است و قلعه ای در دره ادوم بوده که توسط پادشاه یهودیه تسخیر شده بود (۲-پاد ۱۴:۷). این شهر به زبان یونانی پترا نامیده می شد. ر. ک نقشه ص ۳۹.

### سامره SAMARIE

۱- سامره (شهر) پایتخت پادشاهی شمالی که توسط عمری بنا شد و مرکز نگهداری بعل بود. به سال ۷۲۱ ق.م آشوریها این شهر را ویران کردند.

۲- سامره (قلمرو) در زمان عیسی منطقه ای بین جلیل و یهودیه بود که مرکز آن به همین نام خوانده می شد. اهالی آن منطقه را سامریان می گفتند که با یهودیان و یهودیان با آنان دشمنی داشتند ر. ک ص ۵۷، ۷۳، ۷۵، ۸۷ و ۱۴۰؛ نقشه ص ۶۰، ۸۴؛ «پادشاهان و انبیا» ص ۹۶؛ «تبعید و بازگشت» ص ۱۲۶.

### سامیها SEMITES

پسران نوح سه تن بودند: حام، یافت و سام که عمده ساکنان آسیای باختری (شبه جزیره عربستان، فلسطین، فنیقیه و غیره) از نژاد سام هستند و ساکنان این سرزمینها سامیها یا سامیان نامیده می شوند. ر. ک «کتاب پیدایش چه می گوید؟» ص ۷۱ ر. ک ص ۴-۱۰، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۴۰.

### سبا SABA

کشوری در جنوب شبه جزیره عربستان. ملکه سبا که در تاریخ شهرت بسیاری دارد به دیدن سلیمان رفت. این کشور به خاطر بازرگانی و داد و ستد رونق فراوانی داشت ر. ک ص ۶۷.

### سدوم SODOME

شهری است در جنوب بحرالمت (دریای مرده) که محل سکونت لوط بود (طبق دید بت پرستان این شهر ابدی است) و سنتهای قوم برگزیده ویرانی آن را مرتبط با این

**سکیتوپولس SCYTHOPOLIS**

به معنای «شهر سکاها» و نام یونانی شهر بیت شان است. ک بیت شان و ص ۹۵.

**سلوکوس SELEUCUS**

یکی از فرماندهان اسکندر که پس از مرگ وی با لاگوس و آنتیگون جنگ و ستیزهای طولانی داشتند که سرانجام قلمرو اسکندر در ۲۰۸ ق.م مابین آنها تقسیم شد و سلوکوس فرمانروای آسیا گردید. ر. ک ص ۸۹؛ لاگوس، کاساندروس، لی سی ماک. ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۵۶، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۰۹-۲۱۲، «در انتظار ایام نوین».

**سلوکیان SELEUCIDES**

جانشینان اسکندر مقدونی که در ایران و آسیای باختری حکومت می کردند. ر. ک ۲۱، ۸۹، ۹۱؛ لاگوس، کاساندروس، لی سی ماک. ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۵۶، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۰۹-۲۱۲، «در انتظار ایام نوین».

**سلیمان SALOMON**

سلیمان پسر داود پادشاه اسرائیل که صاحب حکمت و استعداد والای سازندگی بود ۹۲۵-۹۷۵ ق.م. ر. ک «آغاز پادشاهی» فصل نهم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۴۰؛ «برگهای زرین» ص ۱۰۸، ر. ک ص ۶۰، ۶۷، ۶۹ و ۷۵.

**سموئیل SAMUEL**

نبی که دو تن از نخستین پادشاهان اسرائیل یعنی شائول و داود را مسح کرد. وی داور و نبی هم شأن موسی است و ۲ کتاب «اول و دوم سموئیل» در کتب مقدس عهد عتیق به نام وی وجود دارد. ر. ک ص ۱۱۴، ۱۱۶. ر. ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۱۶، ۱۱۷.

**سموئیل (کتاب اول و دوم)**

این دو کتاب دارای منابع مختلفی هستند:

اولین گروه: نوشته هایی که به اتفاق نزدیک هستند از جمله:

- ادامه تاریخچه داوران: حمله فلسطینیان و تصاحب صندوق عهد (۱- سمو ۴: ۱-۷: ۱)

- دوران سموئیل: به عنوان نبی و مانند گروههای انبیا ظاهر می شود (۱- سمو ۸: ۱-۱۰: ۵). این دوره با دوران شائول درهم می آمیزد که با (۱- سمو ۱-۳) تکمیل می شود.

- دوران شائول (۱- سمو ۹: ۱-۱۰: ۶، ۱۱-۱۶)

- پادشاهی داود در حبرون، فتح اورشلیم و نبوت ناتان (۲- سمو ۷-۱۲)

- تاریخچه جانشینان داود (۲- سمو ۹-۲۰؛ ۱- پاد ۱-۲)

دومین گروه: نوشته های متأخرتر که عبارتند از:

- دوران دیگر سموئیل که از او به عنوان آخرین داور یاد می شود که بر ضد حکومت پادشاهی در اسرائیل سخن گفت (۱- سمو ۷، ۸، ۱۰: ۱۷-۲۴، ۱۲)

- دوران ماقبل پادشاهی داود (۱- سمو ۱۷؛ ۲- سمو ۱) سومین گروه: سرودهایی که در زمان جمع آوری، در کتاب گنجانبیده شدند (۱- سمو ۲: ۱-۱۰؛ ۲- سمو ۱: ۱۹-۲۷، ۲۳: ۱-۷).

این کتاب در حدود سال ۷۰۰ ق.م به صورت متنی یکپارچه جمع آوری و در قرن ۶ ق.م توسط نویسندگانی از سنت تثنیه کامل شد و همان شخص متن جلوس سلیمان بر تخت را از این کتاب حذف و به اول پادشاهان اضافه نمود و آن را در سلسله متون تاریخی از یوشع تا پادشاهان جا داد. مهمترین موضوع این کتاب، تعمق بر پادشاهی است که از طرف یهوه مسح شده تا با خدا همکاری نماید و عهد او را در قوم برگزیده زنده نگاه دارد. به همین دلیل هیچکس حق ندارد بر ضد پادشاه قیام کند. البته شائول رد شد چون مطابق اراده خدا عمل ننمود اما داود پادشاهی است که موافق اراده خدا عمل می کند. پادشاهی زمینی او نشانگر ملکوتی

ر. ک اکد، ص ۲۶، ۳۲، ۳۴، ۲۹ و نقشه ص ۲۵.

### سوئز (کانال) SUEZ

کانالی است که دریای سرخ را در کرانه شرقی مصر به دریای مدیترانه وصل می کند. در تاریخ باستان نخستین کسی که امر به حفر این کانال داد داریوش هخامنشی بود و سنگ نوشته ای در این مورد در محل یافت شده است. کانال مزبور به سال ۱۸۶۹ توسط فردیناند دونسپس فرانسوی ایجاد گردید که طول آن بین بندر پورت سعید تا شهر سوئز ۱۶۱ کیلومتر است و یکی از شاهراه های بزرگ و مهم دریایی جهان است. ر. ک ص ۴۰.

### سیاکزار (کیاکسار) CYAXARE

یکی از پادشاهان سلسله ماد (۶۲۵ تا ۵۸۵ ق.م) که پایتختش شهر اکباتان بود و همزمان با نبوکدنصر آشوری سلطنت می کرد (طو ۱۴:۱۵) و سلطنت آشور را منقرض کرد. ر. ک ص ۷۹.

### سین (مذهب) SIN

مذهب پرستش رب النوع ماه در قلمرو آشور و بابل و نباید آن را با صحرای سین که مابین ایلیم و کوه سینا قرار دارد اشتباه کرد (خروج ۱:۱۶، ۱:۱۷؛ اعد ۳۳:۱۱-۱۲). ر. ک ص ۸۱.

### سینا (کوه / صحرا) SINAI

صحرای سینا شبه جزیره ای است بین مصر و فلسطین که از جنوب به دریای سرخ و از شمال به دریای مدیترانه محدود می شود. صحرایی خشک و سوزان که محل گذر قوم یهود به هنگام خروج از مصر توسط موسی بوده است. کوه سینا، کوهی است که موسی بر آن فرامین خدا را دریافت نمود و آن را حوریب نیز می نامند و امروزه به نام جبل موسی خوانده می شود. ص ۲۲، ۴۰، ۲۴، ۴۵، ۵۸ و نقشه ص ۲۱، ۳۹، ۴۱، ۶۶.

### شارون (دشت) SARON

دشت ساحلی بین کوه کرمل و شهر یافا که از لحاظ مراتع

است که با مسیح افتتاح خواهد شد، بنابراین خدا با نسل داود عهد می بندد که مسیح یعنی آن پادشاه ازلی که ملکوت او تا به ابد می باشد پسر داود خواهد بود. ر. ک داود، ر. ک «آغاز پادشاهی» فصل پنجم.

### سنحاریب SENNACHERIB

پادشاه آشور (۶۸۱ تا ۷۰۴ ق.م) و بانی شهر نینوا که آن را به پایتختی انتخاب نمود. وی شورش در مصر و فلسطین را سرکوب کرد اما نتوانست اورشلیم را فتح نماید. در حدود بیست سال بعد در معبدی واقع در شهر بابل یا نینوا کشته شد (۲-پاد ۱۸، ۱۹) ر. ک ص ۶۳، ۷۳؛ ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «پادشاهان و انبیا» ص ۸۹، «برگهای زرین» ص ۱۷۴.

### سند (رود) INDUS (INDES)

رود بزرگ شبه قاره هند که اسکندر مقدونی تا آنجا پیش رفت و اغلب مرز هندوستان و قلمرو ایران باستان بوده است. ر. ک ص ۹۰.

### سورق (وادی) VALLEE DE ZOREQ

رودخانه سیلابی که از غرب اورشلیم به طرف دریای مدیترانه جریان دارد. این وادی زادگاه دلیله است که با شمشون ازدواج کرد (داور ۱۶:۴). ر. ک ص ۵۵.

### سوریه SYRIE (ARAM)

صحرای سوریه در عهد عتیق آرام نام داشت و سرزمین آرامی ها بود که بین مدیترانه و رود دجله واقع و در سرحد شمالی فلسطین قرار داشت ر. ک ص ۲۶، ۸۱، ۹۴، ۹۷؛ و نقشه ص ۲۳، ۵۵.

### سومر SUMER

یکی از تمدنهای کهن بین النهرین که از دوران باستان به ناحیه ای در جنوب بین النهرین اطلاق می شد که سرزمینی به غایت حاصلخیز بوده است. مقارن سال ۲۰۰۰ ق.م سومریها توسط اقوام (قوم) سامی رانده شدند اما فرهنگ خود را بدیشان تحمیل کردند.

طرف دیگر بین اردن و مدیترانه قرار دارد. در این شهر زیارت گاههایی وجود داشت و یادگارهای پدران قوم در آنجا نگهداری می شد (پید ۶:۱۲-۷، ۱۸:۳۳-۲۰)، محل اجتماع بزرگ قبایل بنی اسرائیل بود و یوشع عهد با خداوند را در آنجا برای قوم قرائت کرد (یوشع ۱:۲۴-۸) و رجوع از همین نقطه باعث شقاق مذهبی و سیاسی اسرائیل و یهودیه گردید (۱-یاد ۱:۱۲-۲۵). این شهر بعد از تبعید پایتخت سامره شد (پید ۶:۱۲-۷، ۱۸:۳۳-۲۰). ر. ک ص ۳۴، ۵۹، ۶۳، ۱۲۴-۱۲۴۵؛ و نقشه ص ۲۷، ۳۳، ۵۵، ۷۴.

### شکینا SHEKHINA

(خروج ۱۳:۲۲، ۳۸-۳۴:۴۰) شکینا یا سکنا یعنی ماندن با. این کلمه در عهد عتیق دارای معنی خاصی بود: «حضور خدا در خیمه مقدس یا در قدس الاقداس معبد اورشلیم» (اش ۶) و نیز نشانه ای از ستون ابر نورانی (۲-توا ۱:۶).

### شلم نصر سوم SALMANASAR III

در عهد عتیق به صورت شلمانصر نیز نوشته شده است. پادشاه آشور از ۸۵۸ تا ۸۲۴ ق.م که در ۸۵۳ در کرکر در کرانه رود اورنتس بر ضد اتحاد دوازده پادشاه از جمله بن حداد پادشاه دمشق و آخاب پادشاه اسرائیل جنگید. ر. ک ص ۷۳، ۷۵.

### شلم نصر پنجم (شلمناصر) SALMANASAR V

پادشاه آشور و جانشین تغلت فلصر سوم (۷۳۷-۷۲۲ ق.م) که مبادرت به دو جنگ بر ضد هوشع پادشاه اسرائیل نمود. پس از جنگ اول هوشع تسلیم و صلح برقرار گردید. بعداً هوشع سعی در متحد شدن با مصر نمود و شلم نصر پنجم وی را در قلعه ای روبروی شهر سامره محبوس ساخت که مقارن سال اول جانشین وی، این شهر نیز سقوط نمود (۲-یاد ۱۷:۳-۵، ۱۸:۹-۱۰).

منطقه سرسبزی است (اش ۳۳:۹، ۲:۳۵، ۱۰:۶۵). دشت شارون به وسیله پطرس بشارت انجیل را دریافت داشت (اع ۹:۳۵)، ر. ک ص ۵۴ و نقشه ص ۵۵.

### شافر (کوه) SHAPHER

کوهستانی از گذرگاههای خروج بین سینا و قادش. (اعد ۲۳:۳۳-۲۴)؛ ر. ک نقشه ص ۴۱.

### شائول SAUL

نخستین پادشاه اسرائیل که خداوند بر وی غضب نمود و سلطنتش رد شد و داود را به جایش به پادشاهی برگزید (۱-سمو ۱۲-۳۱)؛ (۱۰۳۵-۱۰۱۵ ق.م)، (۱-سمو ۱۲-۳۱)؛ ر. ک ص ۶۷؛ ر. ک «آغاز پادشاهی» فصل ششم، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۳۹، «برگهای زرین» ص ۸۳.

### شط العرب (اروند رود)

در منتهی الیه شمال غربی خلیج فارس و مصب مشترک رودهای دجله و فرات، ر. ک ص ۲۲.

### شطیم SHITTIM

آخرین گذرگاه بعد از خروج و قبل از گذر از اردن که یوشع از آنجا جاسوسانی برای شناسایی وضعیت شهر اریحا فرستاد (اعد ۲:۱، یوشع ۲:۱، ۳:۱)؛ ر. ک نقشه ص ۴۴، ۵۷.

### شفلا (هامون) SHEPHELA

به معنی سرزمین سفلی و منطقه بین کوه یهودیه و دشت ساحلی مدیترانه که محل دامداری و کشت زیتون بوده است (در کتاب مقدس فارسی هامون ترجمه شده است) (یوشع ۱۰:۴۰، ۱۵:۳۳-۴۷)؛ ر. ک ص ۴۰، ۵۶ و نقشه ص ۳۹.

### شکیم SICHEM

به معنای شاخه، شهری واقع در کوهستان افرایم بین کوه عبال و کوه جرزیم که از طرفی بین اورشلیم و فنیقیه و از



در سال ۵۸۹ برضد وی قیام کرد و از مصر کمک ک خواست. نبوکدنصر در برابر اورشلیم اردو زد و در سال ۵۸۷ اورشلیم را تصرف نمود و صدقیا به اسارت بابل برده شد، پسرانش را جلو چشمانش خفه کردند و بعد دیدگانش را درآوردند و در بابل درگذشت (۲- پاد ۲۴:۱۷-۲۵:۷). در زمان سلطنت صدقیا، ارمیا راه نبوت خود را ادامه داد و مورد مشورت صدقیا بود.

د. ارمیا به وی هشدار داد که از پادشاه بابل اطاعت کند و در غیر این صورت منتظر عواقب شوم آن باشد اما صدقیا و مردان اسرائیل ارمیا را زندانی و وی را به اتهامات سخیفی متهم نمودند (ار ۲۴:۸، ۲۷:۱-۱۲، ۲۸:۱، ۳۲:۱-۵، ۳۷:۱۸-۳۱) ر. ک «پادشاهان و انبیا» ص ۱۶۸-۱۷۰؛ ر. ک ص ۸۱.

### صندوقیان SADDUCEENS

یکی از فرق مذهبی یهودیان در زمان مسیح که فقط به پنج کتاب اول عهد عتیق (تورات) معتقد بودند و به رستاخیز مردگان و آخرت و قیامت اعتقاد نداشتند. این فرقه در سیاست مداخله داشتند و سلطه رومیان را پذیرفته بودند و برضد عیسی مسیح و محکوم ساختن او تلاش کردند و همین دشمنی را نیز پس از پنجاهه نسبت به شاگردان مسیح اعمال می کردند. (مت ۲۲:۲۳-۲۴؛ اع ۱:۴، ۵:۱۷، ۲۳:۸)؛ ر. ک ص ۹۷؛

ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۴۸.

### صرفه SAREPTA

شهری فنیقی بین صور و صیدا. ایلیا برای مدتی در این شهر نزد بیوه ای زندگی کرد و پسر وی را از مرگ زنده کرد (۱- پاد ۱۷:۹-۲۴؛ لو ۴:۲۶)؛ ر. ک نقشه ص ۶۲، ۷۴.

### صلمونه SALMONA

گذرگاه خروج پس از قادش (اعد ۳۳:۴۱-۴۲)؛ ر. ک نقشه ص ۴۴.

### شمعون SIMON

پسر دوم یعقوب و لیه. قبیله وی با قبیله یهودا جنوب سرزمین موعود را تصرف نمود. این قبیله به تدریج جذب قبیله یهودا گردید (پید ۲۹:۳۳، ۳۵:۲۳؛ داو ۱:۳-۱۷) و نقشه ص ۵۹.

### شمعون مکابی SIMON MACCABEE

پسر دوم متاتیاس. به اتفاق برادرش یهودا برای رهایی جلیل مبارزه کردند و سپس با برادر دیگرش یونان بر ضد سلطه یونان جنگید و به آزادی اسرائیل از نفوذ یونان دست یافت. روم و اسپارت با شمعون کاهن اعظم و رئیس یهودیان قرارداد اتحاد بستند. پس از قتل وی برادرش یوحنا جانشینش شد. (۱- مک ۲:۳، ۵:۱۷-۵۵، ۹:۶۲-۶۸، ۱۱:۵۹-۶۵)؛ ر. ک ص ۹۷؛ ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۴۳۰، ۴۳۶؛ «ایمان و تمدن».

### شوش SUSE

یکی از پایتخت های سلسله هخامنشی واقع در خوزستان. م اجرای استر در شوش (شوشن) رخ داد (۱:۱-۵، ۲:۳-۸، ۹:۶-۱۸)؛ ر. ک ص ۱۳۸ و نقشه ص ۱۹، ۲۷، ۸۰، ۸۴، ۸۸، ۹۱.

### شیلوه (سیلوحا) SILO (SILOE)

شهری در شمال بیت ئیل محل عبادتگاه قدیمی که سموئیل کودکی خود را در آنجا گذراند و صندوق عهد مدتی در آنجا مستقر بود. این شهر توسط فلسطینی ها به ویرانی کشیده شد (داو ۲۱:۱۹، ۱- سمو ۱:۳-۲۴، ۴:۳-۱۲؛ ار ۷:۱۲-۱۴)؛ ر. ک ص ۶۱، ۶۳ و نقشه ص ۱۶، ۱۷، ۵۹، ۶۲، ۷۴ و بیوق؛ ر. ک «آغاز پادشاهی» ص ۷۵.

### صدقیا SEDECIA

پسر یوشیا بیستمین و آخرین پادشاه یهودیه (۵۹۷-۵۸۷ ق.م) که به وسیله نبوکدنصر به سلطنت رسید اما

**صور TYR (SOUR)**

می‌کرد. وی به تورات موسی وفادار بود و فرماندار و مأمور جمع‌آوری مالیات در ماوراء اردن بود. طوبیت بعد از نابینائی، پسرش طوبیا را برای جمع‌آوری مالیات به ماد اعزام داشت. او به راهنمایی ملک مقرب رفائیل تا اکباتان پیش رفت و در آنجا با سارا دختر عموی خود ازدواج نمود. بعداً نزد پدر بازگشت و با کمک رفائیل نابینائی پدر را معالجه نمود. تاریخ وی در کتاب طوبیا از کتب برحق متأخر آمده است. ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۶۲، «برگهای زرین» ص ۴۰۲، «مقدمه‌ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۲۲، «در انتظار ایام نوین» ر. ک ص ۱۳۸، ۱۴۱-۱۴۶، ۱۵۹.

**طوبیا (کتاب)**

این کتاب که جزو کتابهای برحق متأخر می‌باشد مملو از روایات اساطیری است و در آن نکات زیر به یهودیان یادآوری شده است: مسئولیت نسبت به مردگان (۲:۱-۹)، صدقه (۴:۷-۱۱)، معنی ازدواج (۸:۴-۷)، معنی رنج و تجربه سخت عادلان (۱۲:۱۳) و مأموریت فرشتگان (۱۲:۱۲-۱۵). این کتاب احتمالاً در حدود قرن دوم ق.م نوشته شده است. ر. ک ص ۱۳۸، ۱۴۱، نمودار ۱۵۹. ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۶۲، «برگهای زرین» ص ۴۰۲، «مقدمه‌ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۲۲، «در انتظار ایام نوین».

**عاکور / عخور (وادی) AKOR**

وادی در مجاورت شهر اریحا که به معنای وادی بدبختی آمده است اما انبیا اعلام کرده بودند که این وادی بدبختی دروازه امید خواهد شد (یوشع ۷:۲۴-۲۶، ۱۵:۷؛ هوشع ۱۵:۲؛ اش ۱۰:۶۵).

**عاموس AMOS**

عاموس، نبی اهل تقوع در جنوب اورشلیم که چوپان بود و حدود سال ۷۵۰ ق.م در دوران رحبعام دوم در قلمرو شمالی نبوت می‌کرد. به نام او کتابی وجود دارد که

یکی از بنادر مهم فنیقی بر کرانه مدیترانه که شهرت بزرگی در تجارت داشت و بعدها به تصرف اسکندر درآمد. این شهر محرک اسرائیل در بت پرستی و موطن ایزابل همسر آخاب بود (۱-پاد ۱۶:۳۱؛ اش ۲۳). پولس در سومین سفر رسالتی خود، یک هفته نزد مسیحیان این شهر ماند (اع ۲۱:۳-۷)؛ ر. ک ص ۶۳، ۶۵، ۶۷؛ و نقشه ص ۲۷، ۴۹، ۶۶، ۶۲.

**صوغر SOAR**

شهری مجاور سدوم در جنوب شرقی بحرالمتیت که از ویرانی نجات یافت و لوت در آنجا سکنی گرفت (پید ۱۹:۳۰)؛ ر. ک نقشه ص ۳۳.

**صهیون SION**

تپه‌ای که در ابتدا قلعه اورشلیم بر فراز آن بنا شد. در این محل معبد یهود برپا گردید و به همین منظور آن را کوه مقدس می‌نامند و شهر اورشلیم اغلب دختر صهیون نامیده شده است. کوه صهیون مترادف با حضور یهوه در بین قوم خویش بوده است (ار ۲۶:۱۸؛ مز ۹:۱۴، ۵۱:۱۸، ۱۲۶، ۱۳۳:۳؛ یو ۱۲:۱۵؛ عبر ۱۲:۲۲؛ ۱-بطر ۲:۶؛ مکا ۱:۱۴)، ر. ک ص ۶۵.

**صیدون SIDON**

یکی از بنادر فنیقی بر کرانه شرقی مدیترانه که از لحاظ داد و ستد و بازرگانی مهم بود و هرچند به تصرف اسرائیل درآمد ولی همیشه استقلال خود را حفظ نمود و نقشی حساس در سیاست داشت و باعث ویرانی یهودیه گردید (حزق ۲۸:۲۱-۲۳)؛ ر. ک ص ۷۳.

**طرسوس ATARSE**

پایتخت قلیقیه، محل تولد پولس رسول (اع ۲۱:۳۹، ۲۲:۳)؛ ر. ک نقشه ص ۲۷.

**طوبیا (طوبیاس) TOBIE**

طوبیا پسر طوبیت که در دوران تبعید در آشور زندگی

هلنستیان به معنای یهودیانی که خارج از فلسطین زاده شده و به زبان یونانی متکلم بوده و مسیحی شده بودند (اع: ۹: ۲۹، ۱۱: ۲۰-۲۱)؛ ر. ک ص ۳۸، ۴۰، ۸۵، ۹۲، ۹۴.

### عبرونه ABRONA

گذرگاه خروج قبل از ناحیه عصیون جابر (اعد: ۳۳: ۳۴-۳۵)؛ ر. ک نقشه ص ۴۱، ۴۴.

### عجلون EGLON

شهر کنعانی در غرب حبرون (یوشع: ۱۰: ۳۴-۳۷، ۱۵: ۳۹)؛ ر. ک نقشه ص ۵۷.

### عرب (صحرا) ARABE

صحرای سوریه محل سکونت قبایل چادر نشین بود که بعداً قلمرو جنوب شرقی اسرائیل مخصوصاً قلمرو نبطیان گردید. انبیا برضد ساکنین این محل نبوت می کردند زیرا پس از بازگشت از تبعید آنان برضد یهودیان اقدام نموده و از بنای مجدد معبد اورشلیم جلوگیری می کردند (اش: ۱۳: ۲۰، ۲۱: ۱۳-۱۷؛ ار: ۳: ۲، ۲۳: ۲۴-۲۵، ۲۸: ۴۹-۳۳؛ نح: ۴: ۱). ر. ک نقشه ص ۲۱، ۲۳، ۵۵، ۶۶.

### عربستان ARABIE

محل زندگی طوایف کوچ نشین واقع در صحرای سوریه. این طوایف زمانی جمع شدند و سلطنت نبطی ها را تأسیس کردند. در زمان سلیمان عربها با اسرائیلیان تجارت داشتند (۲-توا: ۱۵: ۹) و پس از جدا شدن کشور اسرائیل به یهودیه حمله کردند (۲-توا: ۱۶: ۱۷، ۲۲: ۱، ۲۶: ۷؛ اش: ۲۱: ۱۳-۱۷؛ ار: ۲۳: ۲۵-۲۴). در زمان بازگشت یهودیان از تبعید، عربها سعی می کردند مانع تجدید بنای شهر اورشلیم شوند. ر. ک ص ۲۲، ۲۴.

### عربه (دره) ARABA

ناحیه ای بین بحرالمت و خلیج عقبه که منطقه ای

سومین کتاب انبیا کوچک می باشد. ر. ک «پادشاهان و انبیا» فصل دوم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۸۲، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۱۱، «برگهای زرین» ص ۱۳۳؛ ر. ک ص ۱۲۱، ۱۲۸.

### عاموس (کتاب)

این کتاب مخصوصاً به خاطر سخنان نبی برضد سرمایه داران که با تکبر بر فقیران فشار می آورند، معروف است (۴: ۱ تا ۶). وی همچنین علیه مراسم و آیین های ظاهری و سطحی نبوت می نماید (بابهای ۴، ۵، ۷) و قوم را دعوت می کند که به دنبال خدا بروند (۵: ۴-۶) و گرسنگی عمیق تری نسبت به کلام خدا داشته باشند (۸: ۱۱-۱۲)؛ ر. ک «پادشاهان و انبیا» فصل دوم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۸۲، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۱۱، «برگهای زرین» ص ۱۳۳؛ ر. ک ص ۱۲۱، ۱۲۸.

### عای AI

شهر باستانی کنعان واقع در سه کیلومتری جنوب غربی بیت ئیل که یکی از منازل استقرار اولیه ابراهیم بود. این شهر توسط یوشع تصرف شد و ویران گردید. (پید: ۱۲: ۸، ۱۳: ۳؛ یوشع: ۷: ۲-۵، ۸: ۱-۲۹)؛ ر. ک نقشه ص ۵۷.

### عبرانیان HEBREUX

گروه نژادی از شاخه سام پسر نوح. این کلمه باید همان کلمه هابیرو یا آپیرو باشد که در اسناد مصر و بین النهرین مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد آمده، و به معنای قوم بنی اسرائیل در مقابل مصریان و فلسطینیان می باشد، یهوه نیز خدای عبرانیان نامیده شده و پس از ارمیا این نام عنوان ممتازی گردید (پید: ۱۰: ۲۱، ۳۹: ۱۴-۱۷، ۴۰: ۱۵؛ ۱-سمو: ۴: ۶-۹؛ تث: ۱۵: ۱۲؛ یون: ۱: ۹؛ ۲-قرن: ۱۱: ۲۲؛ اع: ۱: ۶). کلمه عبرانیان به معنای یهودیانی بوده که در فلسطین زاده شده و به زبان آرامی متکلم بوده و مسیحی گردیده اند و در مقابل کلمه

**چهارم عزرا:** در حدود یک قرن ق.م توسط یک یهودی به زبان عبری و آرامی نوشته شده که به زبان یونانی ترجمه شده است.

این دو کتاب رؤیای عزرا و گفتگوی مابین او و فرشته اوروبل را تشریح می کند و از رنج و ناراحتی قوم برگزیده، علت های آن و همچنین درباره آمدن مسیح و قیامت عمومی و داوری نهایی سخن می گوید؛ ر. ک «در انتظار پیام نوین»، «تبعید و بازگشت» ص ۱۵۱-۱۵۵، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۷۳، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۴۶، «برگ های زرین» ص ۳۵۳؛ ر. ک ص ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۵، نمودار ۱۵۹.

#### عزیه AZEQA

شهری در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی اورشلیم. هوشع در همین محل بسیاری از پادشاهان کنعان را شکست داد. این شهر به وسیله رحبعام تقویت گردید اما بعدها توسط نبوکدنصر به محاصره درآمد و مجدداً به وسیله یهودیان در بازگشت از تبعید تصرف شد (یوشع ۱۰:۱۰-۱۱، ۱۵:۳۵؛ ۲-توا ۱۱:۹؛ ار ۷:۳۴؛ نح ۱۱:۳۰). ر. ک نقشه ص ۵۷.

#### عشروت قرنین ASHTEROT QARNAIN

نام محلی در زمان ابراهیم که کدرلا عمر رفائیان را در آنجا شکست داد. ر. ک پید ۱۴:۵ و نقشه ص ۳۳.

#### عصمونیان ASMONEENS

نام خانواده و سلسله مکابیان که از نام جدشان شمعون گرفته شده است. به یهودیه و ساکنان آن نیز که این سلسله در آنجا بوجود آمد عصمونیان می گفتند. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۰۹-۲۱۲، «ایمان و تمدن». ر. ک ص ۹۷، ۱۰۰ و نمودار عصمونیان و هیرودیسیان در جلد دوم.

صحرايي است. قوم بنی اسرائیل در دوران خروج، از این دره گذر کردند (تث ۲:۸، ۳:۱۷، ۴:۴۹)؛ ر. ک ص ۵۲ و نقشه ص ۴۹، ۵۳.

#### عزرا ESDRAS

کاتبی آگاه از قوانین موسی که سفیر یهودیان در دربار اردشیر پادشاه هخامنشی بود و با نامه ای از پادشاه، به همراه ۱۵۰۰ تن از یهودیان از بابل به اورشلیم عزیمت نمود. وی موجب احیای آیین یهود و اجرای قوانین تورات در اورشلیم گردید (عز ۷:۱-۲۲، ۸:۳۱-۳۵؛ نح ۸:۱-۱۸). عزرا به معنای خدا یاور است و یکی از کتب عهد عتیق به نام اوست. ر. ک ص ۸۷، ۸۹، ۱۲۱؛ ر. ک «تبعید و بازگشت» ص ۱۵۱-۱۵۵، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۷۳، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۴۶، «برگ های زرین» ص ۳۵۳.

#### عزرا (کتاب)

این کتاب را باید در ارتباط با کتاب نحمیا در نظر گرفت. چنانکه می دانیم کتاب مقدس به زبان عبری و یونانی بود و در ترجمه یونانی این دو کتاب به اول و دوم عزرا مشهور بودند، نویسنده آن احتمالاً همان نویسنده کتاب تواریخ ایام بوده و زمان نگارش آنها مابین سالهای ۳۵۰ تا ۳۰۰ ق.م می باشد. بعضی ها عقیده دارند که احتمالاً نویسنده خود عزرا بوده احتمالاً نویسنده خود عزرا بوده است. در این کتاب بر حکومت الهی تأکید شده و به قوم برگزیده یادآوری می کند که قبل از داود تنها خدا حاکم بود و الآن نیز که آنان از تبعید بازگشته اند باید زیر حکومت الهی قرار گرفته تمام زندگی از جمله آیین مذهبی در معبد و فعالیت های کاهنان و لاویان باید طبق شریعت موسی اجرا گردد.

دو کتاب دیگر به نام سوم و چهارم عزرا وجود دارد. سوم عزرا: که توسط یک یهودی یونانی زبان (تبار) در قرن ۲ ق.م نوشته شده است.

**عُمری OMRI**

چهارمین پادشاه قلمرو شمال (۸۸۵-۸۷۴ ق.م) بانی شهر سامره که آن را به پایتختی برگزید. همواره با دمشق در جنگ و اختلاف بود ۱-پاد: ۱۶-۲۶؛ ر. ک «برگهای زرین» ص ۱۲؛ «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۶. ر. ک ص ۷۵.

**عمون / عمونیان AMMONITES**

۱- عمون، منطقه ای کوهستانی در شرق مصب رود اردن.

۲- عمونیان با موآبیان و اسرائیل همسایه بودند، اکثراً بر ضد اسرائیل می جنگیدند و اغلب عمون و موآب توسط انبیای اسرائیل مورد اعتراض می گرفتند. ر. ک اش ۱۱:۱۴؛ ارا: ۲۶:۹، ۲۶:۴۹-۱:۶؛ ر. ک ص ۳۴، ۴۰، ۵۰، ۵۴، ۵۶ و نقشه ص ۳۹، ۴۴، ۵۱، ۶۶.

پس از تصرف فلسطین، بنی عمون دائم با اسرائیلیان در جنگ بودند (۱-توا: ۱۹-۱:۱۹، ۱۹-۱:۲۰، ۳-۲-توا: ۲۶:۸، ۵:۲۷). قوم سامی نژاد ساکن در شرق دره اردن که نام کنونی امان پایتخت کشور اردن از آن اقتباس شده است. ر. ک ص ۴۰، ۵۰ و نقشه ص ۴۹، ۵۳، ۸۶.

**عناتوت ANATOT**

شهرکی در ۶ کیلومتری شمال شرقی اورشلیم که وطن ارمیا بوده است. (ارا: ۱:۱، ۱۱:۲۱-۲۳، ۱-پاد: ۲۶)، ر. ک نقشه ص ۶۲.

**عوبدیا ABDIAS**

چهارمین نبی از انبیای کوچک که مقارن قرن ۵ ق.م زندگی می کرد و دارای کتابی به همین نام در عهد عتیق است که نوشته های وی حاوی حس ملی گرایی است، ر. ک ص ۱۴۲، ۱۵۹.

**عوفل OPHEL**

قسمت جنوبی کوه صهیون که بر فراز آن کاخ پادشاهی

**عصیون جابر ESYON GEBER**

شهری بندری در منتهی الیه خلیج عقبه که گذرگاه یهودیان در هنگام خروج بود و بعدها مقر کشتیهای سلیمان گردید اعد: ۳۳:۳۵-۳۶؛ ۱-پاد: ۹:۲۶؛ ص ۶۷ و نقشه ص ۴۱، ۴۴، ۶۶.

**عفیق (أفیق) APHEQ**

شهرکی در شرق دریاچه جلیل که در آنجا اخآب پادشاه اسرائیل پادشاه آرام را شکست داد. ر. ک ۱-پاد: ۲۰:۲۶-۳۰؛ ۲-پاد: ۱۳:۱۷؛ نقشه ص ۶۲، ۷۴.

**عقرون EQRON**

شهری در ناحیه فلسطین که قبل از آنکه به تصرف فلسطینیان درآید محل استقرار صندوق عهد بود. انبیا علیه این شهر به مانند بسیاری از شهرهای فلسطین نبوت می کردند. ر. ک ۱-سمو: ۵:۱۰-۱۲، ۱:۶-۱۸؛ ارا: ۲۵:۲۰؛ عا: ۸:۱؛ نقشه ص ۶۲.

**عگُو AKKO**

۱- شهری باستانی که روی کوه کرمل قرار داشت. پولس رسول در بازگشت از سومین سفر رسالتی خود یک روز را در میان مسیحیان این شهر گذراند (اع: ۲۱:۷)  
۲- شهری باستانی که در شرق شهر کنونی عگَا قرار داشت. ر. ک ص ۶۳ و نقشه ص ۶۶، ۶۲.

**عفرت (عُفره) OPHRA (OPHRAH)**

شهری که به قبیله منسی تعلق داشت و موطن و مدفن جدعون بود (داور: ۱۱:۶-۲۴، ۸:۲۷-۳۲)، ر. ک نقشه ص ۶۲.

**عمالقه AMALECITES**

مردمانی چادر نشین و ساکن صحرای نگب در جنوب فلسطین. یوشع با آنان در سینا جنگ کرد و این نبردها در طول تاریخ اسرائیل ادامه داشته است. ر. ک پید: ۱۴:۷، ۳۶:۱۲-۱۶؛ خروج: ۱۷:۸-۱۶؛ اعد: ۱۴:۴۰-۴۵؛ ۱-سمو: ۳۰:۱-۳۱؛ نقشه ص ۴۴؛ نگب.



قرار داشت. در این شهر شمشون زندانی گردید و از فلسطینیان در ضمن انهدام معبد داگون انتقام کشید، این شهر همواره مورد اعتراض انبیا بوده است. ر. ک داور ۱:۱۶-۲۱؛ عا ۱:۶-۷؛ ار ۱:۴۷-۵ و ص ۶۳، ۸۹ و نقشه ص ۳۹، ۴۹، ۶۲، ۶۶، ۹۱.

### فاران (کویر) PARAN

کویری در مجاورت قادش که اسماعیل پسر ابراهیم و کنیزش هاجر و همچنین قوم بنی اسرائیل به هنگام خروج در آن بسر بردند. پناهگاه داود وقتی شاول وی را تعقیب می نمود (پید ۲۱:۲۱؛ اعد ۱۰:۱۲، ۱۶:۱۲، ۱۳:۳-۲۶؛ ۱- سمو ۲۵:۱)، ر. ک نقشه ص ۴۱

### فارس (خلیج) PERSIQUE (GOLPHE)

مرز جنوبی ایران حد فاصل بین شط العرب و تنگه هرمز. ر. ک ص ۲۴ و نقشه ص ۲۱.

### فرات EUPHRATE

بزرگترین رود آسیای غربی که شهر بابل در کنار آن قرار داشت و در کتاب پیدایش یکی از چهار رود باغ عدن نامیده شده است. در کتاب مقدس این نام به معنای خطر پارتیان نیز بوده و اغلب با عنوان رود یا رود بزرگ نیز از آن نام برده شده است (پید ۲:۱۴، ۱۵:۱۸؛ اش ۸:۷؛ ار ۲:۱۸؛ مکا ۹:۱۴، ۱۶:۱۲)، ر. ک ص ۲۲، ۲۸، ۳۸، ۷۳ و نقشه ص ۲۱.

### فرزبان PERIZZITES

یکی از ملل ساکن کنعان قبل از سلطه قوم بنی اسرائیل که در ناحیه شکیم سکونت داشتند (پید ۱۳:۷، ۳۴:۳۰؛ داور ۱:۴-۵؛ یوشع ۱۷:۱۵)، ر. ک ص ۵۰.

### فرعون PHARAONS

عنوان پادشاهان مصر باستان. فرعونی که یهودیان را به بردگی کشاند و موجب خروج یهودیان گردید رامسس (رعمسس) دوم نام داشت (۱۲۹۰-۱۲۲۴ ق.م) علاوه بر این در کتاب مقدس به چند نفر از پادشاهان

بنا گردید (اش ۳۲:۱۴؛ نح ۳:۲۶-۲۷). ر. ک ص ۶۵.

### عیبال (کوه) EBAL

کوهی در شمال شهر شکیم (ارتفاع ۹۳۸ متر) در برابر کوه جرزیم که یوشع قربانگاهی در آنجا ساخت و احکام موسی را به مردم اعلام نمود (یوشع ۸:۳۰-۳۳)، ر. ک جرزیم؛ ص ۵۴ و نقشه ص ۵۱، ۵۳، ۵۵.

### عیسو ESAU

پسر ارشد اسحاق و رفقه، برادر توآمان یعقوب که حق نخست زادگیش را به او فروخت و بنا بر این از برکت اصلی پدر محروم شد. ر. ک پید ۲۵، ۲۷؛ عبر ۱۱:۲۰، ۱۶:۱۲-۱۷.

### عین جدی EN GADDI

شهرکی در صحرای یهودیه در کرانه بحرالمت (یوشع ۱۵:۶۲؛ ۱- سمو ۲۴:۱-۲؛ حزق ۴۷:۱۰)، ر. ک نقشه ص ۶۲.

### عینی عباریم IYYE.HA.ABARIM

یکی از گذرگاههای خروج در کشور موآب (اعد ۲۱:۱۱-۱۲، ۳۳:۴۴)، ر. ک نقشه ص ۴۴.

### غزلهای سلیمان CANTIQUE DES CAN-TIQUES

کتابی از کتابهای عهد عتیق که به سلیمان نسبت داده شده است (۱- پاد ۴:۳۲). این کتاب درباره خدا صحبت نمی کند بلکه در مورد عشق داماد و عروس است ولی احتمالاً طبق طرز تفکر بعضی از پیغمبران مخصوصاً هوشع این کتاب سمبل محبت خدا نسبت به قوم برگزیده خویش می باشد. ر. ک «حکمت و دعا»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۸۷، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۶۲؛ ر. ک ص ۱۲۷، ۱۳۸.

### غزه GAZA

شهری در جنوب غربی فلسطین که در ناحیه فلسطینیان

کتاب مقدس اغلب بعنوان دشمنان قوم برگزیده شناخته شده اند که به ارا به و اسلحه آهنین مسلح بودند (۱- سمو ۱۳:۵، ۱۹-۲۲). شمشون تلاش کرد اسرائیل را از دست آنان نجات دهد (داور ۱۳) اما داود پادشاه بود که بر فلسطینیان غلبه یافت که این پیروزی در کتاب مقدس با تصویر مبارزه و کشتن جلبات بدست او ترسیم شده است (۱- سمو ۱۷). دشمنی آنان با قوم برگزیده بعد از تبعید ادامه یافت (حزق ۱۷، ۱۶:۲۵). بت آنان مشهور به داگوم و شهرهای مهم ایشان، اشدود، اشقلوم، عقرون و یافا بود. بعضی اوقات دریای مدیترانه به نام دریای فلسطینیان مشهور بوده است. ر. ک نقشه ص ۴۹ و «آغاز پادشاهی» ص ۶۲-۶۴.

#### فنون (فونون) PUNON

گذرگاه خروج (اعد ۳۳:۴۲-۴۳) در ۴۰ کیلومتری جنوب بحرالمیت که امروز فینان نامیده می شود. ر. ک نقشه ص ۴۴.

#### فنونیل PENUEL

به معنای چهره خداوند و محلی در نزدیکی رود بیوق که یعقوب در آنجا با خداوند روبرو گردید و برکت وی را تقاضا کرد و نام اسرائیل را گرفت. (پید ۳۲:۳۱؛ داور ۸:۸-۱۸؛ ۱- پاد ۱۲:۲۵)؛ ر. ک ص ۳۴ و نقشه ص ۳۳.

#### فنیقیه PHENICIE

سرزمین ساحلی بین کوهستان لبنان و دریای مدیترانه که از کوه کرمل تا مصب رود ارونتس وسعت دارد. سنگسار شدن استیفان باعث شد مسیحیان اورشلیم که پراکنده شده بودند انجیل را به یهودیان فنیقی اعلام کنند. شهرهای مهم آن صور و صیدون است. (م ۷:۲۴؛ اع ۱۱:۱۹، ۳:۱۵، ۲:۲۱)؛ ر. ک ص ۶۷ و نقشه ص ۲۵، ۳۱.

مصر اشاره شده است (پید ۴۰، ۴۱؛ ۱- توا ۴:۱۸؛ ار ۲۵:۱۴-۱۵). ر. ک ص ۳۸، ۴۰، ۶۳، ۷۹.

#### فرورتیش PHRAORTE

پادشاه ماد (۶۵۵؟ تا ۶۲۵ ق.م) که احتمالاً در نیمه دوم قرن هفتم قبل از میلاد بر پارس غلبه یافت. ر. ک ص ۷۹.

#### فریسیان PHARISIEN

فرقه ای یهودی که در زمان مسیح هم وجود داشتند و خود را از معاشرت دیگر طبقات به خصوص کسانی که نسبت به قانون موسی بی توجه بودند منع می نمودند و سعی در اجرای جزء به جزء قوانین شریعت داشتند و به افراط گرائیده بدین جهت در نظر مردم منفور بودند. عیسی را در تمام طول حیاتش تعقیب کرده و محکومیت وی را صحنه نهادند، با این وجود برخی از فریسیان چون نیکودیموس و پولس به مسیحیت گرویدند. آنان به متون مذهبی مقید و با هر نفوذ خارجی مخالف بودند و برعکس صدوقیان به رستاخیز مردگان و قیامت اعتقاد داشتند. ر. ک ص ۹۷.

#### فلسطین PALESTINE

این نام که به معنی کشور فلسطینیان می باشد در کتاب مقدس یافت نمی شود و در ابتدا به ساحل دریا در جنوب شهر یافا که در آن فلسطینیان سکونت داشتند اطلاق می شد اما بعدها و پس از هروودت کل سرزمین موعود مابین کوه لبنان تا دریای سرخ به این نام خوانده شد. ر. ک ص ۱۴، ۲۰، ۲۶، ۲۸، ۵۰، ۵۲، ۷۹، ۱۲۴.

#### فلسطینیان PHILISTINS

یکی از «امتهای دریا» (پید ۱۰:۱۴؛ ۱- توا ۱۱:۱۱ (فَلَسْتِیم = فلسطینیان)؛ عا ۷:۹؛ ار ۴:۴۷) که از جزیره کریت آمده بودند و در قرن ۱۲ ق.م در سواحل کشور کنعان در جنوب کوه کرمل سکنی گزیدند. در

**CARTHAGE** قرطاجنه (کارتاژ)

شهر آفریقایی که به سال ۸۱۴ ق.م بنا گردید و یکی از متصرفات مدیترانه ای فنیقی ها که بعداً دولت معتبری را تشکیل داد و دشمن سرسخت دولت روم شد و یکی از پادشاهان این حکومت به نام هانیبال موفق شد از شمال به سرزمین روم نفوذ کند و فتوحات درخشانی بدست آورد ولی بالاخره شکست خورد. ر. ک نقشه ص ۹۹.

**QIQYATAYIM** قریتین (قریه تایم، قریتایم)

شهری واقع در شرق بحرالمت در محدوده قبیله روبین. (اعد ۳۷:۳۲؛ یوشع ۱۳:۱۹؛ ارا ۴۸:۱، ۲۳) ر. ک نقشه ص ۳۳.

**CILICIE** قلیقیه

ناحیه ای در جنوب غربی آسیای صغیر که از سال ۵۷ ق.م به استان رومی تبدیل گردید و مرکز آن شهر طرسوس بود. پولس در طرسوس بدنیا آمد و به کرات در این ناحیه انجیل را بشارت داد. (اع ۹:۶، ۹:۳۰، ۱۱:۲۵، ۱۵:۲۳-۴۱) ر. ک ص ۶۶ و نقشه ص ۸۰.

**QUMRAN** قمران

ناحیه ای که اسنیاں در آنجا اقامت داشتند. محلی که این گروه در آنجا زندگی می کردند پس از زلزله سال ۴ ق.م مرمت گردید. آثار بدست آمده از این ویرانه ها نشان می دهد که این گروه زندگی رهبانی داشتند و اهمیت زیادی برای مراسم تطهیر قائل بودند. ر. ک اسنیاں و نقشه ص ۶۲، ۹۵.

**QEHELATA** قَهیلَاتَه

به معنای «مجمع»، یکی از گذرگاههای خروج در صحرا (اعد ۳۳:۲۲-۲۳). ر. ک نقشه ص ۴۱.

**QIRMOAB** قیرموآب

شهری واقع در شرق بحرالمت که بر قله کوهی بنا گردیده بود، به معنای شهر موآب که به همراه تمام ناحیه موآب به ویرانی کشیده شد (اش ۱:۱۵). ر. ک نقشه ص ۳۹.

**PITOM** فیتوم

احتمالاً شهری در ناحیه شرقی دلتای نیل در مصر که فرعون یهودیان را وادار به ساختن انبارهای بزرگ غله در آنجا نمود. ر. ک خروج ۱:۱۱ و ص ۳۸.

**PHILADELPHIE** فیلادلفیه

شهر بنی عمون که توسط بطلمیوس دوم فیلادلف خوانده شد. این شهر همان امان پایتخت اردن امروزی است. ر. ک نقشه ص ۹۵.

**PHILIPPE (Macedoine)** فیلیپ مقدونی

پادشاه مقدونی پدر اسکندر مقدونی (۱-مک ۱:۱)؛ ر. ک ص ۸۹ و «در انتظار ایام نوین».

**CADES** قادش

مهمترین منطقه در شمال جزیره سینا در ۷۵ کیلومتری شهر بئر شبع و یکی از بزرگترین گذرگاههای قوم بنی اسرائیل در دوران خروج که از آنجا جاسوسانی برای اطلاع از وضع کنعان فرستاده شدند (اعد ۱۳:۲۶، ۳۲:۸) ر. ک ص ۴۰، ۵۸، ۶۳ و نقشه ص ۳۳، ۳۹، ۴۱، ۴۴.

**CHYPRE** قبرس

جزیره ای در دریای مدیترانه شرقی که تحت سلطه بطلمیوسی ها بود (۲-مک ۱۰:۱۲-۱۳). انجیل از همان آغاز به ساکنان این جزیره بشارت داده شد و این امر به برکت مسیحیان یهودی تبار که پس از شهادت استیفان به جزیره مهاجرت کرده بودند عملی شد (اع ۱۹:۱۱) سپس پولس با برنابا و مرقس در نخستین سفر بشارتی در این جزیره بسر بردند (اع ۱۳:۴). برنابا اهل قبرس بوده است. ر. ک ص ۸۱.

**CEDRON** قدرون

دره ای عمیق واقع بین اورشلیم و کوه زیتون که چشمه جیحون در کنار آن قرار دارد. (۱-پاد ۲:۳۷، ۱۳:۱۵؛ یو ۱:۱۸)؛ ر. ک ص ۶۵، ۷۷ و نقشه ص ۶۴.

**کالاح KALAH**

پایتخت قدیمی آشور در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی نینوا (بید ۱۰:۱۱-۱۲) ر. ک ص ۷۳.

**کتاب پنجگانه (اسفار خمسه) PENTATEUQUE**

منظور پنج کتاب اول عهد عتیق (تورات) یعنی کتب پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه می باشد. ر. ک ص ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹؛ تورات، ر. ک «کتاب پیدایش چه می گوید».

**کدومان CODOMAN**

لقب داریوش سوم که در کتب و تواریخ یونانی آمده و ریشه آن مشخص نیست. قبل از سلطنت مقام «استانه» یعنی چاپار سلطنتی را داشت. او آخرین پادشاه هخامنشی بود. (۱-مک ۱:۱) ر. ک ص ۸۹

**کراکیوس (کزوس) CRESUS**

پادشاه ترتمند کشور لیدی (لود) که در سال ۵۴۶ ق.م به وسیله کوروش از سلطنت برکنار شد. ر. ک ص ۸۵

**کرکر (یا قرقر) QARQAR**

شهری واقع در کرانه رود اورنتس در شمال حمات. در ۸۵۳ ق.م در این محل جنگی بین پادشاه آشور شلم نصر سوم و اتحاد پادشاهان دمشق، اسراییل و حمات درگرفت. ر. ک ص ۷۳.

**کرکمیش KARKEMIISH**

پایتخت یکی از سلسه های حتیان که توسط آشوریان فتح گردید. امروز حریش نامیده می شود و شهری در کرانه رود فرات می باشد. (اش ۱۰:۹؛ ۲-پاد ۲۳:۲۹ ر. ک ۲-توا ۳۵:۲۰؛ ار ۲:۴۶-۱۲) ر. ک ص ۲۸، ۷۹.

**کرمل (کوه) CARMEL**

کوهی به ارتفاع ۵۵۲ متر در کرانه مدیترانه و مشرف به دره یزرعیل که در این محل ایلیا قربانی خود را تقدیم کرد (۱-پاد ۱۸:۱۹-۱۹:۴۳؛ ۲-پاد ۲۵:۲، ۲۵:۴-۲۹)؛ ر. ک نقشه ص ۴۹، ۵۳، ۵۴.

**قبروت هتاوه (کبروت هتاوه) QIBROT HA-TAAVA**

گذرگاه خروج در سینا که در آن جا قوم بنی اسرائیل علیه خداوند عصیان کردند. (اعد ۱۱:۳۴-۳۵، ۳۳:۱۶-۱۷؛ تث ۹:۲۲) ر. ک نقشه ص ۴۱.

**قیشون (وادی) QISHON**

دره ای سیلابی در دامنه کوه کرمل در ناحیه شمالی حیفا که رودخانه جاری در آن به دریای مدیترانه می ریزد (داور ۴:۷، ۱۳؛ ۱-پاد ۱۸:۴۰)؛ ر. ک نقشه ص ۵۳.

**قیصریه CESAREE**

نام شهرهای متعددی که به نام قیصر اغسطوس بنا شده بود:

۱- قیصریه، بندری واقع در پنجاه کیلومتری حیفا بر کرانه دریای مدیترانه (اع ۹:۳۰، ۲۲:۱۸، ۲۱:۸)؛ در این شهر فرماندار رومی سکونت داشت و مهمترین مرکز نظامی روم بود. پولس دو سال در آنجا زندانی بود. (اع ۱۰:۱-۲۴، ۲۳:۲۳-۲۳، ۲۵:۱-۱۳)

۲- قیصریه فیلیپس، شهری واقع در مجاورت سرچشمه های نهر اردن که در این ناحیه پطرس به مسیح بودن عیسی اعتراف نمود (مت ۱۶:۱۳)؛ ر. ک نقشه ص ۹۹.

**کارناک KARNAK**

خرابه های واقع در شهر نو (یونانیان آن را تاباص می نامند) در مصر که محل معبد بزرگ آمون بوده است. (ار ۴۶:۲۵؛ حزق ۳۰:۱۴، ۱۶) ر. ک ص ۳۸ و تاباص.

**کاساندروس CASSANDRE**

فرمانروای مقدونیه پس از اسکندر مقدونی. ر. ک ص ۹۲ و لاگوس، لی سی ماک و سلوکوس. ر. ک «در انتظار ایام نوین».

**کریت KERIT**

از زمان تبعید به بعد تأسیس یافت. از سال ۵۸۶ ق.م و در زمان عیسی مسیح، کنیسه در تمام نقاط فلسطین، اورشلیم و جوامع مهاجرنشین یهودی وجود داشت. ر. ک ص ۱۲۰، ر. ک «تبعید و بازگشت» ص ۱۴۵.

دره ای سیلابی واقع در کرانه غربی رود اردن، در کنار این دره بود که ایلینا پناه گرفت. (۱-پاد ۱۷:۳-۶) ر. ک نقشه ص ۵۳.

**کلدانیان CHALDEENS**

**کوروش هخامنشی CYRUS**  
طبق نظر هرودت، وی پادشاه ایلام و نوه ازدهاک پادشاه ماد بود که سلسله هخامنشی را تأسیس نمود و به موجب فرمان وی یهودیان از اسارت بابل رها گشته به سوی سرزمین فلسطین بازگشتند. صاحب فتوحات عظیم بود و سلسله وی به مدت دو قرن حکومت نمودند. نام کوروش در برخی از کتاب های قدیم آمده است (۵۵۸-۵۲۸ ق.م) فاتح شهر بابل در ۵۳۹ ق.م ... کوروش منشوری اعلام داشت که به تبعید یهودیان از اسارت بابل پایان داد و یهودیان به سرزمین فلسطین بازگشتند. وی صاحب فتوحات عظیم و مالک آسیای مرکزی بود در بنای اورشلیم دخالت کرد و کمک فراوانی نمود به همین جهت در کتاب مقدس عنوان مسیح، شبان. خادم و برگزیده یهوه لقب گرفت (اش ۴۱:۵، ۲۷، ۹:۴۲، ۲۸:۴۴، ۴-۱:۴۵، ۱:۴۸؛ عز ۱:۱-۸)

قومی که در بین النهرین فعلی سکونت داشتند و سپس به بابل رفتند. قوم بنی اسرائیل به جهت ابراهیم که از شهر اور کلدانیان بود از اعقاب این قومند (یهودیه ۵:۵-۶؛ حزق ۱۶:۲۹، ۲۳:۱۴-۲۳؛ پید ۱۱:۱۸؛ اع ۷:۴). کتاب مقدس از حضور کلدانیان در محاصره شهر اورشلیم و انهدام معبد و تبعید قوم خبر می دهد. (۲-پاد ۲۴:۲؛ ار ۹:۴۰-۱۰، ۱۸-۱:۴۱، ۱۷-۷:۵۲)؛ ر. ک ص ۳۴، ۶۷، ۷۴، ۷۵. ر. ک «تبعید و بازگشت» ص ۳۹.

**کمبوجیه CAMBYSE**

ر. ک ایران و کتاب مقدس در ضمیمه همین کتاب، «تبعید و بازگشت»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۶، ۷۹، ۸۳، ۱۲۶.

پسر دوم کوروش هخامنشی که مصر را فتح نمود. احتمال می رود که او برادر ارشد خود بردیا را کشته باشد و بر اثر شنیدن توطئه گئومات مغ که خود را بردیا برادر کمبوجیه نامیده بود از فرط ناامیدی در مصر دست به خودکشی زد. ر. ک ص ۸۵.

**کنعان CANNAN**

**کهنات SACERDOTALE (tradition)**  
یکی از تفاسیر چهارگانه تورات که حاوی تاریخ کهنات و قانون تقدس مبنی بر عهد خداوند با آدم، نوح، ابراهیم و موسی می باشد که با احترام به زندگانی، احترام به روز سبت (شنبه) احترام به ختنه و احترام به طهارت آیین مذهبی همراه است. ر. ک ص ۱۴۰، ۱۴۱ و نمودار ص ۱۵۲. ر. ک «گذر» ص ۳۴، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۲۳، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»

نام رایج در عهد عتیق برای تعیین منطقه فلسطینی واقع در غرب ایران که مسکن ملل مختلف بود. نامی که به یعقوب به معنای جنگنده خداوند در نبرد با فرشته (پید ۲۹-۳۳) داده شد و به معنای گور ارغوان است. ناحیه ای بر کرانه مدیترانه واقع در جنوب لبنان و نام قدیمی سرزمین موعود می باشد که توسط قوم برگزیده تصرف شد. کنعانیان به کشاورزی اشتغال داشتند و بت پرست بودند. ر. ک ص ۲۰، ۲۶، ۶۵، ۶۹.

**کنیسه SYNAGOGUE**

اجتماعات یهودی که برای انجام مراسم مذهبی بخصوص



تاریخ نگارش: این کتاب متعلق به سنت کهنانتی است ولی چندین بار جمع آوری شده و مطالبی به آن اضافه گردیده است، بنابراین تعیین دقیق زمان نگارش آن مشکل می باشد ولی بعد از تبعید این کتاب به شکل امروزی آن جمع آوری و تکمیل شده است.

یکی از مهمترین موضوعات این کتاب قانون تقدس است که توسط حزقیال مرور و تکمیل شده است. این کتاب تأثیر عمیقی بر دین یهود داشته (ر. ک ۱-توا؛ ۲-توا؛ مز ۷۷، ۷۹) و همچنین بعد از خرابی معبد این تأثیر افزایش یافته مخصوصاً برای تربیت دینی بچه ها ابتدا از این کتاب استفاده می شده است. ر. ک کتاب «گذر».

#### LIBAN (لبنان)

سلسله کوههایی به طول ۱۷۰ کیلومتری که تشکیل دهنده سرزمین فنیقیه باستان و لبنان کنونی می باشد. این رشته کوه در مرزهای شمالی فلسطین واقع است و از غرب به دریای مدیترانه محدود می شود. ر. ک ص ۲۲، ۵۵، و نقشه ص ۲۱.

#### LIBNA لبنه

محلی که قوم برگزیده پس از خروج از مصر از آنجا گذر کرد و هر چند موقعیت آن بدرستی مشخص نیست اما بین جبل سنیا و قادش واقع بوده است (اعد ۳۳:۲۰-۲۱) ر. ک نقشه ص ۴۱.

#### LOD لود

شهری که به زبان یونانی به لیدا معروف بود و بعد از تبعید فتح شد (عز ۲:۳۳؛ نح ۷:۳۷، ۱۱:۳۵)؛ ر. ک ص ۸۵.

#### LOUXOR لوکسور

معبد عظیم فرعون آمنوفیس سوم در استان نو. ر. ک ص ۳۸.

ص ۱۲۴-۱۲۶، «برگهای زرین» فصل دهم.

#### GRANIQUE گرانیک

معبری در آسیای صغیر، محل برخورد داریوش سوم هخامنشی و اسکندر مقدونی که منجر به شکست قوای هخامنشی گردید. ر. ک ص ۸۹.

#### GAUGAMILE گوگمل

ناحیه ای در نزدیکی شهر موصل کنونی واقع در عراق که یکی از محل های تلاقی سپاهیان داریوش هخامنشی و اسکندر مقدونی بود و در کتب تاریخی گاه محل این نبرد را آربل نیز ذکر کرده اند. ر. ک ص ۸۹.

#### LAKISH (لاکیش)

شهری با حصارهای محکم در قلمرو جنوبی یهودیه که در جنوب شرقی اورشلیم واقع است. ر. ک ص ۶۳ و نقشه ص ۶۲.

#### LAGIDES لاگوس

سلسله یونانی تبار که بعد از مرگ اسکندر مقدونی بر مصر سلطنت داشتند و توسط یکی از بهترین فرماندهان اسکندر به نام بطلمیوس سوتر که پسر لاگوس بود تأسیس شد. سلطنت این سلسله از اواخر قرن ۴ تا سال ۳۰ قبل از میلاد مسیح ادامه داشت. ر. ک سلوکیان، کاساندروس، لی سی ماک. ر. ک «در انتظار ایام نوین».

#### LEVITIQUE (کتاب)

سومین کتاب از اسفار خمسه (تورات) که موضوع عمده آن در ارتباط با شریعت یهود می باشد. طرح کلی آن بدین صورت است:

۱- آیین قربانیها، بابهای ۱-۷

۲- تقدیس کاهنان، بابهای ۸-۱۰

۳- قوانین پاکی و ناپاکی، باب های ۱۱-۱۶

۴- قانون تقدس، باب های ۱۷-۲۶

۵- خاتمه: باز خرید اشخاص و حیوانات، باب ۲۷

شروع نمود و در مقابل قانون یونانیان بت پرست که یهودیان را مجبور به گذراندن قربانی به بت‌ها می‌کرد شورش کرد و افسری سوری را که مأمور انجام این قانون بود به همراه یک یهودی مرتد که قربانی گذرانده بود کشت. پس از این واقعه به صحرا گریخته جهاد بر ضد بت پرستی را آغاز نمود و یهودیان متعصب به گرد او جمع شدند. او چهار ماه بعد در سال ۱۶۶ ق.م کشته شد (۱-مک ۲). ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۶۴-۱۶۵، «برگهای زرین» ص ۴۴۵-۴۵۲، «ایمان و تمدن».

### مَجْدَل (مَجْدَل) MIGDOL

به معنی برج و بارو یا پادگان مستحکم در میان شهر است. این کلمه در اسامی خاص متعددی بکار برده شده از جمله: محلی در شمال شرقی مصر که اسرایلیان در زمان خروج در آنجا اردو زدند (خروج ۱۴: ۲، ۳۳: ۷) و در زمان ارمیا یهودیان در آنجا زندگی می‌کردند (ار ۱: ۴۴). محلی در قبیله نفتالی (یوشع ۱۹: ۳۸). نیز محلی در قبیله یهودا (یوشع ۱۵: ۳۷). ر. ک نقشه ص ۴۱.

### مجدو MEGIDDO

یکی از شهرهای سلطنتی کنعان که توسط سلیمان تصرف شد. ر. ک ص ۴۰، ۵۳ و نقشه ص ۶۲، ۶۶، ۷۸، ۸۰.

### مدیترانه MEDITERRANEE

دریای مدیترانه یا دریای روم در حد فاصل جبل الطارق تا دریای سرخ قرار دارد. این دریا و جزایر واقع در آن محل وقوع و بروز بسیاری از حوادث عهد عتیق و بخصوص عهد جدید بوده‌اند. ر. ک ص ۲۲، ۲۸، ۵۰، ۵۲ و نقشه ص ۲۱.

### مَرودك بَلَدان MERODAK BALADAN

پادشاه بابل (۷۱۰-۷۲۱ ق.م) که اسمش به معنی پسر بلدان می‌باشد. او سفیرانی نزد حزقیای پادشاه با نامه و

### لی سی ماک LYSIMAQUE

یکی از فرماندهان اسکندر که پس از مرگ او والی تراکیا و آسیای صغیر شد. ر. ک ص ۸۹ و لاگوس. ر. ک «در انتظار ایام نوین».

### مادیان MEDES

قومی ایرانی در شمال شرقی کشور بابل. تعداد بیشماری از اسرایلیان از سامره به قلمرو مادها تبعید شده بودند (۲-پاد ۱۷: ۱۶، ۱۱: ۱۸؛ طوا: ۱۴-۱۵، ۵: ۲-۱۰). یهودیانی از کشور مادها در روز فرود آمدن روح القدس در اورشلیم حضور داشتند (اع ۲: ۹). ر. ک ص ۷۳، ۷۵، ۷۹، ۸۵ و نقشه ص ۸۰. ر. ک «تبعید و بازگشت» ص ۱۰۶.

### ماره MARA

به زبان عبری به معنی شور می‌باشد. اولین مکانی که قوم برگزیده پس از عبور از دریای سرخ در آنجا اقامت کرد (اعد ۳۳: ۸-۹). در آن محل اسرایلیان به علت شوری آب سه روز تشنه ماندند و بر ضد موسی اعتراض کردند که او به امر خداوند آن آب را شیرین ساخت (خروج ۱۵: ۲۲-۲۵)، ر. ک نقشه ص ۳۹.

### ماری MARI

اسم این شهر در کتاب مقدس نیامده اما ۲۰ هزار لوح گلی که در آن پیدا شده تاریخچه حمورابی و قدری از تاریخچه ابراهیم را روشن می‌سازد. این شهر مرکز تجاری مهمی بوده و سبک معماری قصر پادشاه تا حدودی پرده از اسرار تمدن سومر بر می‌دارد. ر. ک ص ۲۶، ۲۸، ۷۳ و نقشه ص ۱۹، ۲۷، ۳۱.

### متاتیاس

یوحنا فرزند شمعون کاهن از خانواده یویارباب که در مدین زندگی می‌کرد. دارای پنج پسر از جمله یهودای مکابی بود (۱-مک ۲: ۱-۵) و بخاطر حفظ شریعت موسی و قوانین آن مبارزه بر ضد نفوذ تمدن یونانی را

و بازگشت» ص ۷۶، «پادشاهان و انبیا» ص ۱۱۵،  
۱۱۷، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۴۵

### مسیروت MOSEROT

یکی از گذرگاههای خروج واقع بین قادش و محل ورود  
به سرزمین موعود (اعد ۳۳: ۳۰-۳۱). ر. ک ص ۴۱.

### مصر EGYPT

سرزمینی که قوم یهود پس از دوره یوسف تا پیش از  
خروج از مصر توسط موسی در آنجا سکنی داشتند  
(پید ۴۶ تا خروج ۱۲: ۳۱). ر. ک ص ۹۲، ۹۴ و نقشه  
ص ۲۵، ۸۰. ر. ک «گذر»، «چگونه عهد عتیق را  
بخوانیم» ص ۲۷، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»  
ص ۳۶.

### مصر (وادی) TORRENT d'EGYPTE

محدوده فرضی جنوب غربی سرزمین موعود (پید ۱۵: ۱۸؛  
اعد ۳۴: ۵؛ اش ۲۷: ۱۲). ر. ک نقشه ص ۵۳.

### مصفه MISPA

مکانی در ماوراء رود اران و بیرون از سرزمین موعود که  
در جنوب رود یبوق و در مرز لابان و یعقوب واقع شده  
(پید ۳۱: ۴۸-۴۹) و زادگاه یفتاح بوده (داور ۱۰: ۱۷-  
۱۱: ۳۴) در آنجا عبادتگاهی وجود داشته است  
(داور ۱۱: ۱۱). ر. ک نقشه ص ۳۳.

### مقدونیه MACEDOINE

ناحیه ای در شمال یونان که نام آن به کرات در  
کتاب مقدس آمده است. در عهد جدید مقدونیه استانی  
رومی بود که پولس در آنجا کلیساهای موفقی ایجاد  
نمود. ر. ک ص ۸۹، ۹۴ و فیلیپ مقدونی و اسکندر  
مقدونی. ر. ک «در انتظار ایام نوین».

### ملح / شور (وادی) MER DE SEL

۱- دریاچه نمک نام دیگری است برای بحرالْمیت  
(ر. ک بحرالْمیت)

هدایا فرستاد (۲- پاد ۲۰: ۱۲؛ اش ۳۹: ۱-۸). ر. ک  
ص ۷۹.

### مزامیر PSAUMES

در اصل دعاهایی برای ستایش خدا و اعمال او از جمله  
آفرینش هستند. سرایش مزامیر سنتی پویا در عهد عتیق  
و جدید است. برحسب روایات نخستین سراینده مزامیر  
داود بوده است. با توجه به اینکه کتاب عهد عتیق از نظر  
کلیسا مکاشفه ظهور مسیح موعود است بنابراین کلیسا به  
مزامیر با دیده احترام می نگرد. ر. ک ص ۱۲۱، ۱۳۶ و  
نمودار ۱۴۹، ۱۵۹. ر. ک «حکمت و دعا»،  
«مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۸۳-۱۸۶،  
«چگونه عهد عتیق را بخوانیم» فصل هشتم، «برگهای  
زرین» فصل هفدهم.

### مَسدا MASSADA

قلعه طبیعی که بر فراز تپه ای ۵۱۹ متر بالاتر از  
بحرالْمیت قرار دارد. هیروودیس آن را به صورت دژی  
مستحکم درآورد و فلاویوس ژوزف (یوسفوس) در  
کتاب جنگ یونان، آن را ترسیم نموده است. در شورش  
یهودیان برضد رومیان در سال ۶۶ میلادی، غیوران این  
دژ را تصرف و رومیان را از آنجا اخراج کردند و پس از  
فتح اورشلیم توسط رومیان مدت سه سال در این دژ در  
مقابل رومیان مقاومت نمودند و این آخرین استحکاماتی  
بود که به دست رومیان فتح شد. در این محل هزار نفر  
مرد و زن و کودک یهودی برای اینکه به دست رومیان  
نیفتند توسط ۱۰ نفر غیوری که انتخاب شده بودند  
کشته شدند و سپس آن مکان را در آتش ویران ساختند.  
ر. ک نقشه ص ۳۱.

### مسیح MESSIE / CHRIST

یعنی مسح شده که منظور تدهین با روغن مقدس است.  
نخستین بار این لغت در عهد عتیق بکار برده شد. نخست  
پادشاهان قوم اسرائیل در روز تاجگذاری مسح می شدند  
(۱- سمو ۲۴: ۶، ۱۱: ۲۶، ۲- سمو ۱۴: ۱۴). ر. ک «تبعید

دانیال دیده می شود. اما مهم ترین و مشهورترین نمونه آن مکاشفه یوحنا رسول است. ر. ک ص ۱۳۲، ۱۳۹. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۷۰، ۲۲۷، ۲۲۸، «پادشاهان و انبیا» ص ۷۵، ۷۸، «تبعید و بازگشت» ص ۶۸.

### ملاکی MALACHIE

۱- آخرین نبی از انبیای کوچک  
۲- کتاب ملاکی: این کتاب در حدود ۴۵۰ ق.م به تحریر درآمد که می توان آن را به چهار بخش تفکیک نمود.

۱- مقدمه: انتخاب اسرائیل به عنوان قوم برگزیده، ۱:۲-۵

۲- خطاها بر ضد عهد لاوی، ۱:۶-۲:۹

۳- انتقاد بر ضد ازدواج با زنان غیر یهودی و بر ضد طلاق، ۲:۱۰-۱۶

۴- روز خداوند، ۲:۱۷-۳:۴

نکته مهمی که در این کتاب دیده می شود جنبه جهانی آن است و اعلام می کند که در زمان آمدن مسیح تغییر کاملی در آئین مذهبی ایجاد خواهد شد (۱:۱۱) و به موضوع عبادت در روح و راستی نزدیک می شود (یو:۴:۲۳). علاوه بر این به آماده شدن روز خداوند توسط یک رسول (۳:۱) که اهمیت و ماموریتش به ایلیا و نبی ربط داده شده اشاره می کند (۴:۴-۵)، موضوعی که بعداً در انجیل تشریح می گردد (لو:۱۷:۱۷؛ مت:۱۷:۱۰-۱۳). ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۷۱، «در انتظار ایام نوین».

### ممری (بلوستان) MAMBRE

بر حسب کتاب پیدایش ۱۸:۱۳ و ۱:۱۸، ابراهیم چادر خود را زیر درختان بلوط در ممری برافراشت. بلوستان ممری روبروی غار حبرون واقع بود که محل اقامت و عبادتگاه پدران قوم بنی اسرائیل گردید (پید:۱۴:۱۳، ۲۷:۳۵)، ر. ک ص ۳۴.

۲- وادی نمک (ملح)، قسمتی از ناحیه عربیه که بین بحرالمیت و عقبه قرار دارد. ادومیان در این خطه از داود شکست خوردند و دو قرن بعد نیز امصبا آنان را تار و مار کرد (۲- سمو:۸:۱۳؛ ۲- پاد:۷:۱۴)؛ ر. ک نقشه ص ۵۳ و بحرالمیت.

### مکابیان MACCABEES

مکابی به معنی چکش و لقب مشهورترین پسر متاتیاس به نام یهوداست که بر ضد یونانیان جنگ کرد (۱- مک ۲، ۳).

- نام دو کتاب تاریخی درباره شورش یهودیان بر ضد آنتیوخوس چهارم (اپیفان) که از جمله کتب متأخر برحق می باشند اما کلیساهای پروتستان آنها را کتب آپوکریفا می نامند.

- کتاب اول مکابیان به زبان عبری یا آرامی در حدود سال ۱۰۰ ق.م توسط فردی یهودی نوشته شد ولی اکنون یونانی آن موجود است. این کتاب در مورد مبارزه پسران متانیاس یعنی یهودا، یوناتان و شمعون بر ضد بت پرستان یونانی مخصوصاً آنتیوخوس چهارم در سالهای ۱۷۵-۱۳۴ ق.م می باشد.

- کتاب دوم مکابیان در سال ۱۵۰ ق.م در پنج جلد به زبان عبری نوشته شد و در سال ۱۲۴ ق.م در یک جلد به زبان یونانی خلاصه گردید. این کتاب به شرح مبارزات یهودای مکابی در سالهای ۱۶۱-۱۷۶ ق.م می پردازد. ر. ک ص ۹۷، ۱۳۹، ۱۴۲-۱۴۳، ونمودار ص ۱۵۹. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۳۱-۲۳۲، «برگهای زرین» ص ۴۳۰-۴۳۵، ۴۴۵-۴۵۲، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۶۴-۱۶۵، «ایمان و تمدن».

### مکاشفه APOCALYPSE

نوشته های مکاشفه ای به نوشته هایی اطلاق می شود که در مورد وقایع آخر زمان هستند. نخستین نشانه های این طرز نگارش در نوشته های حزقیال، اشعیا، زکریا و

از اسارت مصر گردید. بر حسب عهد عتیق، خداوند در میان شعله های بوته ای بر وی ظاهر شد و بر کوه سینا ده فرمان را از خداوند دریافت نمود. ر. ک ص ۴۰، ۴۵، ۱۴۶-۱۴۹، ۱۵۱

### میتانی MITANNI

اتحادیه حکومتی که در سوریه بین النهرین مقارن ۱۶۰۰ ق.م تأسیس گردید و در ۱۳۶۰ ق.م توسط قوم حتی منقرض گردید. ر. ک ص ۲۰، ۲۵، ۷۳.

### میکا MICHEE

۱- میکا (از انبیای قلمرو یهودا)، نبی معاصر اشعیا دارای کتابی به همین نام که ششمین کتاب از کتب انبیای کوچک در کتاب مقدس می باشد.

۲- میکا بن یمله که در زمان پادشاهی اخآب خدمت می کرد اما هیچ کتاب و نوشته ای ندارد و فقط از او در (۱-پاد ۲۲)، ر. ک ص ۷۳، ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۴۱. ر. ک «پادشاهان و انبیا» فصل هفتم، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم».

### میکا (کتاب)

متن اصلی قبل از تبعید به بابل نوشته شد که بعد از تبعید جمع اوری و تکمیل شده و بصورت کتاب درآمد.

این را می توان به چهار بخش تقسیم کرد.

۱- داوری قوم برگزیده ۲:۱ تا ۳:۱۲

۲- وعده هایی درباره صهیون ۴:۱ تا ۵:۱۴

۳- اخطار به قوم برگزیده. ۶:۱ تا ۷:۷

۴- امیدی برای قوم برگزیده ۷:۸-۲۰

- در این کتاب اعلام می شود که مسیح از نسل داود است و حکومت او به ایام قدیم بر می گردد و شهرت مخصوصی به شهرک بیت الحم خواهد داد، پادشاه صلح و دوستی که با قدرت یهوه گله خود را خواهد چرانید (میک ۵:۱-۳). انجیل متی از این متن اقتباس کرده و معنی نوینی به آن می دهد (مت ۲:۴-۶؛ یو ۷:۴۲). ر. ک

### مفیس MEMPHIS

پایتخت قدیم مصر باستان (ار ۲:۱۶). ر. ک ص ۲۸، ۷۳ و نقشه ص ۱۹، ۳۷.

### موآب MOAB

فلات حاصلخیزی در شرق بحرالمت (اعد ۲۲:۱، ۳:۲۶، ۱۲:۳۱، ۳۳:۴۸-۵۰). در این ناحیه موسی قبل از مرگش، از بالای کوه سرزمین موعود را دید (تث ۳۴:۱-۶). موآبیان در کتاب عهد عتیق به همراه اموریان اغلب بعنوان پسران لوط ذکر می شوند و این قبایل غالب اوقات دشمنان اسرائیل بودند (پید ۱۹:۳۶)، ر. ک ص ۵۲، ۵۴ و نقشه ص ۴۴، ۴۹، ۵۱، ۵۳.

### موآبیان MOABITES

کتاب مقدس اشاره می کند که موآبیان از لوط سرچشمه گرفته اند (پید ۱۹:۳۷-۳۸) و روایت دختران لوط نشان دهنده رابطه دشمنی مابین موآبیان و اسرایلیان است. طبق تث ۲۳:۳-۴ اولاد کسی که پدرش اسرایلی و مادرش موآبی است هیچوقت در جماعت اسراییل پذیرفته نخواهد شد.

در قرن ۱۳ ق.م در ناحیه شرق بحرالمت سکنی گزیدند که رود ارنون مرز شمالی آنان محسوب می شد (اعد ۲۱-۲۵). در زمان اشعیا، آشور این کشور را تصرف و ویران کرد (اش ۱۵-۱۶) و بالاخره رابطه این قوم همسایه با اسراییل بر اساس دوستی یا دشمنی کامل نبوده است. بعد از تبعید قوم برگزیده عربها در این ناحیه نفوذ کردند و بعدها توسط قوم نبطیان فتح شد و از سال ۱۰۵ ق.م یکی از استانهای عربستان محسوب گردید. زبان آنان به عبری نزدیک بود و مهمترین بت آنان کموش نام داشت (ار ۷:۴۸). ر. ک ص ۳۴، ۵۰، ۴۹.

### موسی MOISE

بانفوذترین و مهمترین چهره عهد عتیق، نبی، مرد سیاسی و رهبر بزرگ قوم بنی اسرائیل که باعث خروج قوم یهود



ابتدا با یهودیان دشمنی داشتند ولی سپس با آنها متحد شدند (۱-مک:۲:۲۵؛ غلا:۱۷:۱۷، ۴:۲۵) و در جاهائی که پولس به عربستان اشاره می کند احتمالاً مقصودش قلمرو نبطی ها می باشد (۲:۱۱).

#### نبو (کوه) NEBO

کوهی در ۱۹ کیلومتری رود اردن در مقابل شهر اریحا که ارتفاع آن ۸۳۸ متر و محل فوت حضرت موسی می باشد (تث:۳۲:۴۹-۵۰، ۳۴:۱-۱۰). ر. ک نقشه ص ۴۴.

#### نبوپلاسر دوم NABAPOLASSAR II

بنیانگذار پادشاهی دوم کلدانی در سال ۶۲۶ ق.م که پس از مرگ آشور بانپال به مقام پادشاهی رسید و در سال ۶۰۵ ق.م فوت کرد. ر. ک ص ۷۹.

#### نبوکدنصر (نبوکدرصر) NABUCHODONOSOR

پادشاه قدرتمند بابل (۶۰۴ تا ۵۶۲ ق.م) که در سال ۶۰۵ لشکر فرعون مصر را در شهر کرکمیش شکست داد (ار:۴:۲) و در سال ۶۰۴ برای اولین بار فلسطین را تصرف کرده پادشاه یهودا را تحت فرمان خود درآورد (ار:۳۶:۲۹). سه سال بعد پادشاه یهودا علیه نبوکدنصر اورشلیم را محاصره کرد که در نتیجه پادشاه یهودا تسلیم شد و یهودیان برای اولین بار به بابل تبعید شدند (ار:۲۷:۱۹-۲۰؛ ۲۹:۱-۲). نبوکدنصر صدقیا را به حکمروائی یهودیه برگزید (۲-پاد:۲۴:۱۷؛ ار:۳۷:۱) و در سال ۵۸۹ صدقیا برعلیه او قیام کرد (۲-پاد:۲۴:۲۰؛ ار:۵۲:۳). نبوکدنصر اورشلیم و معبد را در ۷۵۸ ویران نمود و صدقیا و تعداد زیادی از یهودیان را برای دومین بار به اسارت برد (۲-پاد:۲۵:۱-۲۱؛ ار:۳۹:۱-۱۰، ۵۲:۴-۲۷). ر. ک «پادشاهان و انبیا» ص ۱۶۸-۱۷۰، «تبعید و بازگشت» ۱۷.

ص ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۴۱. ر. ک «پادشاهان و انبیا» فصل هفتم، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم».

#### ناتان NATHAN

نبی ای که در مهمترین رویدادهای زندگی داود دخالت می کرد و مخصوصاً به او هشدار می داد که او موفق به ساختن معبد نخواهد شد. وی نبوت نمود که خدا به قدری خاندان داود را استوار خواهد کرد که از این خاندان مسیح پادشاه خواهد آمد و تا ابد بر قوم برگزیده سلطنت خواهد کرد (۲-سمو:۷:۱-۱۷، ۱۲:۱-۱۵؛ ۱-پاد:۱). لازم به ذکر است که چند نفر دیگر از جمله یکی از پسران داود به همین نام خوانده می شدند. ر. ک ص ۱۱۶. ر. ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۱۶، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «برگهای زرین» ص ۹۶.

#### ناحوم NAHUM

کلمه عبری به معنای «تسلی یافته» و نام نبی است که اندکی قبل از سال ۶۱۲ ق.م ویران شدن شهر نینوا را اعلام کرد. کتاب به همین نام در عهد عتیق وجود دارد. ر. ک ص ۸۱. ر. ک «پادشاهان و انبیا» فصل هشتم.

#### ناحوم (کتاب)

کتاب ناحوم در حدود سال ۶۱۰ ق.م به نگارش درآمد و بیانگر رواج میهن پرستی اسراییل در آن زمان است. این کتاب با شادی و شغف خرابی نینوا را اعلام می کند و آن را نشانه داوری خدا و محکومیت آنان می داند (نا:۱-۱۱) و از دیدگاه ایمان البته خداست که تاریخ انسان را رهبری می کند (۲:۱۴). ر. ک ص ۸۱. ر. ک «پادشاهان و انبیا» فصل هشتم.

#### نبطی NABATEENS

قبیله ای کوچ نشین که در اصل از جنوب عربستان آمده بودند و در سرزمین قوم ادوم مستقر شدند. پایتخت نبطی ها پترا بود. در زمان جنگهای مکابیان نبطی ها در

(۲- پاد ۲۳:۳۳-۳۵). در سال ۶۰۵ ق.م نکوه در کرکمیش از نیوکد نصر شکست خورد (ار ۲:۴۶).  
ر. ک فرعون. ر. ک «پادشاهان و انبیا» ص ۱۶۸-۱۶۹.

### نگو (نگب) NEGUEB

به معنای «خشک» و بنابراین به معنای «جنوب». ناحیه ای در جنوب فلسطین دارای آب و هوای بیابانی و سرزمین طوفانها، سیلابها و حیوانات درنده (اش ۱:۲۱، ۳۰:۶؛ مز ۱۲۶:۴). ابراهیم و اسحاق در نگب رفت و آمد می کردند و موسی اشخاصی را با خانواده شان به نگب روانه کرد (پید ۱۲:۹، ۱۳:۱-۳، ۲۰:۱، ۲۴:۶۲؛ اعد ۱۳:۱۷-۲۲). پس از فتح فلسطین توسط قوم برگزیده، قبیله شمعون شهرهایی را در نگب به تصرف آورد (یوشع ۱۹:۲-۱۷؛ ۱-توا ۲۸:۴۲-۳۲). این شهرها بعداً توسط قبیله یهوا گرفته شد (یوشع ۵۱:۲۱-۳۲). ر. ک ص ۳۴، ۴۹، ۵۳، ۶۳.

### نوح NOE

قهرمان طوفان، فرد برگزیده یهوه برای نجات که یهوه با او تجدید پیمان نمود (پید ۶-۹) و فرزندان او حام و سام و یافت بودند.

### نیل (دره / رود) NIL

رودی که از دریاچه های مصر علیا سرچشمه گرفته و در مصر سفلی در منطقه دلتا به دریای مدیترانه می ریزد و یکی از طولی ترین رودخانه های دنیا می باشد (۶۶۷۱ کیلومتر). این رود ثروت کشور مصر را تضمین می کند با آبهای گل آلود خود هر ساله در فصل طغیان زمینهای مصر را حاصلخیز می نماید. ر. ک ص ۲۲، ۲۴، ۳۸، ۴۲ و نقشه ص ۲۱، ۲۳، ۲۹.

### نینوا (نینوی) NINIVE

شهری واقع در ساحل غربی رود دجله که امروزه شهر موصل می باشد. اسرائیلی های قلمرو شمالی از جلیل به

### نبونید NABBONIDE

آخرین پادشاه بابل که به هنگام فتح بابل توسط کوروش کبیر در سال ۵۳۹ ق.م به اسارت درآمد. ر. ک ص ۸۱.  
ر. ک «تبعید و بازگشت» ص ۹۵، ۹۶.

### نحمیا NEHEMIE

شخصیت مهم دربار پادشاه پارس و یکی از عوامل اصلی احیای یهودیان بعد از تبعید که شرحش در کتاب نحمیا آمده است. ر. ک ص ۸۵. ر. ک «برگهای زرین» فصل پنجم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۴۶، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۶۰، ۱۷۳، «تبعید و بازگشت» ص ۱۵۰-۱۵۶. «در انتظار ایام نوین».

### نحمیا (کتاب)

این کتاب در سالهای مابین ۳۵۰ تا ۳۰۰ ق.م توسط نویسنده کتاب تواریخ ایام نوشته شده و به دو مأموریت نحمیا در بابهای ۱-۷ و ۱۳ اشاره می کند. علاوه بر این به ۲ روایت در مورد ترتیب سکونت در اورشلیم بعد از تبعید اشاره دارد و همچنین از عهدی که ساکنین اورشلیم بعد از بازگشت با هم بستند سخن می گوید. ر. ک ص ۱۳۶ و نمودار ص ۱۵۹. ر. ک «برگهای زرین» فصل پنجم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۴۶، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۶۰، ۱۷۳، «تبعید و بازگشت» ص ۱۵۰-۱۵۶، «در انتظار ایام نوین».

### نکوه NEKKO

فرعون مصر (۶۰۹ تا ۵۹۴ ق.م) که در سال ۶۰۹ به کشور آشور که در حال اصحلال بود کمک نمود، در همان سال یوشیا پادشاه یهودیه به مقابله با او برخاست ولی فرعون نکوه او را به قتل رساند (۲- پاد ۲۳:۲۹). در همان سال نکوه جانشین یوشیا را به اسارت درآورده به مصر برد و بر سرزمین یهودیه مالیات سنگینی بست

**هَنوم / جه هَنوم GUE-HINNOM**

دره عمیقی در جنوب غربی اورشلیم که مرز بین قبیله یهودا و قبیله بنیامین محسوب می شد (یوشع ۱۵:۸، ۱۸:۱۶). دره هَنوم بیشتر در کتاب عهد عتیق از این لحاظ مهم است که اسرائیلی ها آنجا را برای بت پرستی و سوزاندن پسران و دختران خودشان انتخاب کرده بودند (ار ۲۳:۷، ۳۱:۷-۳۲، ۱۹:۲-۶، ۳۵:۳۲). در عهد جدید این دره محل جمع آوری و سوزاندن زباله شهر و سمبل جائی نفرین شده و محل مجازات یعنی «جه-هنوم» یا جهنم شده بود (مت ۵:۲۲-۳۰، ۱۰:۲۸، ۱۸:۸-۹، ۲۳:۱۵-۳۳).

**هور (کوه) HOR**

یکی از گذرگاه های خروج در مرز ادوم. هارون در آنجا بدرود حیات گفت (اعد ۲۰:۲۲-۲۸، ۳۳:۳۷-۴۱)

**هوشع OSEE**

به معنای «خداوند نجات می دهد». در کتاب مقدس از چند نفر به نام هوشع یاد شده که دو نفر از آن ها در اینجا ذکر می شود:

۱- هوشع آخرین پادشاه کشور شمالی اسرائیل (۷۳۲-۷۲۴ ق.م) که به وسیله پادشاه آشور اسیر شد (۲- پاد ۱۵:۳۰، ۱۷:۱-۶، ۱۸:۹-۱۱).

۲- هوشع نبی از انبیای معاصر عاموس که در قلمرو شمالی نبوت می کرد. در کتاب هوشع محبت خداوند نسبت به قوم برگزیده با عشق شوهر نسبت به زنش مقایسه می شود. کتابی با همین نام در میان کتب عهد عتیق وجود دارد. ر. ک ص ۷۵، ۱۲۸، ۱۴۱. ر. ک «پادشاهان و انبیا» فصل سوم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۸۳، «برگهای زرین» ص ۱۴۱.

**هوشع (کتاب)**

در این کتاب می بینیم که سرگذشت تلخ هوشع با زن

آنجا تبعید شدند (۲- پاد ۱۵:۲۹؛ طوا ۱:۳-۲۲). سنحاریب شهر نینوا را پایتخت کشور آشور نمود (۲- پاد ۱۹:۳۶). ویرانی نینوا توسط صفنیای نبی (صف ۱۲:۱۳-۱۵؛ ۱۱-۳) پیش بینی شده بود.

**وان (دریاچه) VAN**

دریاچه ای واقع در کوههای ارمنستان که در کشور ترکیه امروز قرار دارد. ر. ک نقشه ص ۲۱.

**هابیرو HABIRU**

نامی که در نوشته های مصری و بین النهرین در دو هزاره قبل از میلاد به عبرانیان داده شده است. در کتاب مقدس، اسرائیلی ها در مقابل مصریان با واژه «هابیرو» مشخص می شدند (پید ۳۹:۱۴-۱۷، ۴۰:۱۵؛ خروج ۱:۱۵-۱۶). این لغت در کتاب مقدس «عبری» نوشته می شود. ر. ک عبرانیان.

**هام HAM**

ناحیه ای در ماوراء اردن واقع در ۳۰ کیلومتری شرق بیت شان (پید ۴:۵).

**هاویه (زندان مردگان) ENFERS**

ر. ک «ریشه های ایمان مسیحی» جلد دوم، عهد جدید، نتیجه.

**هخامنشی ACHAMENIDES**

هخامنشیان نام سلسله پادشاهان پارس می باشد. تعدادی از اسامی پادشاهان این سلسله مانند کورش، داریوش، خشایار و اردشیر در کتاب مقدس آمده است. ر. ک ضمیمه ۳ «ایران و کتاب مقدس». ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۳۵-۱۳۶.

**هندوستان INDE**

در کتاب مقدس (استر ۱:۱، ۱۳:۳، ۸:۹-۱۲) اصطلاح از هندوستان تا حبشه بکار برده شده که بیانگر قلمرو فارس در زمان «اخشورش» می باشد.

- کلیسای اولیه را تحت تعقیب قرار داد (اع ۲۳:۱-۲۳).
- ۴- هیروودیس اغریپاس دوم، پسر هیروودیس اغریپاس اول و والی چند استان فلسطین (۴۸ تا ۹۵ میلادی). پولس در شهر قیصریه در دادگاه او حاضر شد. (اع ۲۵:۱۳-۲۶:۳۲).
- ۵- هیروودیس فیلیپس پسر هیروودیس کبیر شوهر اول هیروودیا.
- ۶- هیروودیس فیلیپس پسر هیروودیس کبیر والی ایطوریه و تراخونیتس (۴ ق.م تا ۳۴ م) (لو ۳:۱).

### هیکسوس HYKSOS

طایفه ای بودند که اصلشان از آسیای صغیر و به احتمال قوی از نژاد سامی بودند در قرن هجدهم قبل از میلاد به مصر هجوم بردند و به علت داشتن اسب و عرابه های جنگی مصریها را شکست سختی دادند. هیکسوسها به مدت یک قرن و نیم (۱۷۳۰ تا ۱۵۸۰ ق.م) در مصر سلطنت کردند و نفوذ خود را بر کنعان و قسمتی از سوریه نیز گسترش دادند. در ابتدای قرن شانزدهم قبل از میلاد سلسله «نو» بر علیه آنان طغیان کردند که در نتیجه آن قدرت فرعون های بومی مجدداً برقرار گردید. از نظر کتاب مقدس استقرار قبیله یعقوب در مصر احتمالاً به علت وجود فرعون هیکسوس تسهیل شده بود. چون فرعونهای هیکسوسی نیز از نژاد سامی بودند. با برقراری مجدد سلسله پادشاهان مصری خشونت نسبت به عبرانیان، از طرف فرعوننی (که یوسف را نمی شناخت) می تواند قابل توجیه باشد (خروج ۱:۸).

### یاسون JASON

کاهن اعظم یهودیان (۱۷۵ تا ۱۷۲ ق.م) که تمدن یونان را به طور فعالانه بر یهودیان تحمیل می کرد (۲- مک ۷:۴-۷:۲۶، ۵:۵-۱۶). ر.ک ص ۹۴. ر.ک «ایمان و تمدن».

### یافا JOPPE

بی وفایش نشانگر محبت عظیم خدا نسبت به قومش می باشد، مانند مهربانی و رأفت و شفقت پدر نسبت به طفل خویش (هو ۱۱:۱-۴)، این محبت باعث می شود که خدا همیشه نسبت به قوم گناهکار خود بخشش نشان دهد اما در مقابل از قوم انتظار دارد که قلبش را به او بسپارد (۶:۶). ر.ک ص ۱۲۸، ۱۴۱. ر.ک «پادشاهان و انبیا» فصل سوم، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۸۳، «برگهای زرین» ص ۱۴۱.

### هیرکان دوم HYRCAN II

کاهن بزرگ و پادشاه یهودیه که پسر اسکندر جانیوس بود (۷۶ ق.م). وی در ۶۹ ق.م توسط برادر کوچکترش از قدرت برکنار شد اما در سال ۶۲ ق.م به حکومت بازگردانده شد و پس از ظهور مسکلاتی در سلطنتش و اسارت در میان پارتها در سال ۳۰ ق.م در یهودیه کشته شد. ر.ک ص ۹۷. ر.ک «ایمان و تمدن»

### هیروودیس HERODE

- شش نفر به این اسم در عهد جدید ذکر شده اند.
- ۱- هیروودیس کبیر پادشاه یهودیه و سامره (۳۷ تا ۴ ق.م) که دیکتاتوری خون خوار ولی در عین حال سازنده بسیار خوبی بود. او شهر قیصریه را بنا نمود. در دوران پادشاهی او یحیی تعمید دهنده (لو ۵:۱) و عیسی مسیح به دنیا آمدند. به دستور او جمیع اطفال کمتر از دو سال در بیت لحم و نواحی اطراف آن به قتل رسیدند (مت ۲:۱-۲۲).
- ۲- هیروودیس آنتیپاس، پسر هیروودیس کبیر و والی ولایت جلیل و پره (۴ ق.م تا ۳۰ میلادی). او سر یحیی تعمید دهنده را از تن جدا نمود (لو ۱۹:۳؛ مت ۱۴:۳-۱۱) و در صدد دیدن عیسی و کشتن او بود (مت ۱۴:۱-۲؛ لو ۱۳:۳۱). او بود که برای عیسی دادگاه تشکیل داد (لو ۲۳:۷-۱۵).
- ۳- هیروودیس اغریپاس اول، نوه هیروودیس کبیر پادشاه یهودیه و سامره (۴۱ تا ۴۴ میلادی). وی رهبران

ساختمان در اورشلیم انتخاب شد (۱-پاد۱۱:۲۶-۲۸) اما بعداً علیه دیکتاتوری سلیمان قیام کرد و مجبور به فرار به مصر شد (۱-پاد۱۱:۲۸-۴۰). بعد از مرگ سلیمان یربعام قبایل شمال را دور خود جمع کرد بنابراین ربحعام را به پادشاهی قبول نکردند، در نتیجه یربعام پادشاه قبایل شمال گشت و قلمرو اسرائیل را بر ضد پادشاهی یهودیه پایه گذاری کرد. علاوه بر انشقاق سیاسی او با بنا نهادن دو عبادتگاه بر ضد معبد اورشلیم در شمال مسبب انشقاق مذهبی نیز شد. (۱-پاد۱۲:۲۶-۳۳)، انبیا رفتار یربعام را محکوم می کردند و منقرض شدن سلسله او را اعلام می نمودند.

۲- سیزدهمین پادشاه اسرائیل (۷۸۳ تا ۷۴۳ ق.م) (۲-پاد۱۴:۲۳-۲۹؛ عا:۷:۹-۱۱) ر. ک ص ۶۹، ۷۵. ر. ک «آغاز پادشاهی» ص ۱۵۳، «برگهای زرین» ص ۱۱۷-۱۱۹، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۹۵، «پادشاهان و انبیا» ص ۳۱-۳۳، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم؟» ص ۸۲.

### یرموک (رود) YARMOUK

(یا یرموق، یرموت، یرموث)، شهریست در دشت یهودا (یوشع ۱۵:۳۵) که پادشاهش فرام با چهار پادشاه دیگر بر ضد جبعونیان همدست شدند چرا که ایشان هم برضد اسرائیل معاهده نموده بودند (یوشع ۱۰:۳). بعد از بازگشت از اسیری این شهر همچنان آباد بود (نح ۱۱:۲۹) و امکان دارد که همان یرموک باشد که به مسافت ۱۶ مایلی مغرب اورشلیم واقع است. (مسیل) شعبه شرقی رود اردن که در چند کیلومتری جنوب دریاچه جلیل به رود اردن می ریزد. یرموک به این عنوان در کتاب مقدس ذکر نشده است. ر. ک ص ۵۳، ۵۴.

### یزرعیل (دشت) YAZREEL

کلمه یزرعیل به معنای «خداوند افشاننده بذر» می باشد. دشت حاصلخیز یزرعیل، بین شهر بیت شان و کوه کرمل واقع و معبری بین کشور مصر و آشور بود که

شهری در کنار دریای مدیترانه که بندر مورد استفاده شهر اورشلیم بوده است (یوشع ۱۹:۴۶؛ ۲-توا:۲۱۶؛ عز:۳:۷؛ یون:۱:۳؛ ۱-مک:۱۰:۷۵-۷۶، ۱۴:۵). یافا یکی از شهرهایی بود که اجتماع مسیحیان اولیه در آن خیلی زود تشکیل شد (اع:۹:۳۶-۴۳، ۱۰:۵-۳۲، ۱۱:۵-۱۳).

### یبوسیان JEBUSEENS

قومی که قبل از فتح اورشلیم توسط داود، در آن شهر زندگی می کردند. ر. ک ص ۵۰، ۵۸.

### یبوق YABBOUK

(مسیل) شعبه شرقی رود اردن که در نزدیکی شیلوه (سیلوحا) به رود اردن می ریزد یا به عبارت دیگر رودی است که سرچشمه اش در نزدیکی عمان و در ابتدا رو به مشرق و پس از آن به شمال و از آن به مغرب جاری گشته در نیمه راه فیما بین دریای لوط و دریای طبریه به اردن داخل می شود و اکنون آن را زرقا می گویند. یعقوب خانواده خود را از این نهر عبور داد و در آن طرف نهر خداوند با وی ملاقات نموده وی را برکت عطا فرمود (پید:۳۲:۲۳-۳۰). اسرائیلیان اراضی را که بر طرف سفلی یبوق بود فتح کردند لکن بر اراضی که در نزدیکی منبع رود مذکور واقع بود دست نیافتند (اعد:۲۱:۲۴؛ تث:۳۷:۲، ۱۶:۳؛ یوشع ۱۲:۲؛ داو:۱۱:۱۳، ۲۲). یبوق قبل از رسیدن به اردن در دشت عمیق و تنگی از میان کوههایی می گذرد که قله آنها از ۱۵۰۰-۲۰۰۰ قدم می باشد و کوههای مذکور دارای بیشه ها و درختان بسیار است و خود نهر دارای ماهیهای بسیار لذیذ می باشد. در کتاب مقدس به معنای مرز هم آمده است. ر. ک ص ۵۳، ۶۳ و شیلوه (سیلوحا).

### یربعام JEROBOAM

در عهد عتیق این نام دو شخصیت را مشخص می نماید: ۱- یربعام اول که توسط سلیمان به عنوان بازرس



وجود آورد و در سال ۶۲۲ ق.م معبد را تطهیر و تعمیر نمود. او بر کتاب تثنیه که در آن زمان کشف شده بود تکیه نمود تا مذهب اجداد را تحکیم بخشد. (۲- پساد ۲۲:۳-۲۰، ۲۳:۱-۲۴) ر. ک ص ۷۹. ر. ک «پادشاهان و انبیا» ص ۱۳۵-۱۳۷، ۱۴۵، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۰۰، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۱۹، «برگهای زرین» ص ۱۹۴

### یوناتان JONATHAN

یکی از پسران متاتیاس که به یهودای مکابی در جنگ برای استقلال اسرائیل کمک نمود (۲-مک ۷-۱۳). ر. ک ص ۹۷. ر. ک «ایمان و تمدن».

### یونس JONAS

نبی معاصر یربعام دوم که اعلام کرد یربعام پادشاه اسرائیل قلمرو خود را تا مرزهای قبلی باز خواهد گرداند. کتاب یونس را به او نسبت داده اند. ر. ک ص ۸۹ و نمودار ص ۱۵۹.

### یونس (کتاب)

داستان مملو از طنز و سخریه و حاکی از وقایع خارق العاده ای که در کتاب یونس آمده است به این نبی نسبت داده می شود. کتاب یونس مثالی است نشان دهنده این که محبت خدا به همه موجودات اعم از نبی یهودی که در اعماق دریا افتاده و بت پرستان شهر نینوا که بدترین دشمنان اسرائیل بودند و حتی به حیوانات بیشتر تعلق می گیرد. ر. ک ص ۸۹.

### یوئیل JOEL

نبی دوران پس از تبعید دارای کتابی به همین نام در کتب عهد عتیق. ر. ک ص ۱۴۲، ۱۵۹. ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۱۴۱، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۱۷۱، «در انتظار ایام نوین».

### یهودیه JUDA

نام قلمرو و قبیله ای از بنی اسرائیل که قوی ترین قبیله

به وسیله چند قلعه مستحکم از آن دفاع می شد. در عهد عتیق صحنه جنگهای متعدد بوده است. (یوشع ۱۶:۱۷؛ داور ۶:۳۳؛ ۱-سمو ۲۹:۱-۱۱). ر. ک ص ۵۱، ۵۳، ۵۲.

### یطبات YOTBATA

یکی از توقف گاههای خروج در شمال خلیج عقبه (تث ۱۰:۷) ر. ک نقشه ص ۴۱، ۴۴.

### یعقوب JACOB

پسر اسحق و نوه ابراهیم که از طرف خداوند اسم جدید «اسرائیل» را دریافت نمود. وی ۱۲ پسر داشت که بنیانگذار ۱۲ قبیله قوم برگزیده شدند (پید ۲۷-۳۷). ر. ک ص ۳۴، ۴۵. ر. ک «برگهای زرین» چگونه عهد عتیق را بخوانیم»، «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس»، «کتاب پیدایش چه می گوید؟».

### یوسف JOSEPH

یکی از ۱۲ پسر یعقوب که توسط برادران خود به بردگی فروخته شد. او بعد از مدتی بزرگترین کارگزار فرعون مصر شد و در همان دوران خانواده خویش را از گرسنگی نجات داد (پید ۳۷-۴۲؛ اع ۷:۹-۱۸؛ عبر ۱۱:۲۲). البته نام یوسف نام بسیاری دیگر از شخصیت های عهد عتیق و جدید نیز می باشد و از جمله حضرت یوسف نامزد حضرت مریم و یوسف اهل رامه عضو شورای عالی مذهبی یهود که جسد عیسی را تحویل گرفت و در قبر نهاد. ر. ک ص ۳۴، ۴۰، ۶۰. ر. ک «برگهای زرین» ص ۲۵-۳۵، «کتاب پیدایش چه می گوید؟» ص ۱۱۰-۱۱۲.

### یوشیا JOSIAS

ششمین پادشاه یهودیه (۶۴۰ تا ۶۰۹ ق.م) که با صفینا و ارمیا معاصر بود (صف ۱:۱؛ ار ۱:۲، ۳:۶، ۳:۲۵؛ ۲:۳۶؛ ۲-پاد ۲۴:۲۱-۲۶). در حالی که پیشینیان او بت پرست بودند یوشیا تغییرات بسیاری در مذهب به

گاهی سخنانی تند و درشت بر ضد پادشاه ادا می کرد (ار ۱۳:۲۲-۱۹؛ ۲- پاد ۲۳:۳۵، ۱:۲۴، ۱۹). یهوایقیم را نباید با یهوایکین پسرش اشتباه کرد. ر. ک ص ۸۱. ر. ک «پادشاهان و انبیا» ص ۱۶۸-۱۶۹.

### یهویاکین JOIAKIN

یعنی «یهوه استوار کننده» است. نام نوزدهمین پادشاه یهودیه (۵۹۸ تا ۵۹۷) و پسر یهوایقیم. او فقط ۳ سال پادشاهی کرد (۲- پاد ۲۴:۶-۸). در زمان سلطنت او نبوکدنصر اورشلیم را محاصره کرد و یهوایکین که شهر را تسلیم کرده بود به اسارت درآمده همراه با تعدادی از درباریان به بابل تبعید شد (۲- پاد ۲۴:۱۲-۱۵؛ حزق ۱:۲). یهوایکین پس از ۳۷ سال اسارت توسط پسر نبوکدنصر مورد عفو قرار گرفته آزاد گردید (۲- پاد ۲۵:۲۷-۳۰؛ ار ۱۳:۵۲-۳۴). ر. ک ص ۸۱. ر. ک «پادشاهان و انبیا» ص ۱۶۹-۱۷۰.

### یهوه YAHVEH

نام خداوند در کتاب عهد عتیق. ر. ک ص ۴۵ و بخش سوم، القاب خداوند.

### یهویست (تفسیر) YAHVISTE

یکی از چهار تفسیر تورات که منشأ آن در یهودیه بوده است (بین قرن دهم و نهم ق.م) (پید ۲۷:۴۰). ر. ک ص ۱۲۶-۱۲۷، ۱۴۸-۱۴۹. ر. ک «گذر» ص ۳۳، «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۴۴-۴۹، ۶۱-۶۴، «آغاز پادشاهی» ص ۱۵۳.

### یهو JEHU

دهمین پادشاه قلمرو شمالی اسرائیل (۸۴۱ تا ۸۱۴ ق.م) (۲- پاد ۹-۱۰). ر. ک ص ۷۵. ر. ک «چگونه عهد عتیق را بخوانیم» ص ۸.



از قبایل ۱۲ گانه این قوم بودند. قلمرو جنوب را یهودیه می نامیدند که اورشلیم پایتخت آن بود. یهودیه (صحرا)، منطقه کوهستانی دارای سکنه کم بین حبرون و بحرالمیت. یهودیه (کوهستان)، منطقه کوهستانی بین بحرالمیت و دشت ساحلی. حبرون در مرکز این منطقه قرار دارد و در منتهی الیه شمالی آن شهر اورشلیم واقع شده است. مرتفع ترین نقطه آن جبل بطرق با ارتفاع برابر ۱۰۲۰ متر در شمال حبرون واقع است.

### یهودیه بنت مراری JUDITH

نام زنی قهرمان از شخصیت های عهد عتیق دارای کتابی به همین نام. ر. ک ص ۱۴۱-۱۴۲، ۱۵۹. ر. ک «مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس» ص ۲۲۹، «ایمان و تمدن».

### یهویاقیم JOIAQIM

یعنی «یهوه برمی خیزاند». یهوایقیم نام دومین پسر یوشیا (۱- تو ۳:۱۵؛ ۲- پاد ۲۳:۳۶) و هجدهمین پادشاه یهودیه (۶۰۹ تا ۵۹۸ ق.م) است. فرعون نکوه او را به جای برادرش یهوآحاز به تخت سلطنت نشانند (۲- پاد ۲۳:۳۴). از آغاز پادشاهی خود بر مالیات ها افزود تا بتواند باج مصریان اشغالگر را بدهد (۲- پاد ۲۳:۳۵). یهوایقیم در سال ۶۰۵-۶۰۴ ق.م والی تابع نبوکدنصر شد ولی سه سال بعد عصیان نمود و در این موقع دسته های آرامی و کلدانی و موآبی و بنی عمون به کشورها حمله می کردند (۲- پاد ۲۴:۱-۴). در سال ۵۹۸ ق.م یهوایقیم فوت نمود (۲- پاد ۲۴:۵-۶). در تمام مدت سلطنت وی ارمیا به فعالیت مشغول بود (ار ۱:۳) و تعدادی از نبوت های او در سال چهارم سلطنت یهوایقیم اعلام شد (ار ۱:۲۵، ۱:۲۶، ۱:۳۵، ۱:۳۶، ۱:۴۵، ۲:۴۶). یهوایقیم در سال پنجم سلطنتش بعد از خواندن نخستین طومار ارمیا، آن طومار و نسخه های دیگر آن را سوزاند (ار ۳۶:۹-۳۲). ارمیا

## ضمائم

۲۲۲	ضمیمه ۱ سنتهای متون اسفار خمسه را تشخیص دهیم .....
۲۲۲	(۱) سنت یهوئیست .....
۲۲۲	(۲) سنت الوهئیست .....
۲۲۳	(۳) سنت کهناتی .....
۲۲۴	ضمیمه ۲ استقرار قبایل و روابط آنها (ضمیمه صفحه ۵۹) .....
۲۲۶	ضمیمه ۳ ایران و کتاب مقدس .....
۲۲۹	فهرست مراجع فارسی .....
۲۳۰	فهرست مراجع به زبانهای فرانسه و انگلیسی .....
۲۳۱	مخفف اسامی کتابهای مقدس .....

## ضمیمه ۱

## سنتهای متون اسفار خمسه (تورات) را تشخیص دهیم

در طی این کتاب، بارها با سئوالی در مورد روایات مختلف اسفار خمسه روبرو شده ایم. ر. ک ص ۱۳۱، ۱۴۵، «کتاب پیدایش چه می گوید؟» ص ۱۲۷-۱۲۹، «گذر از اسارت مصر» ص ۳۲-۳۵، ۱۹۱-۲۱۱). روایات اینک شرح می دهیم که چگونه یکی از متخصصین کتاب مقدس («سنتهای کتاب مقدس» Auzou)، روایات مختلف یهوئیست، الوهیست و کهناتی را تشخیص داده است. به طور قطع، روشهای تشخیص این امر فقط نظریه هایی هستند که نباید حتی علی رغم کار بسیار علمی متخصصین، جزئیات آنها را خیلی جدی و بی انعطاف گرفت.

## ۱) سنت یهوئیست

بایستی به یاد داشته باشیم که این متون، مجموعه روایات بسیار قدیمی متعلق به قلمرو یهوداست که غالب آنها در زمان سلطنت سلیمان نوشته شده اند.

پیدایش ۲:۴-۲۵:۳؛ ۴:۵-۲۹:۶؛ ۸-۱:۷؛ ۵-۱:۷؛ ۱۰-۷؛ ۱۲، ۱۶-۱۷، ۲۲-۲۳؛ ۸:۲-۳:الف، ۶-۱۲، ۱۳، ۲۰-۲۲؛ ۹:۱۸-۲۷؛ ۱۰:۸-۱۹، ۲۱، ۲۴-۳۰؛ ۱۱:۱-۹، ۲۸-۳۰؛ ۱۲:۱-۴:الف، ۶-۲۰؛ ۱۳:۱-۵، ۷-۱۱؛ الف، ۱۲-۱۳؛ (ادغام شده با سنت الوهیست)؛ ۱۶:۱-۲، ۴-۱۴؛ ۱۸:۱-۱۹؛ ۲۸-۳۰؛ الف، ۲۱؛ الف، ۲۲؛ ۲۲-۱۵-۱۸، ۲۰-۲۴؛ ۲۴:۱-۶، ۱۱، ۱۸، ۲۱-۲۶؛ الف، ۲۷-۳۴؛ ۲۶-۳۳؛ ۲۷-۱:۲۷؛ ۴۵-۱:۲۷؛ ۲۸:۱۰، ۱۳-۱۶، ۱۹-۳۰؛ ۳۰-۳۱؛ الف، ۳۱-۳۲؛ ۳۲-۲۴؛ ۳۳-۱:۱۷؛ ۳۴:۲-۳، ۵، ۷، ۱۱-۱۲، ۱۹، ۲۵-۲۶؛ ۳۱-۳۰؛ ۳۵:۱۴، ۲۱-۲۲؛ الف، ۳۷-۳-۴، ۱۲-۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۳؛ الف، ۲۵-۲۷، ۲۸، ۳۱؛ الف، ۳۲-۳۳؛ ۳۵:۳۸؛ ۳۹:۳۰؛ الف، ۳۷-۳۸؛ ۴۰:۳۰؛ الف، ۳۷-۳۸؛ ۴۲:۲، ۴-۷، ۲۷-۲۸؛ ۳۸:۳۸؛ ۴۳:۱-۱۳؛ الف، ۲۴-۲۴؛ ۲۴-۴۴؛ ۴۵: (ادغام شده با سنت الوهیست)؛ ۴۶-۲۸؛ ۴۷:۱-۶، ۱۳-۲۷؛ الف، ۲۹-۳۱؛ ۴۹:۱-۴۹؛ الف، ۲۸؛ الف، ۵۰:۱-۱۱، ۱۴. خروج ۱:۶، ۸-۱۲؛ ۲:۱۶-۲۳؛ الف، ۵، ۷-۸، ۱۶-۲۰؛ ۴:۱-۴، ۱۶-۱۹؛ ۲۰:۲۲-۳۱؛ ۵:۱۶؛ ۷:۱۴-۱۸، ۲۳، ۲۵-۲۹؛ ۸:۴-۱۱؛ الف، ۱۱-۱۶، ۱۹-۲۱؛ ۹:۲۸-۳۰؛ ۱۰:۷-۱۰؛ ۱۱:۱-۷، ۱۳-۱۹؛ ۱۲:۲۸-۲۹؛ ۱۳:۳-۱۶؛ ۱۴:۲۲-۲۱، ۲۲-۲۱؛ ۱۴:۵-۷، ۱۰-۱۴، ۱۹-۲۰؛ ۲۱:۲۴-۲۵، ۲۷؛ ۲۲:۱۵-۳۱؛ ۲۳:۳۱-۳۰؛ ۲۴:۲۵-۲۷؛ ۲۵:۴-۵، ۱۵، ۱۹-۲۱، ۲۹-۳۰؛ ۲۶:۱۷؛ ۲، ۷؛ ۱۹:۲۵-۲۰؛ ۲۶-۲۲؛ ۲۰:۲۶-۲۲؛ ۲۱-۹، ۱۱-۹؛ ۲۴:۲-۱۱؛ ۳۲:۹-۱۴؛ ۳۴:۱-۱۴، ۱۹. اعداد (با الوهیست) ر. ک سنت الوهیست. تثنیه ۳۴:۱-۴.

## ۲) سنت الوهیست

می دانیم که متون الوهیست قدیمی ترین روایات قلمرو اسرائیل را گردآوری نموده و جدیدتر از متون یهوئیست هستند و به احتمال زیاد در زمان تسخیر پایتخت سامریان توسط قوای آشور در سال ۷۲۱ از قلمرو شمالی به اورشلیم آورده شدند.

پیدایش ۱۵ (ادغام شده با سنت یهوئیست)؛ ۲۰:۲۱-۶؛ ۳۲، ۳۴؛ ۲۲:۱-۱۴، ۱۹؛ ۲۸:۱۱-۱۲، ۱۷-۱۸،

۲۰-۲۲: ۲۹: ۱، ۲۳-۲۵، ۲۸-۳۰: ۳۰: ۱-۳: الف، ۶، ۸، ۱۷-۲۳: ۳۱: ۲، ۴-۱۸ الف، ۱۹-۴۵، ۵۱-۵۵؛  
 ۳۲-۱: ۲، ۱۳-۲۱، ۲۳: ۳۳: ۱۸-۲۰: ۳۵: ۱-۸، ۱۶-۲۰: ۳۷: ۲، ۵-۱۱، ۱۴ الف، ۱۵-۱۸ الف، ۱۹-  
 ۲۰، ۲۲، ۲۳-۲۴، ۲۸ الف، ۲۸ ج-۳۰، ۳۱ ب ۳۲ الف، ۳۴، ۳۶: ۴۰: ۱-۳ الف، ۴-۵ الف، ۶-۱۵ الف، ۱۶-  
 ۲۳: ۴۱: ۴۲: ۱، ۳-۴ الف، ۸-۲۶، ۲۹-۳۷: ۴۳: ۱۴، ۲۳ ب: ۴۵ با سنت یهوئیست: ۴۶: ۱-۵ الف: ۴۷: ۱۲؛  
 ۴۸-۱: ۲، ۸-۲۲: ۵۰: ۱۵-۲۶. خروج ۱: ۱۵-۲۲: ۲: ۱-۱۵: ۳: ۱، ۴ ب، ۶، ۹-۱۵، ۲۱-۲۲: ۴: ۱۷-۱۸،  
 ۲۰ ب-۲۱: ۷: ۲۰-۲۱ الف، ۲۴: ۹: ۲۲-۲۳ الف، ۳۵: ۱۰: ۸-۱۳ الف، ۲۰-۲۷: ۱۱: ۳-۱۲: ۳۱-۳۶،  
 ۳۷ ب-۳۹: ۱۳: ۱۷-۱۹: ۱۵: ۱-۲۱: ۱۷: ۳-۶، ۸-۱۶: ۱۸: ۱۹: ۲-۱۹: ۲۰: ۱-۲۱: ۲۱: ۲۲: ۲۳: ۲۴: ۳-  
 ۸، ۱۲-۱۵ الف، ۱۸: ۳۱: ۳۲: ۱-۸، ۱۵-۳۵: ۳۳. اعداد (با سنت یهوئیست) ۱۰: ۲۹-۳۶: ۱۱: ۱۲:  
 ۱۳: ۱۷-۳۳ (+ سنت کهناتی): ۱۴ (+ سنت کهناتی): ۱۶: ۱-۳۴ (+ سنت کهناتی): ۲۰: ۱-۹، ۱۲-۳۵: ۲۲:  
 ۲۳: ۲۴: ۲۵: ۱-۵: ۳۲: ۱-۱۷، ۲۰-۲۷، ۳۴-۴۲. تشنیه ۱۰: ۱۰، ۶-۷: ۲۷: ۵-۷ الف: ۳۱: ۱۴-۱۵، ۲۳: ۳۳:  
 ۳۴: ۵-۶.

### ۳) سنت کهناتی

متون کهناتی اولیه در جوار معبد اورشلیم نوشته شدند و بعد از تبعید به بابل شکل گرفته به روایات  
 قبلی افزوده شدند.

پیدایش ۱: ۲: ۱-۴ الف: ۵: ۱-۲۸، ۳۰-۳۲: ۶: ۹-۲۲: ۷: ۶، ۱۱، ۱۳-۱۶ الف، ۱۸-۲۱، ۲۴: ۸: ۱-۲ الف، ۳-  
 ۵، ۱۳ الف، ۱۴-۱۹: ۹: ۱۷-۲۸، ۲۹: ۱۰: ۱-۷، ۲۲-۲۳، ۳۱-۳۲: ۱۱: ۱۰-۲۷، ۳۱-۳۲: ۱۲: ۴-۵:  
 ۱۳: ۶، ۱۱-۱۲ الف: ۱۶: ۱۱ الف، ۳، ۱۵-۱۶: ۱۷: ۱۹: ۲۹: ۲۱: ۲، ۵-۲۳: ۲۵: ۷-۱۱ الف، ۱۲-۱۷،  
 ۱۹-۲۰، ۲۶: ۲۶: ۳۴-۳۵: ۲۷: ۴۶: ۲۸: ۱-۹: ۲۴: ۲۹، ۳۱: ۱۸: ۳۳: ۱۸ الف: ۳۴: ۱-۲ الف، ۴، ۶،  
 ۸-۱۰، ۱۳-۱۸، ۲۰-۲۴: ۲۷-۲۹: ۳۵-۳۶: ۲۸: ۱-۹: ۲۴: ۲۹، ۳۱: ۱۸: ۳۳: ۱۸ الف: ۳۴: ۱-۲ الف، ۴، ۶،  
 ۱۲ الف: ۴۶: ۲۷: ۴۷: ۷-۱۱، ۲۷-۲۸: ۴۸: ۳-۷: ۴۹: ۱۱ الف، ۲۸-۳۳: ۳۳: ۵۰: ۱۲-۱۳. خروج ۱: ۱-۵،  
 ۷، ۱۳-۱۴: ۲: ۲۳-۲۵: ۶: ۲-۳۰: ۷: ۱۳-۱۹، ۲۰-۲۱ الف، ۲۱-۲۲: ۲۲: ۸: ۱-۳، ۱۱-۹: ۱۲: ۱۱-  
 ۱۱: ۹-۱۰: ۱۲: ۱-۲۰، ۲۸، ۳۷ الف، ۴۰-۵۱: ۱۳: ۲-۲۰، ۲۰: ۱۴: ۱-۴، ۸-۹، ۱۵-۱۸، ۲۱ الف، ۲۱ ج-۲۳،  
 ۲۶-۲۷ الف، ۲۸-۲۹: ۱۶: ۳-۶، ۱۴-۱۶، ۱۸-۲۲، ۳۱-۳۶: ۱۷: ۱۱ الف: ۱۹: ۲-۱۵: ۲۴-  
 ۱۸ الف: ۲۵: ۲۶: ۲۷: ۲۸: ۲۹: ۳۰: ۳۱: ۱-۱۸ الف: ۳۴: ۲۹: ۳۴: ۳۵: ۳۶: ۳۷: ۳۸: ۳۹: ۴۰. کل کتاب  
 لاویان. اعداد ۱: ۲: ۳: ۴: ۵: ۶: ۷: ۸: ۹: ۱۰: ۱-۲۸: ۱۳: ۱۷-۲۱، ۲۵-۲۶ الف، ۳۲ الف: ۱۴: ۱-۲،  
 ۵-۷، ۱۰، ۲۶-۳۰، ۳۴-۳۸: ۱۵: ۱۶: ۱۱ الف، ۱۶-۱۱، ۱۶-۲۴، ۲۷ الف، ۳۲ ب، ۳۵-۵۰: ۱۷: ۱۸: ۱۹:  
 ۲۰: ۱۱ الف، ۴-۶، ۱۳-۲۲، ۲۹-۲۱: ۴: ۲۱: ۱۱-۱۰: ۲۲: ۱: ۲۵: ۶-۱۸: ۲۶: ۲۷: ۲۸: ۲۹: ۳۰: ۳۱:  
 ۳۲: ۱۸-۱۹، ۲۸: ۳۳: ۳۴: ۳۵: ۳۶. تشنیه ۴: ۴۱-۴۳: ۳۲: ۴۸-۵۲: ۳۴: ۱۱ الف، ۷-۹



## استقرار قبایل و روابط آنها

(ضمیمه صفحه ۶۰)

با توجه به موضوع مورد بحث در صفحه ۴۱، ۵۷ و ۵۹ می بینیم که ورود قبایل اسرائیل به سرزمین کنعان و اشغال آن سرزمین توسط آنان یکی از پیچیده ترین مسائل کتاب مقدس می باشد. در کتاب یوشع نکاتی را می خوانیم که نشان می دهد اشغال سرزمین کنعان همیشه با فتوحات همراه نبوده (یوشع ۹) و تمامی این سرزمین کاملاً تصرف نشده است (یوشع ۱:۱۲-۱۶، ۱۳:۱۵، ۱۰:۱۶، ۱۲:۱۷، ۱۳). در کتاب داوران مشاهده می کنیم که به اسم یوشع فقط در باب اول و آن هم بطور ضمنی اشاره شده و این کتاب دیدگاه دیگری در رابطه با اشغال کنعان مطرح می کند و می خوانیم که بعضی از قبایل به صورت منفرد مبارزه می کردند و پیشروی آنان محدود به ناحیه کوهستانی بود و به نواحی ساحلی نرسیدند. (داور ۱:۱۹، ۳۴) و اغلب با معاشرت با کنعانیان و توافق با آنها در آنجا مستقر شدند. (داور ۱:۲۱، ۲۷-۳۵). بنابراین برای درک آن باید تمامی متونی را که حاوی اطلاعات مستقیم درباره این موضوع هستند در نظر بگیریم و با توجه به هدف نویسنده و تشخیص منابع آنها حقیقت را جستجو کنیم. با این وجود نمی توان به نتیجه کاملاً قطعی رسید و در این باره فرضیه های مختلفی از طرف تاریخ دانان مطرح شده است. علاوه بر فرضیه ورود از مکانهای مختلف سه فرضیه دیگر مطرح شده است: ۱- فرضیه ورود تدریجی؛ ۲- فرضیه فتوحات؛ ۳- فرضیه انقلاب کشاورزی.

### ۱- فرضیه ورود تدریجی

این گروه از متخصصین به این نتیجه رسیده اند که سکونت اقوام اسرائیل در کنعان بدون جنگ و خونریزی بوده است همانطوری که بعضی از قبایل کوچ نشین به مرور زمان در محلهای کم جمعیت اسکان می یابند. جنگ زمانی به وقوع پیوست که این قبایل بر ضد کنعانیان قیام کردند و موضوع فتح مکانهای مهم در کتاب یوشع تصوراتی افسانه وار است که توسط عبرانیان در چندین قرن بعد برای تشریح اوضاع خودشان بوجود آمد. اما برای این گروه روشن نیست که آیا این افسانه ها ریشه تاریخی دارند یا خیر.

### ۲- فرضیه فتوحات

این گروه از متخصصین با استناد به باستان شناسی و با توجه به ابهام کتاب مقدس در این مورد، دیدگاه خود را به این صورت عنوان می کنند و می گویند که آثار بدست آمده نشان می دهد که در تاریخ ۱۲۵۰-۱۲۰۰ ق.م در کنعان فتوحاتی صورت گرفته و در شهرهای مختلف آثار خرابیهای گوناگونی کشف شده که آثار بعدی، نشان دهنده نوعی زندگی ساده تر و فقیرانه تر است و این خود نشان دهنده این است که بعد از خرابیها مردم دچار فقر شده اند. اما همه باستان شناسان در مورد تاریخ این وقایع به توافق نرسیده اند که آیا مربوط به زمان یوشع بوده است یا خیر.

### ۳- فرضیه انقلاب کشاورزی

بعضی از مفسرین فکر می کنند که عبرانیان کوچ نشینانی نبودند که برضد کشاورزان قیام کردند بلکه گله دارانی

بودند که با همکاری ساکنین روستاها بر ضد فشار مردم شهرها قیام کردند و فتح کنعان در واقع ورود ملتی تازه نبود بلکه انقلابی بود که توسط آمدن گروه کوچکی عبرانی از مشرق اریحا و مصر شعله ور شده بود ولی این فرضیه اساس زیادی در کتاب مقدس ندارد و می توان این امکان را برای قبایل شمالی کنعان امکان پذیر دانست که با استفاده از ورود عبرانیان به فلسطین مرکزی از این فرصت استفاده کرده باشند

## ضمیمه ۳

## ایران و کتاب مقدس

غالباً سرزمینهای فلسطین، مصر، سوریه، لبنان و بین النهرین (عراق) را سرزمینهای کتاب مقدس می خوانند و به این عنوان می شناسند؛ حال آنکه ایران را نیز بایستی به این سرزمینها افزود زیرا در کتاب مقدس اشاراتی صریح به بسیاری از پادشاهان و شهرهای ایران شده است.

**آارات :** پیدایش ۴:۸. این کوه مشهور اکنون در خاک ترکیه قرار دارد و از ناحیه شمال غربی ایران قله آن به وضوح نمایان است. اشارات دیگری نیز در مورد کوه آارات در کتاب مقدس وجود دارد (دوم پادشاهان ۱۹:۳۷؛ اشعیا ۳۷:۳۸؛ ارمیا ۵۱:۲۷). سرزمینی که این کوه در آن قرار دارد در ترجمه کتاب مقدس معروف به ترجمه جمیز شاه ارمنستان نامیده شده است.

**عیلام :** پیدایش ۱۰:۲۲. عیلام به ناحیه ای از سلسله کوههای زاگرس در جنوب غربی ایران اطلاق می شود که امروزه شامل استانهای لرستان و خوزستان می باشد. مرکز آن شوش بوده که شوشن نیز نامیده می شده است و شوش فعلی بین شهرهای اهواز و اندیمشک واقع است. (ر.ک عزرا ۴:۹، دانیال ۸:۲). عیلامها اغلب نواحی بین النهرین را مورد هجوم قرار می دادند و مناطق وسیعی از آن سرزمین را تحت سلطه خود داشتند. کشفیات باستان شناسی سال ۱۹۰۱ از جمله لوحه قانون حمورابی در ویرانه های شوش مؤید این واقعیت است. حمورابی پادشاه مقتدر (مقرن ۱۷۰۰ ق.م) بابل دستی قوی در وضع و اجرای قوانین داشت. به نظر می رسد یکی از پادشاهان عیلام بنام کدرلا عمر (پید ۹:۱۴) تا حدود بحرالمیت و ناحیه فلسطین پیشروی کرده بود.

در مورد عیلام پیشگوئی هایی در اشعیا (۲:۲۱، ۶:۲۲)، ارمیا (۳۴:۴۹-۳۹) و حزقیال (۳۲:۲۴-۲۵) وجود دارد که بیانگر نقش مهم این قوم در تاریخ غرب آسیا و در عهد عتیق می باشد.

مقرن سال ۱۲۵۰ ق.م دوران رونق و شکوفائی عیلام بود. زیگوراتهای چغازنبیل واقع در شمال شرقی اهواز متعلق به این دوران است. این زیگوراتها بسیار شبیه به زیگورات شهر اور در کلدیه می باشند. آخرین باری که از عیلامها در کتاب مقدس ذکری به میان آمده در روز پنطیکاست یا آمدن روح القدس است که به زبانهای خود ذکر کبریائی خداوند می گفتند (اعمال ۲:۹).

**منی :** (ارمیا ۵۱:۲۷). با کشفیات مهم اخیر باستان شناسی در تل حسنلو واقع در جنوب غربی دریاچه ارومیه شهر عمده منی ها که دولتی حایل بین آشوریها و اوراتوئی ها را تشکیل می دادند کشف شده است (مقرن ۶۱۲-۸۵۰ ق.م). دولت آشور در دوران قدرت خود بسیاری از سرزمینهای غربی ایران را به تصرف خود در آورده بود.

**ماد :** ناحیه غربی ایران (ازهمدان تا تبریز) را ماد می نامیدند. منظور از مادای در پیدایش ۱۰:۲ احتمالاً همان ماد است. سرزمین ماد زمانی بخشی از متصرفات آشور بود (دوم پادشاهان ۱۷:۶، ۱۸:۱۱) ولی آنان سرانجام بابلها را در فتح آشور کمک و یاری دادند (۶۱۲ ق.م). اندکی بعد سرزمین ماد در زمان کوروش کبیر به سال ۵۵۰ ق.م

بتصرف پارسیان درآمد. در مورد ماد اشاراتی در اشعیا ۲:۲۱، ۱۳:۱۷-۱۸؛ ارمیا ۵۱:۱۱، ۲۸؛ دانیال ۵:۲۸، ۶:۱ وجود دارد و دانیال ۳:۸ ماد را بصورت قوچی با شاخهای کوتاه در برابر پارس، قوچی با شاخهای بلند توصیف نموده است.

داریوش مادی مذکور در دانیال ۱:۶، ۱:۱۱ در تاریخ عمومی نیمه قرن ششم ق.م شناخته شده نیست و نباید وی را با داریوش کبیر که در شوش بوده و قبرش (این مقبره به برج دانیال معروف است و در کرانه رود کرخه قرار دارد) در آنجاست اشتباه نمود (دانیال ۹:۲-۱۶).

**پارس:** بانی شاهنشاهی پارس و ماد که به هخامنشیان معروفند (هخامنش جد کوروش و شاه ایلام) کوروش کبیر بود که از سال ۵۵۰ تا ۵۲۰ ق.م حکومت راند. پارس یکی از استانهای مهم جنوبی ایران است. در دنیای غرب بخاطر وجود پارسیان تمام کشور را پرشیا می نامیدند که منظور همان ایران، سرزمین آریائی هاست. پایتخت اصلی شاهنشاهی پارس (هخامنشی) تخت جمشید بود که در کتاب مقدس ذکری از آن بمیان نیامده است. در زمستان پایتخت به شوش نقل مکان می کرد (کتاب نحمیا ۱:۱؛ استرا ۲:۱؛ دان ۸:۲) و پایتخت تابستانی اکباتان بود (عزرا ۶:۲) که همدان کنونی باشد.

کوروش پس از فتح بابل به سال ۵۲۹ ق.م فرمان بازگشت قوم بنی اسرائیل را که در اسارت بابلیان بودند صادر کرد. (رجوع کنید به دوم تواریخ ۳۶:۲۲-۲۳؛ عزرا ۱:۱، ۲، ۷، ۸، ۴:۳-۴، ۵:۱۳-۱۴، ۱۷، ۱۴:۳، ۶:۱۴؛ اشعیا ۴۴:۲۸، ۴۵:۴؛ دان ۱:۱۰). در کتاب اشعیا نبی، کوروش به عنوان خادم یا ابزار دست خداوند برای استقرار قوم یهود تبعیدی به سرزمین ابا و اجدادی خود توصیف و از زبان بیهوه، وی مسیح نامیده شده است. داریوش کبیر (دوران سلطنت ۴۸۵-۵۲۲ ق.م) پسر یا جانشین بلافصل کوروش نبود لیکن از تبار هخامنشیان بود. قلمرو شاهنشاهی وی تمام آسیای غربی و سرزمین کتاب مقدس و کرانه های اروپا و افریقا و یونان و مصر را دربرمی گرفت.

داریوش به سال ۵۱۷ ق.م کاخی در شوش بنا نمود و پایتخت زمستانی خود را در اکباتان قرار داد (عزرا ۶:۱-۲؛ رجوع کنید به عزرا ۴:۴-۵، ۵:۵، ۷، ۲۴، ۶:۱۲-۱۵؛ حجی ۱:۱، ۲۷:۱-۱۰، ۱:۷).

خشایارشا (اخشورش) پسر داریوش که از ۴۸۵ تا ۴۶۵ ق.م سلطنت می کرد (عزرا ۴:۶) و از کتاب استر چنین برمی آید که پایتخت وی شوش بوده است. مقبره معروف استر و مردخای هنوز هم در مرکز شهر همدان فعلی (اکباتان) قرار دارد.

اردشیر (ارتخشستا) که بین سالهای ۴۶۵ تا ۴۲۵ سلطنت می کرد پسر خشایارشا بود. (نحمیا ۲:۱، ۱۳:۶؛ عزرا ۷:۴، ۶:۱۴، ۷:۱، ۱۲، ۲۱، ۸:۱). داریوش سوم معروف به کدومان که سلطنتش ما بین سالهای ۳۳۶ تا ۳۳۰ مقارن دوران انحطاط هخامنشیان بود. وی که آخرین پادشاه این سلسله بود مقهور اسکندر گردید. در نحمیا ۱۲:۲۲ احتمالاً سخن از داریوش سوم است و این آخرین اشارت به ایران در کتاب عهد عتیق می باشد.

\* \* \*

**مغان یا مجوسیان (مت ۱۲-۲/۱):** مجوسیان که به خردمندان مشرق زمین مشهورند، کاهنان مذهب ملی ایرانیان یعنی آیین زرتشتی بودند. این آئین از عهد هخامنشیان تا حکومت پارتها مقارن با دوران عهدجدید در ایران رواج

داشت. بدیهی است اصلاحات مذهبی زرتشتی در زمان ساسانیان بعد از پارتیان معمول گردید و آئین زرتشتی در آن عهد نیز رایج بود.

زرتشت پیامبر ایرانی که از او اطلاعات تاریخی کمی در دست داریم، بنظر می‌رسد که مصلح آئین مادها حدود ۶۰۰ ق.م بوده است که با کمک و ارشاد وی آتشکده‌های باستانی آریائی احیاء گردید. آئین زرتشتی بر پایه ثنویت استوار می‌باشد. اهورمزدا خدای نیکی و روشنائی و اهریمن خدای تاریکی و بدی است و زندگی انسانها صحنه نبرد بین این دو قطب می‌باشد. بقایای آثار باستانی زرتشتی هنوز هم تحت عنوان استودان (برجهای سکوت که مردگان را در آن می‌نهند تا عناصر مظهر طبیعت با جسد تماسی نیابند) بریاست. یکی از معروفترین این آثار در پای کوههای ری در جنوب تهران در کنار چشمه علی (که محل قالیشوئی و کارخانه سیمان سازی ری است) قرار دارد. آثار آتشکده‌های باستانی و جدید زرتشتیان نیز به صورت پراکنده وجود دارد. در حدود چند هزار زرتشتی در ایران به خصوص در نواحی کرمان، یزد و تهران ساکن می‌باشند.

بخش عمده‌ای از زرتشتیان به نام پارسیان به هندوستان مهاجرت کرده‌اند که اکثریت آنها در شهر بمبئی ساکنند. برحسب روایتی شهر ساوه محل عزیمت مجوسیانی بود که برای دیدار تولد عیسی رفته بودند و معروف است که یکی از این مجوسیان در کلیسای نستوری قدیم شهر ارومیه دفن شده است. معادل واژه مغ یا مجوس بعدها برای جادوگران بکار برده شد. (اعمال: ۸: ۹، ۱۳: ۶).

پارتیان، مادها و عیلامی‌های مذکور در اعمال ۲: ۹ آخرین اشاره کتاب مقدس به ایران است. حضور پارتیان، مادها و عیلامی‌ها در اورشلیم در روز پنجاهه که همه به زبان خود ذکر کبیریائی خداوند می‌گفتند یکی از نمودارهای روابط بین ایران و دیگر سرزمینهای غربی کتاب مقدس در کتاب عهدجدید است.

چنانچه از تاریخ برمی‌آید گروهی از یهودیان تبعیدی پس از آزادی، بین النهرین را ترک نکردند هر چند رابطه خود را با یهودیان اورشلیم حفظ کردند و چنانکه از روایات کلیسائی برمی‌آید عده‌ای از این یهودیان به سوی ایران مهاجرت کرده تحت تاثیر موعظه تنی چند از رسولان به خصوص توما به مسیحیت گرویدند. احتمالاً این جوامع نطفه مسیحیت در ایران بوده‌اند. از جمله بنای کلیسای باستانی قره کلیسا (یا طاطاوس قدیس که به نام تدی یکی از حواریون حضرت مسیح است) که در نزدیکی مرز ماکو قرار دارد ممکن است از آثار این دوران باشد. معماری این کلیسا از جمله شاهکارهای باستانی است و اخیراً توسط کمک مالی دولت ایران و کمکهای فنی یونسکو، مرمت و بازسازی شده و آرامنه ایران هر سال و در روزهای به خصوصی مراسمی مذهبی در این مکان برپا می‌دارند





منابع و کتابهای به زبان فارسی  
که برای مطالعه عمیق تر این کتاب می توانید به آنها مراجعه کنید:

صحنه وقایع تاریخی عهد قدیم

برگهای زرین (گرلو)

ایوب

اشعیا

ارمیا

ایلیا و الیشع

مباحث مقدماتی برای مطالعه کتاب مقدس

مجموعه «کتاب مقدس و پیام آن»

(۱) کتاب پیدایش چه می گوید؟

(۲) گذر از اسارت مصر به سوی سرزمین موعود

(۳) آغاز پادشاهی

(۴) پادشاهان و انبیا

(۵) تبعید و بازگشت

(۶) حکمت و دعا

(۷) در انتظار ایام نوین

(۸) ایمان و تمدن

مقدمه ای بر شناخت کتاب مقدس - نقشه و رفرانس

چگونه عهد عتیق را بخوانیم

فرهنگ الهیات کتاب مقدس (۳ جلد)



## به زبان فرانسه

- Atlas Biblique pour tous, Grollenberg, éd. Sequoia.  
 Atlas de la Bible, L. Grollenberg, éd. Elsevier.  
 Atlas Historique du Nouveau Testament, L. Tellier, éd. Spes.  
 Atlas historique de l'Ancien Testament, Tellier et de Goësbriand, éd. Spes.  
 Concordance de la Bible de Jérusalem, éd. Cerf et Brepols.  
 Dans les pas de Moïse, M. Peelman, éd. Arthaud.  
 Dans les pas des Prophètes, M. Pearlman, éd. Arthaud.  
 Deutéro-Canoniques (Livres) \* , Traduction Oecuménique de la Bible (TOB.), éd. Cerf-Sté. Biblique Française.  
 Dictionnaire archéologique de la Bible, éd. Fernand Hazan, Paris.  
 Dictionnaire Biblique, J. Dheilly, éd. Desclée.  
 Dictionnaire des Noms propres de la Bible, Odelain et Séguineau; éd. Cerf et Desclée de Brouwer.  
 Dictionnaire du Nouveau Testament \* , Xavier Léon-Dufour, éd. du Seuil.  
 Dictionnaire Encyclopédique de la Bible, éd. Brepols.  
 Dossiers de la Bible (Les) \* , éd. Evangile et Vie, Cerf. Divers numéros.  
 Introduction à la Bible, tome 2, Robert et Feuillet, éd. Desclée et Cie.  
 Introduction aux Livres Saints \* , P. Grelot, éd. Belin.  
 L'Ancien Testament aux hommes d'aujourd'hui, P. de Beaumont, éd. Fayard-Mame.  
 La Bible arrachée aux sables, Werner Kelle, éd. Presses de la Cité.  
 La Bible et son Message, no 1 à 90 \* , éd. Cerf.  
 La vie quotidienne des Hébreux au temps de la Bible, A. Chouraqui, Hachette.  
 Le Monde Biblique, H. Wildberger, éd. Artis.  
 Nouveau Testament (Le), P. de Beaumont, éd. Fayard-Mame.  
 Ouvrir l'Ancien Testament, A. Rouet, éd. Centre Jean Bart.  
 Pour lire l'Ancien Testament \* , E. Charpentier, éd. Cerf.  
 Pour lire le Nouveau Testament \* , E. Charpentier, éd. Cerf.  
 Pour une première Lecture de la Bible, E. Charpentier, éd. Evangile et Vie, Cerf.  
 Tradition biblique, G. Auzou, éd. de l'Orante.  
 Univers de la Bible, J. Negenman, éd. Elzévir-Sequoia.  
 Vocabulaire de Théologie Biblique \* , X. Léon-Dufour, Cerf.

## به زبان انگلیسی

- Source (A) Book of the Bible for Teachers, R. C. Walton, SCM Press LTD.  
 Handbook to the Bible (The Lion), éd. Lion Publishing.  
 Westminster Historical Atlas to the Bible, éd. Philadelphia, The Westminster Press.  
 Jerusalem Bible (The New), Standard Edition, Darton, Longman et Todd, London



## مخفف اسامی کتاب‌های مقدس

Genese	Genesis	پیدایش	=	پید
Exode	Exodus	خروج	=	خروج
Levitique	Leviticus	لاویان	=	لاو
Nombres	Numbers	اعداد	=	اعد
Deuteronomie	Deuteronomy	تثنبه	=	تث
Josue	Joshua	یوشع	=	یوشع
Juges	Judges	داوران	=	داور
Ruth	Ruth	روت	=	روت
1 Samuel	1 Samuel	۱-سموئیل	=	۱-سمو
2 Samuel	2 Samuel	۲-سموئیل	=	۲-سمو
1 Rois	1 Kings	۱-پادشاهان	=	۱-پاد
2 Rois	2 Kings	۲-پادشاهان	=	۲-پاد
1 Chroniques	1 Chronicles	۱-تواریخ	=	۱-توا
2 Chroniques	2 Chronicles	۲-تواریخ	=	۲-توا
Esdras	Ezra	عزرا	=	عز
Nehemie	Nehemiah	نحمیا	=	نح
Tobie	Tobit	طوبیاس	=	طو
Judith	Judith	یهودیه بنت مراری	=	یهودیه
Esther	Esther	استر	=	استر
1 Maccabees	1 Maccabees	۱-مکابیان	=	۱-مک
2 Maccabees	2 Maccabees	۲-مکابیان	=	۲-مک
Job	Job	ایوب	=	ایوب
Psaumes	Psalms	مزامیر	=	مز
Proverbes	Proverbs	امثال	=	امث
Ecclesiaste	Ecclesiastes	جامعه	=	جا
Cantique des Cantiques	Song of Songs	غزل غزلها	=	غزل
Sagesse	Wisdom	حکمت	=	حک
Ecclesiastique	Ecclesiasticus	بن سیراخ	=	بنسی
Isaie	Isaiah	اشعیا	=	اش
Jeremie	Jeremiah	ارمیا	=	ار
Lamentations	Lamentations	مراثی	=	مرا
Baruch	Baruch	باروخ	=	بار
Ezechiel	Ezekiel	حزقیال	=	حزق
Daniel	Daniel	دانیال	=	دان
Osee	Hosea	هوشع	=	هو
Joel	Joel	یوئیل	=	یول
Amos	Amos	عاموس	=	عا

در خواندن ارجاعات کتاب مقدس لطفاً به نکات زیر توجه نمائید

	مت ۷	
یعنی انجیل متی تمام باب ۷	مت ۷:۱۲	: برای جدا کردن باب و آیه
یعنی انجیل متی باب ۷ آیه ۷ تا ۱۲	مت ۷:۵-۱۲	- برای مشخص کردن آیه‌ها
یعنی انجیل متی باب ۷ از آیه ۵ تا آیه ۱۲	مت ۷:۵-۸:۲	- برای مشخص کردن بابها
یعنی انجیل متی از باب ۷ تا آخر باب ۱۰	مت ۷:۱۰-۱۰:۸	؛ برای جدا کردن بابها
یعنی انجیل متی باب ۷ آیه ۹ و باب ۸ آیه ۱۰	مت ۷:۵، ۸، ۱۱، ۱۳	، برای جدا کردن آیه‌ها
یعنی انجیل متی باب ۷ آیات ۵ و ۸ و ۱۱ و ۱۳	مت ۷:۵d	در مورد کتاب مقدسهای دارای توضیح و پانوش
یعنی انجیل متی باب ۷ آیه ۵ پاورقی d		

## مخفف اسامی کتاب‌های مقدس

Abdias	Obadiah	عوبدیا	=	عو
Jonas	Jonah	یونس	=	یون
Michee	Mikah	میکاه	=	میک
Nahum	Nahum	ناحوم	=	نا
Habacuc	Habakkuk	حبقوق	=	حب
Sophonie	Zephaniah	صفنیا	=	صف
Aggee	Haggai	حجی	=	حجی
Zacharie	Zechariah	زکریا	=	زک
Malachie	Malachi	ملاکی	=	ملا
Matthieu	Matthew	متی	=	مت
Marc	Mark	مرقس	=	مر
Luc	Luke	لوقا	=	لو
Jean	John	یوحنا	=	یو
Actes	Acts	اعمال رسولان	=	اع
Romains	Romans	رومیان	=	روم
1 Corinthiens	1 Corinthians	۱-قرنتیان	=	۱-قرن
2 Corinthiens	2 Corinthians	۲-قرنتیان	=	۲-قرن
Galates	Galatians	غلاطیان	=	غلا
Ephesiens	Ephesians	افسیسیان	=	افس
Philippiens	Philippians	فیلیپیان	=	فی
Colossiens	Colossians	کولسیان	=	کول
1 Thessaloniens	1 Thessalonians	۱-تسالونیکیان	=	۱-تسا
2 Thessaloniens	2 Thessalonians	۲-تسالونیکیان	=	۲-تسا
1 Timothee	1 Timothy	۱-تیموتاوس	=	۱-تیمو
2 Timothee	2 Timothy	۲-تیموتاوس	=	۲-تیمو
Tite	Titus	تیتوس	=	تیت
Philemon	Philemon	فیلمون	=	فیل
Hebreux	Hebrews	عبرانیان	=	عبر
Jacques	James	یعقوب	=	یع
1 Pierre	1 Peter	۱-پطرس	=	۱-پطر
2 Pierre	2 Peter	۲-پطرس	=	۲-پطر
1 Jean	1 John	۱-یوحنا	=	۱-یو
2 Jean	2 John	۲-یوحنا	=	۲-یو
3 Jean	3 John	۳-یوحنا	=	۳-یو
Jude	Jude	یهودا	=	یهو
Apocalypse	Revelation	مکاشفه	=	مکا

## توجه بسیار مهم

در تدوین کتاب حاضر با در بر داشتن نقشه‌ها، نمودار و جداول متعدد به صورت رنگی و سیاه و سفید و ... سعی بر آن بوده تا با حفظ حداکثر ممکن کیفیت تصاویر و محتوا به لحاظ حجمی نیز امکان داند و استفاده برای عموم دوستان با هر سطح دسترسی به اینترنت محیا باشد، لذا اگر در رویت نقشه‌ها کمی تاریکی و مشکل دیگری ظاهر گشته به سبب کاهش حجم این کتاب مرجع بوده است. شما در آینده قادر خواهید بود نقشه‌های این کتاب را در سایت ما به صورت جداگانه و با کیفیت بالاتری مشاهده نمایید.